

• امروز نسبت به روز اول تفاوت بیشماری را می‌شود دید.

• خود را روز بروز ماهر تر و فنی تر نمایید.

شاهنشاه آریامهر پیش از ظهر روز چهارشنبه یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۳ نزدیک به چهارهزار تن از کارگران و نمایندگان سندیکاهای و اتحادیه‌های کارگری و نیز رؤسای هیأت‌های مدیره و دبیران سندیکاهای کارگری را در کاخ سعدآباد بحضور پذیرفتند. در این شرفیابی که بمناسبت اول ماه مه (برابر با ۱۱ اردیبهشت ماه روز جهانی کارگر) صورت گرفت و با احساسات گرم و پرشور نمایندگان کارگران نسبت به رهبر عالیقدر کشور همراه بود، معظمله خطاب به نمایندگان کارگران، اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری بیاناتی باین شرح ایراد فرمودند:

کارگران شریف ایران، برای اولین مرتبه بنا شد که بزرگترین تعدادی از کارگران نمایندگی از طرف دیگران در یک نقطه جمع شوند برای اینکه بآینده آنها و تا حدی تماس نزدیک پیام خود را هر چه مستقیم‌تر بتوسط شما سایر همکاران و هم‌مسئولان خود ابلاغ کنیم. در چنین روزی کارگران استثمار شده ممالک صنعتی زیر بار تحمل رنج‌های غیرانسانی رفتند و سینه‌های خود را سپر کردند و به‌خون آغشته نمودند تا اینکه کارفرمایان بی‌خسیر از عدالت‌های اجتماعی و می‌خبر از دنیا را آگاه کنند که آن رویه غیر انسانی ممکن نیست و از آفت‌روز به‌بعد زحمتکشان و کارگران دنیا این روز را گرامی می‌دارند و جشن می‌گیرند و ما نیز باوجود اینکه کاری که در جای دیگر با چنین اصلک‌کاک و حشمت‌کافی انجام گرفت و اثرش از بین رفتن جنبه‌های غیر انسانی روابط کارگر و کارفرما بود و بتدریج به دست‌سزد کارگران اضافه شد و در ممالکی که سهام کارخانجات در بورس عرضه می‌شد امکان خرید آنها داشتند، امروز من

و شما روزی را گرامی می‌داریم که بدون خوریزی و بانتابیجی که ذکر حسواهم کرد بدست آوردیم و پیش خود مفتخر هستیم که درایت ایرانی، کاری را که دیگران باخوریزی و در دهها سال بدست آوردند ما بیشتر از آنها فقط در عرض ۱۰ الی ۱۱ سال بدست آوردیم.

شاهنشاه افزودند: روی نزدیکی که هم با شما و هم با سایر طبقات ملت ایران، زارعان این مملکت، سایر زحمتکشان این مملکت، حس می‌کردم همانطوری‌که اطلاع دارید انقلاب شاه و مردم در ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ با صحنه ملت ایران که بزرگترین تأییدات می‌باشد به‌مرحله اجرا درآمد. در این مدت اضافه بر شناخت اصالت و شرافت ذاتی کارگر ایرانی و خاتمه دادن به دوره بهره‌برداری انسان از انسان همانطوری‌که به بهره‌برداری مالک از زارع خانه داده شد در مورد شما نیز عمل شد. مظاهر این کار چیست: اول شرکت در سود کارخانه‌ها که سال بسال روی تجربه بیشتر نزدیکتر می‌شویم به‌هدنی که باید بطور قاطع و نظارت شده و حقیقتاً ۲۰ درصد سود کارخانه‌ها و کارگاهها به کارگران زحمتکش آن تعلق می‌گیرد و در این راه فکر می‌کنم که امروز نسبت به روز اول تفاوت بیشماری را می‌شود دید. این سود البته در بعضی کارخانه‌ها یا کارگاهها بیشتر است و در بعضی نقاط دیگر کمتر ولی متوسط در حدود تقریباً سه ماه مستمر می‌شود و همانطوری‌که تذکر دادم در عمل ما باید سعی بکنیم حقیقتاً ۲۰ درصد بدست بیاید و بهترین راهش چه‌باشد، مطلبی است که سندیکاهای کارگری شما با کمک وزارت کار که وظیفه‌اش پشتیبانی

شماست در مطالعه جزئیات هر کارخانه‌ی آنرا بدست بیاورید. البته سالمترین طریق پراساس تولید است برای اینکه با تولید بیشتر نه فقط درآمد شما بالاتر می‌رود بلکه اقتصاد مملکت نیز سالم‌تر و قوی‌تر و پررونق‌تر می‌شود ولی باین اکتفا نکردیم. شرکت در سود سهام یعنی اینکه حاصل کار شما فقط عاید کارفرما یا سرمایه نمی‌شود، حاصل کار شما باین نسبت عاید خود شما می‌شود و یک انگیزه‌ی است در کار. اما با عرضه کردن سهام کارخانه‌ها و خرید آن از طرف شما نه فقط منفعت بردن از کار و دسترنج خودتان است بلکه حس شرکت در مالکیت، اول در مالکیت این کارخانه یعنی در واقع یک نوع حس شرکت در مالکیت این مملکت است نه فقط برای اینکه استان ایرانی است بلکه سازمان و جامعه ما به‌شما حق یک نوع مالکیت در ثروت‌های این مملکت را می‌دهد.

شاهنشاه اضافه کردند: شما در جامعه‌ی زندگی می‌کنید که نه فقط ۲۰ درصد از سود سهام را برای شما بدست آورده است و امکان مالکیت سهام کارخانه‌ها را داده است بلکه تمام اینها در یک نظام اجتماع آزاد انجام شده است. امروز می‌توانید انتخاب کنید، در کجا و در چه نقطه‌ی، در چه کاری مشغول باشید و زندگی بکنید و این آزادی فردی را گرامی بنارید برای اینکه انسان موقعی قدر آزادی را می‌داند که آنرا متأسفانه از دست بدهد و این چیزی است که بخواست خداوند هیچوقت در این مملکت پیش نخواهد آمد. شاهنشاه اضافه کردند: حس اشتراک هر چه بیشتر افراد ایران در ثروت‌های ملی اشکال گوناگون و جنبه‌های گوناگون بخود گرفته است یعنی چه در نقاطی که بیشتر ما کارخانه‌های قند دولتی را واگذار کردیم به شرکت‌های تعاونی زراعی، زارع ایرانی امروز می‌تواند مالک کارخانه باشد ولی همان زارع ایرانی که مالک آن کارخانه قند است ۴۹ درصد سهم خودش را اگر شما کارگران مایل باشید بشما واگذار خواهد کرد. کما اینکه ۴۹ درصد سهامی که کارخانه‌ها عرضه می‌کنند اگر در عرض ۵ سال تمام ۴۹ درصد را شما کارگران و کارمندان آن کارگاه یا کارخانه نخرید من میل دارم که اولین اشخاصی که مابقی سهام را خریداری می‌کنند، زارعان آزاد این مملکت باشند.

شاهنشاه بدنبال بیانات خود افزودند: اضافه بر این تصمیم است که کارخانه‌های دولتی را با حفظ یک درصد از سهام که نماینده حق مدیریت باشد مابقی را به همه ملت ایران عرضه کنیم یعنی به‌هیچکس از یک مقدار معین سهم بیشتر فروخته نخواهد شد. برای اینکه هر چه بیشتر افراد این ملت قادر به اتباع و خرید سهام باشند و سهام‌داران آن نسوع کارخانه‌ها به اقسی نقاط این مملکت برسند در دور افتاده‌ترین ده‌ها احياناً کوهستانها و در طبقات دیگر زحمتکش مملکت باداشتن این سهام حس مالکیت مستحسبی کارگاه‌های تولیدی ثروت و پشتوانه اقتصاد شکوفان مملکت را بدست بیاوریم. البته اضافه بر این چند مطلبی که ذکر شد و مطالب دیگری که در گزارش وزیر کار بود در توضیح سندیکاها و در افروندن مهارت کارگران، کارگرانی که امروز و بخصوص فردا باید خود را برای اداره کردن صنایع پیشرفته و پیچیده ایران آماده کنند. این مهارت‌ها را چه در خارج از مملکت و چه در داخل مملکت حتماً باید بدست بیاوریم که وقتی که شما پای جدیدترین ماشین آلات می‌ایستید با مهارتی که خواهید داشت

محصول کارتان قابل رقابت با پیشرفته‌ترین مملکت‌های دنیا باشد و آن موقعی است که مزد شما مساوی با آن مزد خواهد بود با اضافه ۲۰ درصد شرکت در سهام و در سود و با اضافه سودی که از داشتن سهام کارخانه‌ها بدست شما خواهد رسید. ولی زندگی شما کارگران و ملت ایران فقط این جنبه‌های مادی که آنهم مساوی یا پیشرفته‌ترین ممالک دنیا هست، نیست جنبه معنوی زندگی شما و یکی از قدم‌هایی که بسوی تمدن بزرگ بر می‌داریم تحصیل رایگان تا سطح دانشگاه‌های ایران می‌باشد. دیگر مطالبی است که هنوز شاید آنقدر بزرگ باشد که درست هضم نشده و در اطرافش صحبت نشده؛ یکی همین امری است که ذکر کردم، دیگری پیش‌بینی تمدن آینده در محیط متناسب و آن خرید از طرف دولت بر تمام زمین‌هایی که در محدوده شهرهای ایران از ۲۰ الی ۲۵ هزار نفر بی‌الا خواهد بود که برای شما بیمارستان درست کنند، فضای سبز درست کنند، میدان ورزش درست بکنند، خانه‌های مفصل و ساختمان‌های بهداشتی درست بکنند، خلاصه راهی که آینده را همیشه برای شما گشوده نگاه خواهد داشت.

شاهنشاه افزودند: اصول سیاست ما در قسمت خانه‌سازی و مالکیت خانه بر دو اصل است یکی خانه‌های سازمانی، یکی خانه‌های شخصی. اعتقاد من بر اینست که هر کسی، هر کارگاهی، هر کارخانه‌ی که کارگری را استخدام می‌کند موقعی که باو نشان می‌دهد که کار تو اینست، این ماشینت، این هم مقررات کار، از طرف دیگر هم باید بگوید این هم مسکنت است، این محل ورزشت است، این هم محل تفریح، اگر لازم باشد در آینده بران اینکه زودتر باین نتیجه برسیم و از طرف دیگر فشار زیادی به مؤسسات اقتصادی خودمان وارد نیاوریم دولت با شرایط خیلی سهل هم برای فعالیت‌های ساختمانی وام خواهد داد و هم اینکه فکر می‌کنم بشود در آینده برای کسانی که بخواهند سهم کارخانه‌های دولتی را بخرند دولت با آنها وام‌هایی بدهد که آنها سهام را بخرند و برای چندسالی با حس مالکیت سهم که با اسم آنها ثبت خواهد شد بغیر از مدت استهلاك قیمت سهم، در واقع بعد از چند سال مجانی این سهام بدست آنها خواهد رسید ولی هر کارگری روزی که بازنشسته می‌شود آرزو که او خانه سازمانی را تخلیه می‌کند برای اینکه بیدک کارگر جواتری، بیک کسی که تازه وارد فعالیت می‌شود بسیار، او کجا برود، خانه شخصی خودش، بخانه شخصی خودش خواهد رفت که آن خانه یا کمک‌های بانک رفاه و سایر پیش‌بینی‌هایی که می‌شود و خواهد شد انشاءالله با شرایط هر چه بهتر و سهل‌تری برای شما فراهم خواهد شد. این مزایایی که بدست آورده‌اید فقط باین جهت ممکن بود که محیط اجتماع این مملکت براساس آرمان‌های بزرگ ملی برقرار شده است. شمارهایی که داده می‌شود همیشه جنبه ملی خود را محفوظ می‌دارد و هیچوقت تو خالی نیست چونکه تجربه آنرا به ثبوت رسانده است. این وضع و ثبات و آرامش را شما کارگران، زارعان ایران و سایر طبقات زحمتکش این مملکت فراهم کرده‌اید و در واقع موفقیت‌هایی که بدست آورده‌اید در اثر خوبی، پاک‌ی و میهن‌پرستی خودتان است. با ترسیم این دورنمای حتمی و قطعی با مطالبی بمسئولان خود خاتمه می‌دهم و آن اینکه خود را روز بروز ماهرتر و فنی‌تر نمایید تا اینکه در پناه خداوند و ائمه اطهار بتمام آرزوهای شخصی و ملی خودتان برسید.



انجمن دانشجویان ایرانی خارج از کشور تحصیل کرده ها

يك سال است كه انجمن تحصیل کرده های ایرانی خارج از کشور رسماً كار خود را آغاز کرده است. برای مافرضی پیش آمد كه از نزدیک شاهد فعالیتهای این انجمن باشیم و با مسؤولین انجمن گفتگویی داشته باشیم. سؤالی مطرح نمودیم كه مسؤولین انجمن پاسخگو بودند. ذیلا قسمتی از این گفتگو درج می گردد:

سؤال : چه انگیزه هایی باعث تأسیس يك چنین انجمنی گردید ؟

جواب : فارغ التحصیلان ایرانی پس از بازگشت بایران با مسائلی روبرو هستند كه بعضی از آنها تنها از مسیر ادارات و كمك مقامات دولتی قابل حل نیست و این كونه فارغ التحصیلان بعثت سالها دور بسودن از وطن و ناآشنایی با محیط برای قسمتی از مشکلات خود كه وسیله سازمانهای دولتی قابل حل است بعثت عدم آگاهی از وظایف سازمانها با مشکلاتی مواجه هستند. از اینرو اعضاء انجمن كه بعثت اقامت چند ساله در ایران تا حدودی با محیط مانوس شده اند می توانند راهنمایان فوق العاده ذیقیمتی برای آنان باشند. اولین مسأله برای تأمین زندگانی این افسران و خانواده هایشان مسأله اشتغال است و در مورد کاریابی، چه در بعضی خصوصی و چه در بخش دولتی، تازه واردین

كه این انجمن را تأسیس نماییم و مسدت يكسال است كه انجمن فعالیت گسترده خود را شروع نموده است.

سؤال : انجمن در حال حاضر چند نفر عضو دارد ؟

جواب : هشته اولیه انجمن كه چهار سال پیش بوجود آمد دارای بیست عضو بود ولی در طی يكسال گذشته كه انجمن فعالیت رسمی خود را شروع كرده است دارای بیش از ۵۰۰ نفر عضو است كه اگر تعداد خانواده هر عضو را بطور متوسط چهار نفر در نظر بگیریم تعداد كل اعضاء انجمن بالغ بر ۲۰۰۰ نفر خواهد شد.

سؤال : شرایط عضویت در انجمن چیست ؟

جواب : كلیه تحصیل کرده های ایرانی كه از دانشگاههای خارج از کشور فارغ التحصیل شده اند. بدون در نظر گرفتن دانشگاه

می توانند از شجارب و اطلاعات سایر اعضاء انجمن در این زمینه استفاده نمایند و همچنین در ساره چگونگی مقررات كمركی و مزایای مربوط به دانشجویان خارج در مورد ترخیص وسائل زندگی و انومبیلی كه با خود همراه آورده اند می توانند از دوستان عضو انجمن كه در ایران اشتغال دارند كمك های ارزنده ای دریافت كنند. این قبیل راهنماییها و كمكها دامنه وسیعی دارد. مسأله قابل توجه دیگر، مسكن است كه در این مورد بزرگ راهنماییهایی جهت اجاره مسكن و حل مشکلات خانوادگی می شود. ما خود هنگام مراجعتنمان بوطن با اینگونه مشکلات مواجه بودیم و در طول زمان باین نتیجه رسیده ایم كه فقط با مساعدت و خودیاری و استفاده از تجربه یكدیگر می توان بر مشکلات تا حدود زیادی فائق آمد. از اینرو طی چهار سال فعالیت موفق شدیم



و کشور و محل تحصیلشان می‌توانند با موافقت هیأت مدیره به عضویت این انجمن درآیند.

سؤال: آیا فارغ التحصیلان دانشگاههای ایران نیز می‌توانند عضو انجمن شوند؟

جواب: منظور از تأسیس این انجمن بوجود آوردن یک گروه خاص با امتیازات اختصاصی نبوده، بلکه انجمن بخاطر رفع مشکلات تحصیل کرده‌های ایرانی خارج از کشور ایجاد شده است، چون آنان بعلت سالها دوری از وطن با محیط خود نا آشنا بوده و بدین جهت نشواریها و کرفتاریهای متنابه زیادی دارند.

ولی انجمن طبق مواد اساسنامه با سایر انجمن‌ها، بخصوص انجمن فارغ التحصیلان دانشگاههای ایران تماس و همکاری نزدیک و وسیعانه دارد.

سؤال: در اینجا خانمهای خارجی زیادی را می‌بینیم، آیا اکثر آنها از یک ملیت خاصی هستند؟

جواب: اکثر فریب‌یافتگان انجمن متاهل هستند. عده‌یی از آنها در کشور محل تحصیلشان ازدواج کرده‌اند، از اینرو خانمهای خارجی از ملیتهای مختلف می‌باشند. اغلب این آقایان و همسران خارجی‌نژاد جدیداً بایران آمده‌اند.

سؤال: شما برای اعضای انجمن چه امکاناتی را فراهم ساخته‌اید.

جواب: همانطور که مشاهده می‌نمایید، این باغ که مساحتی حدود ۱۷ هزار متر مربع دارد با تسهیلات زیادی نظیر استخر شنا برای بزرگسالان و کودکان، محل بازی برای بچه‌ها، زمین ورزش (والیبال، بسکتبال و تنیس)، میزهای بیلیارد و پیشگ‌بندگ، سالن غذاخوری و بوفه می‌تواند در طول هفته، بخصوص آخر هفته محل مناسبی برای استراحت و سرگرمی تحصیل کرده‌های ایرانی خارج از کشور و خانواده‌هایشان قرار گیرد. علاوه بر این، گاهگاهی اعضای شبها نیز برای صرف شام همراه با موزیک دور هم جمع می‌شوند، اینگونه شبها که به «شب انجمن» معروف شده است، بین اعضای انجمن خواستاران زیادی دارد.

سؤال: مخارج انجمن از چه محلی تأمین می‌گردد؟

جواب: مخارج مختلف انجمن از کمک‌های اعضا از طریق پرداخت حق عضویت، معادل سالیانه ۶۰۰ ریال، و رودیه دو هزار ریال تأمین می‌گردد، بعلاوه خود اعضا هزینه‌های جشنها و برنامه‌های متنوع انجمن را می‌پردازند.

سؤال: سایر کمکهای شما به اعضای انجمن چیست؟

جواب: قدرت کمک‌رسانی و معاضدت



انجمن در وابستگی اعضا انجمن بیکدیگر فعالیت نموده است.

ما امیدواریم که علاوه بر فعالیتهای کنونی، در ایجاد تسهیلات برای تحصیل کرده‌های ایرانی خارج از کشور، راهنمای آن عده از دانشجویان عزیز باشیم که پس از اتمام تحصیلاتشان بوطن باز می‌گردند.

سؤال : آیا انجمن در زمینه فرهنگی نیز فعالیتهایی دارد ؟

جواب : ما هم اکنون يك كميته روابط فرهنگي ايجاد نموده‌ايم كه وظيفه آن گسترش كتابخانه كوتني انجمن و ايجاد روابط فرهنگي بين اعضاي محقق انجمن و مراکز تحقيقاتي مي‌باشد. علاوه بر اين كميته وظيفه دارد وسائل حصول به‌دهندهاي علمي انجمن را كه سزاوار است در ناسنامه دكتر شده است فراهم سازد.

نكاتي از اساسنامه انجمن تحصيل كرده‌هاي ايراني خارج از كشور

- سازمانهاي مدرن و ناسبات جديد كشور .
- انجمن داراي كميته‌هاي مختلفي از قبيل: كميته مسائل اجتماعي - كميته اداري و روش‌ها، كميته بهداشت، كميته مطالعات اقتصادي، كميته مطالعات صنعتي، كميته مطالعات اجتماعي، كميته کشاورزي، كميته ساختمان و كميته تحقيقات دانشگاهي و علوم، مي‌باشد.
- كميته‌ها از محصلين صاحب‌نظر تشكيل شده و مسائل و مشكلات مربوط بوظايف هر كميته را مطالعه و بررسي كرده و موضوعات علمي و روشهاي پيشرفت كار را در سطح مملكتي بررسي و پيشهاد مي‌نمايد.
- كميته‌ها مي‌توانند مسائل مختلف مربوط به موضوع استخدام فارغ‌التحصيلان را مطالعه نموده و شرايط استخدام تحصيل كرده‌هايي را كه به ايران برمي‌گردند آماده و مهيا سازد.
- شرايط عضويت انجمن عبارتست از:
 - تابعيت ايران
 - نداشتن محكوميت كيفري مستلزم محروميت از حقوق اجتماعي
 - فارغ‌التحصيل بودن از يكي از دانشگاههاي خارج از كشور
 - تصويب تقاضاي عضويت در هيأت مديره.
 - حق عضويت هريك از اعضا در سال ششصد ريال مي‌باشد.
- انجمن غير انتفاعي و غير سياسي بوده و بيج دسته و جمعيتي بستگي ندارد.
- هيأت مديره انجمن مركب از هفت عضو انجمن و سه عضو علي‌البدل مي‌باشد كه از بين اعضا انجمن براي مدت چهار سال انتخاب مي‌شوند.

- انجمن از اجتماع افراد ايراني تحصيل كرده خارج از كشور تشكيل مي‌شود.
- هدفهاي انجمن به شرح زير است:
 - كوشش بمنظور فراهم كردن سهيلات براي تحصيل كرده‌هاي خارج از كشور و راهنمايي آنان در اين زمينه.
 - آشنائي و تبادل افكار با اوليائي امور بمنظور شناسايي مسائل عمومي و رفع مشكلات كار تحصيل كرده‌هاي عضو انجمن و دانشجويان ايراني خارج از كشور در حد امكان.
 - همكاري و اشراك مساوي با دفتر امور فارغ‌التحصيلان براي جلب بيشتر دانشجويان ويا فارغ‌التحصيلان و كارشناسان ايراني كه تكار اشتغال دارند.
 - برقراري و حفظ تماس مستمر و دائم با افرادي كه در شعب انجمن در داخل يا خارج از كشور بفعاليتهاي علمي و اجتماعي مشغولند.
 - ايجاد كميته‌هاي علمي و تخصصي بمنظور همكاري بيشتر با دستگاههاي دولتي و خصوصي جهت تهيه و پيشهاد پروژه‌هاي مورد نياز.
 - آشنائي عميق با تحولات و ترقيات كوتني ايران و شناساندن آنها.
 - ايجاد آشنائي و همكاري بين تحصيل كرده‌هاي ايراني كه از خارج به ايران مراجعت نموده‌اند با تحصيل كرده‌هاي دانشگاههاي ايران.
 - انجمن بمنظور رسيدن به هدفهاي خود اقدامات زير را انجام مي‌دهد:
 - تشكيل جلسات عمومي هر سه ماه يكيبار.
 - تشكيل جلسات في هر ماه يكيبار براي بررسي پيشاندهاي كميته‌ها.
 - بازديدن‌هاي مختلف از نحوه كار و پيشرفت‌هاي



تحولات نظریه اتر

از روزگار قدیم تا دکارت و نیوتون و

اینشتین و هایزنبرگ

مقدمه

از نظریه‌های فلسفی، نظریه‌یی که در قرون اخیر ارزش علمی زیادی یافته و افکار و مساعی دانشمندان علوم ریاضیات و فیزیک را جلب کرده و مصروف به خود داشته نظریه اتر می‌باشد که آنرا قوه اثیر نیز نامند. بطور کلی اتر عنوان يك «واسطه» (medium) فضایی است که بر حسب تعریف بانیان آن فضای بین کرات سماوی و اجسام را پر نموده است. نظریه اتر در مقابل نظریه دموکریت بوجود آمد که او بین آنها و اجسام «خلا»، مطلق دانست و گفت که «در جهان جز اتم و خلا، بین آنها چیزی نیست» و فلسفه‌یی بوجود آورد که بدو اتمیسم نامیده می‌شد ولی از قرن شانزدهم بعد عنوان ماتریالیسم پیدا کرد. نظریه اتر تحولات متعدد یافته و قوسهای سمودی و ترقولی مکرر پیموده تا آنکه کشفیات علمی دوفرن اخیر آنرا بصورت اولیه برده است. نظریه اتر در اولین مرحله در فلسفه ارسطو بصورت تجریدی محض است. ارسطو در کتاب «آسمان» عنوان اتر را برای عنصر سیاله سماوی مفروضه خود اختیار نموده و آنرا همان «عنصر اولیه» مورد بحث در کتاب فیزیک دانسته است. آن عنصر اولیه بر حسب توضیحات کتاب فیزیک «جوهر فردی است بدون مشخصات و شکل که قوه محض است و فضای بین اجسام را پر می‌کند و از آن موجودات بصورت آنکه اعداد ظاهر شده و صورت گرفته و یا آنکه بصورت اعداد در آن محو و حل می‌شوند».

پس از پیدایش نظریه کوپرنیک و بعد قوانین کیپلر نظریه سیاله سماوی غیر ضروری شده از بین رفت. نظریه اتر با فلسفه ارسطو بی‌اعتبار شد و نظریه دموکریت در بین دانشمندان علوم تجربی اعتبار پیدا نمود.

در قرن هفدهم دکارت مجدداً نظریه اتر را تجدید نمود با بصورت که او فضا را متشکل از ذرات بینهایت کوچک متصل بهم دیگر و بدون فضای خلا دانست که این ذرات در حرکت دائمی گردبادی هستند. متعاقب او طرح نظریه موجی نور از طرف هوک و هویگنز لزوم شناخت فضا و احیاء نظریه اتر را ایجاب کرد.

نیوتون نیز پس از کشف قانون جاذبه عمومی وجود عامل فضایی را برای واسطه انتقال جاذبه، لازم تشخیص داده و نظریه يك اتر هوا مانند با خاصیت مکانیکی را تأسیس نمود. پس از نیوتون فیزیکدانها کلمه اتر را به مفهومی که نیوتون بنا کرده بود می‌گرفتند. در قرن نوزدهم که خاصیت موجی نور از روی تجربیات متعدد ثابت شد وجود اتر مسلم شناخته شد و ریاضیدانها درصدد شدند که با اطلاق قوانین مکانیکی بر اتر مفروضه نیوتون، معادلات و خواص آنرا بدست آورند ولی با هر فرضی شروع می‌کردند نتیجه مخالف آن بود. فیزیکدانها نیز جدیت نمودند که بوسیله تجربه وجود اتر را از ظاهر کردن خواص مکانیکی مسلم کنند، باز نتیجه تجربیات منفی بود. بعضی فیزیکدانها گفتند «مثل اینکه اتری وجود ندارد» ولی لارمور فیزیکدان انگلیسی گفت «مثل اینکه ماده نیست».

اما از طرف دیگر در همان زمان که تحقیقات روی اتر نیوتونی در جریان بود فارادای «نظریه میدان» (Champ, Field) را بوجود آورد که قدم اول برای احیاء نظریه اتر ارسطویی می‌باشد. کلارک ماگرویل با استفاده از آن معادلات الکتروماتیکی را بدست آورد که در ارتباط رادیو و تلویزیون بکار می‌روند و مبنی بر این فرض هستند که

فضا مملو از الکتریسته (غیر آزاد) می‌باشد. در سال ۱۹۳۰ دیراک فیزیکدان انگلیسی برای مکانیک کوانتیک معادلات جدید و کثیرالنتیجه بدست آورد که از آنها استنتاج شد که فضا بطور پیوسته مملو از الکترون با انرژی منفی می‌باشد و از این مسورت امکان وجود ضد الکترون را یعنی الکترون با بار مثبت برقی را پیش‌بینی نمود. یکسال بعد با کشف شدن پوزیترون و پس از آن با کشف ضد ماده بطور کلی صحت استنتاج و پیش‌بینی او ثابت گردید. بنابراین فرضیه ماگرویل و استنتاج دیراک برای فضا سورتمی تقریباً شبیه آنچه دکارت در نظر گرفته نشان می‌دهند.

نظریه ماگرویل اثری را که نظریه موجی نور ایجاب می‌کرد کاملاً تأمین نمود اما اتر مطلوب نیوتون را که بتواند قوه جاذبه عمومی را بیان کند تأمین نمود. ولی این منظور با پیدایش نظریه نسبیت عمومی اینشتین تأمین گردید. طبق نظریه مزبور «قوه جاذبه عمومی» بصورت يك «خاصیت هندسی» از «فضای چهاربعدي» می‌باشد که تصاویر آن روی فضای سه بعدی بصورت «خاصیت فیزیکی» قوه مانند موضعی فضایی» است که آنرا «یونانسیل» نامند که با اصطلاح «میدان فضایی» فارادای انطباق پیدا می‌کند.

اینشتین در کتاب «سیر تکاملی فیزیک» که در سال ۱۹۳۸ منتشر نموده مفصلاً توجه را به اهمیت و واقعیت «میدان فضایی» فارادای جلب کرده و می‌گوید «ممکن است باز هم از کلمه اتر استفاده کنیم ولی فقط باین ترتیب که از این کلمه خاصیت فیزیکی فضا را در نظر بگیریم (صفحه ۱۶۴۳). قابلیت انطباق میدان یونانسیل با «قوم محضه» ارسطو بعدی است که هایزنبرگ

(Heisenberg) یکی از معروفترین بنیانگذاران مکانیک کوانتوم در کتاب «فیزیک و فلسفه» که در سال ۱۹۵۸ منتشر نموده مکرر اصطلاح «قوه محضه ارسطویی» (Aristotelian Potentiality) را برای «میدان پستوانیل فضای» بکار می برد.

بعلاوه نظریه ارسطو دایره به «پر بودن فضا» از «چیزی که قوه محض و بدون صورت» باشد با پیدایش نظریه‌های میدان فضایی ونسبت عمومی تأیید شد. کشف شدن ضد الکترون (پوزیترون) وضد ذرات دیگر که هر دو چندی از میدان فضای ظاهر شد و پس از مدت کم ویش ثوهای مجددا در آن حل و محو می گردند خاصیت دیگر منظور ارسطو را برای «هیولای اولیه» نیز تأیید نمود. اگر نظریه «افلاک» ارسطو باچنان شکست خفت آوری مواجه شد ولی استنباطات تجربیدی و استراعی او درباره هیولای اولیه که پس از یست و پنج قرن سخت آنها ثابت گردید او را در دوسر قویترین و عمیقترین متفکرین تاریخ قرار می دهد.

از آنجاییکه در کتب فیزیک برای فضای خالی از ماده کلمه «خلاء» بکار می برند برای آنکه این کلمه در ذهن دانشجویان به غلط خلاء مطلق تعبیر نگردد عدهیی از مؤلفین (از جمله فیزیکدان انگلیسی سرادموند ویتناتر کفید) پیشنهاد می کنند که بجای کلمه «خلاء» کلمه «مدیوم» که بمعنی «واسطه» است بکار برند.

بمنظور آنکه این مقاله برای دوستداران فلسفه که بیشتر مورد نظر بودند قابل استفاده باشد وخته کننده نباشد از این رو از ورود در معادلات ریاضی خودداری می شود. در صورتیکه فرصتی دست داد بعداً بطور ضمیمه تهیه خواهد شد. ولی امیدواریم که یکی از حضرات استادان فیزیک دانشگاه برقع این تقیسه سخت گیرند.

مرحله نظریه فلسفی - «اثر ارسطویی» نظریه فلسفی اثر که در مقدمه بطور خلاصه بیان شد هر چند از ارسطو است ولی بطوریکه از روایات ارسطو در کتاب فیزیکس استنتاج می شود قسمتی از نظریه‌های جزیی که نظریه اثر از آنها ترکیب شده بوسیله فلاسفه قبل از ارسطو بیان گردیده اند و پس از آنکه دموکریت نظریه «خلاء و اتم» خود را اعلام داشت که برای عامه بیش از فلسفه پیشینیان قابل درک و تجسم بود ارسطو نظریه اثر سابقین را تکمیل و بصورت مستدل تدوین نمود و توانست حدود یست قرن نظریه دموکریت را در گوشه فراموشی اندازد. نسبت به ارزش نظریه مزبور نظر روشنتری خواهیم داشت، هر گاه نسبت به تسلسل زمانی اجزاء نظریه مزبور اطلاع داشته باشیم، بنابراین فیلسل از طرح نظر ارسطو افکار فلاسفه قبل از او در پی گذاری نظریه اثر و بعد نظریه دموکریت در تخریب

آن بیان خواهد شد. از آنجاییکه معتبرترین و قدیمترین منشأ اطلاع بر افکار حکمائی پیش از ارسطو همانا روایات خود او می باشد که در زمانیکه آن افکار در بین مطلقین شایع بوده اند آنها را نقل و بحث نموده اند لذا مدارک مورد اشاره منقولات ارسطو خواهند بود.

خوشبختانه تمام تألیفات ارسطو مطالباتان بطور تسلسل نمره گذاری شده اند بطوریکه هر روایت منقول از ارسطو دارای نمره است که موضع آنرا معلوم می دارد. هر نمره معلوم میدارد که موضوع مربوط به چه کتاب است، نمرات داخلی کتبی از ارسطو که در این مقاله از آنها استفاده خواهد شد بقرار شرح زیر می باشند.

از آنجاییکه حروف و اعداد لاتینی سبب تولید ابهام نمی شوند لذا در مواردی که اشاره به مبدأ استفاده لازم بنظر آید از مشخصات لاتینی استفاده خواهد شد. کتب مورد استفاده و علائم و نمرات آنها به قرار ذیلند.

کتاب فیزیک که شامل نمرات از 148.a.1 تا 248.a.5

کتاب «آسمان» شامل نمرات از 268.a.1 تا 313.b.15

کتاب «تولید و فساد» شامل نمرات از 314.a.1 تا 338.b.15

بطوریکه قبلاً بیان شد این مرحله «نظریه فلسفی» قبل از رسیدن به مرحله «اثر ارسطویی» یک مرحله جزء «پی چینی بوسیله فلاسفه پیش از ارسطو» است و یک مرحله جزء «نظریه تخریب خلاء دموکریت» که بشرح زیر خلاصه می شود.

الف - پی گذاران اولیه نظریه اثر
۱. اولین حکیمی را که می توان جزء بنیان گذاران نظریه اثر نامبرد طالس حکیم است که در قرن ششم قبل از میلاد (۶۲۴ - ۵۲۸) تقریباً در ایونی میزیسته و از ریاضیدانهای معروف قدیم است. کسوفی که در ۲۸ می سال ۵۸۵ ق.م. وقوع یافته او از پیش خبر داده. سهمی که طالس در پی گذاری معروضی است که معتقد بود تمام موجودات موجودات از عنصر بیسط واحدی سرچشمه گرفته و بوجود آمده اند. منتها طالس آن عنصر نخستین را آب تصور کرده بوده است.

۲. حکیمی که می توان گفت مهمترین سهم را در پی ریزی نظریه اثر داشته آناکسیماندر (Anaximandre) است که شاگرد طالس بوده. زیرا او است که عنصر نخستین را «چیزی بدون تعینات و بی حد و ازلی وابدی و فناپذیر دانسته است. حتی از او منقول است که آنچه «چیزی است که تمام موجودات از آن هستی گرفته اند و همچنین بسوی آن برمی گردند بر حسب

ضرورت در موقع فسادشان» (مجموعه «چه می دانم»؛ نمره ۱۳۱۹ صفحه ۱۸ متن فرانسه) ۳. پس از آناکسیماندر شاگرد او آناکسیمین (Anaximéne) عنصر فرد اولیه را صورت محسوس داده و آنرا هوا دانست. ۴. حکیم معروف هراکلیت (Héraclite) منشأ پیداشدن موجودات را آتش پنداشته و تکامل و هم آهنگیرا در برخورد اضداد یافته و ظاهراً اول حکیمی است که متوجه اهمیت اضداد شده که چنانچه خواهیم دید نقش مهمی در نظریه اثری ارسطو دارد.

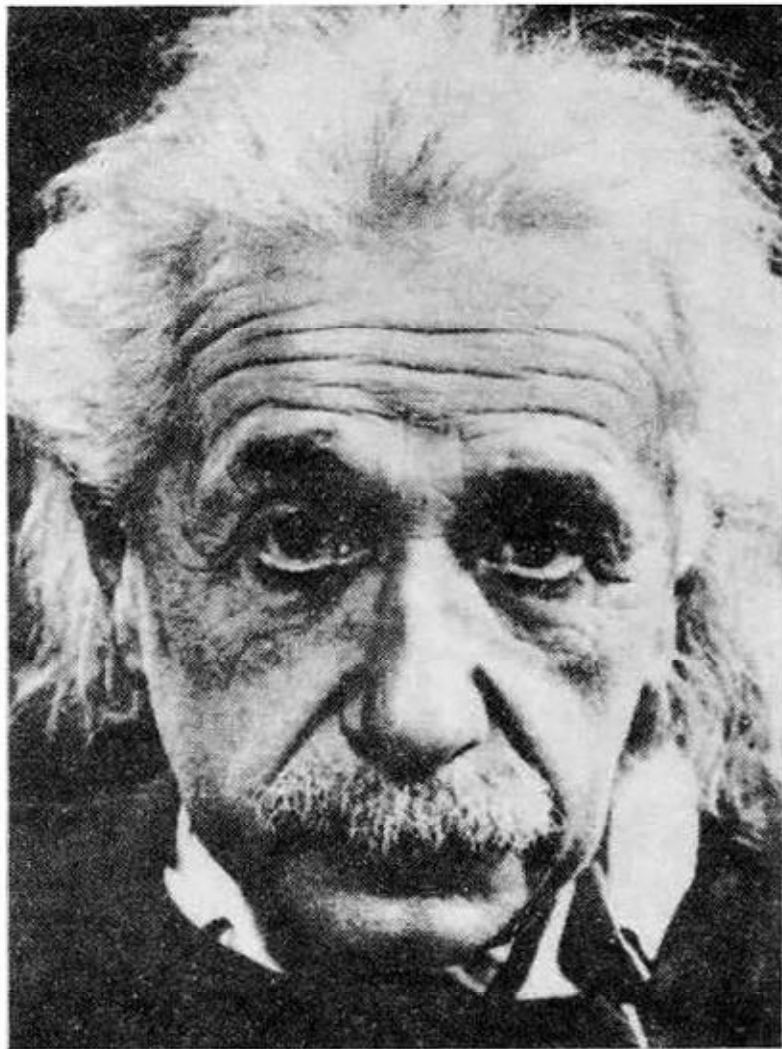
۵- آمپدوکل (Ampédocle) بسمه عنصر (آب و هوا و آتش) مورد اعتقاد پیشینیان خود خاک را اضافه کرد و سایر موجودات را مرکب از چهار عنصر مذکور دانست و فساد آنها را ناشی از آن دانسته که نسبت ترکیبی طبیعی را از دست دهند. آمپدوکل این چهار عنصر را مظاهر اضداد (سنگینی و سبکی - سردی و گرمی - و تری و خشکی) دانسته که این موضوع در طب جالینوس وارد شده و مدت یست قرن مورد استفاده طبی بوده ولی چنانچه خواهیم دید باعث اغفال ارسطو گردید.

۷- پیدا شدن مکتب مخالف نظریه اثر - بنیان این مکتب لوسیپ (Lucipe) و شاگرد او دموکریت (Démocrite) می باشند. طبق نظریه لوسیپ اجسام از ذراتی تشکیل شده اند که خیلی کوچک و غیر مرئی هستند و بچشم دیده نمی شوند و قابل تقسیم و یا تجزیه نمی باشند و او آنها را «اتم» نامیده است. یعنی «شکستی». بعقیده او اتمها بانواع اشکال بی نهایت زیاد و بابعاد مختلف می باشند و اختلاف ظاهری اجسام مربوط باختلاف نوع یا ترکیب یا ترتیب و یا وضعیت اتمهای وارده در آنها هستند. فاسد شدن هر چیزی را نتیجه پراکندگی اتمهای ترکیب کننده آن شینی دانسته است.

دموکریت از نظریه اتمی لوسیپ فلسفه بوجود آورده که قبلاً فلسفه ائومیس نامیده می شده ولی از قرن شانزدهم بعد که برای ماده تعریفی مشابه اتم و زنده دار اختیار گردید لذا فلسفه دموکریت عنوان فلسفه مادی (ماتریالیسم) پیدا نمود.

(اینکه «اتم وزن دار» ذکر شد برای این است که لوسیپ و دموکریت اختلاف وزن برای ذرات اتم ذکر نکرده اند و بعد از آنکه این تقیسه را ارسطو متذکر گردید اپیکور آنرا بدین بحث افزود).

آنچه از فلسفه دموکریت لازم است که ذکر شود یکی این است که دموکریت اتمها را ازلی وابدی یعنی خلق نشده و فناپذیر دانسته، دیگر آنکه خارج از فضای اشغال شده بوسیله اتمها را «خلاء مطلق» دانسته و منقول از او است که گفته «در جهان غیر از اتم و خلاء چیزی نیست». این دو نکته هر چند از مسائل متافیزیک هستند ولی چون



ایشین (۱۹۵۵ - ۱۸۷۹ م)

ومی گوید «اینکه همگی تضاد را مینا قرار می دهند کاملاً روشن است به علاوه موافق عقل است زیرا لازم است که مبانی قائم بخود باشند نه به چیزهای دیگر و چیزهای دیگر از آنها نتیجه شوند. و تضادهای اولیه دارای این خاصیت هستند زیرا چون مینا هستند مشتق از دیگران نیستند و چون متضاد هستند از همدیگر مشتق نیستند. (188a26-30) بالاخره در قسمت هفتم باین نتیجه می رسد که لزوماً يك چیز دیگری لازم است که تضاد از آن تبعیت کنند و او تسلط بر آنها داشته باشد (191a16) و چون جوهر آنها را در نظر بگیریم پس اصل دو نیست بلکه سه است (190b35) عنصر مینا و پیدایش دوزخ از آن.

مبنای ارسطو تخریب می کند که «تضاد علت تخریب همدیگر می شوند» (192a22) این اصل مینا در تمام فلسفه ارسطو خودنمایی می کند. این قسمت را بدکسر

از عنصر واحدی ناشی می داند و دیگری آنکه «خلا» یعنی «نیستی مطلق» وجود ندارد. ولی ارسطو این نظریات را مبتنی بر استدلال می کند شرح ذیل:

۱- اصل مینا - فیزیک ارسطو به هشت کتاب تقسیم شده و هر کتابی شامل چند قسمت است. در قسمت اول کتاب اول شروع می کند باینکه شناختن هر چیزی مستلزم شناختن اصول و عناصر تشکیل دهنده آن می باشد و پس از آنکه اهمیت اسلوب را در تحقیق متذکر می گردد و در سه قسمت بعد نظریه های پیشینیان را مورد بحث و تنقید قرار می دهد قسمت پنجم را شروع می کند باینکه «تمام متفکرین تضاد را اصل قرار داده اند» و بعنوان شاهد «سردو گرم» و «غلیظ و رقیق» «خاک و آتش» و حتی «خلا» و «ملاع» (اتم) دموکریت و ارسطو را بیان می نماید. خودش هم نظر آنها را تصدیق می کند

علم فیزیک امروز درباره آنها قضاوت نموده لذا جزء مسائل فیزیک وارد شده اند.

بطور خلاصه برخلاف فلاسفه قبل که معتقد بوده اند تمام موجودات از عنصر بسیط واحدی سرچشمه گرفته اند لوسیپ و دموکریت موجودات را از عده زیادی انواع اتم ترکیب دانسته اند و برخلاف برمانیمس که برای «خلا» مطلق که عدم است واقعیت قائل بوده دموکریت واقعیت می دانسته است.

در این مبحث از فلاسفه مذکور فقط نظریاتی ذکر شده که بطور مثبت یا منفی در تدوین نظریه اتم مؤید بوده اند و از ورود در مسائل فلسفی دیگر آنها خودداری شده است.

پ - مبانی فیزیکی نظریه اتم ارسطو آنچه از افکار پیشینیان در پیروی نظریه اتم وارد می شود دو چیز است: یکی «وحدت مینا» است یعنی آنکه تمام هستی را

مستخرجه ذیل از کتاب «تکوین و فساد» او خاتمه می‌دهیم. می‌گوید: «تمام کسانیکه مثبت وحدت جهان هستند و همه چیز را از یک عنصر واحد می‌دانند مجبورند که تکوین و تغییر را یکی بدانند و بگویند چیزی که بوجود آمده در حقیقت تغییری یافته زیرا اصل ماده (Substratum) این پدیده‌ها همیشه مثل خودش است» (314a.10) و بعد می‌گوید: «تمام این ملاحظات نشان می‌دهند که بایستی همیشه یک عنصر مینا برای اشداد شناخت» (314.b.15). (217.a.23)

۲- هیولی و صورت: مبحث هیولی و صورت یکی دیگر از شاهکارهای ارسطو است که به فلسفه او صورت علمی می‌دهد. ارسطو می‌گوید «هر چیز از هیولی و صورت تشکیل شده» (190b20) «هیولی هر چیز عنصر اصلی و غیر عرسمی پیدایش آن چیز را گویند» (192.a.32) مثلاً برای یک مجسمه سنگی یا فلزی، سنگ و فلز مربوطه «هیولی» می‌باشد همچنین چوب «هیولی» است برای میز و سندی و در و پنجره که هر یک صورت خاص داده شده‌اند. ارسطو عنوان «هیولی» را برای چیزهای تجریدی و معقول هم بکار می‌برد. مثلاً در مبحث «لاحد» یعنی بینهایت آنرا هیولی می‌داند که از آن کمیات مختلفه اختیار شده و صورت داده می‌شوند. (207.a.22) یک چیزی ممکن است که از هیولی خود صورت گرفته باشد و خود آن چیز هیولی واقع گردد که از آن چیزهای دیگری صورت گیرند و همینطور سیر هیولی بصورت نسل یابد. البته هر صورتی نسبت به هیولی او مشخصتر و دارای خصایص متمایزه است که هیولی ظاهر آفاقی آن است. این مطلب محسوب می‌شود هر گاه سیر هیولی بطرف صورت را بمراحل تکامل طبیعی از نوع به جنس اطلاق کنیم چنانچه کتب فلسفی ارسطویی کرده‌اند.

آنچه برای ما لازم است این است که بدانیم آن عنصر مینای اولیه که در اینجا «هیولی اولیه» عنوان پیدا می‌کند چه خاصیتی دارد. بعقیده ارسطو و طبق اصل مینا که قبلاً ذکر شد پیدا شدن موجودات از هیولی اولی بصورت اشداد بوده است و ارسطو اشداد اولیه را از عناصر چهارگانه خاک و آب و هوا و آتش گرفته است که آنها را مظاهر تضادهای گرمی و سردی و تری و خشکی دانسته. پس هیولی اولی چیزی بکلی بدون صورت بایسد باشد و هیچگونه مشخصات خاصی که قابل تعریف و تجربه باشد نباید داشته باشد. چنانچه دیده می‌شود «هیولی اولی» از ارسطو با «عنصر اولیه» آناکسیماندر مطابقت دارد و فکر ارسطو دارای این مزیت است که بطور استدلالی بان رسید. هر گاه در نظر بگیریم که بعقیده ارسطو «خلاء» اسلا وجود

ندارد در اینصورت «هیولی اولی» ارسطو با فضا یکی می‌شود. این استنتاج را نیز خود ارسطو بنقل از قول افلاطون ذکر نموده است. در جلد چهارم فیزیکش که شروع می‌شود در مطالعه «مکان» در قسمت دوم می‌گوید: «از این نقطه نظر مکان (اشغال) شده» هر چیزی شکل آنچیز است اما از لحاظ دیگر ... اگر از یک کره حدود و محتویات را حذف کنند چیزی نمی‌ماند مگر هیولی. همین جهت افلاطون نیز در تیمائوس (Timeo, 5a-52d) می‌گوید که هیولی اولی) و فضا یک چیز هستند (209.b.11). این استنتاج را می‌توان یکی از برجسته‌ترین استنتاجات فلسفی ارسطو دانست.

بصورت - کلمه «هیولی» معرب کلمه یونانی «یولی» است که «ماده» ترجمه شده ولی از آنجا که از سده شانزدهم باین طرف این کلمه ماده دارای تعریف و مفهوم خاصی می‌باشد و «اطلاق» می‌شود بر چیزیکه «منحیث و متغیل» باشد یعنی دارای حجم و وزن باشد لذا برای نفوسیکه استمرار زیادی با فلسفه قدیم ندارند اطلاق ترجمه ماده بر کلمه هیولی که بر مجردات ذهنی هم اطلاق شده موجب انحراف ذهن بنتایج غلط می‌شود. لذا ترجیح داده‌شد که همان اصطلاح معرب بکار رود و از استعمال اشتقاقهای عربی آن نیز خودداری گردید که بتوان آنرا مانند کلمه یونانی تلفظ کرد. ولی هر گاه برای این کلمه، کلمه فارسی «زمینه» انتخاب شود بهتر از هر کلمه دیگر با مفاهیم گوناگون هیولی موافقت دارد.

۳- «وجود بالقوه» و «وجود بالفعل»: یک اصطلاح دیگری نیز ارسطو در فیزیک خود بکار می‌برد که آن نیز مفهوم علمی یافته است. «وجود بالقوه» و «وجود بالفعل» تقریباً موازی و معادل بانوا اصطلاح هیولی و صورت است با این اختلاف که در این اصطلاح شرطی برای تحقق صورت بیان می‌کند و آن این است که برای آنکه از هیولی صورتی بوجود آید باید در آن هیولی استعداد و توانایی بوجود آوردن آن صورت باشد مثلاً با سنگ و فلز می‌توان مجسمه ساخت ولی با آب و مایع و هوا نمی‌شود. وقتی از یک هیولی صورتی بوجود آید در اصطلاح فلسفه ارسطو گفته می‌شود که آن صورت بالقوه و بالاستعداد در آن هیولی وجود داشته و با صورت یافتن «وجود بالفعل» یافته است. در حبه یک میوه مثلاً هندوانه بالقوه شاخه و برگ و میوه نهال هندوانه بود دارد که پس از فراهم شدن شرایط لازمه بالفعل وجود می‌یابد. کشف تدریجی قوانین زیست‌شناسی (بیولوژی) بخصوص زئتیك و بالخاص کشف ساختمان مولکولی کروموزومها مؤید صحت این عقیده شدند. طبق این اصطلاح هیولی اولی چیزی است که صرفاً استعداد است و موجودات طبیعی چیزهایی هستند که فعلیت یافته‌اند.

اصطلاح «وجود بالقوه» قبلاً در زبان غربی به Puissance ترجمه می‌شد ولی پس از آنکه انرژی یک جسم به انرژی جنبشی (سنتیک) و انرژی ذخیره نهانی و قابل استفاده (پتانسیل) تقسیم شد اکثر مؤلفان که این اصطلاح را در ذهن داشتند آنرا برای بیان «وجود بالقوه» ترجیح دادند و بنظر می‌آید که بهتر مقصود را می‌رساند و «کلمه وجود بالفعل» کمافی السابق آکت (Acte) گفته می‌شود.

۲- بطور خلاصه آنچه از فیزیک ارسطو مورد استفاده برای تعریف «آتر» می‌باشد این است که اولاً تمام موجودات از یک عنصر واحد مینا که آنرا «هیولی اولی» نامند ناشی شده‌اند و صورت گرفته‌اند. ثانیاً این هیولی فاقد هرگونه صورت و مشخصات قابل وصف و تجربه است و با فضای خالی از ماده (جسم، آب و هوا) یکی است.

ثالثاً پیدا شدن صور اولیه از عنصر مینا بصورت اشداد بوده است. اشدادیکه مخرب صورت یکدیگر هستند.

۳- عنوان آتر: ارسطو عنوان اثر را در کتاب آسان به هیولی نخستین مذکور در فیزیک می‌دهد. از کتاب آسان نیز فقط نکاتی ذکر خواهند شد که برای شناختن خصایص آتر مؤثر هستند و می‌توان گفت که فقط شامل نقاط ضعف این کتاب خواهند بود.

آسان ارسطو در چهار قسمت تحت عنوان چهار کتاب است که دو کتاب اول آن تحت عنوان «اجسام سماوی» و بقیه شامل «اجسام زیر کره ماه» می‌باشد. ارسطو چهار عنصر خاک، آب و هوا و آتش را مظاهر ترکیبات ممکنه چهار اشداد تر و خشک و سرد و گرم می‌داند که متناوباً خشک و سرد و تر و گرم - خشک و گرم می‌باشند و هیچیک از دو ترکیبات سرد و گرم و تر و خشک صورت پذیر نیستند. (طبق 192a19) دو عنصر خاک و آب را اجسام سبک متمایل بحركات ترولی می‌داند و هوا و آتش را اجسام سبک متمایل بحركت طبیعی صعودی ولذا مقابل بان دو و تضاد جهات حرکت آنها را نیز یک دلیل بر حدوث آنها دانسته و حرکت ظاهری کواکب را که دورانی از متوق بعغرب است و حرکت مقابل آن ندارد، آنرا اثر یک عنصر پنجم می‌داند. وبعمد استنتاجات فیزیک را بطور روشن تکرار می‌کند که برای یادآوری قسمتی عیناً نقل می‌گردد. با اشاره بعنصر پنجم می‌گوید «همچنین معقول است که ازلی و ابدی و تغییرناپذیر باشد. علت آن این است که آنچه بوجود آید مولود یک تضاد است و یک عنصر مینا (با اشاره به فیزیک). چنانچه در گفته‌های اولیه خود بیان داشته‌ایم» (190b35) ... و چون عنصر پنجم مورد بحث، هیچ‌ضدی ندارد زیرا انتقال دورانی شد ندارد... و

کون و فساد بوجود می‌آید در جایی که تضاد باشند. عنصر پنجم پس ازلی است. او هیچگونه افزایش و نقصانی نمی‌یابد. قائم با لذات و تغییر ناپذیر و تأثر ناپذیر است. (از 270 a. 14 تا 270 b 4) بنابراین عنصر پنجم را عین «هیولی اولی» مشروح در قسمتهای هشتم تا نهم کتاب اول فیزیک می‌دانند. که در اینجا حرکت دورانی اجسام سماوی را بدور زمین نتیجه آن می‌دانند. راجع باسم آن پس از بیان مطالبی که جنبه متافیزیک دارد و فعلا مورد بحث نیست ارسطو می‌گوید:

«اسم آن نیز بنظر می‌آید که از عصر پیشینیان بماند رسیده باشد. فعلا نیز دارای معنوهائی بودند مشابه آنچه ما امروز تعلیم می‌دهیم با تشخیص اینکه هیولی اولی غیر از خاک و آتش و هوا و آب می‌باشد آنها آنرا بالاترین مکان «آتر» نامیده‌اند و این اسم را از سیر ابدی او اقتباس نمودند و آنرا کوراکور (آنا کساکور) بطور اشتباه این نام را بکار برده در جایی که کلمه آتش را بایستی بکار برده باشد» (270b16-25) معلوم میشود که اصطلاح «آتر» قدیمتر از ارسطو است و ریشه‌های مختلف برای آن فرض می‌شده و ارسطو آن را در مفهوم «فرار» اختیار کرده است. پس بطور خلاصه می‌توان مشخصات «آتر» ارسطو را بشرح زیر تقریر کرد:

۱. آتر هیولی اولی است که سایر موجودات بتدریج از آن ناشی شده‌اند.
۲. آتر چیزی است بدون شکل و فاقد هرگونه مشخصات قابل تشخیص و تحریر.
۳. آتر یا فضای خالی از ماده یکی است. بنابراین خلاء مطلق وجود ندارد.
۴. تکون یعنی پیدایش چیزی عبارت از این است که آن چیز با اتحاد صورت و مشخصات خاص خود از هیولای بی‌صورت ناشی گردد.
۵. طبق اصل مبنی، تکون و پیدایش شدن اعداد اصل اول است یعنی هرمسورتی یا صورت شدنش بوجود می‌آید (وقتی البته مقتضیات ایجاب کند).

۶. دو صورت ضد (اضداد) مخرب همدیگر هستند یعنی هرگاه مقتضیات، برخورد یا ترکیبات آنها را ایجاب کرد صورتهای خود را از دست داده، در هیولای مبنی محو می‌شوند. و با اصطلاح ارسطو «فساد» می‌یابند. (تغییراتی که عبارت از تغییر صورت باشد حرکت جوهری نامند).

۷. اولین صور ناشیه از آتر چهار عنصر خاک و آب و هوا و آتش است که از چهار ترکیب صورت پذیر اعداد تر و خشک و سرد و گرم وجود گرفته‌اند و جهان از آنها و ترکیبات آنها پدیدار گشته است.

۸. جهان بشکل کروی است که زمین کروی شکل در مرکز آن ساکن است و از آب و خاک تشکیل شده (خاک در زیر و آب

بشکل کروی روی آن) و روی آنها طبقه هوا و بعد طبقه کروی آتش این‌ها که از چهار عنصر هستند قسمت «زیر قمری» جهان را تشکیل می‌دهند و تمام فضای بالای آنها قسمت فوق قمری جهان است که از آتر است. ۹. آتر دارای حرکت دائمی دورانی است دور محور زمین و اجسام اتری سماوی را حرکت دورانی می‌دهد که در سطوح کروی (افلاک) حرکت می‌کنند.

۱۰. آخرین حد جهان فلک ثوابت است که آنرا «فلک برتر» نامند. پس بعقیده ارسطو جهان محدود است به فلک اقلس یا فلک الاطلاق.

ج- شکستهای وارده بر نظریه «آتر» ارسطو و بدایش تئوری «آتر ذره» رنه دکارت
در موقعیکه متجاوز از پنج قرن فلسفه ارسطو تقریباً یگانه فلسفه مورد بحث و تدریس تمام دانشگاههای اروپا بود و حتی برای کلیساهای مسیحی پس از کتاب مقمص (مجموعه کتب عهد عتیق و عهد جدید شامل تورات و انجیل) گفته‌های ارسطو معتبرترین کلام مورد اعتماد و استناد بوده، درست در مدت يك قرن کشفیات علمی متوالی چنان ضرباتی بر پیکره جهانشناسی ارسطو وارد آورد که برای طبقه روشنفکر، فلسفه ارسطو بکلی بی‌اعتبار شد و فلسفه اتمی دموکریت جای آنرا گرفت. این ضربات بطور عمده شرح ذیل است.

۱. اولین ضربه را پیدایش شدن تئوری کوپرنیک (Copernic) وارد آورد که در سال ۱۵۴۳ میلادی انتشار یافت. کوپرنیک برخلاف ارسطو آفتاب را ساکن و زمین و سیارات را دور آن دوار بیان داشته و حرکت ظاهری یومیه آنها را نتیجه حرکت وضعی زمین دور خودش دانست. با این تئوری عنصر پنجم یعنی «آتر» که برای دادن حرکت دورانی ظاهری یومیه آفتاب و کسواکب پیشینی شده بود غیر لازم شناخته شد.

۲- انتشار قوانین کپلر (Kepler) در سنین ۱۶۰۹ و ۱۶۱۸ تئوری کوپرنیک را تأیید کرد و بان ارزش علمی و تجربی داد.

۳- همزمان با انتشار اولین قوانین کپلر گالیله (Galilè) نیز با سوار کردن دوربین نجومی با شریب بزرگ‌نمایی سه برابر و نصب آن بر بالای کلیسای سن‌مارک و نیز ارائه منظره روشنتری از کهکشان و بالاخص برآمدگیها و فرو رفتگیهای ماه، مشابه با کوه و دره‌های زمین با آنها موضوع غیر اتری و جسمانی بودن اجسام سماوی را برای شخصیتهای علمی و اجتماعی و غیر علمی آشکار نمود و محسوس داشت.

۴- تمام کشفیات مذکور در بالا در بهزندن نظریه مرکزیت و سکون زمین و اتری بودن اجسام سماوی و حرکات آنها مؤثر واقع شده و یکدیگر را تأیید کردند ولی درست يك قرن پس از انتشار تئوری کوپرنیک تجربه‌ی انجام گرفت که پایه ملاء فضا را مترزل

کرد و خلاء دموکریت را رونق داد. در شهر فیزز (فلورانس ایتالیا) در حفر چاه آب به چاهی برخوردند که آب در عمق بیش از یازده متر متوقف بود و پس از نصب نلمبه و انجام آزمایش متوجه شدند که آب بیش از ارتفاع ۱۰٫۳۰ متر بالا نمی‌آید. معلوم شد که برخلاف عقیده رایج که طبیعت از خلاء استیحاخ دارد خلأیی بوجود آمده. سر مفضی علت را از گالیله جویا شد. گالیله سرباره دید که وقتی ملولش از حدی تجاوز کنند پاره می‌شود و این جواب را در کتاب «مکالمات» (Dialogus) که در سال

۱۶۳۸ منتشر نمود وارد کرد. در سال ۱۶۴۲ گالیله وفات یافت. نیکال پس از اوتوریچلی (Torricelli) شاگرد او بفکرش رسید

که اگر با جیوه که سیزده برابر و نیم سنگینتر از آب است آزمایش شود برش و خلاء در طولی بهمان نسبت کوتاهتر بنست خواهد آمد. دوستش ویویانی (Viviani) تجربه را انجام داد و ملاحظه کرد که جیوه در ارتفاع ۷۶ سانتیمتر متوقف می‌شود. این تجربه که با تجربیات پاسکال (Pascal) تکمیل شد منتهی با اختراع بارومتر گردید. فضای خالی بارومتر خلاء مطلق تعبیر گردید و بالتسویه فلسفه دموکریت واجد اعتبار در بین دانشمندان آزاد (که تابع کلیه نبودند) و روشنفکران گردید و حتی مورد حمایت افرادی از کسوت روحانیت هم شد.

تئوری آتر ذره دکارت (1650-1596) تئوری مذکور بطوریکه سرانعموند ویتاکر (S. E. Whittaker) بوجه احسن در

کتاب نفیس خود زیر عنوان «تاریخ نظریه‌های آتر و الکتریسته» در فصل اول جلد اول آن خلاصه نموده بشرح زیر است: «فنا نظر دکارتیک «ملاء» (plenium) است که بوسیله يك واسطه (medium)

اشغال شده که هر چند بهواس درمی‌آید ولی قادر است که قوی را منتقل کند و روی اجسامی که در آن غرقند اثرهایی وارد کند که آنرا «آتر» نامیده شده است... او (دکارت) نخستین کسی است که آتر را وارد علم کرد و با فرض اینکه این ماده دارای خواص مکانیکی است... دکارت فرض کرد که ذرات آتر دائماً در حرکتند. چون خلاء وجود ندارد که ذرات در آن حرکت کنند او استنباط کرد که ذرات متحرک حای ذرات دیگری را که خود در حرکت می‌گیرند. پس حرکت یکذره آتر موجب می‌شود که يك زنجیره کامل سته حرکت درآید و حرکت این زنجیره‌های بسته «گردابهای» (vortices) تشکیل می‌دهد که در کینیته متعظم (Cosmos) عمل همی انجام می‌دهند. چنانچه دیده می‌شود دکارت نیز مانند ارسطو آتر را با فضای خالی از ماده یکی می‌داند ولی باین اختلاف در سوزنیکه بعقیده ارسطو آتر



رنه دکارت (۱۶۵۰ - ۱۵۹۶ م)

هیولی اولی بدون صورت و مشخصات است. معتقده دکارت اثر دارای صورت و حرکت است، بصورت دراز متصل بیکدیگر است که بصورت گردابی دائماً در حرکتند. دکارت نظریه اثر ذره خود را در سال ۱۶۴۴ ضمن اصول فلسفه‌اش انتشار داد.

پانوجه اینکه متجاوز از یک قرن بود که فلسفه ارسطو بی اعتبار شده بود و متجاوز از شش سال بود که از کشف خلاء (از هوا) در لوقه نلمه آب گذشته بود و گالیله شرح آنرا منتشر کرده بود که تئوری «ملاء» را بی اعتبار کرد، و تجربه ویویانی با ایجاد فضای خالی از هوا و بخار آب امکان خلاء را مسلم کرده بود. مبادرت دکارت با حیاة نظریه «ملاء» و اثر که قطعاً می دانست مورد مخالفت اکثریت دانشمندان معاصرش واقع خواهد شد دلالت بر سوخ عقیده او و اعتماد او بر محض آن است. با وجود اینکه کشف هندسه تحلیلی که اولین کشف عظیم و وسیع‌الاثیر در ریاضیات است و همچنین «گفتار در روش» که اثر عمیقی در افکار کرد و هر دو هفت سال قبل از «اصول فلسفه» منتشر شده‌اند چنان اعتبار و احترامی برای دکارت بوجود آورده بودند که هیربورد (Heerbord) او را بزرگترین فلاسفه دانسته و کستانتین هویگنز (Constantin Huyghens) شاعر و سیاستمدار هلندی و معاصر دکارت درباره او گفته بوده است که قرن‌هاست نظیر او دیده نشده است. مهذا تمام این اعتبار و حیثیت او کافی نبود برای آنکه به اثر اعتبار از دست رفته را باز گرداند و تا مدتی متجاوز از دو قرن تئوری اثر نقطه ضعف بزرگی برای او محسوب می‌شد.

از آنجاییکه نظریه اثر بعداً مبتنی بر نظریه نسیت نور گردید و این وابستگی در فلسفه دکارت دیده می‌شود لذا لازم است باین قسمت هم توجه شود. در فلسفه دکارت خاصیت اصلی «ماده و جسم» داشتن «حیز» یعنی احراز مکانی از فضا است که فقط بوسیله سه بعد طول و عرض و عمق مشخص می‌گردد.

وزن و سختی مانند رنگ و بو و غیره خواص عرشی غیر اصلی است. بنابراین فضای مظهر خالی از هوا و جسم مصطلح با اصطلاح

او «جسم» است. قبلاً گفته شد که این «جسم صرفاً فضایی» او، بقیده او تشکیل شده است از ذرات بینهایت کوچک، پیوسته یکدیگر که بشکل گروهی دارای حرکت کردایی هستند. باینر گفته دکارت آفتاب «جسم نورانی» است و زمین «جسم کسبر» و فضای بین آفتاب و کرات سماوی و زمین «جسم شفاف» است. در آبنظری تشکیل دهنده جسم نورانی، آفتاب از ذرات دو جسم دیگر خیلی ظریفتر است و خود آفتاب مرکز یک گرداب عظیمی است. جسم شفاف فضای بین کرات ذراتش ماده نوع دوم است که حجم آن بین حجم ذرات جسم نورانی و حجم ذرات جسم کسبر است. جسم شفاف مائل فشار گریز از مرکز حرکت کردایی جسم نورانی آفتاب است و این انتقال فشار است که اشعه نور را تشکیل می دهد و اثر آن روی چشم است که حس روشنی را بوجود می آورد.

روی این نظریه است که قوانین انعکاس و انکسار نور را مبتنی برانتشار خطی آن وضع موده است و بنام او معروف هستند. طبق این تئوری بدلت شدت فشار منتقله است که در هوای مافروضت مستقیم تابش آفتاب دشوار و حطی ناک است ولی پس از انعکاس این اشعه بوسیله یک جسم رنگی و یا عبور از یک جسم شفاف رنگی این رؤیت بدلت تخفیف شدت فشار تابش میسر می شود. چنانچه دیده می شود در حالی که اثر ارسطو بدون صورت و غیر قابل تصور است. اثر دکارت نوع شفافش قابل تصور (ذره) و دو نوع دیگرش قابل حس و لمس هستند تئوری دکارت در زمان حیاتش مواجه با مخالفت های متعدد شد و جالب توجه تر و مهمتر مخالفت یار ریاضیدان بنام پیر گاسندی (P. Gassendi) است که استاد کلژ دو فرانس (Collège de France) بود و مخالفتش نه آنکه برای دفاع از نظریه ارسطو بنفع کلیسا باشد بلکه بحمايت از نظریه اتمی دموکریت و در جهت مخالفت روش کلیسا می بود. سرانجام نظریه گاسندی فائق آمد و تا دو قرن مورد قبول اکثر دانشمندان فیزیک واقع شد. ولی در عوض توسعه روز افزون ریاضیات که هندسه تحلیلی را بیش از آنچه خود دکارت هم تصور می کرد توسعه و اهمیت داد و برجیبت دکارت افزود و «گفتار درباره اسلوب علم» او وبخصوص سنگ زاویه فلسفاتی «من فکر می کنم پس وجود دارم» از آثار کلاسیک ابدی محسوب می شود.

د - پیدا شدن نظریه موجی نور مبتنی بر وجود یک اثر مفروضه روبرت هوک (R. Hook) در ۱۶۶۷ میلادی با انتشار میکروگرافیا (Micrographia) برای نخستین دفعه نظریه موجی برای نور ابداع کرد. جالب توجه است نجومی که او خاصیت نوسانی نور را استنتاج می کند. بقراریکه سر ادووند ویتاکس (S. E. W.)

نظریه او را خلاصه کرده شرح زیر است. از اینکه بعضی اجسام (مانند الماس و قشنگه در تاریکی حرارت ببند با آنکه مالیس داده شود) برای مدت قابل ملاحظه میسر و ششمنع می گردند بدون اینکه بنایعه بیاید. استنتاج می کند که پس حرکتی که منأ و موجد نور است بصورت حرکت جملو و عقب بعضی: حرکت ارتعاشی در موضع است. داعنه نوسان باید فوق العاده کوچک باشد زیرا بعضی اجسام شفاف (مانند الماس) خیلی سخت هستند و لذا نمی توانند نوسانهای دامنه بلندی یکنند. بالسیبجه ششمنع نور بوسیله یک جسم نورانی عبارت است از حرکت نوسانی دامنه خیلی کوتاه. پس از آن هوک وارد تحقیق در انتشار نور می شود و می گویند: «اولاً یک جسم حساس (Susceptible) و تقسیم نشدن (impartible) باید باشد که نام شفاف (Transparent) نامیده می شود.

ثانیاً: قسمتهای چنین چیزی باید همجنس (Homogenous) و همگون باشند. ثالثاً: ساختمان و حرکت قسمتها باید ملوری باشد که ضربه جسم نورانی در آن منتقل و منتشر گردد در کمترین زمان قابل تصور و به دورترین فاصله متصوره اگر چه دلیلی نمی بینم که نکویم که باید آتی باشد. رابعاً: اینکه حرکت منتشر می شود در تمام جهات از یک «محیط همجنس» (Homogenous medium) بوسیله خطوط راست یا مستقیم که امتداد می یابند در هر جهت مانند اشعه از مرکز یک کره. خامساً در یک «محیط همجنس» این حرکت در تمام جهات با سرعت مساوی منتشر می گردد درحالی که لزوماً هر ضربه (Pulse) یا نوسان (vibration) جسم نورانی تولید می کند. یک کره را که بتدریج بزرگ می شود و افزایش می یابد درست بهمان نحو (هر چند بینهایت سریعتر) مانند موجها یا حلقه های روی سطح آب که به دایره های بزرگتر و بزرگتر تبدیل می شوند دوریک نقطه، از آن جایی که بوسیله سقوط یک سنگ حرکت شروع گردید. از آن لزوماً نتیجه می شود که تمام قسمتهای این کرات موج در داخل یک «محیط همگون» قطع می کنند، اشعه (Rays) را بزویای قائمه.

(اقتباس از صفحه ۱۴ جلد اول «تاریخ نظریه ها درباره اثر و الکتریسته» تألیف سر ادووند ویتاکس منقول از صفحه ۵۵ میکروگرافیا تألیف هوک) چنانچه ملاحظه می شود روبرت هوک در شرح فوق، مشخصات یک اثر را بیان می کند بدون آنکه اسم اثر بآن بدهد. متعاقباً هوک قوانین انعکاس و انکسار نور را استنتاج می کند بنا بر آنچه، «دقیقترین و عالیترین فیلسوف دکارت» بدست آورده بوده است (منحه ۱۵). کریستیان هوگنز (Christian Huyghens)

ریاضیدان و فیزیکدان فرانسوی نظریه موجی هوک را برای نور بسط زیادی داده و در سال ۱۶۷۸ به چند نفر از فیزیکدانهای فرانسه ارائه داد و می خواست آنرا بزبان لاتین که زبان علمی آن زمان می بود منتشر کند. سرانجام در سال ۱۶۹۰ آنرا بزبان فرانسه تحت عنوان «Traité de Lumière» (بحث در باره نور ...) منتشر نمود. نظریه هوک را دائر باینکه نور حرکت باشد معیج دانست بدلیل اینکه وقتی جسم مائل اشعالی را در کانون یک عدسی قرار دهیم و اشعه اقتباز روی آن متمرکز کنیم در نقطه اشتعال ذرات جسم متعل متلاشی می شوند. و از اینکه اشعه وارده در کانون، مقاطع یکدیگر هستند ولی برخورد ذرات ندارند نتیجه گرفت که چنانچه هوک بیان داشته نور حرکتی که «محیط واسطه» (medium) است نه حرکت ذرات چنانچه پیشینان فکر می کردند و عدیبه از دانشمندان دیگر معتقد بودند. وار اینکه نور از لوله خالی از هوای بارومتر میسر می کند (چنانچه نور بیخوبی بر فیلامنت جوشده بود) هوگنز نتیجه گرفت که «عامل واسطه» Medium یا اثر که در آن انتشار نور صورت می گیرد در تمام مواد، نافذ است و حتی در فضای خالی از هرگونه جسم و هوا نیز وجود دارد.

با این تأییدات هوگنز اصول نظریه موجی نور را که هوک در نظر گرفته و بیان داشته بود استوارتر کرد. اما مهمترین کمک هوگنز به تئوری موجی نور بیان یک اصلی است که بنام او معروف است و آن اصل مسائل متعدد نور را حتماً فکر «سطح موج» (wavefront) را بصورت سطوح کروی وارد کرد. اصل هوگنز این است: هرگاه «سطح موج» لحظه t_1 را در نظر بگیریم هر نقطه از این سطح را می توان مرکز تشعاع امواج ثانوی دانست که در لحظه مؤخر t_2 ($t_2 > t_1$) شعاع کرات سطوح امواج ثانوی متناسب با $t_2 - t_1$ است و سطح موج کللی مربوط با سطح t_2 عبارت است از سطح محاط بر امواج ثانوی است» هوگنز با اطلاق این اصل قوانین انعکاس و انکسار دکارت را بدست آورد. کاری که هوک نتوانسته بود بطور کامل انجام دهد. قسمت دوم کتاب «بحث نور» هوگنز شامل موضوعی است که بعداً در تعیین نوع موج نور و در تحقیقات راجع به اثر اهمیت فوق العاده پیدا کرده است. جریان موضوع از آنسراز است که یک ملاح از جزیره ایسلند سرای (بارتولین Bartholin) فیلسوف دانمارکی تعدادی کریستال زیبا به کوبهاک می برد. بارتولین متوجه می شود که وقتی از درون یک کریستال شینی دیده می شود آن شینی دوتا دیده می شود و علت را درک می کند باینکه وقتی شعاعی وارد

کریستال می‌شود دو شعاع منکسر می‌دهد. و با دقتی کشف می‌کند که یکی از این دو شعاع، طبق قانون انکسار معمولی، منکسر شده، آنرا شعاع معمولی می‌نامند و دیگری را شعاع منکسر، فوق‌العاده نام‌گذاری می‌کند. تحقیقات و کشفیات بارتولین بهمینجا خاتمه می‌یابد.

موضوع وقتی با اطلاع هویگنز رسید، گفت «مسلّم است که وقتی که یک فضای بوسیله بیش از یک ماده اشغال شده باشد می‌تواند چند موج با سرعت‌های مختلف منتشر کند. چنانچه عملاً هوا که با ماده انری مخلوط است امواج صوت و امواج نور هر دو را منتشر کند».

در یک نامه که به «پاپین» بتاريخ دسامبر ۱۶۹۰ نوشته و در صفحه ۱۷۷ مجموعه کارهای هویگنز منتشره در سال ۱۹۰۵ چاپ شده او می‌گوید «راجع به اقسام ماده که کریستال ایلند محتسوی است من گمان می‌کنم که یکی از آنها مرکب از ذرات گروهی شکل است و دیگری که فضای بین این ذرات گروهی شکل را پر نموده آنها را بهم‌دیگر متصل می‌کند. گذشته از این یک ماده اثر نیز هست که در تمام کریستال نفوذ کرده هم مابین او و هم در داخل دو نوع ماده که نامبرده شده‌اند...» (صفحه‌های ۲۶ و ۲۷ «تاریخ اثر و الکتریسیته»).

چنانچه ملاحظه شد روبرت هوک بطور بسیار جامع و استدلال علمی و هویگنز با تکمیل و تصریح ثوری انری ذره و تقریباً مادی بنیادهایند. حتی هویگنز مانند کارت ذرات اثر را در حرکت دائمی می‌داند زیرا متعاقب گفتار مستخرج بالا هویگنز گفته است:

«من گمان می‌کنم که هر دو یعنی ماده گروهی شکل کوچک و ماده که فضای بین آنها را اشغال نموده از ذرات ثابت تشکیل شده‌اند و مابین آنها ذرات رقیقتر اثر در حرکت دائمی است.»

بار باید گفت که اثر «هوک - هویگنز» با تمام استدلال علمی و موافقت «اسل هویگنز» با تجربه معهدا مانند ثنوریهای قبل متروک شد و منکوب نظریه اتمی گردید. باید گفت که اگر چه دلایل علمی و موافقت تجربه بکمک آمده است ولی مخالفت نیوتون بزرگ که طرفدار «نظریه ذرات نوری» بود بر این می‌اعتبار شدن کمک کرد. هویگنز یک کشف مهمی کرد که در تجربیات روی

اثر و در تعیین نوع موج نور مورد اهمیت قرار گرفته و آن این است که متوجه شد دو شعاع منکسر که بوسیله یک کریستال ایلند بدست می‌آید دارای خاصیتی هستند غیر از خاصیت شعاعی که هنوز انکار مضاعف نیافته است و بخصوص اگر یکی از این دو شعاع منکسر را روی یک کریستال ایلند دیگر وارد کنیم در بعضی شرایط دو شعاع منکسر و در بعضی موارد دیگر فقط

یک شعاع منکسر بدست می‌دهد. و منعیتهای مختلف این انکسار ثانی روی کریستال دوم بدست می‌آید. وقتی این کریستال دوم را دور شعاع تابنده روی آن دوران دهیم (مقتس از ویتاکر از صفحه ۸۹ «بحث نور» هویگنز).

۵- نظریه اثر مادی سراسحق نیوتون نیوتون چون نور را پرتاب ذرات از طرف جسم بورایی می‌داند لذا برای انتشار نور احتیاج به ثوری اثر نداشت ولی بطوریکه نشریات و مکاتبات او که برنارد کهن (Bernard Cohen) از متوره‌های مختلفه در شرح زندگانی او جمع‌آوری کرده، حاکی است نیوتون از بدو فعالیت فکری بوجود اثر معتقد بوده و برای بیان جاذبه بین اجسام دور از یکدیگر وجود عامل اثری را لازم می‌دانسته و سرنجام یک ثوری اثر مادی را بیان کرده است. از لحاظ رعایت اختصار با آنچه برنارد کهن در مقدمه کتاب خود خلاصه نموده اکتفا می‌شود:

۱. یادداشت‌های اولیه نیوتون که در (Philosophical Transactions) چاپ شده و در ۱۶۷۵ در «هیات سلطنتی» (Royal Society) فرات گسردید و بیرچ (Birch) در «تاریخ هیات سلطنتی» چاپ سال ۱۷۵۷ وارد نموده است و کهن هم در قسمت دوم کتابش نقل کرده است: نیوتون عده‌یی از پدیده‌های نور را به تأثیر اثر روی آن نسبت داده و نور اثر را دارای اثرات مشابه می‌دانسته.

۲. در نامه‌یی که به اولدبرگ (Oldenberg) بتاريخ ۲۵ ژانویه ۱۶۷۵ نوشته و کهن آنرا در مجموعه خود وارد نموده نیوتون می‌نویسد: انجا که من می‌گویم (ظاهراً اشاره به نامه پیشین است) «که دستگاه طبیعت چیزی نباشد جز اثر متراکم شده طبق یک اصل تخمیری» عوض این کلمات بوسید «که ممکن است چیز دیگری نباشد جز ترکیب عده نیروهای اثری یا بخارهای متراکم خیلی شبیه به بخار آب که بصورت آب متراکم می‌شوند... بدینسان شاید تمام چیزها از اثر ناشی شده باشند». معلوم می‌شود که نیوتون مانند ارسطو اثر را عنصر اولیه تمام موجودات می‌دانسته است. چنانچه خواهیم دید نیوتون نظریه نسبت به اثر را بصورت امکان و احتمال بیان می‌کند.

۳. در نامه‌یی که به فیزیکدان معروف انگلیسی روبرت بویل (Robert Boyle) نوشته و بتاريخ ۲۸ فبرایر ۱۶۷۸ است و در مجموعه کارهای بویل چاپ شده نیوتون اثر را علت پدیده‌های متعدد دانسته ارجمله التماسق ذرات اجسام و بعضی اعمال اسیدها و پدیدارهای شیمی دیگر و خاصیت انساط گازها و محتملاً جاذبه عمومی.

۴. پس از آنکه در سال ۱۶۸۷ شاهکار

ابدی نیوتون تحت عنوان «اصول ریاضی فلسفه طبیعی» یک جهان‌شناسی علمی را ابداع نمود عده‌ای که مجدوب فلسفه آنی شده بودند استنتاج کرده بودند که جاذبه میان اجسام، خاصیت درونی و ذاتی اجسام است. نیوتون در نامه سوش به چارل بنتلی (Charles Bentley) که مورخ به

۲۵ فبرایر ۱۶۹۲۳ است ظاهراً در جواب نامه باو می‌نویسد: «غیر قابل تصور است که جسم جامد و بیجان بتواند روی جسم دیگری که تماس با آن نداشته باشد بدون وساطت چیز دیگری که ماده نیست اثر کند. چنانچه اینطور می‌بود جاذبه در مفهوم اسپیکوری اساسی و ذاتی ماده می‌بود. به همین دلیل است که من مایلم جاذبه‌دانی را بمن نسبت ندهم».

(عقیده) اینکه جاذبه ذاتی و اساسی ماده باشد بطوریکه جسمی ممکن باشد که روی جسم دیگری از فاصله خلاء اثر کند بدون وساطت چیز دیگر که بوسیله آن عمل و نیرو از یکی بدیگری منتقل شوند بنظر من بقدری بی‌معنی است که من عقیده‌مندم کسیکه در مسائل فلسفی استعداد شایسته برای فکر کردن داشته باشد هرگز نمی‌تواند چنین فکری ببنند. جاذبه باید معلول عاملی باشد که طبق قوانین بطور ثابت اثر کند. اما اینکه این عامل مادی یا غیر مادی باشد آنرا تشخیص خواننده واگذار کرده‌ام».

۵- در جولای ۱۷۱۷ نیوتون در چاپ دوم «اپتیک» مسأله اثر را وارد نمود. در مقدمه آن تحت عنوان «آگاهی دوم» می‌نویسد:

«باخر کتاب سوم چند سؤال اضافه کردم برای اینکه نشان بدهم که من جاذبه را خاصیت اصلی و ذاتی ماده نمی‌دانم. یک سؤال هم راجع به علت جاذبه اضافه نمودم. طریقه طرح بصورت سؤال را انتخاب کردم زیرا بعلم فقدان تجربه نتوانستم خود را بآن راضی کنم».

مسأله اثر در سؤال ۲۱ مطرح و در آن مشکل استفهام خصایص مختلفه اثر منظوره خود را بیان داشته است که شامل قسمتهای اصلی است «این محیط (اثری) در داخل اجسام متراکم آفتاب و کواکب و سیارات و ذوندنها آیا خیلی رقیقتر نیست تا درفضای های آزاد بین آنها؟

و وقتی از این کرات به فواصل خیلی دور برویم آیا آن (محیط) متوالیاً متراکمتر و متراکمتر نمی‌شود؟ و باین نحو علت جاذبه اجسام بزرگ روی یکدیگر و روی اجزایشان کمتر نمی‌شود؟ هر جسمی تلاش نمی‌کند که از محیط غلیظ بمحیط رقیقتر رود؟ این خلاصه ثوری جاذبه اثر نیوتونی است.

نیوتون پس از توضیحاتی می‌گوید: «پس بنا بر این فوم از تعامی این محیط نسبت

را آباد کرده و بنام خود آنرا دهمغان نامیده‌اند و کم‌کم دهمغان برای سهولت بیان بدامغان تبدیل شده است.

همچنین پروفیسور کریم‌تین بن در صفحه ۷۰ کتاب «ایران در زمان ساسانیان» با تحقیقات سودمندی ثابت کرده است که معان قبل از زرتشت هم بوده و ریاست روحانی دین قبل از این پیامبر به آنان تعلق داشته است.

بعضی از نویسندگان قدیم نیز دهمغان را پایتخت کیانیان دانسته‌اند، و با توجه به داستانهای ایران باستان معلوم می‌شود که در زمان کیانیان دهمغان دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده است.

متأسفانه از وضع دهمغان در دوره‌های هخامنشی، سلوکیدها، اشکانیان و ساسانیان اطلاعی در دست نیست، اما آتشکده‌یی که مربوط به اوایل دوره ساسانیان، در ضمن حصار یه حصار پیدا شده است نشان می‌دهد که این شهر در آن زمان نیز آباد بوده است.

جغرافیای دهمغان

جغرافیای طبیعی

دهمغان در دامنه جنوبی جبال البرز قرار گرفته و از شمال به کرکان و از جنوب به کویر نمک و از شرق به شاهرود و از مغرب به سنان محدود است.

کوههای شمال‌دهمغان بهترین ترتیب از غرب به شرق عبارتند از اسپه خاک، آب‌شرف، بنم، تویه دروار، سیاه‌کوه، سفید کوه (آرسک) مهرنگار، منصور کوه و بنم چهارده.

در ۵۵ کیلومتری مغرب دهمغان رشته دیگری از البرز جدا شده و به طرف کویر نمک می‌رود که این رشته مرز طبیعی سنان و دهمغان است. کوههای معروف این سلسله عبارتند از پنجکوه، مارکوه، بزکوه، کوه امامزاده، قملاق و قرقیان.

معروفترین رود دهمغان رود چشمه‌علی است، و بجز آن رود دائمی دیگری ندارد.

آب و هوای دهمغان

سلسله جبال البرز مانند سد عظیمی نواحی مرطوب شمالی کشور و دهمغان را از هم جدا می‌کند از اینرو بارندگی در این ناحیه بسیار کم است. قسمتهای کوهستانی دهمغان سردسیر و بیابانی و قسمت جنوب مناطق کوهستانی در مسیر دالانی از باد قرار گرفته که مهمترین این بادهای عبارتند از: بادهای تورانه، باداریانه، بادشهریاری و باد چالو و باد پایین.

آبهای معدنی: در اطراف دهمغان چند آب معدنی کم اهمیت وجود دارد که هنوز از طرف مقامات صلاحیت‌دار تجزیه نشده و خواص آنها با تحقیق معلوم نشده است، اما اهالی دهمغان برای معالجه بعضی از امراض خود از آنها استفاده می‌کنند.

دامغان

شهر پسته

از: شهره مهدوی



در بعضی از متون پهلوی مربوط به زمان ساسانیان و برخی از نوشته‌های نویسندگان بعد از اسلام نام شهری بنام قومس (کومش) ثبت گردیده است. در حال حاضر شهری به این نام در ایران وجود ندارد، ولی مردم مازندران هنوز مردم دهمغان را کومشی می‌خوانند. جمعی از مردم دهمغان نیز معتقدند شهر صدرروازه که آن را شهر کومش نیز می‌خوانند در جنوب قومه (۳۹ کیلومتری دهمغان) واقع بوده و قومه را مغرب قومس می‌دانند و برای اثبات نظر خویش خرابه‌های جنوب قومه را شاهد می‌آورند و می‌گویند: در زمانهای بسیار قدیم آب چشمه کوه بیزوار که در هنت فرستکی شمال غربی قومه واقع است از طریق رودخانه دریان به این حدود می‌آمده و زمینهای آن را مشروب می‌کرده است بطوریکه هنوز در اطراف بیشتر دیف‌های قهاب رستاق که یکی از دهستانهای دهمغان است، رام‌آبهای زیرزمینی آن زمان که با آجرهای بسیار بزرگ ساخته شده‌است و مردم دهمغان بزبان محلی آنرا «سوما» می‌خوانند، در اعماق زمینهای زراعتی پیدا می‌شود.

بعضی از نویسندگان، دهمغان و شهر صدرروازه (هکمتان‌پلیس) را یک شهر دانسته‌اند چنانکه محمدحسن خان اعتماد السلطنه در کتاب «دررائیجان» می‌نویسد: شهر دوم اشکانیان هکمتان‌پلیس یعنی شهر صدرروازه بود. بنای این شهر را ابتدا یونانی‌ها بنیان کردند، اما بعد از آنکه اشکانیان مسلط شدند به تجدید بعضی از ابنیه آن پرداخته و اسمش را تغییر داده و دهمغان نامیدند.

جغرافیای تاریخی دهمغان

عده‌یی از نویسندگان قدیم از جمله صاحب کتاب «مجلدالتواریخ والتمس» دهمغان را یکی از شهرهای بسیار قدیم دانسته و بنای آنرا به هوشنگ پیشدادی بنیره کیومرث نسبت داده‌اند و عده‌یی هم راجع به وجه تسمیه آن معتقدند که معان این محل



چشمه علی دامغان

صفحه مجسم

معروفترین این آبها عبارتند از: آب معدنی باباولی، جیران، قاسم‌آباد، گل‌موشی و سه آب معدنی در توپه‌دروار.

غارها: غارهای طبیعی دامغان عبارتند از:

۱- غارزروار که در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی توپه‌دروار واقع و داخل آن پوشیده از ستونهای بزرگ و کوچک استالاکمیت است.

۲- غارکت‌آقلده بالای تنگه شتبو که بیش از ۲۰ متر طول ندارد و در انتهای آن چاهی است بسیار عمیق که تاکنون نتوانسته‌اند عمق آنرا معلوم کنند.

۳- اهائی توپه‌دروار می‌گویند در محله بی‌حصار فریه توپه غاری است که وجود تنوری در آن ثابت می‌کند که در گذشته گروهی در آنجا ساکن بوده‌اند. چندی قبل دهانه این غار را باریختن خاک دستی مسدود کردند.

جغرافیای انسانی

در حدود شش هزار سال قبل مردمی در محل دامغان فعلی زندگی می‌کرده‌اند که بقول دکتر کریستین ویلسن: رویهم‌رفته از حیث تمدن و زندگانی پیش بوده‌اند، در فلز کاری مهارت زیادی داشته و از زراعت و فلاحت نیز بی‌بهره نبوده‌اند، حیوانات اهلی نگاه می‌داشته و در مذهب نیز بالنسبه ترفی کرده بوده‌اند.

دین:

دین تمام مردم این شهرستان اسلام و بانوجه به مقبره امامزاده جعفر شهر دامغان که بنای آن مربوط به قبل از سلجوقیان است، به احتمال بسیار قوی مذهب آنان از قرن سوم هجری به بعد که علویان طبرستان در این حدود حکومت یافته‌اند، مذهب تشیع بوده و هست.

اخلاق و روحیات مردم

دامغان

ایبال یغمایی مؤلف جغرافیای تاریخی دامغان نوشته است: مردم دامغان دیرآشنا، ولی ممیم، و سرسخت و قانع‌اند، زیاد خوش سلیقه هستند، اگر با کسی آشنا شوند رشته محبت و مودت را زود نمی‌گشند، مهربان و با تعارف و نیکی یا بدتی اشخاص را زود فراموش نمی‌کنند. دامغانها بظاهر ساده اما در باطن با سیاست و هنیارند. می‌خواهند در سایه اتکاء بنفس وجودشان منشأ اثر و مشرّفتر باشند، بهمین مناسبت بیشتر به مشاغل آزاد توجه می‌کنند و اغلب نیز بسبب ابتکار ذاتی و مهارت اکتسابی زود به مقصود می‌رسند.

تقسیمات شهرستان

دامغان یکی از شهرستانهای فرمانداری گل‌سمنان و مرکز آن شهر دامغان است،

و دارای دویختی است.

شهر دامغان - جمعیت این شهر طبق سرشماری آبانماه سال ۱۳۴۵ بالغ بر ۴۲۹۰۲ نفر بوده است که از این عده ۲۱۷۲۸ نفر مرد و ۲۱۲۷۴ نفر زن بوده‌اند.

تراکم جمعیت در محله قلعه، محله‌شاه و حدود میدان خواجه شهاب از سایر نقاط بیشتر است. این شهر دو بیمارستان ۲۵ تخت‌خوابی و ۶ درمانگاه، ۱۵ کرمايه، ۹ زیارتگاه و بیش از ۳۰ مسجد و نمازخانه دارد و ۴۵۲ نفر از طرف شهرداری دارای جواز کسب هستند. بیشتر معازدهای دامغان در بازار بزرگ سرپوشیده و حیابانهای پهبوی و متوجه‌ری و فردوسی قرار گرفته است، معازده‌داران این شهر معمولاً تنها به فروش اجناس مربوط به کار خود قناعت نمی‌کنند، مثلاً یک بزاز علاوه بر پارچه فرش و نوزم خرازی را نیز برای فروش عرضه می‌کند و گویا این رسم از قدیم در این حد معمول بوده است.

بخشهای شهر دامغان عبارتند از بخش حومه و بخش صیدآباد.

بخش حومه که خود شامل سه دهستان است و عبارتست از دهستان حومه، دهستان لامنگوه و دهستان رودبار.

بخش صیدآباد که محل تمرکز آن قریه امیرآباد است و شامل سه دهستان به نامهای قهاب‌صرصر، قهاب‌رستاق و توپه‌دروار است.

اوضاع اقتصادی - کشاورزی

آبها - چون در کشاورزی و استعداد آن آبهای هر ناحیه اساس و تکیه‌ناهی اصلی است تحقیق در مورد مقدار آب و چگونگی آن در این شهرستان کاملاً ضرور بنظر می‌رسد. چشمه‌ها، کاریزها، چاههای عمیق و نیمه عمیق، بخش‌ها و دیده‌های شهرستان دامغان را مشروب می‌کند. واحد آب در این شهرستان بند است که با هر بند آب چشمه‌سار و چاهها ۶ خروار و با هر بند آب کاریز چهار خروار بندر می‌کارند.

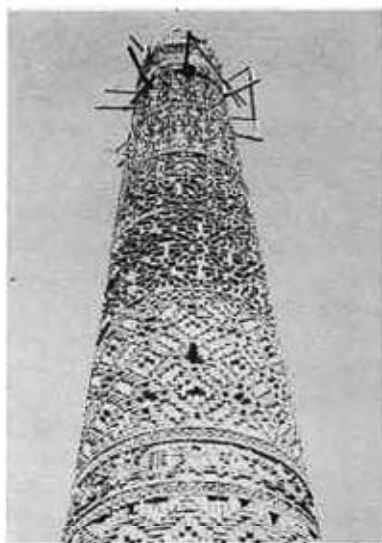
معروفترین چشمه دامغان چشمه‌عنی خوانده می‌شود.

این چشمه که در ۳۲ کیلومتری شمال غربی دامغان یعنی در دهستان رودبار واقع شده، محلی است بسیار باصفا، و گذشته از اینکه یک جایگاه تفریحی است از لحاظ مذهبی نیز مورد توجه است. آب این چشمه ۱۴۶ سهم (بند) است.

محصولات کشاورزی

محصولات کشاورزی دامغان به محصولات رختی و غلات، صیفی و دارو و نباتات گوناگون تقسیم می‌شود.

گندم و جو و یونجه که در مناطق کوهستانی و غیر کوهستانی بعمل می‌آید، و پنبه که تنها در مناطق کوهستانی کاشته می‌شود؛ سیب‌زمینی و چغندر قند و خربزه



روح مسجد تاریخانه - دامغان

که از دیگر محصولات غیر درختی است. و اما از مهمترین محصولات درختی دامغان، پسته است. پسته دامغان از مرغوبترین نوع پسته کشور است. علت کاشتن درخت پسته در دامغان اینست که اولاً آب و هوای این حدود برای پرورش درخت پسته کاملاً مساعد است و ثانیاً کم آبی موجب پیشرفت این امر شده است زیرا درخت پسته‌یی که ۳۰ سال از عمرش گذشته باشد می‌تواند ۳۰ سال دیگر بدون آنکه آبی به آن داده شود سرسبز و سالم باقی بماند، چون ریشه اصلی این درخت بطور عمودی به عمق زمین فرو می‌رود و بر حسب نوع خاک از لحاظ نرمی و محکمگی پس از چند سال بجایی می‌رسد که می‌تواند از آبهای زیرزمینی استفاده کند.

سالخوردگان دامغان کهن‌ترین درخت پسته موجود در دامغان را مربوط به ۳۵۰ تا ۴۰۰ سال قبل می‌دانند، و نیز برخی درختان کهن بطور پراکنده در بعضی از دیه‌ها دیده می‌شوند.

دیگر از محصولات درختی دامغان انگور است که پرورش این درخت از قدیم در دامغان معمول بوده. انگور دامغان بخصوص انگور عسکری آن از نظر لطافت و خوبی در تمام ایران کم نظیر است. زردآلو، گردو، گلایه، نیز در دامغان بعمل می‌آید.

صنایع دامغان

۱- ذخایر زیرزمینی

شمال دامغان برشته جبال البرز محدود می‌شود و در جنوب، کویر چون نمکی آنرا احاطه کرده است.

این هردو ناحیه از منابع غنی و ذخایر بی‌پایان معادن مین می‌باشند. شواهد و فراین نشان می‌دهد که در قرون و اعصار گذشته، پارویی از این معادن مورد بهره‌برداری قرار گرفته است و عوام آثار کوره‌های آن زمان را کوره‌های (شدادی) نام نهاده‌اند.

گروهی معتقد هستند که برخی از این معادن در سطح قرار گرفته، عمقی ندارد، ولی با بررسی اجزای به‌جرات می‌توان گفت: بطور کلی ناحیه دامغان از جهت ذخایر معدنی غنی و از بابت مرغوبیت آن متنوع است.

بعضی از معادن مهم دامغان عبارتست از: معدن سرب و روی دشتبو. معدن روی و سرب نویه. معدن روی تویه درووار. معدن میناکوه. معدن سرب چشمه تمناعی. معدن سرب کوه چشمه. معدن سرب آهوانو. معدن سرب و روی و ذغال سنگ یشم. معدن سرب کالاریز و لیوان. معدن روی و سرب بناک. معدن ذغال سنگ طالو. معدن ذغال سنگ منصور کوه و معادن دیگر.

از صنایع دستی دامغان قالی بافی و گلیم و جاجیم بافی و چیت زنی را می‌توان نام برد. چیت زنی یکی از هنرهای است که از

قدیم در دامغان معمول بوده به این طرز که پارچه‌های سفید کرباس را به منظور تهیه سفره و پرده و روبه لحاف بمسورتهای مختلف و زیبای جیت می‌زنند، چنانکه در کتاب «حدود العالمین المشرق الی المغرب» که در سال ۳۷۲ تألیف شده و مؤلف آن شناخته نیست، ضمن توصیف از دامغان، این مطلب آورده شده است.

تاریخ دامغان

باتوجه به «تاریخ طبری» و «تاریخ از عرب تا دیلمه» معلوم می‌شود که اعراب در سال ۲۲ هجری دامغان را فتح کرده‌اند و پس از قتل عمر خلیفه دوم، مردم این حدود قیام کرده‌اند و در نتیجه در سال ۳۰ هجری بار دیگر به این منطقه لشکر کشی شده و برای بار دوم اعراب این شهر را فتح کرده‌اند. این قوم تا سال ۲۰۵ هجری مستقیماً در این حدود حکومت کرده‌اند و بارها در این دیار پادشمان خود جنگیده‌اند.

در سال ۲۰۵ هجری مأمون نیابت سلطنت مشرق ایران را به «طاهر بن حسین بن مصعب ملقب به «ذوالیمینین» داد و با این جریان با روی کار آمدن طاهریان مشرق ایران که دامغان نیز جزو آن بود دارای سلطنت نیمه مستقلی شد.

در زمان حکومت طاهر ثانی، پنجمین حکمران سلسله طاهری، زلزله شدیدی دامغان را بسختی ویران کرده است، بطوریکه نلفات آن را تا چهل و پنج هزار نفر نوشته‌اند.

بعد از آنکه یعقوب صفاری در سال ۲۵۹ هجری بر تمام خراسان استیلاء یافت در اردیبهشت سال ۲۶۰ هجری به طبرستان حمله کرد و بعد از چهارماه توقف در طبرستان بدون اخذ نتیجه از راه قوس عارم سیستان شد.

بعد از مراجعت یعقوب، حسن بن زیند دامغان را به تصرف درآورد و سرانجام در سال ۲۸۷ هجری دامغان جزو متمصرفات امیر اسماعیل سامانی شد.

در سال ۳۳۱ هجری، وشمگیر که در جنگ با سامانیان سخت مستأصل شده بود از حسن بن فیروزشاه (فیروزان) پسر عم ماکان که حاکم جرجان و قومس بود کمک خواست ولی حسن با تقاضای او مخالفت کرد، این کار منجر به دشمنی شدید شد بطوریکه مدتها بین آن دو جنگ و جدال بود، تا آنکه وشمگیر غالب و در نتیجه بار دیگر دامغان جزء متمصرفات او گردید.

در سال ۳۸۷ سلطان محمود غزنوی به سلطنت رسید و بعد از سلطنت او سلطان مسعود بجای پدر نشست. در زمان این پادشاه خراسان و قومس و ری مورد تاخت و تاز طغرل بیک و غزان واقع گردید.

بنابراین طغرل سلجوقی دامغان را تصرف شد و حکومت گرگان و قومس را



دامغان تاریخانه

به قتلش بن موسی ارسالن واگذار کرد.

بعد از طغرل برادرزاده اش آلپ ارسلان در سال ۴۵۵ هجری به سلطنت رسید. این پادشاه در دامغان با قتلش جنگید و در این جنگ قتلش از اسب به زمین افتاد و درگذشت. در سال ۴۹۴ هجری یکی از پیروان ثابت قدم فرقه اسماعیلیه بنام رئیس مظفر مستوفی یکی از امیران سلجوقی بنام امیرداجبشی را وادار کرد تا وی را بر قلعه معتبر گردکوه واقع در ۱۸ کیلومتری مغرب دامغان بگمارد و سپس رئیس مظفر پس از دست یافتن به گردکوه به تقویت فرقه اسماعیلیه در میان سلاجقه پرداخت و پس از درگذشت او پسرش رئیس شرف الدین منشی جانشین پدر شد.

در این زمان دامغان و اطراف آن مرکز انقلابها و آشفتگیهای فرقه اسماعیلیه بود و مردم این نواحی از ترس آنان آسایش نداشتند و برج و باروها را شب و روز بوسیله نگهبانان حفاظت می کردند، دائماً بین افراد این فرقه و فرمانروایان آل یاقوت جنگ و ستیز بود. در سال ۶۰۶ هجری سلطان محمد خوارزمشاه سلسله باوندیه را منقرض و در نتیجه دامغان تا حمله مغول جزء متصرفات او بود.

در سال ۷۶۶ هجری صحرائنشینان مغول و ترک بدریاست امپروولی قیام کردند. امیر ولی پس از جنگ سختی استرآباد و بعد از آن شهرهای بسطام و دامغان و سنجان و فیروزکوه را از دست سرداران بیرون آورد و متصرف شد.

امیر تیمور گورکانی در یکی از یورشهای خود به دامغان آمد و بسیاری از اهالی را کشت و شهر را نیمه خراب کرد و روانه شام گردید و پاریزگر در سال ۷۹۶ هجری برعهده بی از تاناران که بمسکرده خود «تنگری برمش» شوریده او را در بیرون دامغان مجروح ساخته بودند، خشم گرفت و به تلافی آن سه هزار نفر از ایشان را که بیشترشان از اهالی دامغان بودند، و به تاناران یاری کرده بودند، کشت و دستور داد از سر آنها مناره‌یی ترتیب دادند.

«کلاوینجو» سفیر اغرامی پادشاه اسپانیا که در سال ۸۰۶ هجری برای ملاقات تیمور به ایران مسافرت کرده بود مشاهدات خود را در دامغان چنین می نویسد: در بیرون دامغان به فاصله یک تیر پرتاب دو برج دیدیم که بلندی آنها بقدر یک سنگ پرتاب بود و هر دو آنها با استخوان سر انسان ساخته شده بود، در کنار آنها دو برج دیگر نظیر دو برج اول قرار داشت که اینک به ویرانی افتاده بود، این مجموعه‌ها متعلق به تاناران بود.

در سال ۹۱۴ هجری «بدیع الزمان تیموری» که از ترس از بیکان به شاه اسمعیل صفوی پناهنده شده بود حکومت جرجان را داشت. در این سال محمدخان شیانی از یک معروف به شیبک خان از توران به عزم تسخیر خراسان

و گرگان عزیمت کرد و بدیع الزمان به دامغان آمد و سپس فرار کرد و در نتیجه محمدخان دامغان را به تصرف خویش درآورد.

در سال ۹۱۶ شاه اسمعیل صفوی به عزم سرکوبی شیبک خان که صفحه خراسان تا دامغان را تصاحب کرده و دامغانش «احمدسلطان» را حکومت داده بود، عزیمت کرد و احمدسلطان چون توان پایداری در خود ندید، به دستور شیبک، دامغان را سخت ویران ساخت و به هرات گریخت.

پس از مرگ شاه عباس ثانی هنگام عزیمت به مازندران، برای تعیین جانشین مجلس شورایی در خسروآباد دامغان تشکیل شد که شرح مفصل آن در سیاحتنامه تارند آمده است.

پس از پیروزی افغانها طهماسب میرزای صفوی بر ضد آنان وارد مبارزه شد. فتحعلی خان قاجار که در آن زمان حکومت سنجان را داشت ابتدا به طهماسب کمک کرد، اما پس از فرار طهماسب به مازندران، فتحعلی خان به دامغان آمد و پس از جنگ با «ذوالفقار خان» که یکی از سرداران طهماسب بود، دامغان را متصرف شد.

در سفری که طهماسب و نادرقلی افشار و فتحعلی خان قاجار باهم بودند نادرقلی، فتحعلی خان را کشت و خود جانشین او شد. در این هنگام اشرف افغان تصمیم گرفت که طهماسب را از میان بردارد و بالاخره در جنگی که در مهاندوست دامغان برپا شد اشرف بمسختی شکست خورد و سرانجام به قتل رسید و بعد از آن طهماسب از دامغان به اصفهان رفت.

در سال ۱۱۷۲ هجری محمدحسن خان قاجار کشته شد، و کریم خان زند تحت تأثیر تلقین آغا محمدخان حکومت دامغان را به حسینقلی خان قاجار واگذار کرد.

حسینقلی خان به دستور آغا محمدخان پس از مدتی حکومت به دامغان و مستحکم کردن قلعه قریه ننگه به استرآباد لشکر کشید و «محمد خان قاجار دلو» را که حاکم آنجا بود شکست داد، و سرانجام مازندران را هم فتح و در بابل به نام جهانسوز شاه به تخت نشست، و برضد کریم خان قیام کرد.

کریم خان در صفر ۱۱۹۳ هجری فوت کرد و آغا محمدخان بلافاصله از شیراز فرار کرد.

عبدالله مستوفی می نویسد: آغا محمدخان زردبک خان خود را از دامغان احضار کرد و عریضهای ورامین را که نادرشاه از فارس کوچانده و در آنجا ساکن کرده بود با خود هم دست نمود و با آنها به سمت گرگان شتافت.

آغا محمدخان که دو بنای مخروبه خشتی و گلی از او در چشمه علی دامغان باقی است در سال ۱۲۱۱ به قتل رسید و برادرزاده اش فتحعلیشاه به جای او نشست.

در زمان سلطنت احمدشاه عده‌یی از

سرلشکران دولتی با دو توپ و قورخانه فرمانده «مسعودالملک هزارجریبی» مأمور دامغان شدند و با «ارشدالدوله» که از طرف محمدعلی میرزا برای فتح تهران عازم بود در دامغان جنگ مختصری کردند و سرانجام بیشتر آنان به اردوی «ارشدالدوله» ملحق شدند.

پس از آنکه محمدعلی میرزا در اسپدار گله سوادکوه از قوای دولتی و مجاهدان شکست خورد به استرآباد فرار کرده مشغول جمع آوری سپاه شد.

مجاهدان اغرامی قبل از طلوع آفتاب روز هشتم محرم ۱۲۳۰ در حالیکه مه‌غلیظی همهجا را پوشانده بود وارد دامغان شده، سنگرهای مستندان را محاصره و سرانجام دارالحکومه و بقعه سنگرهای آنان را متصرف شدند، در این جنگ عده زیادی از مستندان کشته شدند. در ذیحجه ۱۲۳۳ هجری «نصرت‌الله میرزا» معروف به امیرانظفم در عباس آباد دامغان بدست اسمعیل خان به قتل رسید.

مردم دامغان شاهدوست و میهن پرستند بطوریکه در واقعه مرداد ۱۲۳۲ یک روز قبل از قیام ملی دست به تظاهرات زده و مخالفان را مجبور به فرار از شهر کردند.

آثار تاریخی دامغان

حطاری و بناهای تاریخی گردکوه که در ۱۸ کیلومتری مغرب دامغان قرار دارد، یک قطعه کوه منفردی است که تقریباً در حدود ۶۰۰ متر ارتفاع دارد. برای صعود به این کوه بیش از یک راه وجود ندارد. در اطراف این کوه خانه و برجهای مراقبت بسیاری نیز ساخته اند. گردکوه تا اوایل قرن هشتم که حمدالله مستوفی کتاب «تُرُثُ القلوب» را نوشته به دژ کبیران معروف بود و در زمان حکومت فرقه اسماعیلیه در ایران قلعه گردکوه یکی از سنگرهای بسیار محکم آنان بوده است. مارشال گ. س. هاجس در کتاب «سفره اسماعیلیه اینطور نوشته است:

رئیس مظفر با کمک یکی از امیران سلجوقی حاکم گردکوه شد، وی دستورات ناچاه بسیار غیبی در زمین سخت بریدند، اما این چاه در زمان حیات خودش به آب نیفتاد، بلکه سالهای بعد، بر اثر زلزله جسمه‌ای در آن گشاده شد.

یکی از تپه‌های اطراف دامغان تپه حمار می باشد که در اثر حطاری نفسی از آنسکده‌یی متعلق به دوره ساسانی و همچنین فراع اشکانیان و کچ‌پسریهای دوره ساسانی در آن کشف شده است. قدیم‌ترین و مهم‌ترین آثار تاریخی بعد از اسلام ایران قاری‌خانه (مسجد جهل‌ستون) دامغان است. تازی در زبان ترکی به معنی خدا است و تازی‌خانه یعنی خانه خدا (مسجد)، برخی معتقدند که این محل آنسکده بوده و بعد از تسلط اعراب آن

را تازی خانه خواندند و کم کم به تازی خانه تبدیل شده است.

آقای گسدار (Goddard) در رساله

مفصلی که در اهمیت و ارزش تازی خانه نوشته متذکر می گردد (در بنای تازی خانه یعنی در اشکاز معماری که در آن بکار برده شده هیچ چیز نیست که ایرانی خالص نباشد حتی می توان گفت در این بنا هیچ چیز نیست که از بناهای دیگر ناحیه ای که این مسجد در آن ساخته شده تقلید کرده باشند).

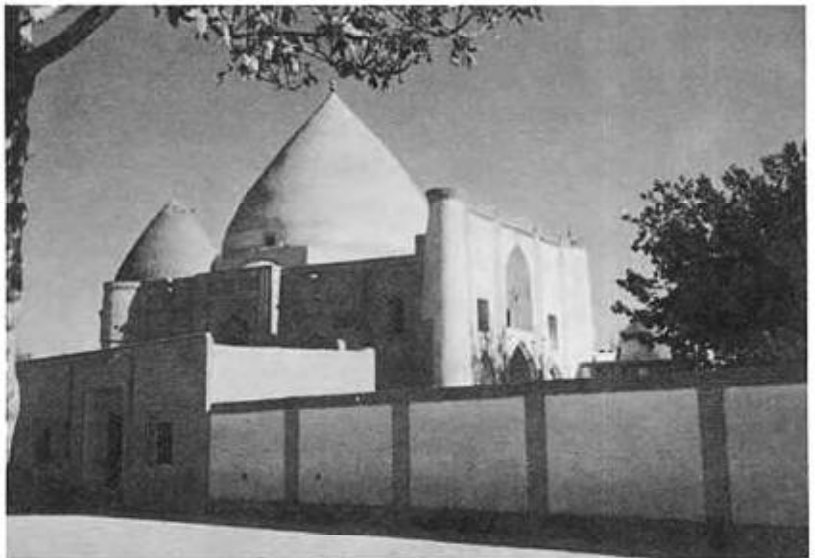
دکتر ویلسن یا سررسی سگ این بنا عمرش را به قبل از سال ۲۰۰ هجری تعیین می کند. ساختمان این مسجد عبارت است از: محن مرکزی و دالانهای اطراف آن و مطافهای اطراف محن که از آجر ساخته شده. این اجزا خلاف معمول بحالت عمودی و دورچه یکنی فوق دیگری قرار داده شده است.

مسجد جامع - مسجد جامع دامغان از بناهای قبل از سلجوقیان است و گروهی بنای این مسجد را مربوط به زمان خلافت مأمون می دانند. متأسفانه از آن مسجد جز ایوان سرپوشیده چیز دیگری نمانده است. امامزاده جعفر - مقبره امامزاده جعفر در مغرب شهر دامغان از بناهای مربوط به پیش از زور تار سلجوقیان است. بقعه این امامزاده از خارج مستطیلی است به طول و عرض ۱۲×۱۴ متر. عده ای معتقد هستند هنگامی که دامغان جزء متصرفات آل زیار بوده است حکام شیعه مذهب این سلسله بقعه مزبور را ساخته اند.

ساختمان امامزاده جعفر که در بدو امر برپیرایه بوده است بعدها با کاشیهای بسیار زیبا که روی اغلب آنها به عربی سال ۶۶۵ هجری نوشته شده مزین گردیده. از نوشته های آن دسته از نویسندگان که کاشیهای مذکور را با چشم خود دیده و وصف آنها نوشته اند چنین استنباط می شود که اغلب کاشیها پد رنگ سمره ای و یا سبز روشن بوده است و روی آنها صورتهای حیواناتی از قبیل فیل و شیر و مرغابی و کرگدن و غیره بوده و اشعار و مطالبی نیز روی کاشیهای مذکور نوشته بوده اند.

بیر علمدار - برج مقبره ای پیر علمدار را که در مشرق شهر دامغان در محله خوریا واقع شده، ابو حرب بختیار در سال ۴۱۷ هجری برای آرامگاه پدر خود محمد بن ابراهیم از آجر ساخته است.

این برج منور که در حدود ۱۳ متر ارتفاع دارد دارای سقف مخروطی پیازی شکل است. آقای س. فلوری طی مقاله ای در کتاب صنایع ایران خط کوفی را به سبک تقسیم و کتیبه داخل مقبره پیر علمدار دامغان را از نوع کوفی مشک که اصل این خط به ایران نسبت داده می شود واز تمام خطوط دیگر کوفی برجسته تر است، می داند.



مسجد دختران - دامغان



میدان ۶ بهمن - دامغان

مناره تاریخانه - دکتر ویلسن مناره تاری خانه را قدیم ترین مناره موجود در ایران دانسته است. در ساختمان این مناره دو نوع آجر دیده می شود و بنای آن از پایین مدور ساخته شده است.

دیگر از آثار تاریخی دامغان برج مقبره بی چهل دختران است که در کنار امامزاده جعفر شهر دامغان واقع است. در بالای این برج نزدیک به گنبد کتیبه بی سه خط کوفی وجود دارد. در بالای در کوچک این برج که به جانب جنوب شرقی باز می شود کتیبه بی است از گچ به خط کوفی که تاکنون خوانده نشده است.

مناره مسجد جامع دامغان که دارای ۱۰۵ پله و ارتفاع آن ۳۱ ذرع بوده ، نیز یکی دیگر از آثار تاریخی دامغان است. روی مناره را با آجرهای نازک کوچک ترین کرده اند و در وسط مناره، قدری متمایل به پایین کتیبه بی است از آجر که آیه نور را بر روی آن نوشته اند.

دکتر ویلسن در تاریخ سنیایع ایران آورده است.

در آدان صبح روز ۱۵ ذی قعدة ۱۳۵۱ برابر با ۲۲ اسفند ۱۳۱۱، برق شدیدی به مناره مد تورا امایت و پس از به کوشش رسیدن مدعی مهیسی شکافی بزرگ از بالا به پایین در آن ظاهر شد که پس از مدتی آنرا تعمیر کردند.

برج همایندوست - این برج در زاده ترک دارد که یکی از ترکها مدخل است. کتیبه بی در آن هست به خط کوفی و بالای آن کتیبه دیگری است خط بنانی و از آن به بعد گنبد مخروطی شروع می شود.

از دیگر آثار تاریخی مکی گنبدزنگوله است که در شرق جنوب غربی دامغان و همچنین حصار، سد اول سد هم حجره که کنار امامزاده جعفر ساخته شده است.

سنگ سینه های دامغان عبارت است از سنگ سینه قریه مریز، که تاکنون سه معالمان آن از سنگی به سنگ دیگر منتقل شده است. و دیگر سنگ سینه های امامزاده جعفر ، که در این امامزاده بوسنگ سینه روبروی گنبد گنبد شده است.

در مدخل مسجد جامع سنگی محراب ، بر آن عبار بر نوشته شده. همچنین در چشمه بی چهار سنگ سینه است که اندازه تمام آنها ۱۰۰×۵۵ سانتی متر و مربوط به زمان فتحعلی شاه است و جنس سنگها نیز از مرمر است.

از دیگر آثار تاریخی دامغان عمارت و مسجد چشمه علی است که در سال ۱۲۱۷ هجری بدستور فتحعلی شاه قاجار ساخته شد و بنایی زیبا از آجر و چوب نیز در میان دریاچه چشمه علی و مسجدی از خشت خام در کنار دریاچه مذکور بود، متأسفانه بنای مذکور در وسط دریاچه به علت بی توجهی

قسمتی ویران شده و بقیه آن نیز در شرف انهدام است.

وضع اجتماعی دامغان کنونی
کمیته پیکار بایسواد شهرستان دامغان در اواخر پاییز ۱۳۴۶ تشکیل شد و تاکنون ۱۴۴ سپاهی دانش خدمت خود را در قراء دامغان بیابان رسانیده اند.

جوانان دامغان در سالهای اخیر از نظر ورزش نیز پیشرفتهایی قابل توجه کرده اند. با تأسیس چندین کتابخانه از قبیل کتابخانه دبیرستان فردوسی، پروین اعتصامی و دبستان پهلوی در شهر دامغان کمک بزرگی برای تسریع و بالا بردن سطح فرهنگ اجتماعی شده است.

بهداشت - در حال حاضر بهداری دامغان دارای بیمارستانی مجهز و منزلی مناسب برای سکونت رئیس بهداری می باشد که از طرف افراد محلی ساخته و بدولت واگذار شده است.

چون در دیه های اطراف درمانگاه وجود نداشت و در نتیجه بیماران دیه ها باید برای معالجه سه شهر بیابند از این جهت درمانگاههای امیرآباد (با اعتبار وزارت بهداری) و چهارده (از محل عمران)

و درمانگاههای دروآر ساخته شده است و درمانگاه مرکزی شهر که از محل دودرمد شهر داری ساخته شده است تأسیس گردید و همچنین بیمارستان از محل دودرمد، تعمیرات اساسی شده و تا حدود امکان مجهز گردید.

سیاه بهداشت از سال ۱۳۴۴ شمسی در دامغان مشغول کار شده و تاکنون چندین پزشک و دینامه سیاه بهداشت در آزمایشگاه شهر و درمانگاههای امیرآباد و چهارده و حجرآباد خدمت خود را بیابان رسانیده اند. شیروخسورشید طرح دامغان در سال ۱۳۲۷ تکمیل شد و بعد از بوجود آمدن ساختمان مرکزی و زایشگاه خانواده کی سر انجام در سال ۱۳۴۱ اولین کلنگ ساختمان بیمارستان بهداشتی آریانه مهر به زمین زده شد.

با تشکیل جاده های انصاف، آسایش مردم دامغان از هر نظر بهتر شده است و همچنین با وجود آمدن سیاه ترویج و آبادانی که از سال ۱۳۴۵ - دامغان مشغول کار شده و بیابان با راه سازی آنان وظایف خود را بهتر انجام می دهند.

منابع و مأخذ:

- ۱- تاریخ قدس - تألیف رفیع (عبدالرفیع حدیث) چاپ اول - فروردیماه ۱۳۳۴ - چاپ اطلاعات .
- ۲- تاریخ سنیایع دستر: تألیف دکتر ج. کریمی ورس رحمة عدالله فریار - سال ۱۳۱۷ - چاپ بروخیم .
- ۳- تاریخ طبرستان: تألیف بهاءالدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب در سال ۶۱۳ هجری - چاپ مجلس .
- ۴- دامغان شش هزار ساله : تألیف محمد بن طاهریا - چاپ سال ۱۳۴۱
- ۵- جغرافیای تاریخی دامغان - تألیف اقبال بنیانی - چاپ تهران
- ۶- شناسنامه شهرستانها - چاپ جار ۱۳۴۵ - تهران.
- ۷- مشاهدات نگارنده گزارش.



برج مسجد تاریخانه - دامغان

بهداشت عمومی

عبدالله فرخی

زمینه‌ی برای درمان عمومی

- * برای ۳۲ میلیون مردم ایران شناسنامه بهداشتی تهیه می‌شود.
- * ۴۸ میلیون بار واکسن مختلف تا پایان سال جاری تلقیح خواهد شد.
- * با تربیت کادرهای کمکی بجنگ کمبود پزشک می‌رویم.
- * نزدیک به ۶۰ هزار نفر برای اجرای برنامه‌های پیشگیری و بهداشت در تمام کشور تربیت می‌شوند.
- * افراد کم‌درآمد بطور رایگان بیمه درمانی می‌شوند.
- * ۲۲۰۰۰ تخت‌طی ۴ سال آینده به تختخوابهای بیمارستانها افزوده می‌شود.
- * یک سازمان مسوول، هماهنگی امور درمانی مؤسسات پزشکی را برعهده خواهد گرفت.

واکسیناسیون عمومی در مورد بیماریهای آبله و با - بیماری نلات، (کراز - دیفتری و سیاه‌سرفه) سرخک - ب ت ز (سل) و فلج اطفال صورت می‌گیرد و طی یکسال که برای اجرای برنامه پیش‌بینی شده قریب ۴۸ میلیون بار واکسن‌های مختلف تلقیح خواهد شد.

وظیفه دوم این افراد مسأله بیماریهای است که همزمان با برنامه پیشگیری صورت می‌گیرد و گروههای بهداشتی در زمینه بیماریهای آمیزشی - تراخم - سل - جذام - بیماریهای زودبوی و تغذیه‌یی و کجلی بیماریهای کرده، بیماران را به مراکز درمانی معرفی می‌کنند.

وظیفه سوم این افراد تنظیم و صدور یک کارت بهداشتی است که در آن وضعیت فرد از نظر بیماریهایی که گرفته و واکسن - هایی که زده است منحص می‌شود.

در این کارت وضع بهداشتی فرد - بیماریهای موروثی - گروه خون - بیماریهای مادرزادی و اطلاعات پزشکی برای صاحب کارت از بدو تا زمان مرگ منعکس خواهد شد و در واقع هر فرد همانطور که دارای شناسنامه است، دارای شناسنامه بهداشتی نیز خواهد شد.

پس از صدور فرمان همایونی کمیته‌های مأمور رسیدگی و اجرای فرمان دایسر بر انجام امور بهداشتی رایگان و صدور کارت بهداشتی برای افراد زیر نظر ستاد مرکزی

خبر با فرمان همایونی آغاز شد و این خبر در میان مردم انعکاس وسیعی داشت و بدنال بحت هیات دولت درباره فرمان بهداشت رایگان وزیر بهداری جزئیات برنامه را توضیح داد.

پروفیسور بویان وزیر بهداری طی یک کنفرانس مطبوعاتی رؤوس برنامه اجرایی فرمان همایونی دایر مر بهداشت رایگان را تشریح کرد.

همانگونه که وزیر بهداری خاطرنشان کرد امور درمانی را نمی‌توان در یک مدت کوتاه عملی کرد و از این نظر نیاز به مذاقه بیشتری دارد که پس از آماده شدن کیفیت آن اعلام خواهد شد.

در مسوود بهداشت رایگان مسؤولیت اجرای فرمان بزرگ بمهده وزارت بهداری است، این فرمان که برای اولین بار در ایران صادر می‌شود یکی از فرمانهایی است که نه تنها نظیر آن در ایران بلکه در دنیا کم است. با اجرای این فرمان کلیه افراد مملکت تحت پوشش برنامه‌های پیشگیری و بیماریهای قرار می‌گیرند و برای هر یک از آنان کارت بهداشتی مخصوص صادر می‌شود.

لازم بیادآوری است که کادر بهداشتی و درمانی و اجرایی این فرمان، سه وظیفه اصلی برعهده دارند. اول اجرای برنامه پیشگیری و واکسیناسیون برای تمام گروهها و قشرهای اجتماع چه در سطح شهرها و چه در روستاها، در اجرای این برنامه طرح

جناب امیرعباس هویدا نخست‌وزیر نظر به تعلقه‌یی که به تندرستی کلیه افراد این مرز و بوم داریم و معتقدیم تأمین سلامت مردم کشور پایه و اساس همه برنامه‌های توسعه و پیشرفت بسوی تمدن بزرگ است و از طرفی پیشگیری از بیماریها را یکی از ارکان اساسی بهداشت و درمان میدانیم به موجب این فرمان مقرر می‌داریم:

۱- دولت در کوتاهترین زمان ممکن بوسیله وزارت بهداری اقدامات لازم را برای بیماریابی یا جلوگیری از بیماریهای واگیر - پیشگیری از بیماریهایی که بوسیله واکسیناسیون‌های مختلف امکان پذیر است، بهبود محیط زیست و آموزش بهداشت به عموم مردم بعمل آورد، بطوریکه موردی از بیماریهای قابل پیشگیری در هیچیک از نقاط کشور اعم از شهری و روستایی مشاهده نشود.

۲- برای هر یک از افراد کشور شناسنامه بهداشتی تهیه شود بنحوی که کلیه سوابق بهداشتی آنها، بیماریها، واکسیناسیونهای انجام شده و غیره در آن منعکس گردد.

بدیهی است تأمین بهداشت عمومی از وظائف دولت است و جز در مواردیکه همکاری و خودداری مردم لازم است، بصورت رایگان خواهد بود.

محمد رضا پهلوی

کاخ نیاوران - بتاريخ بیست و هشتم اسفند ماه ۵۳

این برنامه شروع بکار کرد و این کمیته‌ها محدود شناسنامه بهداشتی را در نقاط دور افتاده کشور آغاز کردند.

دست اندرکاران درمان و بهداشت و پزشکان ایران، انجام بهداشت رایگان را یک برنامه مترقی توصیف می‌کنند و در این عقیده اتفاق نظر دارند که انجام این بهداشت و برنامه‌های پیشگیری و بهداشتی و بیماری‌زایی می‌تواند بسیاری از مشکلات درمانی مردم را حل کند و پیش از بیمار شدن با هزینه کمتری جلوی بیماری را بگیرد و بیمار در کمترین مدت ممکن درمان شود.

برای اجرائی برنامه مذکور ابتداء از ۸۰۰۰ کادر بهداشتی موجود وزارت بهداشتی استفاده می‌شود و سپس گروه‌های جدیدی برای این برنامه تربیت می‌شوند بطوریکه در مراحل بعدی یک شبکه بهداشتی وسیع امور بهداشتی همه افراد ساکن در شهرها و روستاها را برعهده خواهد گرفت.

سر سمینار مسایل آموزش پزشکی برنامه‌های بهداشتی و درمانی در سطح مملکت توأمأ اجرائی شود. رؤوس اجرائی این طرح در سمینار مسایل آموزش پزشکی

که در روز نوزده اسفند ماه گذشته باینناات والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی نیابت ریاست عالی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در دانشگاه بهاسوی افتتاح شد تشریح گردید.

در این سمینار کارشناسان سرچشمه ایرانی و خارجی مسائل مربوط به آموزش بهداشت و پزشکی را مورد بحث و تبادل نظر قرار دادند.

والاحضرت اشرف در بیانات افتتاحیه خود ضمن اشاره به پیشرفت‌های پزشکی در جهان امروز مائله مرگ و میر اطفال را در کشورهای «نوسنت» مطرح کردند و اظهار داشتند:

برغم همه پیشرفت‌های سبایقه علمی و صنعتی از هر ۴ کودک که در کشورهای جهان سوم دنیا می‌آیند یکی در همان نخستین سالهای زندگی می‌میرد و یکی دیگر بر اثر کمبود یا سوءتغذیه در طول زندگی خود معلول و عاجز می‌شود.

همچنین میلیونها نفر از مردمانی که دانش پزشکی می‌توانست آنها را از خطر مرگ نجات دهد در اثر محروم بودن از این

امکانات جان خود را از دست می‌دهند. پس بهروشنی دیده می‌شود که اکثریت مردم جهان هنوز نمی‌توانند از امکانات وسیع دانش رسی پزشکی آنچنان که باید و شاید استفاده کنند و رفاه اقتصادی واجتماعی را که این دانش باید بوجود آورد در راه هدف‌های خود به کار اندازند. بسیاری از آنها مربوط به وضع عقب ماندگی و ناشی از فقر - نادانی و تعصب - کمبود نیروی انسانی تربیت شده بخصوص پزشکان کارآموده و بالآخره رشد بیش از اندازه جمعیت و بیماری‌های واگیر است.

مفهوم پزشکی بالینی آنچنان که از مغرب زمین سرچشمه گرفته سریع زیادی به‌وخامت اوضاع داده است. به‌این مفهوم که کوشش‌های پزشکان را محصور محدود به مبارزه با بیماریها ساخته است، و انسان‌هایی که مبتلا می‌شوند و نیاز به‌مرافقت دارند کمتر از بیمارستان مورد توجه قرار می‌گیرند. پزشکی ترویجی و پزشکی پیشگیری بیرون از قلمرو عدالینهای پزشکی مانده و کوشش‌هایی هم که برای حل مسائل به‌رنج بهداشتی شده بددت درمقیاس جامع و بطور مرتب



واکسیناسون بوسنه سیاهان بهداشت

مورث گرفته است.

والاحضرت اشرف پهلوی ضمن اشاره به مطالعات اخیر هیأت بررسی مسائل بهداشتی و درمانی در سازمان شاهنشاهی گفتند که: این مطالعات نشان می‌دهد که کشور ما در این زمینه‌ها استثناء نیست. با وجود پیشرفت‌های عظیمی که به‌ویژه در دهسال گذشته در ایران صورت گرفته است هنوز ما از سطح انتظار اتمان در زمینه مراقبت بهداشتی و پزشکی مؤثر برای همگان دور مانده‌ایم.

والاحضرت آنگاه افزودند در گزارشی که بزودی به‌بیتگاه شاهنشاهی آریامهر تقدیم خواهد شد، هبات بررسی مسائل بهداشتی و درمانی در نظر دارد تأسیس یک شبکه ملی خدمات پزشکی و بهداشتی را بطوریکه بتواند نیازهای خاص کشور ما را برای تمام طبقات اجتماع تأمین کند، پیشنهاد نماید. کمال مطلوب آنست که تمام کارکنان پزشکی و بهداشتی در عین حال هم‌کار کنند هم آموزش ببینند و هم آموزش بگیرند و به‌همان شکل همه دانش آموزان پزشکی و بهداشتی سن تحصیل و تکمیل دانش خود، کار و خدمت کنند و در پیشرفت هدفهای شبکه تندرستی سهیم شوند.

والاحضرت سپس نقش دانشکده‌های پزشکی را در تربیت پزشکان متخصص مطرح کردند و گفتند: هدف اصلی دانشکده‌های پزشکی تربیت فردی است که یگانه وظیفه او تشخیص و درمان بیمارها و کادر کلینیک‌های شخصی یا بیمارستانهاست و نه تربیت فردی که خود را نسبت به تندرستی میلیون‌ها انسانی که خارج از حیطه عمل او زندگی می‌کنند مسؤول بداند. اینک در جهان در حال توسعه تصویر جدیدی از پزشک فردا در افق به چشم می‌آید که با تصویری که کشورهای توسعه یافته بدان داده‌اند، فرق بسیار دارد.

در این تصویر پزشک دیگر تنها یک کارشناس بیماری و میکروپ نیست بلکه از او انتظار می‌رود که رهبر فعال یک گروه تندرستی، یک طراح، یک مربی، یک مشاور و بیش از هر چیز یک انسان متعهد باشد که پیش و پسیمی از مسائل بنیادی تندرستی اجتماع داشته باشد.

شروع اجرای طرح شبکه تندرستی ملی براساس طرح تهیه شده نخستین گروه شبکه تندرستی ملی بهار آینده به روستاها اعزام می‌شوند. این عده هم اکنون دوره آموزش لازم را فرا می‌گیرند و سپس عازم محل مأموریت خود می‌شوند.

یکی از مشکلات موجود در ایران وجود اکثریت جمعیت کشور در روستاها و پراکندگی روستاها از یکدیگر است. در

وضع موجود بالغ بر ۶۰ درصد جمعیت کشور در روستاها بسر می‌برند که بعبارت کمی پزشک و کادر درمانی، دسترسی به دارو و درمان برای روستاییان مشکل خواهد بود. در حال حاضر بالغ بر ۱۱ هزار پزشک در ایران کار می‌کنند که نیمی از آنان در استان مرکزی به کار مسغولند و مقصود از استان مرکزی نیز در این تعبیر تهران است و وقتی گفته می‌شود که بیم دیگر پزشکان کشور در شهرها ساکنند مقصود این است که این بیم دیگر نیز در مراکز استانها و شهرهای بزرگ کار می‌کنند.

عبارت بهر، براساس آخرین آمار نظام پزشکی تعداد کل پزشکان و دندانپزشکان کشور ۱۱۷۷۴ نفر است که اگر میزان جمعیت را نسبت به تعداد پزشکان و دندانپزشکان بسنجیم برای ۲۶۳۲ نفر یک پزشک و دندانپزشک خواهیم داشت.

در آمار نظام پزشکی عده پزشکان کل کشور ۱۰۲۸۵ نفر و نسبت جمعیت یک پزشک در تمام کشور ۳۰۱۴ نفر است. بعلاوه عده دندانپزشکان کل کشور ۱۲۸۹ نفر و نسبت جمعیت به یک دندانپزشک ۲۰۸۱۹ نفر گزارش شده است.

آمار مذکور نشان می‌دهد که در تهران بزرگ ۴۸۱۳ پزشک و برای هر ۷۸۹ نفر یک پزشک وجود دارد. در حالی‌که عده پزشکان سایر شهرستانهای ایران ۵۴۷۲ نفر و نسبت جمعیت به یک پزشک ۴۶۷۰ نفر است. عده دندانپزشکان در تهران بزرگ ۸۴۶ نفر و نسبت جمعیت یک دندانپزشک ۴۴۹۱ نفر است در حالی‌که از ۱۸۴۱۰ نفر برای شهرستانها بترتیب ۶۵۳ و ۲۳۰۱ نفر است. عده کل متخصصان کشور در رشته‌های مختلف پزشکی جمعاً ۳۵۳۸ نفر و تعداد پزشکان متخصص تهران بزرگ ۲۳۴۷ نفر گزارش شده است.

یک آمار تطبیقی نشان می‌دهد که در مقابل تهران بزرگ که با ۴۸۳۱ پزشک برای هر ۷۸۹ تن جمعیت یک پزشک وجود دارد در استان اصفهان با ۶۵۲ پزشک برای هر ۲۵۶۴ نفر یک پزشک موجود است. این آمار برای استان خوزستان بترتیب ۶۷۱ و ۲۷۵۲ نفر، برای استان فارس ۴۹۴ و ۲۹۴۶ نفر، استان خراسان ۶۶۲ و ۴۳۸۰ نفر، استان یزد ۸۱ و ۴۰۷۴ نفر، استان زنجان ۴۱ و ۱۳۱۷۰ نفر، فرمانداریکل سمنان ۶۹ و ۳۳۳۳ نفر، فرمانداریکل بوی احمد ۲۴ و ۸۰۰۰ نفر و فرمانداریکل ایلام ۱۲ و ۸۲۳۸ نفر است.

همین جهت در طرح ایجاد شبکه درمانی کشور (شبکه تندرستی ملی) توجه به افراد کمکی و غیر پزشک شده است و در واقع

از اینگونه افراد که به تعداد کافی وجود دارند استفاده خواهد شد و در واقع این افراد کمک‌های اولیه و امور ارشادی و پیشگیری و بیماری را برعهده خواهند داشت. آنچه ساله بیماریابی نیز شاید بوسیله غیر پزشک منطقی نباشد مهاد خدمت اینگونه افراد که آموزش کافی در رشته مربوط وجود داشته باشند در رفع معضل بهداشت و درمان مؤثر خواهد بود.

برای رفع مشکل کمبود پزشک همان‌گونه که دکتر منوچهر اقبال رئیس نظام پزشکی یادآور شد یک چند به این سیاست توسل جست که پزشکان را با پرداخت حقوق بیشتر بخدمت در روستاها ترغیب کنند ولی این رویه عملاً با مشکلات دیگری مواجه شد، زیرا بهر کیفیت اعزام یک پزشک دانشگاه دیده به روستا چنانچه با نداشتن امکانات و وسائل لازم توأم باشد موجب عدم استفاده کامل و کافی از معلومات و مکتسبات وی خواهد گردید. در حالی‌که پیشگیری و یا تشخیص و درمان بیشتر بیماریهای معمول روستاییان مستلزم استفاده از پزشکانیکه ۲۰ سال تحصیل کرده‌اند نیست. همین لحاظ بیشتر کشورهای در حال توسعه جهان باین نتیجه رسیده‌اند که افرادی را در رده‌های مختلف تربیت کنند که با گذراندن دوره‌های کوتاه مدت بتوانند بسیاری از پیشگیریها و اصول اولیه بهداشت را به ساکنان روستاها بیاموزند. خیلی از بیماریهای ساده را درمان و یا از پیشرفت سریع بعضی از آنها جلوگیری کنند. تأمین شرایط بهداشتی محیط و آب سالم آشامیدنی و تریق و اکسن و بسیاری دیگر از اینگونه امور به پزشک دانشگاه دیده احتیاج ندارد. ما گفته نباید گذشت که در ایران تربیت این قبیل جانشینان پزشک بی‌سابقه نیست. در ادوار پیشین در کشور ما عنوان طبیب به کسی اطلاق می‌شد که نه تنها علم پزشکی آموخته بلکه اطلاعات عمومی وسیع در فلسفه - هنر - تاریخ - طبیعیات و الهیات نیز آندوخته باشد و اگر کسی فقط پزشکی می‌دانست به وی «متطلب» می‌گفتند و مقام او را نازل‌تر از حکیم و طبیب می‌دانستند و نیز پایین‌تر از این طبقه کمک پزشکانی بودند که آنها را «مداوی» می‌خواندند و همچنین گروهی نیز بنام سلمانی با اداء سوگند و اجازه پزشک بعضی از جراحی‌های ساده و مقدماتی را انجام می‌دادند.

در دوران سلطت اعلیحضرت رضاشاه کبیر که در شؤون کشور ما تحولات شگرف و اساسی پدید آمد تشکیل آموزشگاه‌های بهداشتی و تربیت کمک پزشک نیز مورد توجه و اقدام قرار گرفت و چون این اقدامات جوابگوی

تمام احتیاجات نبود پزشکان تجربه‌اندوخته و کاردان مورد آزمایش قرار می‌گرفتند و در صورت توفیق بعنوان پزشک مجاز بر فع نیازهای درمانی مردم می‌پرداختند. و از سی و چند سال پیش عملاً تربیت پزشکیار - بهدار - پرستار و بهیار شروع شد.

تیم دونفره

طرح مربوط به ایجاد شبکه تندرستی ملی که هسته نخستین آن روستا است بوسیله یک تیم دونفره مرکب از یک مرد تحت عنوان بهداشت‌یار و یک زن بعنوان بهیار مامای روستایی اداره می‌شود و این دونفر امور بهداشتی و راهنمایی حدود ۲۰۰۰ نفر را برعهده خواهند داشت.

اساس این است که این افراد پس از آموزش کافی و عزیزت به روستاها خدمات اولیه را از طریق برنامه‌های امدادی ثابت و یا سیار انجام دهند و بیماران را در صورت لزوم به پزشک و یا بیمارستان معرفی کنند و فقط در چهارچوب وظایفی که برای آنان تعیین شده است انجام وظیفه خواهند کرد و در واقع از مرزهای مبین شده شرح‌وظیفه خود عدول نمی‌کنند. مثلاً بیماری که احتیاج به پزشک دارد به پزشک مرکز بخش و یا شهرستان معرفی می‌شود و در شهرستان پس از معاینه و درمان چنانچه بازهم نیاز به درمانهای تخصصی داشت به شهرستان معرفی خواهد شد و در صورت لزوم به اعمال جراحی و امور درمانی عالی‌تر به بیمارستان‌های بزرگ منطقه‌یی که در مراکز استانها ساخته می‌شود هدایت خواهد شد.

در شرح وظیفه بهداشت‌یار همچنین انجام کمک‌های اولیه برای مصدومان و جدا کردن بیماران و درمان بیماریهای طولانی تحت نظر پزشک و نیز درمان ساده و جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بیماران و تثبیت و تلخیص آنها پیش‌بینی شده است. بهداشت‌یاران از بین دیپلمه‌های متوسطه و بهیار مامای روستایی از میان دارندگان مدرک تحصیلی ششم ابتدایی انتخاب می‌شوند و پس از طی دوره‌های آموزشی باسندنام وزارت بهداشتی درمی‌آیند و راهی روستاها خواهند شد. استخدام این افسراد تابع ضوابط خاصی خواهد بود و انظوری که وزیر بهداشتی می‌گفت از حقوق مکفی نیز استفاده خواهند کرد زیرا با اعتقاد ایشان اگر کسی تأمین کافی نداشته باشد نخواهد توانست وظایف خود را آنچنان که باید و شاید انجام دهد و بهمین منظور حقوق و مزایای کافی برای این عده در نظر گرفته می‌شود بطوریکه به هیچیک از ضوابط استخدامی کشور نیز لطمه‌یی وارد نشود.

تربیت ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر

این طرح که فعلاً بطور آزمایشی در آذربایجان غربی برای مدت دو سال اجرا می‌شود با توجه به اختصاصات و نیازهای سایر استانهای ایران در بقیه نقاط کشور به مرحله اجرا درمی‌آید و در برآوردهایی که بعمل آمده است طی چهار سال آینده در حدود ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر برای اجرای این برنامه در ایران تربیت خواهند شد.

در توجیه این رقم گفته می‌شود که تیم دونفری می‌تواند در حدود ۲۰۰۰ نفر را زیر پوشش بهداشتی قرار دهد و با توجه به تمرکز یا عدم تمرکز روستاها، یک روستا و یا چند روستا در حوزه عملیات این تیم قرار می‌گیرد و در تمام روستاهای کشور در حدود ۱۰ هزار تیم دونفره یعنی ۲۰ هزار نفر برای اینکار لازمست و در یک سطح بالاتر که گروههای بهداشتی بیشتری و از جمله پزشک نیز در آن وجود دارند و تعداد هر تیم ده نفر است در حدود ۱۰ هزار نفر مورد نیاز خواهد بود و در واقع جمع دو تیم در روستاهای ایران به ۳۰ هزار نفر می‌رسد و در شهرها نیز برای اجرای برنامه‌های بهداشتی و درمانی قریب ۲۰ هزار کادر کمکی مورد نیاز خواهد بود. این برنامه‌ها بطور استانی اجرا می‌شود و در طرحهای هر استان اختصاصات جغرافیایی و خصوصیات محلی مورد توجه قرار می‌گیرد. مؤولان و طراحان امور بهداشتی و درمانی دورنمای نتایج حاصل از این طرح را نیز بسیار سودمند و قابل استفاده ترسیم می‌کنند و معتقدند چنانچه این طرح خوب پیاده شود میتواند در پیشبرد برنامه‌های بهداشتی و درمانی مملکت مؤثر باشد. و در واقع طرحی است که با الگوهای منی سازگار و از تقلید کورکورانه بدور است. همانگونه که پروفیسور پویان وزیر بهداشتی اعتقاد دارد ما باید طرح‌های ملی داشته باشیم و برنامه‌های جالب و مفید دیگر کشورهای جهان را با توجه به شرایط اقلیمی و مقتضیات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سنتی خود به مرحله اجرا درآوریم و در واقع راجل ایرانی داشته باشیم و در این برداشت هم هدف از کمک سازمان بهداشت جهانی کمک فکری بوده است نه کمک‌های دیگر. چون ایران امروز دارای قدرت مالی و امکانات اقتصادی کافی است و نیازی به کمک بولی ندارد و تنها از کارشناسان سازمان بهداشت جهانی استفاده فکری خواهد کرد.

در تأیید این نظر، دکتر طباطبائی سازمان بهداشت جهانی منطقه مدیترانه شرقی معتقد است که اهمیت این طرح نه تنها از نظر استانی یا مملکتی بلکه از جهت جهانی

است و باین ترتیب این برنامه می‌تواند در سایر کشورهای جهان با تغییرات مختصری که لازمه خصوصیات هر کشوری است به مرحله اجرا درآید.

دکتر طباطبائی علت انتخاب ایران را برای اجرای این برنامه توجه و تمایل ایران به امر بهداشت و درمان می‌داند و می‌گوید: طبق دستور شاهنشاه در حال حاضر موضوع بهداشت و درمان کلیه افراد مملکت مورد توجه قرار گرفته و ملاحظه دستور فرمودند از تمام امکانات برای این منظور استفاده شود. بهمین منظور سازمان بهداشت جهانی تمایل کامل خود را برای اجرای این برنامه اعلام کرد. خوشوقتیم که هدفهای برنامه طی مذاکرات لازم مشخص شد و می‌توان گفت که ما اجرای این برنامه بهترین روش و وسیله بهداشت و درمان در اختیار مردم قرار می‌گیرد. دکتر طباطبائی نیز باین حقیقت معترف است که تکمیل کادر پزشکی و تربیت پزشک با استانداردهای لازم یعنی طی ۷ سال برای دوره پزشک عمومی و ۴ سال برای دوره‌های تخصصی نه تنها برای ایران بلکه برای بیشتر کشورهای جهان امکان‌پذیر نیست و هم‌اکنون کشورهای پیشرفته جهان و از جمله ایالات متحده نیز گرایشی خاص به کادرهای کمکی پیدا کرده‌اند.

برای اجرای برنامه مزبور بالغ بر یکسال مطالعه شده و همانگونه که مهندس عصار معاون طرح و سررسپهای وزارت بهداشتی می‌گوید: در طی این مدت نیازهای منطقه از جهات مختلف مورد بررسی قرار گرفت از جمله با توجه به آمار و ارقام موجود و محاسبات جمعیتی وضع منطقه با بررسی‌های نمونه‌یی که در تعدادی از روستاها و قسمتی از جمعیت‌های شهری بعمل آمد تکمیل شد. بملایم بررسی‌های پزشکی بر روی انواع بیماریهای شایع در استان و تشخیص دقیق اینگونه بیماریها با استفاده از روشها و وسایل آزمایشگاهی صورت گرفت. همچنین تعداد مراکز بهداشتی موجود و فعالیت و شعاع برنامه‌ها و اقدامات اینگونه مؤسسات و وظائف و خدمات و پوشش بهداشتی و درمانی هر یک از آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و براساس ندریبات بدست آمده میزان نیاز افراد به امور درمانی و بهداشتی مشخص شد و برنامه‌های لازم طرح‌ریزی گردید.

رابطه بهداشت با درمان

برای اجرای این هدف نیاز به تعیین سیاست درمانی خاصی است تا بر مبنای سیاست و خطمشی معینی بتوان احتیاجات درمانی افراد را مرتفع ساخت. در این زمینه گفت‌وگویی اختصاصی با وزیر بهداشتی



ساهی بهداشت در حوزه قرون

شده است وام تکمیلی خواهد داد. بطوریکه طبق برنامه تهیه شده طی چهار سال آینده باید در حدود ۲۲۰۰۰ تخت بر تختخوابهای موجود افزوده شود و رقم تخت‌های بیمارستانی از ۴۲۰۰۰ تخت موجود به ۶۴۰۰۰ برسد. بهمین سبب بیمارستانهای مجهز ۵۰۰ تختخوابی در نقاطی که نیاز بیشتری احساس می‌شود ساخته خواهد شد و این بیمارستانها یا بصورت اجاره در اختیار گروههای مختلف پزشکی قرار می‌گیرد و یا به گروههای مزبور طبق ضوابط خاصی واگذار خواهد شد.

درمان رایگان

گذشته از اجرای بیمه کارمندان دولت و خانواده آنان که در برنامه پیش‌بینی شده، اجرای درمان رایگان برای افراد کم‌بضاعت نیز در نظر گرفته شده است و همانگونه که وزیر بهداشتی خاطر نشان کرد این برنامه هم‌اکنون در نواحی جنوبی کشور و از جمله آبادان - بندرماهشهر - اراک شروع شده و در حدود ۳۰۰ تختخواب در بیمارستانهای خصوصی این شهرستانها که از طریق وام وزارت بهداشتی ساخته شده به افراد کم‌بضاعت اختصاص یافته است. این بیمارستانها وظیفه دارند بیمارانی

خانواده آنان عملی می‌شود و بتدریج برای سایر گروههای اجتماع به مرحله اجرا در خواهد آمد. برای این منظور سازمان تأمین خدمات درمانی باید کلیه کارمندان دولت و خانواده آنان را بیمه کند و این برنامه ابتدا در شهرها و نقاطی که امکانات درمانی اجازه می‌دهد به مرحله عمل درمی‌آید و سپس با تجهیز و تأسیس واحدهای مختلف درمانی در سایر نقاط اجرا خواهد شد. در توجیه این سؤال که چرا این برنامه در کلیه مناطق همزمان اجرایی‌شود، پویان اعتقاد دارد که وقتی می‌توان از کارمند پولی بعنوان حق بیمه گرفت که بتوان امکانات درمانی و سرویس لازم را در اختیار او گذاشت، بهمین جهت وزارت بهداشتی با تأسیسات درمانی موجود اجرای بیمه کارمندان دولت را تا آنجا که امکان دارد، انجام می‌دهد و سپس اقدام به تأسیس و تجهیز واحدهای درمانی خواهد کرد. برای این منظور گذشته از تأسیس بیمارستانهای بزرگ منطقه‌ای که قادر به تأمین نیاز درمانی افراد باشد، به گروههای پزشکی که با استفاده از وام دولتی اقدام به تأسیس بیمارستان و مرکز درمانی کرده‌اند و بعلاوه بالا رفتن قیمت مصالح ساختمانی ادامه ساختمان بیمارستان متوقف

ترتیب دادیم که در زیر می‌خوانید: پروفسور پویان وزیر بهداشتی گرچه معتقد است که شاید زود باشد در زمینه اتخاذ سیاست درمانی کشور صحبت کرد و انجام و تعیین چنین سیاستی را مستلزم مطالعه و بررسی کافی از طرف متخصصان دست‌اندر کاران امور درمانی مملکت می‌داند، بسراحت لزوم توجه به رفاه مردم و قرار گرفتن امکانات و تسهیلات درمانی لازم برای افراد مملکت را تأیید می‌کند و معتقد است که این امکانات باید طوری باشد تا هر کس با هر درآمد و هر بودجه‌ای بتواند از خدمات درمانی بطور مطلوب استفاده کند.

وزیر بهداشتی تعیین بیمه‌ها را برای قشرهای مختلف اجتماع بعنوان یک نظر شخصی قبول دارد و معتقد است که باید بیمه درمانی در کلیه سطوح مختلف اجتماع گسترش یابد بطوریکه هر یک از افراد با توجه به میزان درآمد خود در قسمتی از پرداختها و هزینه‌های درمانی مشارکت داشته باشند و با پرداخت سهم خود از هزینه درمانی - در مقابل انواع بیماری، بیمه شوند وزیر بهداشتی می‌گوید: این برنامه در وهله نخست برای کارمندان دولت و

را که از طرف درمانگاههای وزارت بهداشتی با آنها معرفی می‌شوند بستری کنند و تحت درمان رایگان فرار دهند و برای انجام این منظور وزارت بهداشتی طبق قراردادی که با اینگونه بیمارستانها منعقد کرده است بازار درمان هریک از بیماران روزانه ۸۸۰ ریال هزینه درمان بیماران را پرداخت خواهد کرد.

وزیر بهداشتی می‌افزاید که این برنامه سرعت در سایر شهرها و از جمله در پایتخت نیز بزودی به مرحله اجرا درمی‌آید و قرار است دادحای مشابهی با بیمارستانهای خصوصی منعقد خواهد شد و گفته می‌شود که بزودی این برنامه در تهران و چند شهر ایران به مرحله اجرا درخواهد آمد.

هماهنگی در مؤسسات درمانی

وزیر بهداشتی در جهت تعیین سیاست درمانی کشور لزوم هماهنگی در اجرای امور درمانی سازمانهای مسؤول درمان را یادآور می‌شود و معتقد است که اینگونه سازمانها که تعدادشان هم‌اکنون به ۹۶ می‌رسد باید وسیله یک سازمان مسؤول که طبقاً وزارت بهداشتی خواهد بود ارشاد و راهبانی شود و امور درمانی آنها هماهنگ گردد، با انجام این هماهنگی با اعتقاد وزیر بهداشتی اختلافی که از نظر استاندارد درمانی و امکانات پزشکی دستگاههای مختلف وجود دارد، از بین می‌رود بدون اینکه رقابت‌های منطقی و عملی که نیازمند پیشرفت برنامه‌هاست از بین برود.

وزیر بهداشتی می‌گوید دلیلی ندارد که یک پزشک مثلاً در سازمان بیمه‌های اجتماعی با یک پزشک در سازمان دیگری که دارای درجه تخصص و تحصیلی و سوابق خدمتی مشابهی است دو حقوق مختلف بگیرند و یا اینکه هر یک از آنان برای جاسی دریافت دارند و تحت شرایط متفاوتی بازنشسته شوند. به همین لحاظ با اسحاق برنامه ارشادی و هماهنگی سازمانهای اینگونه مؤسسات، تبعیضات وجودی که میان آنها خواهد رفت و استنادات پزشکان در سطح سازمان ارشاد کننده صورت نگیرد و رقابت غیرمعمول در استخدام و تأیید پزشکان مرتفع می‌شود و توزیع پزشکان با توجه به نیازهای هر سازمان درمانی صورت خواهد گرفت. گذشته از آن تأیید خدمات درمانی نیز هماهنگی لازم عمل می‌آید و شرایط پذیرش بیماران و استفاده هریک از آنان از خدمات درمانی تابع نظم خاصی خواهد شد. مثلاً آنکه می‌توان گفت که اگر لازم باشد بیمار از خدمت پزشک آزاد استفاده کند، این حق برای کلیه بیماران محفوظ خواهد بود و حق انتخاب آزاد به تمام بیماران در کلیه

واحدهای درمانی داده می‌شود. همچنین با انجام این برنامه می‌توان مدعی شد که در نرخ خدمات درمانی و هزینه‌های بیمارستانی نیز هماهنگی لازم وجود می‌آید.

گرانی ویزیت پزشکان

وقتی صحبت از نرخ خدمات درمانی میان می‌آید گرانی «ویزیت» و نرخهای بیمارستانی به دهنر می‌گذرد و این سؤال پیش می‌آید که نرخهای موجود خدمات درمانی برای بیشتر افراد با توجه به درآمدشان گران است و چه راهی می‌توان برای تعدیل قیمت‌ها پیشنهاد کرد. پویان پاسخ می‌دهد که خدمات درمانی پزشکی را به علت اختیارات خاصی که دارد نمی‌توان با سایر خدمات مقایسه کرد و از این نظر می‌توان خدمات پزشکی را ارزیابی کرد، و استدلال می‌کند که پزشکی را نمی‌توان مجبور کرد، مثلاً فلان مبلغ را بگیرد و بیمار را طبق استاندارد خاصی درمان کند. او معتقد است که علم طب و معاینه و مداوای بیمار، گذشته از تخصص و تجربه لازم که نیازمند هر حرفه‌ای است به عواطف انسانی و روابط صمیمانه پزشک و بیمار و اعتقاد مریض به درمان طبیب بستگی دارد و از این نظر محدود کردن این روابط با تعیین بهای ویزیت معقول بنظر نمی‌رسد. وی معتقد است که از طرفی خدمت طبیب را در جامعه‌ی ما مانند ایران که با کمبود پزشک مواجه است نمی‌توان بسا موانع غیراصولی محدود کرد و از این نظر در هیچ کشوری مرسوم نیست که برای خدمت پزشک قیمت گذاری کنند و اصولاً نمی‌توان بیماران را مجبور کرد که مثلاً نزد فلان پزشک بروند و از مراجعه به پزشک دیگری خودداری کنند، به همین جهت برای تعدیل نرخهای درمانی باید بفتکر چاره دیگری افتاد که یکی از آن راهها همانطور که گفته شد تعمیم بیمه‌ها است. بطوریکه اکثریت افراد از طریق بیمه درمانی بتوانند در صورت لزوم را بگیرند، در صورت انجام چنین برنامه‌ی، بیماران براساس تعرفه خاصی که از طرف سازمان‌های بیمه‌گر تعیین می‌شود، تحت درمان قرار می‌گیرند و با قبول این تعرفه از طرف اکثر پزشکان که برای کلیه خدمات بیمارستانی و اعمال جراحی و آمارهای طبیب مشخص شده است تکلیف آنها مشخص می‌شود. «گران‌تر» اطلاق کرد خود بخود مشخص است و اینگونه «پزشکان گران‌تر» نیز که با عدم استقبال بیمار مواجه می‌شوند یا باید به گروه پزشکان سازمانهای بیمه‌گر پیوندند و یا اینکه در نخهای خود تحدید نظر کنند و با باینترتیب بکنوع تعادل عرضه و تقاضا باعث می‌شود که تعدیل لازم در نرخهای خدمات درمانی

وجود آید.

گذشته از خدمات پزشکی، گروههای مزبور اقدام به اجرای برنامه‌های مختلف بهداشتی از جمله واکسیناسیون و بهسازی محیط می‌کنند و ارزشیوع بیمه‌ریها جلوگیری بعمل می‌آورند، با اجرای این برنامه کلیه روستاها و شهرهای ایران طی سال جاری تحت پوشش بهداشتی قرار می‌گیرند و از این نظر منابع همگنی از هزینه‌های درمانی موجود صرفه‌جویی می‌شود. مثلاً براساس محاسباتی که بعمل آمده است یک بیمار مثلاً به سال حداقل دو سال لازم است که تحت درمان قرار گیرد. درمان روزانه این بیمار بالغ بر ۲۰۰۰ ریال هزینه دارد و با توجه به هزینه‌ی که از نظر از کارافتادگی (بر منبای حداقل دریافتی ۷۵۰۰ تومان در ماه) متوجه جامعه می‌شود، درمانش در حدود ۲۰۰ هزار تومان خرج بر می‌دارد حال پس از بهبود و رفع بیماری آیا واقعاً فرد سالم اولیه خواهد بود و یا دچار کمبودها و نقص عضوایی می‌باشد، خودحای گفت و گو دارد. پاسخ توضیح می‌توان با واکسیناسیون موقعی این فرد و تلقیح واکسن است. آن که با معارج بر سبلی تنها در حدود ۴۵ ریال خرج دارد او را از بیمار شدن نجات داد و از این نظر اهمیت رابطه مستقیم بهداشت و درمان کاملاً مشخص می‌شود.

وزیر بهداشتی در ترمیم دورنمای بهداشت و درمان ایران می‌گوید مسلماً مسأله بهداشت، و درمان تحت توجه خاصی قرار گرفته و برنامه بهداشتی که در مرحله نخست عملی می‌شود حداقل این خاصیت را دارد که در سالهای آینده و مثلاً ۵ سال بعد تعداد بیماران را بقدر زیادی کاهش دهد، بطوری که در آنوقت تخت‌های بیمارستانی را می‌توان تنها برای بیمارانی اختصاص داد که علم پزشکی عاجز از پیشگیری و درمان فوری آنهاست. باین ترتیب تکلیف روشن است و در آنوقت تعدادی از تخت‌های موجود که اکنون به بیمارانی اختصاص یافته که دراصل نباید بستری می‌شدند، خالی خواهد شد و برای بیمارهای سخت و غیر قابل پیشگیری تخصص خواهد یافت.

در ترمیم ادامه دورنمای بهداشتی و درمانی مملکت وزیر بهداشتی با این جمله سخن را کوتاه می‌کند که زمان کوتاهی است که این برنامه به مرحله اجرا درآمده و باید منتظر شد و نتایج اینکار را عملاً دید نتایجی که شالده طب و درمان را در ایران دگرگون می‌کند و بسیر جدیدی رهنمون خواهد کرد.

نورجهان

شاعره بی شیرین گفتار و
دلاوری شیرافکن
سرگنشت شیرین و
شگفت یگ دختر ایرانی
که به فرما روایی کشوری
پهناور رسید.

از ابوالقاسم حالت

نورجهان، ملکه هندوستان که سرگذشت او، از نخستین لحظه تولد تا واپسین دم حیات، پر از وقایع شیرین و شگفت و شنیدنی است. یک زن ایرانی بود. برای آگاهی از سرگذشت او باید قدری به عقب، یعنی به زمانهای برگشت که همایونشاه، پادشاه هندوستان، در جنگ شکست سختی خورد و به شاه مله ماسب صفوی پناهنده شد.

همایونشاه، نصیرالدین محمد نام داشت و بسال ۹۱۳ قدم به عرسه وجود نهاده بود. او وقتی به تخت سلطنت نشست، بدین مناسبت جشنی گرفت و برای جلب دلهای سرداران و افراد لشکری مقرر داشت که سفری دریایی برگزار کنند و یک کشتی پر از طلا و مسکوک با او همراه سازند. این سفر بیش از یک ماه طول کشید و همایونشاه ضمن گردش بر روی آب هر روز بهانه‌های کیه‌های طلا را به همراهان اعطای می‌کرد و هنگامی که قصد بازگشت کرد دیگر پولی باقی نمانده بود و عبارت دگشتی زر، تاریخ آن زرافشانی گردید.

همایون نه تنها مانند پدرش به فتوح قابل توجهی نائل شد، بلکه از عهده حملات شیرخان افغان هم برنیامد و در جلگه پانی‌پت که پدرش بر سلطان ابراهیم غلبه یافته و به سلطنت رسیده بود، او مغلوب شیرخان گردید.

این مرد فریدخان نام داشت و در خدمت «دولت‌خان» بود. روزی شیری بر مخدوم وی حمله‌ور شد و غلامان دولت‌خان هر یک معرفی گریختند. تنها فریدخان حق نمک را ادا کرده شتر حمله برد و پس از تحمل زخمهای جانگداز او را از پای درآورد و از آنروز ملقب بشیرخان گردید.



در زد و خورد سختی که بین لشکریان همایونشاه مغول و شیرخان افغان در گرفت، همایونشاه بزودی مغلوب شد و ناچار از در صلح و مفا در آمد و حکومت «بهار» و پنجاب را به شیرخان وا گذاشت. اما هنوز قرارداد صلح با مضاء طرفین نرسیده بود که یکمرتبه کسان شیرخان با نقشه مزورانه‌یی از پشت سر بهسپاه همایونشاه شیخون زدند و نامردانه او را غافلگیر کردند بطوریکه قشون او در حال فرار خود را به رودخانه «کنجیر» انداخته یکی بعد از دیگری در آب غرق شدند. خود همایونشاه نیز سوار بر اسب باحال پریشان به آب زد ولی اسبش زیر آب رفته غرق گردید و این پادشاه بی‌پناه از غایت اضطراب بشک باد کرده‌یی که از سربازان غرق شده دیگر مانده بود و روی آب خودنمایی می‌کرد چسبیده بدین وسیله خود را از عرقاب هلاک نجات داد. همایونشاه مردی دلیر و با همت بود و در راه‌نیل به هدف خود از هیچ گونه کوششی دریغ نمی‌نمود. اما گسویی روزگار با او مساعدت نمی‌کرد و سر نوشت دیگری در انتظارش بود. شعر ذیل که او درباره قسمت خود ساخته، گواهی می‌دهد که بخوبی از نامساعد بودن بخت خود آگاهی داشته‌است: در مکیدن طفل تدبیر مرا تقصیر نیست لیک چون سازم که در پستان قسمت شیر نیست چند ماه بعد، دوباره سپاهی گرد آورد و در محلی موسوم به «کانوج» بالشکریان شیرخان روبرو گردید. این بار نیز شکست سختی خورد و مجبور شد تاج و تخت خود را بحریف وا گذاشته از طرف بیابان «سند» به ایران فرار کند. بین راه در «امرکوت» زوجه او پسری آورد که او را «اکبر» نام نهاد.

این اکبر بعدها به نام اکبرشاه یکی از سلاطین بزرگ هندوستان گردید. همایونشاه قطعه ذیل را ساخته ترد شاه طهماسب صفوی فرستاد و از او پناه خواست. خسروا، عمری است تا عنقای عالی همت قلذ قاف قناعت را نشیمن کرده‌است روزگار سفلذ گندم نمای جو فروش طولی طبع مرا قانع به ارزن کرده‌است دشمن شیر است و عمری پشت بر من کرده‌بود حالیا از روی خصمی روی بر من کرده‌است دارم اکتسون التماس از شه که تا با من کند آنچه با سلیمان علی در دشت ارزن کرده‌است شاه طهماسب نامه‌یی گرم بدو نوشت و این بیت را در صدر آن جای داد:

همای اوج سعادت بدام ما افتد اگر ترا گذری بر مقام ما افتد و همایون شام را پناه داد بشرط آنکه از سنت اهل تسنن دست بردارد و به مذهب تشیع درآید. همایون شاه نیز این شرط را پذیرفت و پس از ورود در حلقه شیعیان گفت:

گشتیم بجان بنده اولاد علی
هستیم همیشه شاد با یاد علی
چون سروایت از علی ظاهر شد
کردیم همیشه ورد خود «نادعلی»
شاه طهماسب برنامه مفصلی برای پذیرایی همایون شاه ترتیب داد. هنگامی که همایون شاه بهرات رسید محمدخان تکلو حاکم آنجا در باغ جهان از او پذیرایی کرد و برمی باشکوه برپا کرد و یکی از خوانندگان معروف آن عهد را که موسوم به «صابرقاق» بود بهرات آورد تا پادشاه هندوستان را با آواز دلغریب خود سرگرم سازد. سایر دستگاه همایون را برای شروع کار انتخاب کرد و غزلی را با آواز ضربی یا نوعی از تصنیف خواند که دویست بسیار مناسب آن غزل ایست:

همایون کشوری کان عرصه راشاهی چنین باشد
مبارک منزلی کان خانه را ماهی چنین باشد
زرنج و راحت گیتی، مرتحان دل، مشوخرم
که اوضاع جهان گاهی چنان، گاهی چنین باشد
همایون شاه از شنیدن این اشعار متأثر شده گمربند مرصع خویش را بخواستند و بختید و گفت: «بوسامانی من در این موقع عذرخواه من است».

پادشاه شکست خورده هند سرانجام به قزوین رسید که آن زمان پایتخت صفویه بود و در حضور شاه طهماسب این شعر را بدیده ساخت و خواند:

ای شاه جهان، جو آسمان پایه تست،
این دست ولایت است و سرمایه تست
شاهان جهان جمله هسما می‌طلبند
نگر که هسما چگونه در سایه تست
همایون سالها در ایران ماند. روزی همراه شاه طهماسب بشکار رفته و بر اثر تاخت و تاز و تخریب، گرد و خاک زیاد بر صورت او نشسته بود. شاه طهماسب با آستین فراخ خود غبار سر و روی او را پاک کرد. همایون شاه ازین بذل مرحمت متأثر شد و در عین حال موقع را منتقم شمرده گفت:

سرشک از رخم پاک کردن چه حاصل؟
علاجی بکن گر دلم خون نیاید
این شعر شاه تهماسب را بیاد تنهایی و بی‌وسامانی او انداخت. لذا سپاهی بر سر کردگی چند نفر از بهترین سرداران خود باو داد تا برای باز گرفتن تاج و تخت خود بطرف هند حرکت کند. روزی هم که قرار حرکت گذاشته شده بود از دیوان خواجه بزرگ شیراز فالی گرفت و این بیت آمد که روحیه همایون شاه را تقویب نمود:

همت از مرغ همایون طلب و سایه او
زانکه با زاغ و زغن شهر دولت نبود
یکی از بزرگان ایرانی که درباره همایون شاه از هیچ چیز مضایقه نکرد خواجه محمد شریف بود که از خاندان فضل و هنر و از وزراء و حکام بزرگ شمار می‌رفت و پادشاه شکست خورده هند که

چند سالی از او حسن خدمت دیده بود موقعی که می‌خواست ایران را ترک کند بعنوان خداحافظی نامه‌یی بدو نوشت و مهمان نوازیهای او را قدر دانی و سپاسگزاری کرد. چندی بعد که خواجه محمد شریف از دنیا رفت سرش میرزا محمد غیاث که او نیز مثل پدر مردی فضل دوست و ادب پرور بود دستخوش حقد و حسد مغرضین دربار گردید و از چشم سلطان افتاد. کلیه دارایی او از طرف دولت ضبط شد، آبروی چندین ساله او و خاندان او بر باد رفت و از هستی ساقط گردید بطوریکه مجبور بجای وطن شد و تنگدست و سیاه روز با زوجه حامله خود بیای پیاده از راه افغانستان عازم هندوستان گردید. اوائل غروب که تقریباً رنگ روشنایی از چهره گیتی پرینه بود در بیابان قندهار هسر غریزش را شدت درد از پا انداخت و دختری از او بوجود آمد. درین بین باد سختی وزیدن گرفت و هوای تاریک و بیابان ترسناک را پیش از پیش سهمناک ساخت. میرزا از شدت استیصال خواست طفل نوزاد خود را در همانجا بگذارد و بدست تقدیر سپارد شاید خود و زوجه اش بتوانند منزلی برسند و از آن ورطه هولناک امان یابند ولی از آنجا که مهر فرزند از همان دقیقه تولد در دل مادر نقش می‌بندد عمال میرزا این پیشنهاد را نپذیرفت و راضی ندادند که جگر گوشه خود را در دامن بیابان بیکه و تنها گذارد. لذا به شوهرش گفت: «امشب را همینجا هر طور هست بسر میبریم شاید در روشنایی صبح نور امیددی برچهره ما درخشد».

میرزا که با خود از مال دنیا جز مقداری کتاب و کاغذ چیز دیگری نداشت در دل شب مجبور شد برای آتش روشن کردن کتابها و مراسلات خود را بسوزاند و با دیده حسرت به شعله آنها نگاه کند. در میان این نوشته‌ها نامه‌یی هم وجود داشت که همایون شاه بیدر او نوشته بود. این کاغذ هم می‌رفت که طعمه آتش شود ولی قبل از اینکه شعله‌های غضبناک تبدیل به خاکسترش سازند باد آنرا از دست میرزا دربرسد و قدری آن طرف تر انداخت: «میرزا محمد غیاث» دوباره آنرا برداشت ولی این بار نگاهی بکاغذ انداخته مهر و امضای همایون شاه را در پای آن دید و در پیش آمد که مستخط پادشاهی را بسوزاند.

بالاخره صبح شد و همانطور که زش پیش‌بینی کرده بود از دور آواز قافله‌یی بگوش رسید و رفته رفته کاروانیان به آنها نزدیک تر شدند. امیر قافله یکی از تجار ایرانی بود بنام میرزا مسعود که وقتی چشمش به طفل نوزاد افتاد مجذوب لبخند نمکین او گردید. او و پدر و مادرش را از خاک برگرفت و در هودج مخصوصی نناند و قافله را بطرف مقصد حرکت داد و

به اولین منزلی که رسیدند و لختی نیاوردند کودک معسوم را در آغوش گرفته بوسید و او را «مهرالنساء» نامید. در ضمن از پدرش «میرزا محمد غیاث» چگونگی احوال او و خانواده او را پرسید. میرزا بادی در دناک کلیه مصائبی که در مدت چند ماه با او روی آورده بود، شرح داد. معسوم گفت: «من در این سفر تحفه‌های گرانهایی برای پادشاه هند می‌برم و موقعی که بحضور شاه بار یافته تو وسایقه فضل و دانش ترا نیز گوشزد می‌کنم شاید بفضل الهی مافات جبران شود و ستاره اقبال از نو درخشیدن گیرد»

درین موقع پادشاه هندوستان، اکبرشاه، پسر همایون شاه بود و میرزا محمد غیاث که این موضوع را می‌دانست همینکه آن وعده مساعدت را از معسوم شنید، ناگهان فکری بخاطرش خطور کرد که فوراً برخاست و خرجین سفری خود را باز کرده نامه همایون شاه را که تصادفاً از دسترس شعله‌های آتش معسوم مانده بود بیرون کشید و یکبار بدفت خواند. سپس بدست میرزا معسوم داد. معسوم بعد از قرائت آن گفت: «این نامه که منی برتشر پسر شاه از مهمان نوازی پدرتست، در حضور سلطان بهترین مدرک اصالت خانوادگی تو خواهد بود.»

وقتیکه به «اکره» پایتخت اکبر شاه رسیدند و معسوم تحفه‌ها را بشاه ارائه داد آن کاغذ را نیز از لحاظ سلطان گذرانید و متعلا درباره میرزا محمد غیاث و حسب و نسب او شرح داد بطوریکه اکبرشاه شیفته کمالات او گردید و گفت: «عین نوازشاهی که پیری از پیری دید اینک باید پیری از پیری ببیند» از ایرو، دستور داد عبارت مجمل و مرتبی در اختیارش گذارند و منصب بزرگی نیز بوی تفویض کردند.

«میرزا محمد غیاث» رفته رفته بواسطه کمال لیاقت و حسن خدمت در دستگاه اکبر شاه بیابگاه باندی رسید. زوجه او نیز که از بانوان خردمند و دانش‌پژوه ایرانی بود مأمور تعلیم و تربیت دختران و زنان حرمسرای سلطان شد و در رفت و آمدهایی که با خانواده سلطنتی داشت مهرالنساء دختر کوچک خود را نیز همراه می‌برد. «مهرالنساء» همان دختر بزرگ و بانکی که نزدیک بود آتش در بیابان بسازد و هنوز چشم ننگوده، چشم از دنیا بیند، در آنک مدتی با دختران شاهزاده اش و الفتی گرفت و بواسطه هوش فطری و استعداد ذاتی گذشته از خواندن و نوشتن، سواری و تیراندازی را نیز بخوبی بیاموخت چنانکه گاهی از مردان جنگی نیز گوی سبقت در می‌رود. موقعیکه شانزده ساله بود و در کمال و جمال سرآمد کلیه بانوان حرم شمار می‌رفت روزی در باغ می‌گردید و به گلها ناز می‌فروخت که ناگاه شاهزاده سلیم، پسر اکبر شاه، باو برخورد. شاهزاده دو کیوتر در

دست داشت. آنها را به مهرالنساء داد گفت: «نگهدار تا من قدری گل بچینم.»

شاهزاده همینکه از گلچیدن فارغ شد و سراغ کیوتران آمد، یکی از آن دو کیوتر را ندید. از مهرالنساء پرسید: آن یکی دیگر چه شد؟ جواب داد: «پرید» شاهزاده متعجب شد و گفت: «چطور پرید؟» دوشیزه ملناز کیوتر دیگر را نیز پرواز داد و با ملاحظه خاصی گفت: «اینطور!» و لیمه‌سند هندوستان از همان دقیقه قلبش مرتعش گردید و بدم عشق افتاد. روزی روز این آتش در کانون سینه او شعله‌ورتر می‌شد تا اینکه ناچار توسط یکی از محارم خود موضوع را بیدرش اکبر شاه اطلاع داد و عاجزانه درخواست اجازه عروسی کرد. ولی اکبر شاه که پسرش را جوانی بلهوس می‌دانست باین موضوع مخالفت کرده محرمانه او را خواست و گفت: «در حرم سلطان زنان و دختران بسیار رفت و آمد دارند و نظر بازی با آنها از شؤون خانواده شاهی خواهد کاست.»

اکبرشاه برای اینکه عشق مهرالنساء از دل شاهزاده سلیم بیرون رود، دستور داد او را بیکی از سرداران خود، «علیق‌لی خان استاجلو»، شوهر دهند. این جوان از دربار صفوی به هند آمده و بدربار خان خانان در مولتان پیوسته و چون روزی ضمن شکار شیری را از پادر آورده بود او را «شیرافکن» می‌گفتند.

مورجهان که شعر فارسی نیز می‌سرود، این شعر را بنسب از دواج با «شیرافکن» ساخته است:

مورجهان گرچه به ظاهر زن است
در صف مردان، زن شیرافکن است
اگر چه امر اکبر شاه اجرا شد و
مهرالنساء بعد علیق‌لی شیرافکن درآمد. اما عشق او همان طور در دل شاهزاده سلیم ماند تا موقعیکه اکبر شاه رحلت کرد و او بجایش بر تخت نشست. پادشاه عاشق، نخستین کاری که کرد این بود که با توطئه رقیب خود را از بین برد. علیق‌لی خان را بچنگ قطب‌الدین کوکلتاش فرستاد. علیق‌لی درین جنگ کشته شد. لذا شاه مهرالنساء را بعد خود در آورد و سواگلی حرم و ملکه هندوستان ساخت.

درین موقع سلیم به «جهانگیر پادشاه» منتق گردید.

مورجهان بیگم رفته رفته در امور سلطنت با شوهرش سهم شد و بر اثر لیاقتی که داشت قدرت و نفوذی نظیر قدرت شوهرش بدست آورد تا جایی که بروی سکه‌های رایج کشور نام او نیز با نام شوهرش دیده می‌شد. شعر فارسی ذیل منقوش بر روی مسکوکات آن زمان است: به حکم شاه «جهانگیر» یافت صد زیور به نام «مورجهان» پادشاه بیگم، زر دختری که بر خاک دنیا آمد کارش

چنان بالا گرفت که حکمش در سراسر هندوستان نفوذ یافت و روی هیچ سکه و زیر هیچ فرمانی نبود که نام شاه باشد و نام ملکه نباشد. امروز در هندوستان سکه‌هایی یافت می‌شود که مشترکاً اسم هر دوی آنها بر آن نقش بسته و فرامینی پیدا می‌شود که جمله «بحکم علیة عالیة مهدعلیا نورجهان پادشاه» رویش نگاشته شده است.

این ملکه ایرانی نژاد که پادشاه هیچ کاری بی‌منورت او نمی‌کرد در حق عموم مردم بویژه ایرانیان مقیم هند نهایت عدل و انصاف را مراعات می‌کرد و وقتیکه از امور سیاسی فراغت می‌یافت به کتاب و شعر و ادب می‌پرداخت. لطف قریحه او نیز از حسن سیاستش کمتر نبود. جهانگیر پادشاه هم گاهی شعر می‌گفت و مشاعراتی که بین این دو نفر رخ داده حاضر جوانی فوق‌العاده نورجهان را بخوبی مجسم می‌سازد.

گویند وقتی جهانگیر و نورجهان از پشت بجزه قصر خود بیرون را تماشا می‌کردند پیرمردی با قد خمیده عمالزان از کوچی می‌گذشت. جهانگیر پرسید:

«چرا خم گشته می‌گردند پسران جهانگیر»؟

نورجهان جواب داد:
«بزرگ خاک می‌جویند ایام جوانی را»
یک بار جهانگیر پادشاه بر نورجهان خشم گرفت و نورجهان که اشکش سرازیر شده بود، گفت:

ماتنگ طرفان حریف اینقدر سختی نه‌ایم
دانه اشکم، ما را گردش چشم آسبست
یک بار دیگر، نورجهان، پس از چند روز دوری از شاه، او را دید و چنان شاد شد که اشک شوق از چشماش فرو ریخت.

جهانگیر گفت:
گوهر ز اشک چشم تو غنیمتد می‌رود
و نورجهان بداهه جواب داد:

آبی که می‌خورده‌ام از دیده می‌رود،
در آن موقع معمول بود که همیشه اول ماه رمضان در میخانه‌ها را بگل می‌گرفتند و آخر ماه یعنی مسیح عید فطر آترا باز می‌کردند. در شب عید پادشاه و ملکه بر بام قصر آمده بودند که هلال را ببینند. همینکه چشم جهانگیر به‌ماه افتاد گفت:

«هلال عید بروج فلک هویدا شد.»
نورجهان قی‌البدیهه جواب داد:
«کلید می‌کند گم گشته بود پیدا شد.»

و فردا، یعنی صبح عید، که اشراف و رجال بدربار برای سلام و تهنیت عید می‌آمدند جهانگیر لباس فاخری پوشیده بود که تکه‌های سرخ رنگی از لعل داشت. نورجهان که او را در آن لباس دید گفت:
«ترا که تکه لعل است بر لباس حریر شده است قطره خون منت گریبانگیر.»

ابوطالب کلیم همدانی که از شعرای بزرگ سبک هندی بشمار است با نورجهان مشاعر داشت و هر شعری که پیشش می‌

فرستاد ملکه بر فور جواب می‌داد. روزی این شعر بخاطرش رسید:
 ز شرم آب شدم، آب را شکستی نیست
 بحرتم که مرا روزگار چون شکست
 و بیخیال اینکه این شعر دیگر جوابی
 ندارد، آنرا خدمت نورهان فرستاد. نور
 جهان بر فور زیرش نوشت: «بیخ بست و شکست.»

یک روز صبح جهانگیر پادشاه وارد
 اطاق خواب «نورجهان» شد و اشاره به چشمان
 نیم‌خواب ملکه کرده گفت:
 تو مت یاد حسن، بفرما این دو نرگس را
 که بر خیزند از خواب و نگه دارند مجلس را
 نورجهان فی‌البدیهه جواب داد:
 مکن بیدار ای ساقی، ز خواب ناز نرگس را
 که بد مستند و برهم میزنند الحال مجلس را
 روزی در ضمن مشاعر، جهانگیر این
 بیت را بر زبان جاری ساخت:
 بلبل نیم که نغمه کند درد سر دم
 پروانه‌ام که سوزم و دم بر نیآورم

نور جهان در پاسخ گفت:
 پروانه نیستم که بیک شعله جان دهم
 شمع که جمله سوزم و دم بر نیآورم
 نور جهان در یکجا هم پاسخ زنده‌یی
 شنید و آن موقعی بود که سلطان خسرده
 گرفته گفت دهان شما بوی خوشی نمی‌دهد.
 سلطان از زن دیگر خود موسوم به «جوده
 بایی» پرسید: «این حرف حقیقت دارد یا
 نه؟» جواب داد: «من بوی دهان مرد
 دیگری را نشنیده‌ام تا بتوانم درباره بوی
 دهان شما قضاوت کنم!» و با این حرف
 نورجهان را فوق‌العاده خجالت داد.
 نور جهان گذشته از ذوق و قریحه‌ادی
 و علاقه در امور عادی دربار و دولت، سلیقه
 خاصی در ابتکار و طراحی مد لباس و زیور
 برای زنان نیز نشان داده است. لباس ساری
 را که امروز در سراسر هندوستان و پاکستان
 بویژه میان طبقات بالا متداول است، او
 رایج ساخته است.

نورجهان بجای زیورهای سنگین و
 ناراحت کننده که قبل از زمان مغول در
 هند متداول بود، زینت‌آلانی را که نسبتاً
 سبک‌تر بود معمول ساخت. همچنین در طرز
 پذیرایی‌ها و مهمانی‌های رسمی و نیمه‌رسمی
 دربار و آرایش اتاق‌های خانه و حتی در
 ایجاد و انتخاب گلها و گیاهها و عطرها و
 طرز استفاده از آنها ذوق و سلیقه‌یی نشان
 داده که قرن‌ها مقبول خاطر مردم بوده و
 امروزه نیز در سرتاسر هند و پاکستان رواج
 دارد.

نور جهان با همه اشتغال به کارهای
 فرهنگی و ادبی و سیاسی و اجتماعی، نسبت
 به امور مذهبی مردم نیز بی‌علاقه نبود و در
 هر سال عده زیادی را برای رفتن به حج و
 زیارت عتبات عالیه تشویق می‌کرد و کمک
 مالی به مسافران عراق و عربستان می‌کرد.

این ملکه زیبا فنون تیراندازی و شمشیر
 زنی و اسب سواری و بازی‌های مردانه‌یی
 مثل چوگان را نیز بخوبی آموخته و چندین
 مرتبه در شکار شیر و پلنگ شرکت کرده،
 و متجاوز از چهار شیر وحشی را کشته بود.
 او جامه‌طلبی فوق‌العاده و استعداد زیادی
 هم در نسبه و توطئه داشت و چندین بار
 برای مملکت تولید بحران کرد. اول از
 همه در قضیه شاهزاده خرم بود که مورد
 بی‌مهری خانم مشارالیها واقع شده بود.
 وقتی به شاهزاده خبر دادند که نورجهان
 می‌خواهد شهریار برادر کوچکش را ولیمهد
 کند خلاف پدرش که تمام سوابق خدمت
 وی را از نظر انداخته بود، علم طغیان
 برافراشت. محبت‌خان یکی از سرداران
 مجرب و کارآزموده برای سرکوبی او به
 دکن فرستاده شد. او شاهزاده را خیلی‌زود
 شکست داد و مجبورش ساخت که ایالت
 مذکور را گذاشته به بنگال فرار کند.
 چندی هم در آنجا مقاومت کرد ولی عاقبت
 مجبور به اطاعت گردید. محبت‌خان با
 وجودیکه در حیات اکبر شاه جنگهای
 زیادی تحت‌نظر او کرده و رشادت‌هایی از
 خود بروز داده بود و سرانجام از سرداران
 معروف و نامی شمرده می‌شد، بواسطه نفوذی
 که در جهانگیر داشت باعث رشک و رقابت
 نورجهان گردید و در نتیجه، متهم به‌خلاف
 و خیانت و ارتشاء شده، برای محاکمه به
 دربار احضار شد.

جهانگیر آنوقت در سفر سیاحت
 متغول بود و هنگامی که در ساحل جهلوم
 توقف داشت محبت‌خان وارد شد ولی موقعی
 رسید که بنه دستگاه از رودخانه گذشته و
 سپاهیان هم قبلاً از آب عبور کرده و اینک
 جهانگیر با یاران خود در شرف حرکت
 بودند. محبت چون خوب می‌دانست که
 برای هلاک او تصمیم شده است ناچار دل
 بدریازده و بدین خیال جورانه افتاد که در
 همانجا جهانگیر را اسیر کند. همین کار را
 هم کرد و با کمک و همراهی عده‌یی از
 قراولان راجپوتانه که از نور جهان دل‌پری
 داشتند، موفق شد که نقشه خود را عملی
 سازد.

قریب یکسال جهانگیر در قید او بود.
 ولی بعد نورجهان خود را در حبس باو
 رسانید و با حیله و تدبیر عجیب و هولناکی
 ویرا از قید نجات داده و از محبس بیرون
 آورد. محبت خان بعدکن فرار کرد و در
 آنجا ملحق به شاهزاده خرم گردید که
 یکبار دیگر علم مخالفت برافراشته بنای
 آشوب را گذاشت ولی جهانگیر پادشاه
 پیش از اینکه برای مجازات و سرکوبی
 آنها اقدامی کند مبتلا به مرض سینه‌درد و
 نفس‌تنگی شد و از دنیا رفت.

نورجهان پس از فوت شوهرش از
 کارهای سلطنت کناره گرفت و گوشه‌گیری



اختیار کرد و به مطالعه کتاب و کارهای
 ادبی مشغول شد. این دویست نیز از اشعاری
 است که درین ایام سروده است:

دل بصورت ندهم تا شده سیرت معلوم
 بنده عشقم و هفتاد و دو دولت معلوم
 زاهدان، هول قیامت مفکین در دل ما
 هول هجران گذراندم، قیامت معلوم
 این شعر را نیز برای لوح‌مزار خود
 ساخته است:

بر مزار ما غریبان نی چراغی نی گلی
 نی بر پروانه سوزد نی سراید بلبلی
 مقبره جهانگیر در لاهور یکی از
 ساختمانهای بسیار زیبا و پر عظمت برکنار
 رودخانه راوی است و در نزدیکی آن مقبره
 نورجهان است که در ۷۶ سالگی بعد از
 زندگی بسیار پر حادثه‌یی درگذشته است.
 این اشعار نیز در بعضی از تذکره‌ها به
 نورجهان نسبت داده شده است:

نام تو بردم وز دم آتش به جان خویش
 در آتشم چو شمع ز دست زبان خویش

ای آبشار، نوحه‌گر از بهسر چیستی؟
 چین برجین فکنده ز اندوه کیستی؟
 دردت چه درد بود که چون من تمام شب
 سر را به سنگ میزدی و می‌گریستی؟

کشد غنچه اگر از نسیم گلزار است
 کلید فلفل دل ما، تبسم یار است
 قطعه ذیل نیز بنا به نوشته «تذکره زنان
 سخنور» به‌او نسبت داده شده است. درین
 قطعه، همان ایرادی که امروز به شاعران
 می‌گیرند، او سیمد سال قبل گرفته است:

وای بر شاعران بی‌دیده
 غلطی را به خود پسندیده،
 سرو را قد یار می‌گویند
 ماه را روی او، نسجیده
 ماه جرمی است ناتمام عیار
 سرو چوبی است ناتراشیده

دانشگاه اصفهان

اشاره :

● تلاش در شماره‌های گذشته خود
مدرسه عالی سینا و تلویزیون، دانشکده
مهندسی دانشگاه آریامهر، دانشگاه تبریز، دانشگاه
ملی ایران، دانشرای عالی سیاه دانش، دانشکده
علوم ارتباطات اجتماعی را به خوانندگان خود
معرفی کرده است.
این بار آقای محمود خلیل‌پور
دانشگاه اصفهان را بخوانندگان تلاش می‌شناساند.

سرگذشت دانشگاه اصفهان

سراء می‌توانستند به تارك مناره سمود کنند
بدون آن که در راه بالا رفتن به یکدیگر
برسند و فقط در تارك مناره بهم می‌رسیده‌اند
لیکن اسباب تأسف است که از این شاهکار
معماری آن عصر و همچنین از خود این نظامیه
در حال حاضر اثری نمانده است.

مرکز علمی دیگری نیز بنام مدرسه
ملکنکاهی در این دوره وجود داشته است.
پس از کشته شدن نظام‌الملک وزیر در سال
۱۰۹۲ میلادی که در راه اصفهان به بغداد
(درنهادند) به ضرب خنجر یکی از اسماعیلیان
از پای درآمد، کالبد او را به اصفهان حمل
و در مدرسه ملکنکاهی دفن کردند و
به همین مناسبت چند نفر دیگر از پادشاهان و
وزرای این سلسله از جمله خود ملکنکاه هم
که به فاصله یک ماه بعد از قتل وزیر پسرود
زندگی گفت در این مدرسه مدفون شدند،

از مدرسه ملکنکاهی فعلا عبارات مختصری
در محله دارالبیخ اصفهان باقی است که
آرامگاه پادشاهان و وزیران سلجوقی است.
در سال ۱۳۲۴ مرکز علمی دیگری در
محله «دردشت» بنام مدرسه امامیه یا مدرسه
«باباقاسم» بوسیله سلیمان ابوالحسن طالوت
دامغانی بنا گردید که دانشمند و عارف
معروف آن قرن بنام «باباقاسم» در آن به
تدریس مشغول بود و پس از وفات او این
مدرسه که از مراکز مهم تعلیم علوم دینی
و فلسفه و حکمت بود همچنان مانده، و هم
اکنون یکی از آثار تاریخی و هنری قرن
چهاردهم میلادی اصفهان بشمار می‌رود و
قدیم‌ترین مدرسه‌بی است که از دوره‌های
پیش در اصفهان به یادگار مانده است.

از اوایل سده شازدهم میلادی که سلطنت
ایران به صفویه انتقال یافت و مردم ایران
به مذهب تشیع گرویدند باز شهر اصفهان
بزرگترین و معروفترین کانون علوم و
معارف اسلامی شد، بطوری که هر طالب علمی
در هر کجا که ساکن بود، ناگزیر از مسافرت
به اصفهان و تکمیل معلومات خود بود.

در سال ۱۵۹۷ - م اصفهان به پایتختی
سلسله صفویه برگزیده شد و تا سال ۱۷۳۵ - م
یعنی مدت ۱۴۸ سال این شهر پایتخت ایران
بود و پادشاهان بزرگی چون شاه عباس اول
(۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م) و شاه عباس دوم
(۱۶۴۲ - ۱۶۶۷ م) در توسعه و زیبا کردن
شهر و احداث خیابانها و میدانها و قصرها و

در تاریخ اسلامی ایران که از نیمه دوم
قرن هفتم میلادی آغاز می‌شود، شهر اصفهان
پیوسته از مراکز بزرگ علم و ادب ایران
بوده است و دانشمندی بزرگ مانند
ابوالفرج اصفهانی صاحب کتاب «الأغانی»
و حمزه اصفهانی مورخ مشهور قرن دهم و
اسماعیل بن عباد ملقب به «صاحب» و زبیر
پادشاهان دیلمی ایران در قرن دهم از این
سرزمین برخاستند و حکیم و فیلسوف مشهور
ایران ابن سینا در اوایل قرن یازدهم میلادی
برای مدتی در این شهر به تدریس و تعلیم
مشغول بوده و طالبان علم برای استفاده از
محضر درس او بر یکدیگر سبقت می‌جستند.
قبه ابن سینا که محل تدریس او بوده هنوز
در شهر اصفهان در محله قدیم «دردشت»
موجود است.

در سده یازدهم و دوازدهم میلادی شهر
اصفهان از مراکز عمده علم و معارف اسلامی
بود و دانش‌پژوهان و هنروران از دورترین
نقاط شهرهای اسلامی رهسپار اصفهان می-
شدند و دانشمندان اصفهانی در میان قفقاز
و محدثان اسلامی طبقه برجسته و ممتازی
بشمار می‌رفتند.

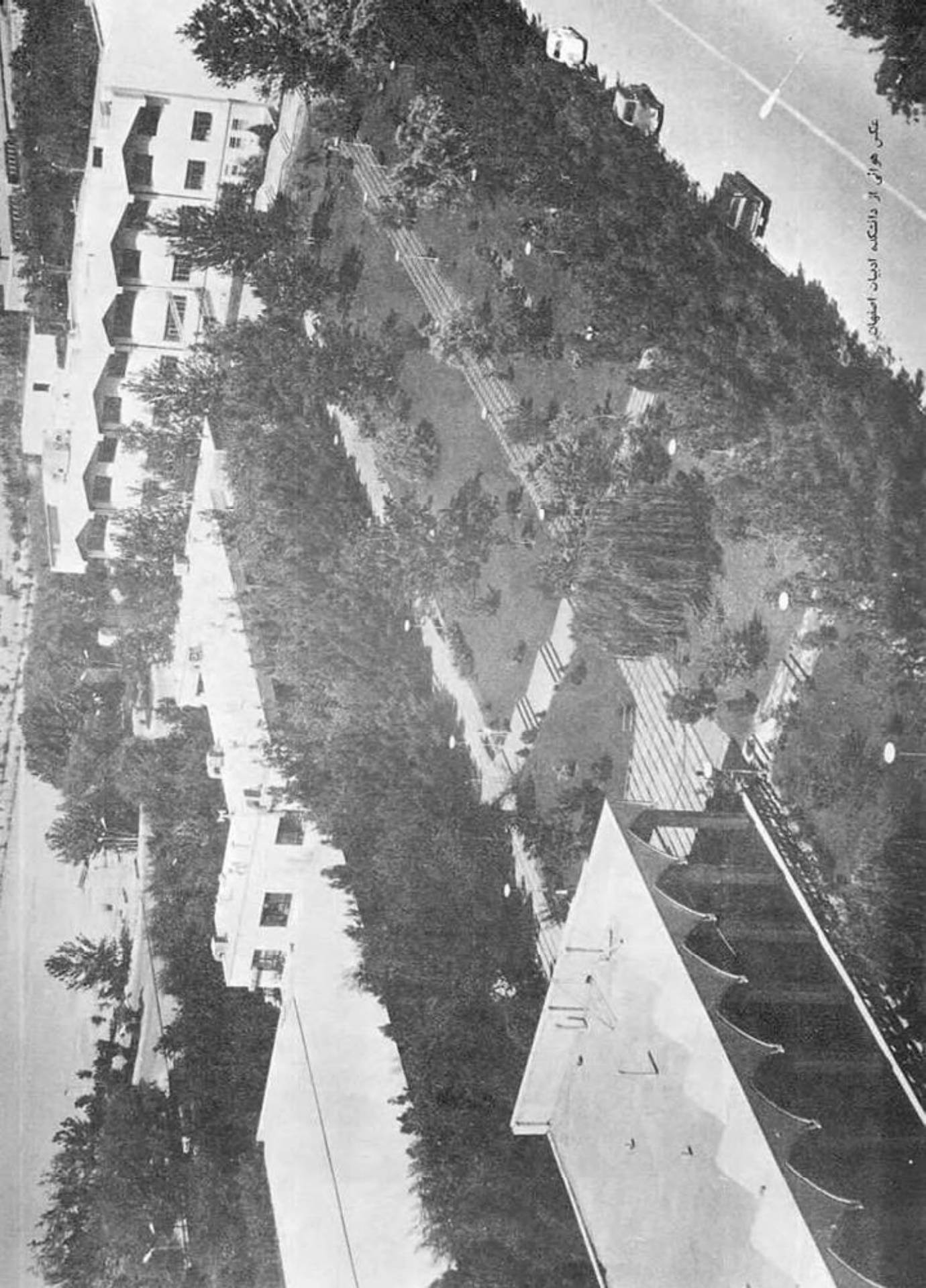
در نیمه دوم قرن یازدهم، اصفهان به
وسيله ملکشاه سلجوقی به پایتختی ایران
برگزیده شد و در آن موقع اصفهان پایتخت
امیراطوری بزرگی بود که یک حد آن رود
جیحون و حد دیگر آن سواحل شرقی دریای
مدیترانه بوده است.

ملی بیست سال سلطنت ملکشاه از ۱۰۷۲
تا ۱۰۹۲ میلادی بدستگیری وزیر دانشمند و
سیاستمدار معروف ایرانی، خواجه نظام-
الملک طوسی اقدامات وسیعی برای عمران
و آبادی و ایجاد باغهای وسیع و احداث
بناهای عام‌المنفعه و تزئین شهر بعمل آمد و
از آن جمله دانشگاه اصفهان که در آن موقع
«نظامیه» نام داشت در محله دردشت اصفهان
که از محلات بسیار قدیم اصفهان است و در
آن موقع مرکز شهر محسوب می‌شده است،
تاسیس گردید.

بطوری که مترجم کتاب «محاسن
اصفهان» ذکر کرده است نظامیه مناره‌یی
داشته که از نظر معماری از همه مناره‌های
موجود در اصفهان بیشتر جلب توجه می-
کرد. بدین منی که از پایه مناره سه‌نفر از



عکس هوایی از دانشگاه ادیان اصفهان



پل‌ها و کاروانسراها و بازارها و مدرسه‌ها (مراکز تعلیم علوم دینی و دانشهای دیگر بشری) گوشیدند و در مدارس مانند: مدرسه مولی عبدالله شوشتری و مدرسه جده بزرگ و کوچک و مدرسه نیم‌آورد و مدرسه کاسف‌گران در بازار بزرگ اصفهان بنا کردند که طالبان علم به تحصیل بپردازند و دانشمندان بزرگی نیز از این مدارس ظهور کردند. مهمترین مدرسه‌یی که در دوران صفویه در اصفهان ساخته شد و بمنزله بزرگترین دانشکده الهیات آن عصر بنام می‌رفت مدرسه سلطانی چهارباغ است که در حاشیه خیابان تاریخی چهارباغ اصفهان بنا شده و در ردیف زیباترین آثار هنری ایران است. ساختمان این مدرسه که ۱۵۰ حجره دارد در سال ۱۷۱۴م به پایان رسید و علمای بزرگ آن عصر در این دانشکده به تدریس پرداختند و فقیهان و عالمان کم‌نظیری را بجامعه ایران تحویل دادند که جانشینان آنها تا زمان حاضر به تدریس خود ادامه می‌دهند.

سه قرن پیش علوم منقول و فنون اجتهادی در اصفهان مورد توجه قرار گرفت و بنوعی اصول فقه بجایی رسید که در هیچ دوره‌ای نظیر آن دیده نشده بود. از علمای بزرگ در فن اجتهاد و فقه این دوره آقا باقر اصفهانی است که چون بعداً مدتی در بهبهان می‌زیست به آقا باقر بهبهانی شهرت یافت.

دو عالم دیگر که در اصفهان ظهور کردند یکی سید محمد باقر شفتی بیدآبادی و دیگری حاج محمد ابراهیم کلباسی بودند. دوری که پادشاهان صفویه در ایران حکومت داشتند، از قرون مهم هنری، صنعتی و ادبی ایران بنام می‌رود و با آن که پادشاهان این سلسله بهتر و صنعت بیشتر تمایل نشان می‌دادند معذک در این دوره دانشمندان بزرگی چون شیخ بهایی، میر محمد باقر داماد، امیر ابوالقاسم فندرسکی و ملا صدرا، و فقه‌های درجه اول مانند میرزا رفیعا و آقا حسین حواساری و مجلسی قدم به عرصه وجود گذاشتند و پرتو نهضت علمی و ادبی و هنری که نتیجه ایجاد دولت صفوی بود سراسر ایران را فرا گرفت و در ممالک دیگر خصوصاً عراق و شام اثرات مستقیم



گذاشت و در آن عصر کانون این نهضت بزرگ شهر اصفهان بود.

در فاصله سالهای ۱۷۲۲ تا ۱۷۵۰م اصفهان دچار اوضاع بحرانی شد و در اثر انقلابات بیابایی و قتل و کشتار و خرابی، عده‌یی از ارباب دانش و هنر و فرهنگ به دست مهاجمان کشته شدند و گروهی دیگر نیز در اثر قحطی و بیماری‌های مهلک جان سپردند و نظر به اهمیتی که اصفهان در حدود ۲ قرن پیش داشت، هر مهاجمی به این شهر حمله می‌برد و آنجا را سنگر خود قرار می‌داد، مهاجم دیگر به قصد جنگ با او اصفهان را محاصره می‌کرد و بر اثر این حملات شهر ستدیبه اصفهان روز به روز به ویرانی سوق داده می‌شد و در نتیجه اصفهان که مرکز علم و ادب و صنعت و همه مظاهر تمدن ایران بود به ویرانه‌ای غم‌انگیز تبدیل گردید و جمعیت این شهر تاریخی که به نوشته جمعی از نویسندگان اروپایی بیک میلیون نفر می‌رسید در اثر قحطی و قتل و غارت و شیوع امراض مختلف به جمعیتی بسیار کم محدود شد و بعضی از محلات شهر بکلی خراب شد و خالی از ساکنان گردید و علما و ادبا و هنرمندان ازین رفتند و بساط علوم و صنایع برچیده شد و این کیفیت تا آغاز کار سلسله پهلوی کم‌ویش برقرار بود.

دانشگاه اصفهان در عصر پهلوی

نخستین پایه دانشگاه کنونی اصفهان در سال ۱۳۲۵ با حضور آقای دکتر منوچهر اقبال وزیر بهداری وقت و مرحوم پروفیسور اوبرلین رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در محل کوچکی واقع در خیابان احمدآباد، با ایجاد آموزشگاه عالی بهداری گذاشته شد، این آموزشگاه با همکاری عده‌یی از دانشیاران کار خود را آغاز کرد، پس از چندی به ساختمان شمالی دبیرستان سعدی که آن روز دارای آزمایشگاه نسبتاً مجهزی بود منتقل و آزمایشگاه این دبیرستان مورد استفاده دانشجویان قرار گرفت.

چهار سال بعد یعنی در سال ۱۳۲۹ دانشکده پزشکی اصفهان کار خود را با پذیرش ۵۴ دانشجو آغاز کرد، در این سال جمعا در دانشکده پزشکی و آموزشگاه عالی بهداری ۱۶۲ دانشجو به تحصیل اشتغال داشتند.

در سال تحصیلی ۳۴ - ۱۳۳۵ دانشکده داروسازی اصفهان تشکیل شد و بدانشکده پزشکی ضمیمه گردید و ۱۴ نفر دانشجو پذیرفت. در این سال دانشگاه اصفهان ۴۳۵ دانشجو داشت. در ۱۸ آذر ماه ۱۳۳۷

دانشکده ادبیات کار خود را شروع نمود و تعداد ۱۴۵ دانشجو جهت دو رشته زبان و ادبیات فارسی و زبان انگلیسی برای سال اول این دانشکده نام‌نویسی نمودند و جمع دانشجویان این دانشکده در آن سال به ۶۰۹ نفر رسید.

در همین سال موجودیت دانشگاه اصفهان تحقق یافت و مرحوم دکتر مهدی نامدار به ریاست این دانشکده منصوب گشت. در سال ۱۳۴۱ دبیرخانه دانشگاه منحل و دانشکده‌های پزشکی و ادبیات هر یک بصورتی واحد زیر نظر اداره کل تعلیمات عالیه درآمد.

در مهرماه ۱۳۴۳ دانشکده علوم در ساختمان جدیدی که جنب دانشکده ادبیات بوجود آمده بود، تأسیس شد و ۲۱ نفر دانشجو در رشته شیمی آن ب تحصیل اشتغال ورزیدند، در این سال جمع دانشجویان اصفهان به ۱۰۵۲ نفر رسید و سال بعد یعنی ۱۳۴۴ مجدداً دانشکده داروسازی که منحل شده بود به دانشکده پزشکی ضمیمه و تأسیس شد و در ۱۶ شهریورماه ۱۳۴۶ دانشکده‌های پراکنده باهم در آمیخته و موجودیت دانشگاه اصفهان با تعیین رئیس جدید دانشگاه آقای دکتر قاسم معتمدی رئیس فعلی این دانشکده تحقق یافت.

دانشکده‌های پزشکی، علوم، ادبیات و داروسازی که بطور جداگانه اداره می‌شدند، زیر لوای دانشگاه مجتمع شدند و تشکیلات این دانشگاه جانی گرفت و ساختمانهای مختلفی برای محل دانشکده‌ها در کوی دانشگاه آغاز شد. ضمناً سه واحد آموزش عالی نیز با سامی دانشکده علوم دارویی، رشته لیانس علوم آزمایشگاهی و آموزشگاه عالی پرستاری در سال تحصیلی ۲۷ - ۱۳۴۸ به واحدهای پیشین افزوده گشت و همچنین دوره لیانس شبانه در دانشگاه اصفهان دائر گردید. در همین سال نیز مرکز پژوهشی دانشگاه ایجاد شد.

ساختمانهای جدید دانشگاه اصفهان در محلی که باغ و قصر «هزار جریب» می‌نامند، بوجود آمده است. سال ۵۲ و نیز سال ۵۳ برای دانشگاه اصفهان سالی پرتلاش بوده و هست. دانشگاه اصفهان در راه پیشرفت تلاشی را آغاز کرد تا به هدف اصلی خود دست یابد و هدف چیزی جز پیشبرد سطح دانش اجتماعی برای رسیدن به تمدنی بزرگ که از آن یاد کردیم نیست، منتهی این تلاش همگانی با بهره‌گیری از تحولات علمی دنیا هماهنگ است.

دانشکده ادبیات و علوم انسانی ساختمان این دانشکده که دارای ۵۰۰۳ متر زیر بناست شامل دو بال شرقی و غربی و

آمار دانشجویان دانشکده ادبیات و علوم انسانی در سال

جمع	دختر	پسر	
۱۲۷	۲۷	۱۰۰	۱ جغرافیا
۹۵	۳۱	۶۴	۲ زبان و ادبیات فارسی
۱۱۰	۲۸	۸۲	۳ تاریخ
۱۰۹	۴۶	۶۳	۴ زبان و ادبیات انگلیسی
۴۱	۲۲	۱۹	۵ زبان و ادبیات فرانسه
۳۸	۱۶	۲۲	۶ زبان و ادبیات ارمنی

تحصیلی ۵۲ - ۱۳۵۳

یک قطعه واسط شمال و جنوبی می باشد که دوپال را بیکدیگر متصل می نماید. بال جنوبی و قسمتی از واسط دارای سقف و اسکلت سوله و بال شمالی و راهرو و قطعه واسط باتیر آهن و آجر پوشیده شده و دارای ایوان و ستون های کاشیکاری است. بال غربی مخصوص قسمت اداری و اتاق استادان و بال شرقی اختصاص به کلاسها و آزمایشگاه های زبان و جغرافیا دارد. کتابخانه مجهز دانشکده ادبیات و علوم انسانی وسالن بزرگ سخنرانی اقبال که نزدیک به ششصد صندلی دارد در قسمت وسط قرار دارد.

عملیات اجرایی این ساختمان از ۱۵ خرداد ماه ۱۳۴۷ شروع و در اول مهرماه همان سال مورد بهره برداری قرار گرفت، این دانشکده در حال حاضر دارای رشته های زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی، زبان و ادبیات ارمنی، زبان و ادبیات فرانسه، تاریخ و جغرافیا است.

دانشکده علوم

آمار دانشجویان دانشکده علوم در سال

جمع	دختر	پسر	
۷۱	۹	۶۲	۱ ریاضی
۱۳۷	-	۱۳۷	۲ زمین شناسی
۹۹	۳۸	۶۱	۳ زیست شناسی
۱۰۵	۳۴	۷۱	۴ شیمی
۸۹	۶	۸۳	۵ فیزیک

تحصیلی ۵۲ - ۱۳۵۳

این ساختمان نیز همانند دانشکده ادبیات به شکل B ساخته شده و ۶۸۰۰ متر مربع زیر بنا دارد. کلیه قسمت های آن به استثناء قطعه واسط دارای سقف سوله است. تهویه آن با فن کویل تأمین گردیده، در این ساختمان ۹ کلاس درس، ۱۹ آزمایشگاه، دو سالن کنفرانس، یک کتابخانه و تعدادی اتاق برای استادان و مربیان احداث شده است. عملیات اجرایی ساختمان دانشکده علوم در مرداد ماه ۱۳۴۷ شروع و در آذر ماه همان سال مورد بهره برداری قرار گرفته است. این دانشکده دارای رشته های ریاضی، زمین شناسی، زیست شناسی، شیمی و فیزیک است.

دانشکده علوم تربیتی

آمار دانشجویان دانشکده علوم تربیتی در سال

جمع	دختر	پسر	
۲	۱	۱	۱ زمین شناسی
۶۵	۹	۵۶	۲ ریاضی
۱۰۵	۴۸	۵۷	۳ زیست شناسی
۱۱۱	۳۸	۷۳	۴ شیمی
۱۳۱	۳۷	۹۴	۵ علوم تربیتی
۱۴۴	۵۶	۸۸	۶ روانشناسی و فلسفه

تحصیلی ۵۲ - ۱۳۵۳

این ساختمان از بتون آرمه به شکل B ساخته شده. ضلع شرقی ساختمانهای اداری، در وسط کتابخانه و ضلع غربی به کلاسها اختصاص دارد. منتهی الیه این ضلع نیز سالن سخنرانی دانشکده است مجموع زیربنای آن ۲۸۴۲ متر مربع بوده و عملیات اجرایی آن از سال ۱۳۴۸ آغاز و در همان سال پایان یافته است. این دانشکده دارای رشته های روانشناسی، شیمی، علوم تربیتی، زیست شناسی، ریاضی و زمین شناسی است.

دانشکده پزشکی

ساختمان این دانشکده در اواخر سال ۱۳۴۴ شروع و در سال ۱۳۵۰ به پایان رسید. این ساختمان دارای ۵ بلوک ساختمانی است که مجموعاً ۱۵ واحد ساختمانی را تشکیل می‌دهد که هر کدام مربوط به یک گروه آموزشی است.

ساختمان مرکزی دارای یک کریدور سه طبقه طولی مرکزی، شمالی و جنوبی است که طول هر یک از طبقات حدود ۲۰۰ متر است و بمترزه شاهرک ارتباطی و تأسیساتی بلوک‌های اصلی ساختمان بشمار می‌رود و بلوک‌های اصلی ساختمان در شرق و در غرب به صورت عمودی و بلوک شمالی به صورت مایل به این کریدور مرکزی ارتباط دارند.

در ضلع شرقی هر یک از کریدورها، کلاس‌های درس در فواصل مشخص قرار گرفته است. تعداد کلاسها ۱۲ عدد و گنجایش هر یک متجاوز از یکصد نفر است. نمای ساختمان این دانشکده از سنگ تراورتن، کاشیکاری منبک و کاشیکاری هفت‌زنگ تزیین شده. در این دانشکده ۶۵۴ دانشجوی دختر و پسر تحصیل می‌کنند. که از این عده ۵۴۵ نفر پسر و ۹۹ نفر دیگر دختر هستند.

نگاهی به دیگر تجهیزات و اقدامات:

سلفرویس دانشجویان

ساختمان امنی آن به شکل مستطیل و با اسکلت و سقف سوله ساخته شده و دارای

تماشایی را دارد و برای انجام مسابقات مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سالن از لحاظ نور، صدا، حرارت و سایر احتیاجات کاملاً مجهز است.

گذشته از سالن ورزشی مرد و آویج پنج سالن ورزشی دیگر نیز در دانشگاه وجود دارد که به ترتیب به کشتی، وزنه برداری، پیسک‌بانک، شمشیر بازی و سایر ورزشها اختصاص یافته است. ضمناً هشت زمین والیبال اسفالتی، هشت زمین بسکتبال اسفالتی، سه زمین تنیس کاهگلی، دو زمین تنیس اسفالتی یک زمین چمن برای فوتبال، ۲ پیست دو و میدانی با سیستم ۱۲۰ متری، ۲ زمین پرس طول و سه گام ساخته شده که همه مورد استفاده دانشجویان قرار گرفته است.



نمای دانشکده پزشکی اصفهان

یک آشپزخانه مدرن با تمام تجهیزات در وسط و سه سالن غذاخوری در طرفین می‌باشد. زیر بنای آن حدود ۱۸۰۰ متر مربع است و روزانه بین ۹۰۰ تا ۱۶۵۰ نفر دانشجو در این سلفرویس از غذای آن استفاده می‌کنند.

تأسیسات ورزشی دانشگاه

این سالن که ۳۸۹۸ متر مربع زیر بنا دارد در اسفند ماه ۱۳۴۷ ساختمان آن در ضلع شرقی زمین‌های کوی دانشگاه شروع و در آذرماه ۱۳۴۸ مورد بهره‌برداری قرار گرفت، این سالن گنجایش ۲ تا ۳ هزار

مرکز بهداشت دانشجویان در سال ۱۳۵۰ برای معاینات سرپایی دانشجویان در کوی دانشگاه ساختمان مجهزی ساخته شد که در خرداد ماه ۱۳۵۱ همزمان با جشن‌های فارغ‌التحصیلی افتتاح شد. مساحت زیربنای آن نزدیک به ۵۰۰ متر مربع است و دارای ۲ اتاق عمل برای جراحی‌های کوچک، مرکز استریل لوازم، پنج تخت‌خواب و ۱۰ تخت برای بستری کردن موقت دانشجویان است. درمانگاه دندانپزشکی این مرکز مجهز بدستگاه رادیوگرافی است



که از سال ۱۳۵۱ مورد استفاده قرار گرفته است.

کوی استادان

یکی از مشکلات استادان غیربومی که برای تدریس بدانگاه اصفهان دعوت می‌شدند مسکن بود، به همین جهت دانشگاه اصفهان در ضمن برنامه‌های عدیدیه‌یی که برای رفاه دانشجویان و استادان طرح نمود یکی نیز ساختن واحدهای مسکونی جهت استادان بود که در سال ۱۳۴۹ شروع و تاکنون چندین واحد از آپارتمانهای کوی دانشگاه بااجاره ارزان تحویل استادان گردیده است. جمع، زیربنای کوی استادان دانشگاه اصفهان ۶۵۷۰ متر مربع است.

کتاب و کتابخانه‌های دانشگاه
دانشگاه اصفهان در حال حاضر دارای ۹ کتابخانه بدین شرح است: کتابخانه مرکزی، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کتابخانه دانشکده پزشکی، کتابخانه دانشکده علوم، کتابخانه علوم دانشکده دارویی، کتابخانه علوم تربیتی، کتابخانه آموزشگاه عالی پرستاری، کتابخانه بیمارستان تریا، کتابخانه بیمارستان خورشید و مرکز مطالعات فوق لیسانس. کتابخانه دانشکده پزشکی در سال

۱۳۲۹، کتابخانه ادبیات در دیماه ۱۳۳۷، کتابخانه دانشکده علوم در مرداد ماه ۱۳۴۳، کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه و آموزشگاه عالی پرستاری در سال ۱۳۴۷، کتابخانه‌های دانشکده علوم دارویی و بیمارستان تریا در سال ۱۳۴۸ و کتابخانه‌های بیمارستان خورشید و کتابخانه علوم دانشکده تربیتی در سال ۱۳۴۹ افتتاح شده است.

تعداد کتابهای کتابخانه‌های دانشگاه در حال حاضر به شرح زیر است:

الف - کتابخانه مرکزی: کتابخانه مزبور ۱۳ هزار جلد کتاب فارسی و عربی و ۱۵۰ هزار جلد کتاب لاتینی دارد.

ب - کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۵۹۴۴۹ جلد کتاب فارسی، عربی، ارمنی، لاتین را دارا می‌باشد.

پ - کتابخانه دانشکده علوم: کتابهای فارسی و لاتین آن جمعاً ۱۱۲۲۴ جلد است.

ت - کتابخانه دانشکده پزشکی ۱۶۶۹ جلد کتاب دارد.

ث - کتابخانه دانشکده علوم دارویی قریب ۱۱۳۷ جلد است.

ج - کتابخانه آموزشگاه عالی پرستاری ۱۳۱۰ جلد می‌باشد.

چ - کتابخانه بیمارستان تریا ۵۷۴ جلد و بیمارستان خورشید ۴۳۸ جلد کتاب دارند.

ح - مرکز مطالعات فوق لیسانس نیز ۸۲۴ جلد کتاب دارد.

در کتابخانه مرکزی دانشگاه علاوه بر نسخه‌های خطی، کتابهای چاپی گرانبها و نفیس و چاپهای قدیم فراوان دیده می‌شود. بویژه کتیبه‌های ایران شناسی، و کتابهایی که خاورشناسان معروف جهان درباره زبان، مذهب، ادبیات، تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران چاپ کرده‌اند اهمیت خاصی دارد.

دو سال پیش کتابخانه شخصی شادروان غلامحسین وثیقی از قضاة معروف دادگستری که بالغ بر یک هزار و پانصد جلد و در نوع خود مجموعه‌یی کم نظیر و گرانبها بود برای کتابخانه مرکزی دانشگاه خریداری شد.

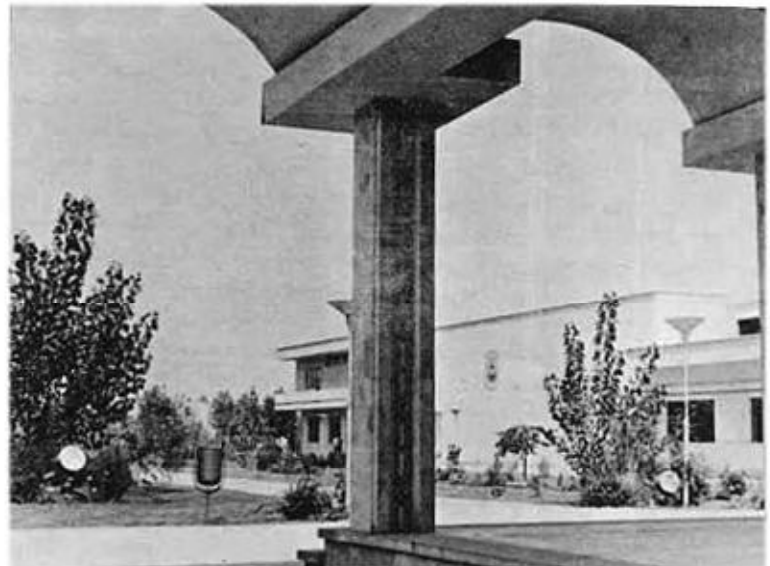
در کتابخانه دانشگاه علاوه بر کتابها و مجلات، تعداد زیادی سکه از زمانهای قدیم تا عصر حاضر که عموماً ضرب اصفهان می‌باشد، نگاهداری می‌گردد و تعدادی نقشه‌های تاریخی و قطعات و خطوط خوشنویسان معروف نیز در کتابخانه دانشگاه موجود است.

شوراهای دانشگاه اصفهان

دانشگاه اصفهان تشکیلات مجهز اداری دارد و امور داخلی، آموزشی و استخدامی خود را با نظر شوراهای زیر انجام می‌دهد: شورای دانشگاه، شورای پژوهشی، شورای گروه آموزشی، شورای ترفیحات و اتمامات، شورای امور دانشجویان، شورای تدارکات، شورای طرح و بررسی‌ها، شورای دانشکده، شورای میبزی، شورای کتاب و کتابخانه، شورای ورزش و شورای امور بیمارستانها. دانشگاه اصفهان در دانشکده‌های پنجگانه خود ۳۰ گروه یا مؤسسه آموزشی دارد و هر یک از این گروهها یک مدیر گروه و یک معاون گروه دارند.

رفاه دانشجویان

در سالی که گذشت برای رفاه دانشجویان اقدامات اساسی انجام گرفت. تعداد تخت خوابهای خوابگاههای پسرانه از ۳۶۷ به ۴۹۰ افزایش یافت و تعداد تخت دانشجویان دختر نیز از ۱۵۰ به ۲۱۸ تخت رسید. اکنون جمعاً ۷۰۷ دانشجوی دختر و پسر از خوابگاهها استفاده می‌کنند. سال گذشته ۲۴۱۴ دانشجو از کمک‌های هزینه استفاده کردند و در سه سالن غذاخوری بطور متوسط به ۱۶۵۰ نفر ناهار به ۶۵۰ نفر شام و ۴۰۰ نفر صبحانه ارزان قیمت داده شد. در سال گذشته کلیه مسائل مربوط به امور دانشجویی هر دانشکده در کمیته امور دانشجویی دانشجویان مطرح و مشکلات با همفکری مسؤولان امر حل و فصل شد. به ۵۳۶



نمای قسمتی از دانشکده علوم تربیتی اصفهان

دانشجوی دوره شبانه نیز وام داده شد و دانشجویان طبق برنامه‌های تنظیمی از آثار باستانی و سایر اقدامات عمرانی در سطح کشور دیدن کردند. مراکز پزشکی ثریا، خورشید و فیض وابسته به دانشگاه گسترش و تجهیز گردید.

هم‌اکنون ۱۲۵ دختر و پسر در رشته علوم آزمایشگاهی و ۱۰۴ دختر در آموزشگاه عالی پرستاری و ۱۹۶ دختر و پسر در دوره شبانه جغرافیا و ۳۹ تن دختر و پسر در رشته علوم اجتماعی شبانه به‌تحصیل مشغول‌اند.

دیگر اقدامات

دانشگاه اسفهان با تنظیم برنامه مفصلی در برنامه پنجم عمرانی تعداد دانشجویان خود را به‌دو برابر افزایش خواهد داد. در آخرین روزهای سال ۵۲ اولین کلنگ‌موقت استیتو باغبانی بزمین زده شد. به‌فرمان شاهنشاه آریامهر از ابتدای سال ۵۲ کودکان، دستان و دبیرستان وابسته به دانشگاه اسفهان افتتاح شد. در سال تحصیلی جاری تعدادی دانش‌آموز در کلاس‌های ششم طبیعی و ریاضی دانشگاه تحصیل می‌کنند.

دبستان بین‌المللی دانشگاه در حال حاضر ۸۷ نفر دانش‌آموز دارد که در کلاسهای اول تا سوم تحصیل می‌کنند. این دبستان دارای ۴ آموزگار ایرانی و ۵ آموزگار انگلیسی زبان است. در کودکانستان دانشگاه نیز ۵۰ کودک زیر نظر چهار مربی آموزش می‌بینند.

دانشگاه اسفهان، روزنامه‌یی با نام «اخبار دانشگاه» منتشر می‌کند که امسال یا به‌دوره چهارم خود گذاشت.

زایشگاه امین و نیز قهقهه‌خانه مجهزی که در جوار آن ساخته شده زیر نظر این دانشگاه اداره می‌شود.

گفت و شنودی با دکتر قاسم

معمندی رئیس دانشگاه اسفهان

بیمارستان بزرگ آموزشی

در اواخر برنامه پنجم دانشگاه اسفهان تعداد دانشجویان پزشکی به‌دو برابر افزایش خواهد یافت؛ افزایش تعداد دانشجو خود نیاز به بالابردن سطح آموزش پزشکی دارد. این آموزش را باید بیشتر در مراکز درمانی انجام داد و با این حساب ایجاد بیمارستان ۷۵۰ تختخواب که امیدوارم تا سه سال دیگر آماده بهره‌برداری شود مورد احتیاج است. در خصوص مشخصات بیمارستان رئیس دانشگاه گفت:

این بیمارستان در محوطه‌یی بساحت

۱۸۰۰۰۰ متر مربع و زیر بنای ساختمان ۵۴۰۰۰ متر مربع است که برای ساختمان و تأسیسات آن ۸۲ میلیون ریال اعتبار از طرف سازمان برنامه تأمین خواهد شد. بیمارستان که برای آموزش از نظر دانشکده پزشکی طراحی شده است دارای تلویزیون مدار بسته برای آموزش، کتابخانه و بخش و مطب‌های اختصاصی برای پزشکان تمام وقت است. برای بخش‌های درمانی و تخصصی، نزدیک به ۲۰ اتاق عمل جراحی و بخش درمان سرطان برای همه قسمت‌ها در نظر گرفته شده است.

ابتدا آموزش سپس درمان

دکتر معمندی در گفته‌هایش به نقش حساس بیمارستان در امر آموزش پزشکی تأکید بسیار داشت و حتی این جمله را بیان کرد که در ابتدای امر نظر ما آموزش در مراکز درمانی است که این آموزش خود بخود اصل درمان را هم مطرح خواهد ساخت. از آنجا که آموزش صحیح احتیاج به متخصصان وارد دارد، دانشگاه اسفهان همیشه در صدد آن بوده است که متخصصان خوب و واجد شرایط را به سوی خود جلب کند و با وجود آوردن امکانات چندر خارج و چه در داخل کشور به تسریع متخصصین بپردازد.

آیا یک بیمارستان بزرگ احتیاج بیکادر پرستاری قوی ندارد؟ پاسخ بر این سؤال مثبت خواهد بود. شاید در این مورد نیز اقدامی مد نظر شما باشد. ببینیم رئیس دانشگاه چه می‌گوید؟

آموزشگاه پرستاری با ۳۰۰

دانشجو

گفتم تعداد متخصصان را افزایش خواهیم داد و خوب یادم هست ۶ سال پیش که با اسفهان آمده بودم در تمام بیمارستانهای دانشگاه سه متخصص نیمه‌وقت بیهوشی بود که اغلب با انجام کارهای دانشگاهی می‌بایست احتیاجات شهر را نیز تأمین کنند.

در حال حاضر چند برابر رقم مذکور متخصص تمام وقت بیهوشی داریم. در همان زمان که تعداد متخصص بطور کلی رقم ناچیزی را تشکیل میداد در جمع بیمارستانها سه پرستار تحصیل کرده داشتیم. سه پرستار برای چند بیمارستان، این حقیقت تلخ، انگیزه ایجاد آموزشگاه عالی پرستاری بود. والا حضرت شاهدخت فاطمه پهلوی دستور دادند تا در اسرع وقت آموزشگاه پرستاری دانشگاه دایر شود. در سال ۱۳۴۷ اولین دوره را با ۳۰ نفر دانشجو افتتاح کردیم و این تعداد برای دوره‌های بعدی به ۵۰ نفر رسید. تاکنون چهار دوره فارغ-

التحصیل داشته‌ایم اما این تعداد نمی‌تواند جوابگوی بیمارستانی با ۷۵۰ تختخواب باشد. علاوه بر بیمارستان دیگر باشند. به‌مین منظور ایجاد یک آموزشگاه عالی پرستاری با ۳۰۰ دانشجو در جوار بیمارستان بزرگ در نظر گرفته شده که طرح آن به‌تصویب سازمان برنامه رسیده و نقشه آن در شرف اتمام است. امیدوارم که قبل از اتمام سال جاری کلنگ‌های این آموزشگاه نیز بزمین زده شود. ملاحظه می‌فرمایید ایجاد یک بیمارستان می‌تواند موجبات گسترش کمی و کیفی بر امر آموزش پزشکی گردد.

توجه به علوم پایه پزشکی

علوم پایه پزشکی اولین قسمتی بود که در دانشگاه پزشکی مورد توجه قرار گرفت. برای آن که تا علوم پایه پزشکی دانشجو قوی نباشد آموزش بالینی به‌خودی خود در سطح پایین‌تر خواهد بود. بدین منظور با ایجاد آزمایشگاه‌ها و لابراتوارهای مجهز مبادرت شد و در طول مدت‌زمانی که توانستیم یک دانشکده پزشکی مجهز و در سطح عالی داشته باشیم گروه‌های مختلف آموزشی در این دانشکده مشغول فعالیت مستمری هستند. در بعضی از قسمتها حتی متخصص از خارج آوردیم و اهمیتی که به علوم پایه پزشکی گذاشته شد بی‌ارتاب بیشتر از آن حدی است که در سابق بوده است و باید در نظر داشت که دوره‌های جدیدی نیز ایجاد کرده‌ایم و دوره‌های علوم آزمایشگاهی یکی از این دوره‌هاست که برنامه فوق لیسانس در این رشته نیز بزودی دایر خواهد شد و امیدوارم که روزی برسد بتوانیم دوره دکتری علوم آزمایشگاهی را دایر کنیم. و اما دوره بالینی که توجه‌بدان امری است ضروری در دانشگاه اسفهان بصورتی خاص به پیش می‌رود.

خرج اضافی نباید کرد

رئیس دانشگاه می‌گوید: برابر نظر کلی در امر آموزش عالی از ایجاد بخش‌های تخصصی بخرنج که بازده درمانی کمتری دارد و چون سرمایه‌گذاری و سیمی لازم داشته و گروه متخصصینی تعلیم یافته و هم-آهنگ نیز لازم دارد خودداری کرده‌ایم. ما بخش‌های مورد نیاز کشور را در بیمارستانها دایر کرده‌ایم که مرتباً افزایش خواهیم داد ولی رشته‌هایی مانند جراحی قلب یا ننداریم و یا بخش پیوند کلیه و یا کلیه مصنوعی دایر نکرده‌ایم و حتی در برنامه آینده‌مان نیز کنجانیده نشده چون میدانیم که بزرگترین



تحت بستری برای درمان بیماران که برای جراحی ماهها نوبت می‌گیرند فراهم کرد.

زایشگاه ۲۰۰ تختخوابی

رئیس دانشگاه در دنباله گفتگوی ما موضوع زایمان را مطرح می‌سازد و می‌گوید چند سال پیش اصفهان زایشگاه مجهزی نداشت و در حال حاضر ۶۷ تختخواب بیمارستان امین را تبدیل به زایشگاه کرده‌ایم ولی چون این تعداد تخت کافی برای احتیاجات شهر نیست لذا باتصویب سازمان برنامه طرح ساختمانی یک زایشگاه تا سطح ۲۵۰ تختخوابی در دست تهیه است و اعتبار آن تأمین شده است که در سال جاری ساختمان آن در مرکز پزشکی امین شروع کرد.

کادر آموزشی تمام وقت

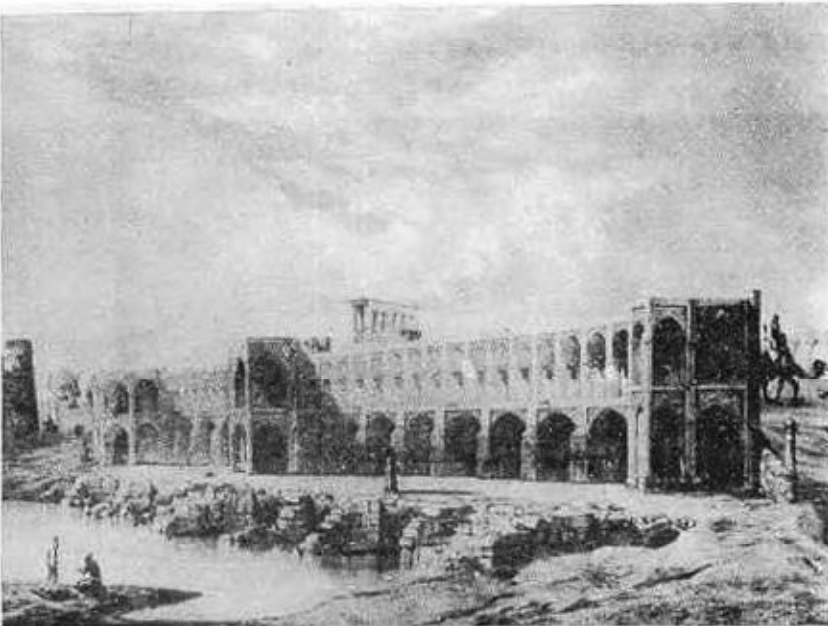
از آموزش سخن گفتیم و بچاست که اندکی به‌اعضای کادر آموزشی بپردازیم. رئیس دانشگاه اصفهان هدف اصلی دانشگاه اصفهان را اجرای اصول منشور انقلاب آموزشی می‌داند و می‌گوید تلاش ما بر این است که استادان تمام وقت داشته باشیم و حتی برای آنکه از تخصص اعضای هیأت علمی تمام وقت در دانشکده پزشکی استفاده کنیم و به‌وزارت آن مردم شهر نیز از این مزایا برخوردار شوند و خود اطباء نرسر درآمدی داشته باشند مبادرت بایجاد کلینیک ویژه در بیمارستان خورشید شده است و پنجاه تخت برای بیماران اختصاصی بزودی در مرکز پزشکی ثریا دائر خواهد شد تا

پزشکان عالیقدر تمام وقت بتوانند در این مراکز بدرمان مردم شهر که احتیاج به آنها دارند بپردازند. همانطور که قبلا هم گفته‌ام در طرح بیمارستان بزرگ آموزشی این قسمت هم در نظر گرفته شده است. نکته دیگری که باید گفت این است که دانشگاه اصفهان سعی و تلاش بی‌گیری دارد تا همه هیأت علمی را به‌اصول انقلاب آموزشی آشنا سازد و در اجرای آن سهیم گرداند.

هدف کلی آنست که دانشجویان معلومات خود را از روی جدیدترین پدیده‌ها و کتابهای علمی فرا گیرند، لذا استادانی که شایستگی دارند به‌امور آموزش و راهنمایی دانشجویان خواهند پرداخت.

استاد شایسته کیست ؟

شایسته بودن از نظر رئیس دانشگاه اصفهان بر مبنی چهار اصل اساسی است که در منشور انقلاب آموزش آمده است:
۱- آمادگی برای کار تمام وقت، ۲- داشتن فعالیت‌های مستمر تحقیقاتی و دارا بودن قدرت هدایت دانشجویان و کفایت پرورش محققان جوان، ۳- علاقه به کسب آخرین اطلاعات علمی جهانی و تطبیق کارها و تحقیقات خود با پیشرفتهای تازه علمی، ۴- علاقه به کار گروهی و همکاری با‌اعضای هیأت آموزشی و نیز کار با دانشجویان و داشتن قدرت جذب اطلاعات علمی و انتقال آن به‌دانشجو، از روی این اصول است که انتخاب یا ارتقاء هیأت آموزشی مسورت می‌گردد.



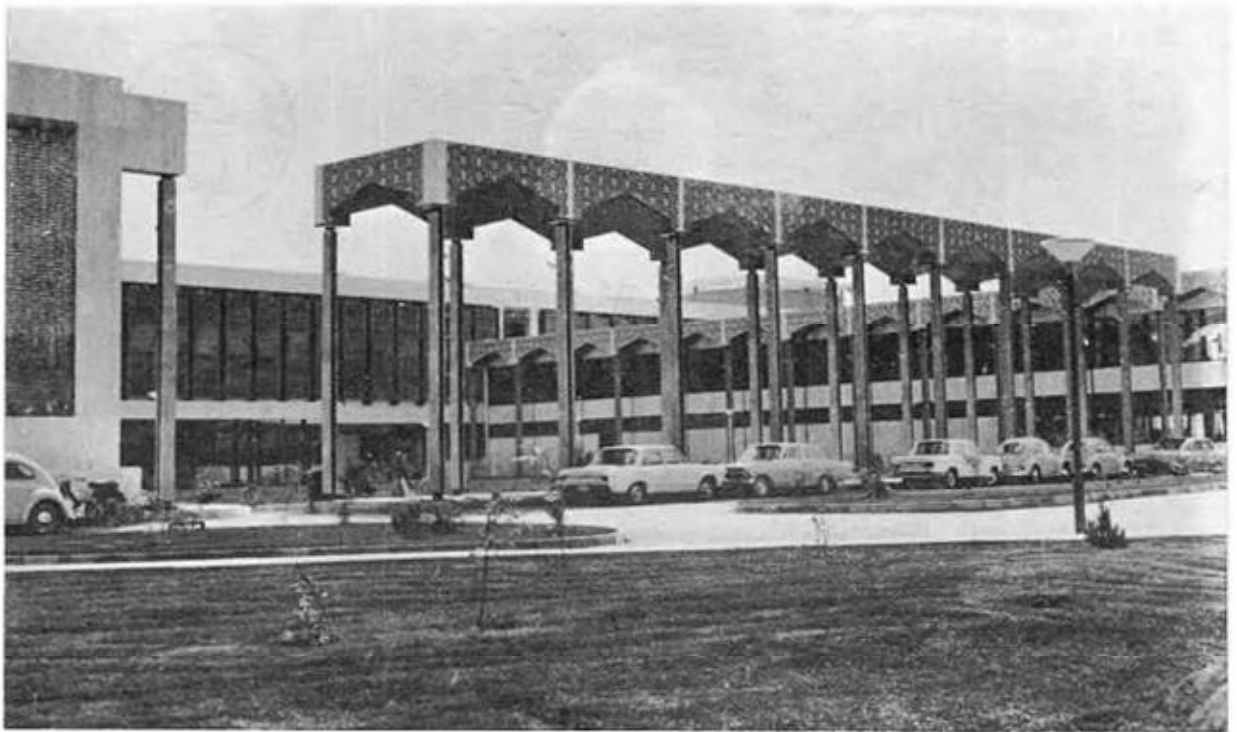
بل خواجوی اصفهان در حدود ۱۵۰ سال پیش

بخش جراحی قلب باز در تهران از طرف بنیاد ملکه پهلوی در تصرف انعام است. در این صورت لزومی نیست که بیاییم و قسمتی از بودجه دانشگاه را که می‌توان در امر آموزش پزشکی که باید در شهر و روستاها کار کنند باین کار اختصاص دهیم.

پس خرید لوازم گران قیمت از خارج ضرور نیست و هیچگاه دانشگاه اصفهان چنین هدفی نداشته و نخواهد داشت. هدف ما تعلیم پزشک مورد نیاز جامعه شهرنشین و روستا-نشین ایران است. اما هنوز خیلی کارها را باید انجام دهیم.

متخصص کافی نداریم برای مثال جراحی ترمیمی و همچنین نوتوانی آنطور که باید هنوز هم نتوانسته‌ایم احتیاجات اولیه بیماران را برآورد کنیم.

هنوز در بیمارستانها یک بیمار چشم‌برای جراحی باید چندماه پشت نوبت بماند. همین امر باعث شد که والا حضرت امر بایجاد نقاهتخانه دادند و خوشبختانه این نقاهتخانه در پایان سال تحصیلی گذشته افتتاح گردید. می‌توان بیماران را به‌آنجا منتقل کرد تا



سای از دانشکده پزشکی اصفهان

دبیرستان، دبستان و کودکستان و دانشگاه

تابستان گذشته برنامه ایجاد دبیرستان و دبستان به تمویب رسید و کار ساختمانی آن در مدتی اندک پایان یافت. دبیرستان و دبستان از ابتدای سال تحصیلی جاری کار خود را آغاز کردند و کادر آموزشی (قسط علمی) این دو واحد جدید آموزشی را قسط علمی دانشگاه و دبیران دبیرستانهای اصفهان تشکیل می‌دهند. در سالهای جاری دبیرستان کلاسهای ششم طبیعی و ریاضی را داراست ولی در سال آتی دانش‌آموزانی که دوره راهنمایی را تمام کرده‌اند وارد این دبیرستان خواهند شد.

از کودکستان پرسیدم، دکتر معتمدی گفت: کودکستان جزئی از دبستان بین‌المللی دانشگاه است که آموزش در آن پاروهای جدید آموزش و پرورش بادو زبان فارسی و انگلیسی زیر نظر متخصص امر صورت می‌گیرد.

انستیتو باغبانی

اما انستیتو باغبانی دانشگاه خود نیز اقدامی جدید می‌باشد و از مدتها پیش در

مورد آن سخن می‌رفت تاآنکه در ابتدای سال جاری کار خود را آغاز کرد. در این مورد از رئیس دانشگاه می‌شنویم که کار انستیتو باغبانی در دو مرحله خواهد بود. در اولین مرحله که مدت آن سه سال است و از ابتدای سال تحصیلی جاری آغاز شده تهیه برنامه کار و آماده سازی هیأت علمی مورد نیاز و تجسس مدنظر است، ضمناً مکانیاتی هم بایک دانشگاه امریکایی داریم که در این مورد با دانشگاه ماهمکاری خواهند داشت و اما مرحله دوم که ضمن انجام این تجسّات علمی خواهد بود.

این است که براساس احتیاج مملکت به تربیت متخصص در رشته‌های مختلف باغبانی در حد فوق لیسانس خواهیم پرداخت. در این دوره سه یا چهار دانشجو سالانه خواهیم داشت که از فارغ التحصیلان دانشگاه خواهند داشت که از فارغ التحصیلان دانشگاههای کشاورزی و دانشگاههای مختلف کشور خواهند بود. البته در مراحل بعدی افرادی را که شایستگی داشته باشند بدوره دکترای باغبانی می‌آوریم.

در این انستیتو دانشجو برای دوره لیسانس تربیت نخواهد شد، چون این کار دانشگاههای کشاورزی مختلف انجام می‌

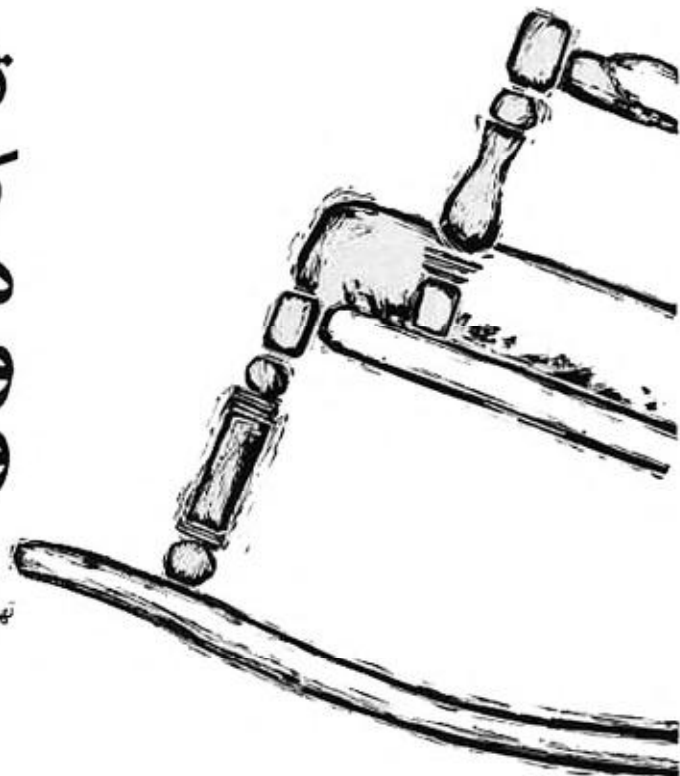
دهند. البته علاوه بر آنچه گفته شد انستیتو باغبانی دانشگاه اصفهان به تربیت افراد حرفه‌یی برای کار در پارکها و باغها نیز می‌پردازد.

در آخرین سؤالمان از رئیس دانشگاه پیرامون دانشکده داروسازی سؤال می‌کنم که در پاسخ می‌گوید:

والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی در بازدیدی که سال گذشته از دانشگاه بعمل آوردند، امر فرمودند که دوره چهارساله داروسازی به ۶ سال افزایش یابد که در نتیجه دانشجویان این دانشکده نیز موفق به اخذ درجه دکترای داروسازی گردند.

در این مورد با کوشش همه جانبه‌ییر توانستیم در طول یک سال دانشکده دارو سازی را تجهیز کرده، که خوشبختانه تعمیرات ساختمان آن اتمام پذیرفت و الاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی از آن بازدید فرمودند و با کوششی که شده دانشجویان دوره دکترای داروسازی را که قرار بود در دانشگاه تهران ادامه تحصیل دهند، از سال جاری در دانشگاه اصفهان ادامه خواهند داد.

تأمین کارمندان دولت در برابر پیری و از کار افتادگی و فوت



تهیه کننده: محمدحسن وطنی

منحصرأ تابع اصول تأمین اجتماعی است. مقررات بازنشستگی و وظیفه در سازمانهای مختلف دولتی کارمندان سازمانهای دولتی از نظر بازنشستگی و وظیفه تابع قوانین و مقررات متفاوتی هستند که اصول کلی هر گروه از آنها ذیلاً خلاصه می‌شود:

۱- مستخدمان رسمی مشمول قانون استخدام کشوری.

الف - کسور بازنشستگی مستخدم در سال ۱۳۰۱ معادل ۵ درصد حقوق تعیین شد و سپس طی سالهای مختلف بتدریج افزوده گردید و بالاخره باتصویب قانون استخدام کشوری ۱۳۴۵ از اول فروردین ۱۳۴۷ به ۸٫۵ درصد حقوق و فوق‌العاده‌ها بالغ شد.

ب - میزان حقوق بازنشستگی در سال ۱۳۰۱ معادل $\frac{1}{4}$ معادل مقرری سه ساله اخیر خدمت ضربدر سنوات خدمت بوده است سپس در سال ۱۳۲۰ معادل $\frac{1}{5}$ معادل مذکور و بالاخره در سال ۱۳۲۸ برابر $\frac{1}{3}$ آخرین حقوق ضربدر سنوات خدمت تعیین گردید. باتصویب قانون استخدام کشوری ۱۳۴۵ حقوق بازنشستگی معادل $\frac{1}{3}$ معادل حقوق سه ساله آخر خدمت تعیین شد و جز در موارد استثنایی که قانون معین کرده

به سن معینی که قاعده‌تاً توانایی فعالیت را از دست می‌دهد از حقوق و تأمین خاصی بهره‌مند می‌شود.

۲- هرکس بعلت حادثه‌ی، علیل و از کار افتاده شود بدون رعایت مدت خدمت و سن از مقرری خاصی استفاده می‌کند.

۳- خانواده مستخدمی که فوت می‌شود مورد حمایت کارفرمای او که دولت است قرار می‌گیرد ولی در اینمورد بین فوت عادی و فوت در اثر ایفای وظیفه فرق می‌نهند.

شرط بازنشستگی داشتن ۵۵ سال عمر و ۲۵ سال خدمت بوده است ولی قسید شده بود که هرگاه تحلیل قوا و ضعف و پیری مانع نشود مستخدم می‌تواند تا سن هفتاد سالگی بخدمت ادامه دهد و پس از آن اجباراً بازنشته می‌شود.

ولی ترتیبی که برای حمایت آنان در موقع پیری، از کار افتادگی و فوت اتخاذ گردیده و هم‌اکنون نیز بصورت مختلف اجرا می‌شود نشان می‌دهد که میزان کمک‌های صندوق به کارمند بازنشسته یا از کار افتاده و بازماندگان او بهیچوجه ارتباطی با میزان کسور پرداختی وی ندارد، عبارت دیگر مستخدم رسمی یا وارثان او بدون توجه به میزان کسور پرداختی مادام که شرایط خاصی را دارند از حمایت‌های لازم برخوردار می‌شوند و این خود می‌رساند که صندوق بازنشستگی یک صندوق پس‌انداز نیست و

نخستین قانون در زمینه تأمین اجتماعی برای مأموران خدمات عمومی در سال ۱۲۸۶ در ایران تصویب شد که «قانون وظائف» نام داشت.

برطبق این قانون پدر، مادر، عیال، اولاد و نوادگانی که تحت تکفل متوفی بودند بر روی هم از نصف مرسومه که کارمند در زمان حیات دریافت می‌کرد برخوردار می‌شدند و سهم زنان از وظیفه معادل نصف سهم مردان تعیین شده بود.

دیده می‌شود که در این مورد برای زمان حیات کارمند و دوران کهولت یا از کار افتادگی او فکری نشده بود بلکه بطور ناقص فقط وراثت وی از حمایت اجتماعی برخوردار می‌شدند.

حصر وراثت قانونی بصورت فوق بوجهی که شامل همه وارثان شرعی نمی‌شود و تعیین سهم زنان از وظیفه برابر نصف سهم مردان، نشان می‌دهد که قانون مذکور از یکطرف تحت تأثیر افکار تأمین اجتماعی و از طرف دیگر متأثر از اصول مذهبی بوده است.

اولین مقررات کامل و جامع برای حمایت کارمندان در برابر پیری و از کار افتادگی و فوت، ضمن فصل چهارم قانون استخدام کشوری در سال ۱۳۰۱ تصویب شد. اصول قانون مذکور که با تغییراتی هم‌اکنون نیز در مورد مستخدمان رسمی کشوری اجرا می‌شود بشرح زیر بوده است:

۱- هرکس بعد از مدتی خدمت، و رسیدن

است هم اکنون نیز بهمین ترتیب عمل می شود.

ج- میزان حقوق وظیفه وارثان در مورد فوت عادی معادل نصف حقوق بازنشستگی است و در مورد فوت به سبب انجام وظیفه، معادل حقوق سه سال آخر خدمت بطور کامل پرداخت می شود که در هر حال بطور مساوی بین وارثان تقسیم می شود.

د- میزان حقوق از کارافتادگی عادی معادل $\frac{1}{4}$ متوسط سه ساله آخر خدمت

شربدر سنوات خدمت است که در هر حال از نصف متوسط حقوق کمتر نخواهد بود و در مورد از کارافتادگی بسبب انجام وظیفه تمام متوسط حقوق او بوی تعلق می گیرد.

۲- مستخدمان تابع مقررات قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی الف - کسور بازنشستگی معادل ۱۰ درصد حقوق ماهانه است.

ب - مبنای محاسبه حقوق بازنشستگی برابر $\frac{1}{4}$ آخرین حقوق شربدر سنوات

خدمت است که حداقل $\frac{2}{3}$ آخرین حقوق و حداکثر تمام آخرین حقوق خواهد بود.

ج- حقوق وظیفه وارثان در مورد شهدای جنگ پس از اعطای یک درجه معادل حقوق آن درجه است. در مورد فوت در راه انجام وظیفه معادل آخرین درجه و در مورد فوت عادی حداقل $\frac{1}{4}$ حقوق بازنشستگی است.

د - حقوق از کارافتادگی عادی حداقل $\frac{1}{4}$ آخرین حقوق و در موارد دیگر تابع مبلغ آخرین حقوق پرداخت می شود.

۳- کارکنان بانکها و شرکت های دولتی الف - شرکت ملی نفت ایران

- کارمندان این شرکت تابع مقررات بازنشستگی و وظیفه خاصی هستند. سهم کارمند از بابت کسور بازنشستگی ۶ درصد و سهم شرکت معادل ۱۹ درصد حقوق آناست ولی بطور کلی حقوق بازنشستگی از ۶۰ درصد آخرین حقوق اشتغال در نمی گذرد. کارگران شرکت مشمول مقررات قانون بیمه های اجتماعی هستند.

ب - بانک مرکزی ایران و بانک ملی ایران

کسور بازنشستگی متناسب بارتبه مستخدم و حداکثر ۸ درصد است. حقوق بازنشستگی بر مبنای $\frac{1}{4}$ متوسط حقوق تعیین می شود

و حقوق وظیفه معادل $\frac{1}{5}$ حقوق بازنشستگی است.

بانک رهنی، بانک تعاون کشاورزی و برخی از مؤسسات و شرکت های دولتی دیگر مقرراتی کم و بیش مشابه بانکهای ملی

و مرکزی دارند.

ج - کارمندان شرکت سهامی بیمه ایران و کارکنان شرکت سهامی تلفن سابق که شرکت مخابرات منتقل شده اند از این حیث، مقرراتی جداگانه دارند.

د - سایر شرکت های دولتی کارمندان سایر شرکت های دولتی با تصویب مقررات استخدامی شرکت های دولتی در پنجم خرداد ماه ۱۳۵۲ از لحاظ مقررات بازنشستگی و وظیفه به گروه های زیر تقسیم شده اند.

هدف های اساسی در سیستم

بازنشستگی و وظیفه کارمندان دوهدف اساسی در قانون استخدام ۱۳۰۱ و قوانین استخدامی بعدی از لحاظ بازنشستگی و وظیفه کارمندان مورد نظر قرار گرفته است:

۱- حمایت از کارمند و خانواده او در برابر پیری و از کارافتادگی و فوت.

۲- جبران خدمات گذشته کارمند بهمین علت همیشه دو عامل یعنی طول خدمت و سن، منابله تعیین حقوق بازنشستگی و وظیفه بوده است.

یک هدف دیگر بخصوص در امر بازنشستگی کارمندان تقریباً هر بیست سال یکبار در مقررات بازنشستگی کشور تجلی کرده است و آن تجدید نیروی انسانی شاغل در خدمات دولتی و اداری بوده است. در هر بیست سال پس از یک دوره تحولات اساسی و عمیق در شؤون اقتصادی و اجتماعی کشور لزوم انطباق وضع سازمانهای اداری و نیروی انسانی شاغل در این سازمانها با تحولات موجود احساس شده است و از سیستم بازنشستگی بعنوان راهی جهت تأمین زندگی آنها می که بنا به ضرورت زودتر از موعد از خدمت خارج می شوند استفاده شده است.

بدین ترتیب که شرایط بازنشسته شدن از لحاظ سابقه خدمت و سن تسهیل گردیده و یا میزان حقوق بازنشستگی افزایش داده شده و بدینوسیله منوقی جهت خارج شدن آنها می که قدرت انطباق با تحولات و تغییرات سازمانی و اداری را نداشته اند ایجاد شده است و امکان استفاده از نیروهای جوان و تازه نفس فراهم گردیده است.

نخستین بار در سال ۱۳۰۸ که کشور ما یک دوره تحول اساسی را طی می کرد و سپس در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم و بالاخره در آخرین اصلاحیه قانون استخدام کسوری که در اسفند ماه ۱۳۵۱ تصویب شد این تدابیر اتخاذ گردیده است و بنظر می رسد که این روش بهترین نتایج را در جهت تجدید نیروی انسانی و ورود افراد لایق تر و جوانتر در خدمات دولتی بیار خواهد آورد.

ایجاد صندوق بازنشستگی و وظیفه

کارکنان رسمی دولت در سال ۱۳۰۱ صرفاً بمنظور برقراری یک سیستم حمایت اجتماعی برای کارمندان بوده است اگرچه از آغاز کار این صندوق مقرر گردید که معادل ۵ درصد حقوق به نفع صندوق برداشت شود الف - مستخدمان شرکت های که مقررات بازنشستگی خاصی داشته اند همچنان تابع آن مقررات خواهند بود ولی باید ظرف یکسال (حداکثر تا پنجم خردادماه ۱۳۵۳) بمنظور متعادل ساختن میزان کسور مستخدمان با نهمدهت صندوق های آنان طرح لازم تهیه و پس از تصویب مراجع قانونی مربوط بمورد اجرا بگذارند.

ب - مستخدمان مشمول قانون بیمه های اجتماعی کارگران -

ج - مستخدمانی که از اصولی متبایه آنچه در قانون استخدام کسوری برای مستخدمان رسمی پیش بینی شده است استفاده می کنند و بدین منظور حساب خاصی در صندوق بازنشستگی کسوری وجود آمده است.

د - مستخدمانی که از اصولی مشابه آنچه در مقررات قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری، از کارافتادگی و فوت مدیوب ۱۳۴۹ استفاده می کنند، برای اینگونه مستخدمان صندوق بازنشستگی و وظیفه خاصی ایجاد شده است.

ه - شهرداریها برای شهرداریها صندوق خاصی ایجاد شده است که در تدوین اصول آن از قانون حمایت کارمندان تبعیت شده است.

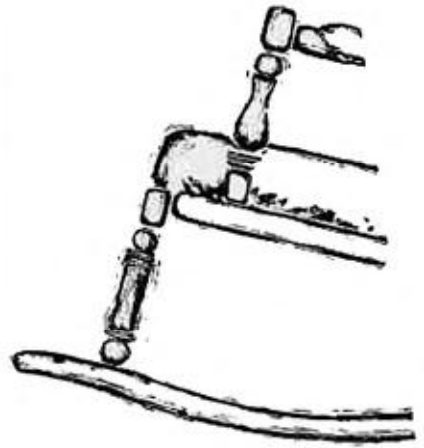
در حال حاضر زرگترین و مهمترین صندوق بازنشستگی مستخدمان دولت صندوق بازنشستگی مستخدمین رسمی شاغل عضو این صندوق حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر و بازنشستگان عضو ۶۵۰۰۰ نفر و موارد وظیفه ۳۰۰۰۰ مورد است که بطور متوسط هر مورد وظیفه شامل ۴ نفر است در حالیکه مجموع اعضاء دیگر صندوق های بازنشستگی و وظیفه مستخدمان دولت که مستقلاً اداره می شوند بر رویهم در همین حدود است. بهمین علت قسمت عمده بحث خود را مسائل مربوط به بازنشستگی و وظیفه مستخدمان عضو صندوق بازنشستگی کسوری اختصاص می دهیم.

تغییرات حقوق بازنشستگی و

وظیفه در سالهای اخیر

۱- در مورد حداقل حقوق بازنشستگی و وظیفه

تا سال ۱۳۴۶ برای حقوق بازنشستگی و وظیفه حداقلی معین نشده بود. اولین بار در تبصره ۲۲ قانون بودجه ۱۳۴۶ این مبلغ معادل سه هزار ریال تعیین شد.



طبق بند ۵ تبصره ۱۲ قانون متمم بودجه سال ۴۷ حداقل حقوق بازنشستگی و وظیفه به ۴۰۰۰ ریال افزایش داده شد و سپس در قانون بودجه ۱۳۴۹ مقرر گردید که حداقل مذکور همواره معادل حقوق پایه یک گروه یک جدول حقوق قانون استخدام کشوری خواهد بود.

با تغییر ضریب جدول حقوق مستخدمین رسمی شاغل از ۴۰ به ۵۰ ریال در اسفندماه ۱۳۵۱ حداقل حقوق بازنشستگی و وظیفه به ۵۰۰۰ ریال رسید.

با تغییر ضریب جدول حقوق مذکور در قانون بودجه ۱۳۵۳ از ۵۰ ریال به ۶۰ ریال این حداقل به ۶۰۰۰ ریال می‌رسد.

در مورد سایر بازنشستگان و وظیفه بکیران طبق تبصره ۱۲ قانون متمم بودجه ۱۳۴۷ به مستخدمین دارای پایه اداری غیر لیسانس ۱۰ درصد اضافه گردید.

در سال ۱۳۴۹ در مورد خدمتکاران جزء رسمی ۲۰ درصد اضافه منظور گردید. در سال ۱۳۵۰ به مستخدمین کادر اداری مذکور در بالا ده درصد اضافه شد.

در سال ۱۳۵۱ به همین کارمندان ده درصد دیگر اضافه گردید.

در سال ۱۳۵۲ معادل ۱۵ درصد افزایش حقوق بازنشستگی و وظیفه برای مستخدمین رسمی مشترک صندوق بازنشستگی کشوری در نظر گرفته شد.

در قانون بودجه ۱۳۵۳ معادل ۲۰ درصد افزایش حقوق بازنشستگی و وظیفه پیش‌بینی شده است.

همانطور که بنظر می‌رسد حداقل حقوق بازنشستگی و وظیفه که قبلاً میزان معینی نداشت در سال ۱۳۴۶ سه هزار ریال و در حال حاضر ۶۰۰۰ ریال یعنی فقط در همین مدت صددرصد افزایش یافته است. ضمناً لازم می‌آیدآوری است که ۱۵ درصد

افزایش سال ۱۳۵۲ و ۲۰ درصد افزایش سال ۱۳۵۳ شامل حداقل حقوق بازنشستگی و وظیفه شده است و بدین ترتیب کلیه کسانی که در اسفندماه ۱۳۵۱ دارای ۵۰۰۰ ریال حقوق بازنشستگی ویا وظیفه بودند با در نظر گرفتن ۱۵ درصد و ۲۰ درصد افزایش فوق‌الذکر از اول سال ۱۳۵۳ معادل ۶۹۰۰ ریال دریافت خواهند کرد. در مورد کارمندان اداری بازنشسته که حقوق بازنشستگی آنان قبل از سال ۱۳۲۷ حداکثر ۹۵۰۰ ریال بود، است ملی چندسال گذشته و اخیراً بموجب قانون بودجه ۱۳۵۳ ۱۰۰٫۰۴ درصد افزایش در نظر گرفته شده است.

حداکثر حقوق مهندسان و دارندگان پایه‌های فنی سابق که ۲۷۲۰۰ ریال بوده است از اول سال ۱۳۵۳ به بیش از ۳۰۰۰۰ ریال می‌رسد و همین نسبت افزایش کم‌ویش در مورد سایر مستخدمین رسمی در نظر گرفته شده است.

تعمیم مقررات بازنشستگی و وظیفه

در حال حاضر همه مستخدمان دولت که بطور ثابت برای انجام خدمات عمومی در یکی از سازمانها یا شرکت‌های دولتی و مؤسسات وابسته بدولت استخدام شده‌اند مقرراتی برای حمایت در برابر پیری، از کارافتادگی و فوت دارند. اگرچه مقررات مذکور در مواردی هنوز بطور کامل اجرا نشده است ولی پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۱۳۵۳ این کار عینی شود.

صندوق بازنشستگی کشوری - بانک سپه سازمان بیمه‌های اجتماعی - صندوق‌های حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری، از کارافتادگی و فوت و صندوق‌های بازنشستگی و وظیفه اختصاصی سازمان‌های مختلف دولتی عهددار انجام این امر در مورد همه مستخدمان دولت هستند.

تعمیم مقررات وظیفه از این هم فراتر رفته شامل وراثت کلیه کسانی که برترتیبی در سالهای قبل در استخدام دولت بوده‌اند شده است. بعبارت دیگر صرفنظر از مستخدمین رسمی برای بازماندگان هرکس که حداقل یکسال متوالی یا سه سال متناوب تا زمان فوت بطور غیررسمی در استخدام دولت بوده است حقوق وظیفه در نظر گرفته شده است.

تنوع مقررات بازنشستگی و وظیفه در بخش دولتی

مهمترین مآله‌یی که باید در طول برنامه عمرانی پنجم در مورد مقررات حمایت کارکنان دولت در برابر پیری، از کار- افتادگی و فوت مورد توجه قرار گیرد تنوع مقررات بازنشستگی و وظیفه سازمانهای

کشوری است.

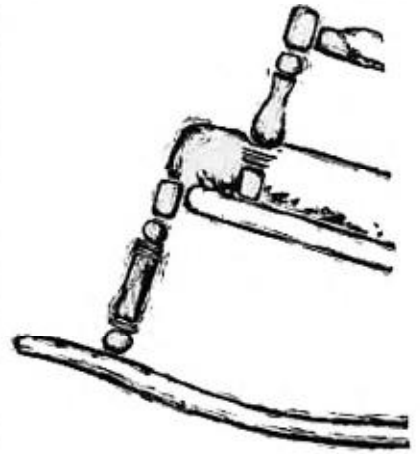
صرفنظر از مستخدمان تابع قانون استخدام نیروهای مسلح شاهنشاهی که باید دارای نظام حداکانه و خاصی از این لحاظ باشند اختلاف و تنوع مقررات بازنشستگی و وظیفه در مؤسسات دولتی بعدی است که باید برای هم‌آهنگ کردن آنها سرهم‌آچار- اندیشی شود. اختلاف مقررات بازنشستگی مؤسسات دولتی در موارد زیر است:

- ۱- حقوق یا دریافتی مبنای محاسبه برای تعیین میزان حقوق بازنشستگی و وظیفه
- ۲- ضریب تعیین حقوق بازنشستگی و وظیفه
- ۳- سوابق خدمت لازم برای بازنشسته شدن
- ۴- حداقل سن برای استفاده از حقوق بازنشستگی.

در مورد حقوق یا دریافتی مبنای محاسبه برای تعیین حقوق بازنشستگی و وظیفه باید گفت که چون کارکنان دولت غالباً مبلغی تحت عنوان حقوق و مائتی نیز بعنوان مزایای مستمر یا فوق‌العاده‌های ثابت و دائمی دریافت می‌کنند در برخی از مؤسسات فقط حقوق و در مؤسسات دیگری حقوق و سایر مزایا در بازنشستگی و وظیفه مبنای محاسبه قرار می‌گیرد. در مورد مستخدمان رسمی مشترک صندوق بازنشستگی کشوری و برخی از سازمانهای دیگر فقط حقوق آنان ملاک محاسبه قرار می‌گیرد و در مورد مستخدمان مؤسسات دیگر که مشترک صندوق بیمه‌های اجتماعی یا صندوق‌های حمایت کارمندان می‌باشند حقوق و سایر دریافتی‌ها ملاک محاسبه است.

تعمیم تعیین حقوق بازنشستگی در مؤسسات - متوسطاً یا آخرین حقوق مستخدم است و در مؤسسات دیگری - است ولی در این مورد باید گفت مؤسساتی که از ضریب $\frac{1}{3}$ استفاده می‌کنند فقط حقوق مستخدم را ملاک محاسبه قرار می‌دهند و مؤسساتی که ضریب $\frac{1}{4}$ دارند دریافتی‌های دیگر را نیز در محاسبه منظور می‌کنند و بانوجه اینکه در مورد صندوق‌های حمایت کارمندان فقط رقم بدست آمده پرداخت می‌شود.

بدین ترتیب تاحدودی در این مورد هم‌آهنگی برقرار می‌شود. بعبارت دیگر چنانچه مزایای مستخدمی حدود ۶۰ درصد حقوق او باشد اجرای هریک از دو روش فوق پس از ۳۰ سال خدمت برای وی تفاوتی ندارد ولی در هر حال استفاده از ضریب $\frac{1}{3}$ بنفسه کسانی است که مزایای کمتری دریافت می‌کنند که این عده غالباً حقوق و دستمزد



بگیران سطح پایین را تشکیل می‌دهند. بهمین علت در مورد مؤسسه‌ای که از روشی دوم استفاده می‌کنند میزان حداکثر حقوق بازنشستگی و وظیفه تعیین و منحصر شده است که در این مورد نااهم آهنگی شدید بوجود نیاید.

حداقل سنوات خدمت یا سنوات پرداخت کشور حق بیمه برای استفاده از حقوق بازنشستگی نیز در سازمانهای مختلف متفاوت است. در مورد مشمولین بیمه‌های اجتماعی و صندوقهای حمایت کارمندان حداقل ۱۰ سال و در سایر مؤسسات بطور معمول ۳۰ سال و حداقل ۲۰ سال است ولی در مورد افرادی که بیش از ۶۰ سال دارند از این لحاظ شرطی نشده است.

سن بازنشستگی در مورد بیمه‌های اجتماعی و صندوقهای حمایت کارمندان ۶۰ سال برای مردان و ۵۵ سال برای زنان است. در مقررات بازنشستگی استخدام کشوری اگرچه ترکیبی از سن و سابقه خدمت در نظر گرفته شده است ولی در مورد بازنشستگی‌های قبل از موعد شرط حداقل سن در نظر گرفته نشده است.

در طول برنامه عمرانی پنجم باید دگرگونی و تنوع مقررات بازنشستگی سازمانهای دولتی از بین برود و مقررات هم‌آهنگ در مورد همه مستخدمان کشوری برقرار گردد و این نخستین قدمی است که باید در این مورد برداشته شود.

تناسب حقوق بازنشستگی و دریافتی زمان اشتغال مستخدمان رسمی

تا سال ۱۳۵۰ تناسبی بین حقوق بازنشستگی و دریافتی زمان اشتغال وجود نداشت و در مواردی میزان این حقوق حتی به کمتر از نصف دریافتی زمان اشتغال می‌رسید. از

یکطرف ترمیم‌هایی که در مورد حقوق بازنشستگان و وظیفه بگیران انجام گرفت و از طرف دیگر تغییر ضریب حقوق شاغلین و همچنین اجرای مرحله دوم قانون استخدام کشوری که باعث شده است مقادیری از مزایای مستخدمان کاسته و بر حقوق مبنای بازنشستگی آنان اضافه گردد تا حدود زیادی این نقص را برطرف می‌کند ولی البته هنوز هم اقداماتی از این حیث باید صورت گیرد. اگر چه تعیین حقوق بازنشستگی برابر آخرین دریافتی زمان اشتغال باعث تشویق نامعمول بازنشستگی کارمندان می‌شود ولی بنظر می‌رسد که بهترین راه حل آنست که در مورد مستخدمان رسمی بهمان ترتیب که در بیمه‌های اجتماعی و صندوقهای حمایت کارمندان عمل می‌شود حقوق بازنشستگی دریافتی زمان اشتغال تعیین گردد و این اقدامی است که در موقع هم‌آهنگ کردن مقررات بازنشستگی و وظیفه کارمندان دولت باید انجام گیرد بدیهی است باید ترتیبی اتخاذ گردد که حقوق و دستمزد بگیران سطح پایین از نسبت بیشتری بهره‌مند شوند.

سیستم پس‌انداز و تشکیل صندوق رفاه کارمندان

از سالها قبل برخی از مؤسسات دولتی دارای سیستم پس‌اندازی برای کارمندان خود بوده‌اند بدین ترتیب که به‌نسبت معینی از حقوق آنان و اعتبارات خود در حساب خاصی ذخیره می‌کردند و در موقع پایان خدمت وجوه ذخیره شده را تحت شرایطی بآنها پرداخت می‌کردند.

برخی از این مؤسسات فاقد مقررات بازنشستگی و وظیفه بودند و فقط از این روش استفاده می‌کردند و برخی دیگر دو روش مذکور را باهم اجرا می‌کردند.

سیستم پس‌انداز به‌تنهایی فاقد جنبه‌های حمایتی کافی در موقع پیری، از کار افتادگی و فوت است چه مبلغ پس‌انداز شده هر قدر هم که زیاد باشد غالباً در مدت کوتاهی بمصرف می‌رسد. باتصویب قانون استخدام کشوری در سال ۱۳۴۵ سازمانهایی که مشمول آن شدند سیستم پس‌انداز خود را کنار گذاشتند و مشمول مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون مذکور شدند و با تصویب قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری، از کار افتادگی و فوت در سال ۱۳۴۹ و دیگر مقررات استخدامی که در سالهای اخیر به‌تصویب رسید سایر مؤسسات دولتی و وابسته بدولت دارای مقررات بازنشستگی و وظیفه گردیدند. سرانجام برخی از این مؤسسات بکلی سیستم پس‌انداز خود را کنار گذاشتند و برخی دیگر از دو روش فوق یکجا بهره‌مند می‌شوند.

حقوق بازنشستگی و وظیفه آگر در کنار سیستم پس‌انداز قرار گیرد بهترین شکل حمایت کارمندان را در برابر پیری، از کار افتادگی و فوت بوجود خواهد آورد و هم‌اکنون نیز مطالعاتی انجام داده می‌شود که طبق ضوابطی، وجوهی برای کارمندان ذخیره شود و تحت شرایطی در پایان خدمت مفید و رضایت‌بخش باینان مسترد گردد.

همانطور که گفته شد پیش‌بینی می‌شود که تا پایان سال ۱۳۵۳ همه کارکنان دولت دارای مقررات بازنشستگی و وظیفه خواهند شد و در برابر پیری، فوت و از کار افتادگی در حمایت کامل قرار خواهند گرفت. بهمین سبب نیز به تعداد بازنشستگان و وظیفه بگیران هرسال افزوده می‌شود.

از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۰ تعداد بازنشستگان مشترک صندوق بازنشستگی کشوری بطور متوسط سالیانه ۴۰۰۰ نفر افزوده شده است ولی از سال ۱۳۵۱ که مرحله دوم قانون استخدام کشوری در مورد معلمان و پزشکان یعنی حدود ثلث مشترکان صندوق مذکور اجرا گردید تعداد بازنشستگان افزایش بیشتری داشته است.

با اجرای تغییر ضریب حقوق در اسفند ماه ۱۳۵۱ و اجرای مرحله دوم قانون استخدام کشوری در باره همه مستخدمان رسمی مشمول آن از یکطرف و تسهیلاتی که بمنظور تجدید نیروی انسانی شاغل در خدمات دولتی از لحاظ بازنشسته شدن در نظر گرفته شده است و بالاخره بعلت بالا بردن منای حقوق بازنشستگی پیش‌بینی می‌شود، در سالهای آینده تعداد بازنشستگان مشترک صندوق بازنشستگی کشوری افزایش کم سابقه و زیادی پیدا کند و بهمین ترتیب هزینه‌های اجتماعی دولت در امر حمایت کارمندان در برابر پیری، از کار افتادگی و فوت باتوجه به سیاستی که از لحاظ مناسب ساختن حقوق بازنشستگی و دریافتی زمان اشتغال اتخاذ خواهد شد به چندین برابر افزایش یابد.



کار

از : عبدالله فرخی

- * یک میلیون و نود هزار نفر از جویندگان کار در بخش صنایع و معادن جذب خواهند شد.
- * اشتغال کارگران ساختمانی دائمی می‌شود.
- * ۱۰ هزار نفر فارغ‌التحصیلان خارج از کشور برای کار بایران دعوت می‌شوند.
- * حداقل سالی ۱۰۰ هزار نفر از طریق مراکز کاریابی وزارت کار مشغول کار می‌شوند.
- * با توسعه مراکز کاریابی عرضه و تقاضای نیروی کار متعادل می‌گردد.
- * یکصد هزار کارگر از بیمه بیکاری استفاده خواهند کرد.



رشد فراوان و مداوم اقتصادی و اجتماعی و موفقیت‌های نخستین دهه انقلاب موجب شده است که جامعه ایرانی مراحل ابتدایی توسعه و پیشرفت را سرعت پست سر گذارده و پا بمرحله تکامل صنعتی بگذارد. شک نیست که در جریان این پیشرفت‌های سریع روبرو شدن با مسایل و دشواریهای جدید اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین احتیاج از بروز پیچیدگی‌ها و حل سریع دشواریها و رفع موانع باید روز بروز در جریان تنظیم و اجرای برنامه‌های دقیق‌تر و جامع‌تر اهتمام کنیم تا توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران در آینده با سرعت و بنحو مداوم و حتی الامکان بدون برخورد با موانع و تنگناها ادامه یابد.

بررسی دورنمای اقتصادی اجتماع ایران در بیست سال آینده نشان می‌دهد که این جامعه موفق با برخورداری از یک رهبری صحیح و جامع و عمیق به رشد توسعه اقتصادی خود ادامه می‌دهد و عدالت اجتماعی را در مورد همه فشرهای جامعه تعیین می‌کند و برخورداری از یک زندگی شایسته را برای همگان مهیا می‌سازد. نیازهای اساسی عموم مردم را در زمینه‌های غذا، مسکن، بهداشت، آموزش، تأمین اجتماعی و رفاه مرتفع می‌کند و برای همه متقاضیان کار، شغلی مولد و با درآمد کافی فراهم می‌کند. همین بررسی مؤید آنستکه امکانات مشارکت فعال مردم در امور عمومی و فعالیت‌های عمرانی و غیر آن روز بروز گسترش خواهد یافت و سازمانهای کارگری و کارفرمایی و سازمانها و انجمنهای محلی مسؤولیت‌ها و وظائف بیشتری را بهعهده خواهند گرفت.

در گفت‌وگویی که در زمینه کمیت و کیفیت کاربرد نیروی انسانی و استفاده هرچه بیشتر از این نیرو در ایران با امیر قاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی داشتیم و جوه اختصاصات نیروی کار در ایران و روشهای صحیح کاربرد از این نیروها مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. در آغاز این گفت‌وگو وزیر کار گفت:

هدف و مقصود عالی و نهایی هر برنامه عمرانی عملاً در ارتفاع سطح زندگی و رفاه مردم خلاصه می‌شود و برنامه پنجم عمرانی نیز دقیقاً همین هدف عالی و اساسی را در نظر دارد، بطوریکه با اجرای این برنامه شالوده ساختمان یک جامعه کاملاً جدید، با

تمدنی بزرگ و شکوفان ریخته خواهد شد.

جامعه‌ای که در آن عدالت اجتماعی همبای قدرت اقتصادی است و اکثریت قریب بانفاق مردم کشور را یک طبقه متوسط مرفه تشکیل خواهد داد.

بررسی هدفهای ششگانه اساسی برنامه پنجم که بشرح زیر است نشان می‌دهد، که تا چه حد در این برنامه عمرانی برای ارتقاء سطح رفاه اکثریت مردم دقت و اطمینان نظر بکار برده شده است.

این هدفها عبارتند از:

اول - ارتقاء هرچه بیشتر سطح دانش و فرهنگ و بهداشت و رفاه جامعه؛

دوم - توزیع عادلانه‌تر درآمد ملی و توجه خاص به افزایش سریع سطح زندگی و رفاه گروههای کم بهره؛

سوم - حفظ رشد سریع و مداوم اقتصادی توأم با ثبات نسبی قیمت‌ها و تعادل در موازنه پرداخت‌های خارجی کشور.

چهارم - تأمین اشتغال مولد در کلیه مناطق کشور در حدی که کل افرادی که جدیداً وارد بازار کار می‌شوند جذب شوند و بیکاری پنهانی و فصلی تقلیل قابل ملاحظه‌ای یابد.

پنجم - ایجاد تعادل بیشتر میان مناطق مختلف کشور از نظر اقتصادی و اجتماعی. ششم - بهبود نظام اداری متناسب با عظمت هدفها و آرمانهای جدید ملی و تقویت بنیه دفاعی کشور. بطوریکه ملاحظه می‌شود سه هدف از شش هدف اساسی برنامه بطور سریع و مستقیم مربوط به ارتقاء سطح زندگی مردم و بالا بردن سطح رفاه و آسایش اکثریت جامعه است.

یکی از شش هدف اساسی برنامه پنجم آنستکه برای همه افرادی که جدیداً وارد بازار کار می‌شوند امکان اشتغال مولد فراهم شود. بیکاری پنهانی و فصلی نیز تا سرحد امکان تقلیل یابد. این توجه و عنایت در برنامه پنجم مؤید آنستکه برنامه‌ریزان و مسؤولان امور کشور اعتقاد دارند که توفیق هر برنامه عمرانی را در تأیید و پشتیبانی اکثریت مردم جامعه باید جستجو کرد و مردم زمانی برنامه‌های عمرانی را تأیید می‌کنند که بطور مستقیم از اجرای برنامه‌ها مستفید و بهره‌مند شوند و ایجاد کار و شغل مولد برای مردم محسوس‌تر و مهمترین فایده‌ی است که می‌تواند پشتیبانی و حمایت مردم را از برنامه‌های عمرانی برانگیزد. در عین حال که این امر از مهمترین ابرار توزیع عادلانه درآمد‌ها نیز بشمار می‌آید، همانطور که گفتیم هدف اینست که در مقابل هر فردی که جدیداً وارد بازار کار می‌شود امکان اشتغال فراهم شود و بیکاری پنهانی و فصلی حتی الامکان کاهش یابد و توفیقی که در این زمینه جامعه ایرانی بدست خواهد آورد یکی از بزرگترین و

مهمترین آرزوها و خواسته‌های اکثر جامعه‌های بشری است، که متأسفانه بسیاری از این جامعه‌ها نمی‌توانند بچنین توفیقی نائل آیند و برای همه جویندگان کار، کار و شغل مولد فراهم سازند.

در دوران برنامه پنجم عمرانی در حدود یک میلیون و چهارصد هزار نفر به جمعیت فعال کشور افزوده خواهند شد. بنابراین باید در همین مدت یک میلیون و چهارصد هزار فرصت اشتغال بوجود آید.

از نظر ایجاد فرصتهای اشتغال مهمترین مسؤولیت را بخش صنایع و معادن باید ایفاء کند، زیرا این بخش باید بتواند برای یک میلیون و نود هزار نفر از جویندگان کار فرصت اشتغال فراهم سازد و کارگران شاغل در این بخش را از دو میلیون و شصت و هشتاد هزار نفر در سال ۱۳۵۱ به سه میلیون و هفتصد و هشتاد هزار نفر در سال ۱۳۵۶ افزایش دهد. در این بخش فعالیت‌های مربوط به صنایع و معادن بنحواخص ۷۶۰ هزار امکان جدید اشتغال مهیا خواهد ساخت. در فعالیت‌های مربوط به ساختمان ۳۲۰ هزار امکان جدید کار ایجاد خواهد شد و جمع شاغلان این بخش در سال ۱۳۵۶ به حدود یک میلیون و سی هزار نفر خواهد رسید.

یکی از مشکلات مهم اکثر شاغلان فعالیت‌های ساختمانی در برنامه‌های گذشته و در حال، عدم استمرار شغلی است که استقرار حمایت و تأمین اجتماعی را درباره این گروه از شاغلان کشور مشکل ساخته است. در خلال برنامه پنجم عمرانی کشور سعی خواهد شد تا امکانات مستمر ساختن اشتغال نیروی کار در این بخش و استقرار حمایت‌های اجتماعی را برای اکثریت کارگران بخش ساختمان مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و راه‌های اساسی برای حل مشکلات جمعیت شاغلان بخش مذکور را پیشنهاد کرد. مسؤولیت اینکار بهعهده یکی از کمیته‌های فرعی کمیته مرکزی اشتغال محول شده است و کمیته فرعی مذکور در سازمان برنامه بطور مستمر موضوع را با همکاری نمایندگان سازمانهای مربوط دیگر مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهند.

بخش خدمات برای جذب ۴۰۰ هزار نفر تازه وارد به بازار کار، امکان اشتغال بوجود می‌آورد و گذشته از این برای ۱۰۰ هزار نفر کسانیکه در حال حاضر در این بخش بکارهای غیرمولد و نیمه وقت مشغولند، امکان کار مولد تمام وقت مهیا خواهد گردید. بدین ترتیب مجموع شاغلان این بخش از دو میلیون و هفتصد و چهل هزار نفر در سال ۱۳۵۱ به سه میلیون و چهل هزار خواهد یافت.

بخش کشاورزی با تحولات وسیعی از نظر کیفیت و کمیت سرمایه‌گذارها روبرو خواهد بود، لیکن این بخش نه تنها فرصت

جدید اشتغال بوجود نخواهد آورد، بلکه ۵۹ هزار نفر نیز از عده شاغلان این بخش کاسته خواهد شد و جمع شاغلان بخش کشاورزی از سه میلیون و شصت و پنج تا ده هزار نفر در سال ۵۱ به سه میلیون و شصت هزار نفر در سال ۱۳۵۶ تقلیل خواهد یافت، لیکن در بخش کشاورزی برای سیصد هزار نفر از کاسبیکه دارای مشاغل غیر مولد و یا نیمه وقت هستند مشاغل مولد و نام وقت ایجاد خواهد شد.

توسعه سوادآموزی



تا پایان برنامه پنجم به همه کودکان لازم‌التعلیم مناطق شهری فرصت آموزش و تعلیم و تربیت داده خواهد شد و ۸۰ درصد از کودکان لازم‌التعلیم روستایی می‌توانند به‌دست‌ان بروند. در سال ۱۳۵۶ شاگردان دبستانها و دبیرستانها در حدود ۸ میلیون نفر خواهد بود. در سال ۱۳۵۱ فقط ۵۰ درصد از جمعیت ۱۰-۴ ساله کشور باسواد بوده‌اند. با گسترش برنامه‌های سوادآموزی در کلمه سطوح، این نسبت در پایان برنامه پنجم به ۸۰ درصد خواهد رسید.

آموزش حرفه‌ای



در برنامه پنجم عمرانی مجموعاً برتریت در حدود ۲۰۵ هزار نفر تکنیسین و ۶۰۴ هزار نفر کارگر ماهر و نیمه ماهر اقدام خواهد شد و از طریق کارآموزیهای قبل از خدمت و حین خدمت توسط مؤسسات دولتی و خصوصی به آموزش و تعلیم بیش از ۱۴۰ هزار نفر مبادرت خواهد کردید. یکی از بهترین ابزار تحقق هدفهای آموزش فنی و حرفه‌ای تأمین معلمان و مربیان ذیصلاح برای تعلیمات فنی و حرفه‌ای است و برآورد‌های برنامه پنجم عمرانی کشور مؤید آنستکه دقت و توجه کافی در این مورد مبذول‌شده و ضمن تعیین نیاز، راه رفع احتیاج نیز پیش‌بینی گردیده است. مجموع معلمان و مربیان مورد نیاز آموزش فنی و حرفه‌ای در خلال برنامه پنجم در حدود ۱۰ هزار نفر است که از بین فارغ‌التحصیلان مدارس عالی فنی دانش‌اربعالی، هنر‌سراها، انستیتوهای تکنولوژی و سرانجام مراکز جدید تربیت مربی فنی و مربی حرفه‌ای

برگزیده خواهند شد.

درباره آموزش عالی باید خاطر نشان کنیم که عده دانشجویان مدارس آموزش عالی که در سال ۱۳۵۱ در حدود ۱۰۸ هزار نفر بوده در سال ۱۳۵۶ به نزدیک ۱۹۰ هزار نفر بالغ خواهد شد. از نظر عده دانشجویان علوم اجتماعی با ۲۲۲ درصد از عده دانشجویان در مرحله نخست، دانشجویان تربیت معلم و علوم تربیتی با ۱۹۵ درصد در مرحله دوم و دانشجویان رشته مهندسی با ۱۸۳ درصد در مرتبه سوم قرار دارند. توسعه آموزش عالی مستلزم استخدام ۸ هزار کادر آموزشی جدید است.

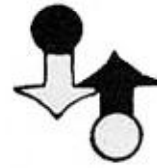
فارغ‌التحصیلان خارج از کشور نقش بسیار اساسی را از نظر تأمین نیازهای بازار کار کشور مخصوصاً کادر آموزشی به‌عهده دارند و باید برنامه‌های مربوط به توسعه مراجعت هرچه بیشتر این گروه بکنور با دقت و جامعیت بیشتری تعمیم و گسترش یابد. پیش‌بینی می‌شود که در خلال برنامه پنجم در حدود ۱۰ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان خارج بکنور مراجعت و بکار مشغول شوند. گسترش برنامه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی در حقیقت از الزامات احتیاج‌ناپذیر توسعه اقتصادی کشور بشمار می‌رود، لیکن این گسترش زمانی می‌تواند مؤثر و مفید باشد که کیفیت با نیازهای واقعی بازار کار انطباق داشته باشد و محتوی دانش و تخصص و مهارت افرادی که تربیت خواهد شد از احتیاجات واقعی بازار کار متأثر باشد و جوایبگوی آن احتیاجات باشد، بنابراین لازم است روز بروز ارتباط صحیح‌تر و دقیق‌تر بین واحدهای آموزشی از یک طرف و واحدهای تولیدی از طرف دیگر برقرار باشد، تا از وقت و تلاشی که مصرف می‌شود حداکثر استفاده ممکن در جهت اعتلا و ترقی جامعه بعمل آید و استقرار چنین رابطه‌ای باید از طریق شبکه کارایی و اشتغال کشور محقق باشد. در زمینه کارشناسان وزارت کار و امور اجتماعی دست اندرکار تحقیق و مطالعه‌ای هستند نابیناوند راه نیل باین هدف را تعیین کنند.

نیات گرایش به صنعت و استفاده از تکنیک‌های گوناگون در جامعه‌های مختلف مستلزم استفاده از بهترین تجربه‌ها و روش‌ها در دنیا است و همین امر موجب می‌شود که جامعه‌های مختلف از نیروی کار افسران خارجی استفاده کنند. اما در کنار بهره‌گیری از بهترین تکنیک‌های خارجی جامعه‌های مختلف سعی بر این دارند که حتی‌الامکان میزان نیازهای خود را به افراد خارجی کاهش دهند. با این توضیح و بانوجه باین مهم که در وضع فعلی روزبرور استفاده از متخصصان و افراد خارجی در ایران زیادتیر می‌شود چه تدبیرهایی برای کاهش متخصصان خارجی کرده‌اند؟

در پاسخ باین سؤال همانطوریکه قبلاً نیز گفته شد جامعه ما با چنان سرعتی بسوی تکامل صنعتی گام برمی‌دارد که مؤسسات آموزشی کشور نمی‌توانند نیازهای متحول و متنوع آنرا به منابع انسانی کارآمد و متخصص سرعت و بموقع رفع کنند. بنابراین این باید برای تأمین عده‌ای از متخصصان و کارشناسان مورد نیاز خود از متخصصان بازارهای کار سایر کشورها استفاده کنیم و ناچاریم این وضع را تا زمانی که مؤسسات کشور جوایبگوی نیازهای بازار کار نیستند قبول کنیم. در حال حاضر در هر سال برای بیش از ۱۳ هزار نفر تمهید خارجی پروانه کار صادر می‌شود که می‌توانیم با آموزش صحیح و بموقع افرادی را برای جانشینی عده‌ای از این متخصصان خارجی تربیت کنیم. عده متخصصان خارجی مسلماً در خلال برنامه عمرانی بشتر خواهد شد. لیکن شواهدی وضع کرده‌ایم تا به‌مدد آن بتوانیم در کوتاهترین مدت ممکن از طریق تعیین همکار ایرانی برای متخصصین خارجی - اتباع کشور را برای جانشینی متخصصین خارجی تربیت کنیم، علاوه کارفرمایان کشور را تشویق کنیم تا کارگران ذیصلاحیت خود را برای کارآموزی حرفه‌ای بکنور - های صنعتی اعزام کنند و بدین ترتیب بر میزان تسلط و آشنایی منابع انسانی کشور با تکنولوژی جامعه‌های صنعتی بیفزایند.

شما به برنامه اشتغال و تقییرات و دگرگونی‌های توزیع جمعیت شاغل در بخشهای مختلف کشاورزی و صنایع و معادن اشاره کردید. در اینجا شاید بی‌مناسبت نباشد که نقش وزارت کار و امور اجتماعی را در تحقق هدفهای سیاست اشتغال و تعادل عرضه و تقاضای کار و اصولاً ارتقاء سطح درآمد و رفاه عمومی بویژه کارگران جستجو کنیم. وزارت کار و امور اجتماعی سیاست اشتغال را انشاء می‌کند و ضمن فراهم کردن ابزار تحقق هدفهای این سیاست می‌کوشد تا هرچه بیشتر امکانات تفریق سیاست اشتغال را با سایر اجزا سیاست توسعه اقتصادی کشور فراهم سازد. نقش و مسؤولیت وزارت کار و امور اجتماعی در مجموع برنامه‌های عمران ملی همراه با تکامل پیشرفت و توسعه جامعه کسری و تنوع می‌یابد. سازمان ملل متحد ایجاد حداکثر امکانات اشتغال مولد را از مهمترین اجراء استراتژی پیشرفت در دهه دوم توسعه شاخه است و سازمان بین‌المللی کار که مبتکر برنامه جهان اشتغال است و ابتکار خود را در تعیین استراتژی دهه دوم توسعه منعکس ساخته است اکنون بر سر آسنگه مسؤولیت‌ها و وظائف وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی را در کشورهای جهان موزن بررسی قرار دهد و اهمیت، جامعیت ساختن مس این وزارتخانه‌ها را در توجیه هدفهای توسعه اقتصادی و اجتماعی بیشتر معجم سازد. این موضوع در کنفرانس

سال جاری وزیران کار ناحیه آسیا مطرح شد و احتمالاً در یکی از جلسات مجمع عمومی سازمان بین‌المللی کار نیز عنوان خواهد شد و راهمسانی صحیح تأمین این منظور ارائه خواهد شد.



شبکه کاریابی و اشتغال

حداکثر استفاده سودمند از منابع انسانی کشور مستلزم آنستکه از نظر کمی و کیفی بین عرضه و تقاضای نیروی کار تعادل منطقی برقرار شود. لیکن این تعادل اگرچه در سطح کشور ایران قابل تحقق است در هر یات از مناطق عمده ملاحظه می‌شود. زیرا استعدادات مناطق مختلف کشور یکسان نیست و اجباراً بحکم رعایت اولویت‌ها و نوجیسه‌های اقتصادی در بعضی از مناطق میزان سرمایه‌گذاری بیشتر از مناطق دیگر خواهد بود. بنابراین در این موارد باید نظامی داشته‌باشیم تا یکمک آن بتوان نیروی کار کشور را از مناطقی که عرضه کار بیش از تقاضای کار است به مناطقی که تقاضای کار بیشتر از عرضه کار است سوق دهیم. هم‌اکنون در بعضی از نقاط کشور شدیداً با کمبود نیروی کار در همه سطوح روبرو هستیم و مجبوریم نیروی انسانی مورد احتیاج این مناطق را از یک منطقه دیگر تأمین کنیم. شبکه کاریابی و اشتغال کشور مسؤول اجرای این برنامه است. این شبکه که در حال حاضر دارای ۳۱ مرکز در سراسر کشور است، باید در مجموع وظایف مربوط به شناسایی امکانات اشتغال و راهمسانی جویندگان کار بسوی فرصتهای اشتغال، هدایت نیروی کار را از یک منطقه دیگر انجام دهد. ماتاپایان برنامه پنجم عمرانی با تأسیس مجموعاً ۹۰ مرکز کاریابی و اشتغال در همه شهرهایی که بیش از ۲۵ هزار نفر جمعیت دارد، یک مرکز کاریابی دایر خواهیم کرد، بطوریکه با شناسایی مطلوب از منابع انسانی کشور و امکانات کار در کوتاهترین مدت جویندگان کار را بیکار بگماریم و تعادل لازم را بین عرضه و تقاضای نیروی کار کشور بوجود آوریم.

ما در سال ۱۳۵۱ بیش از ۳۰ هزار نفر را بیکار مشغول کرده‌ایم و در دهه نخست انقلاب ۲۵۰ هزار نفر از طریق این مراکز بیکار مشغول شده‌اند و امیدواریم که بتوانیم تا پایان برنامه پنجم هر سال حداقل ۱۰۰ هزار نفر را از طریق مراکز اشتغال و کاریابی بیکار مولد مشغول سازیم. آموزش حرفه‌ای کارگران گذشته از نقشی که وزارت کار و

امور اجتماعی در زمینه استقرار هماهنگی بین محتوای برنامه‌های آموزش و پرورش کشور و الزامات و مقتضیات بازار کار دارد، خود در زمینه آموزش حرفه‌ای بزرگسالان و معلولان مسؤول و متعهد اصلی است و این وظیفه را بطور کلی از دو جهت ایفا خواهد کرد، یکی از طریق تربیت کارگر برای همه فعالیت‌های اقتصادی بنحو اعم، و دیگری از طریق تربیت کارگر در چهار-چوب پیش‌بینی‌های قانون کار آموزش با مشارکت متقیم صنایع کشور، از این راه تربیت تعداد زیادی از حدود ۶۰۰ هزار نفر کارگر ماهر و نیمه ماهر که باید (در چهارچوب برنامه‌های آموزش حرفه‌ای) در خلال برنامه پنجم تربیت شوند بعهده وزارت کار و امور اجتماعی خواهد بود. توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور مستلزم آنستکه نیروی کار کشور برای ایفای وظایف حساس و خلاق از مهارت و تخصص مطلوب و صحیح برخوردار باشد. وزارت کار و امور اجتماعی با تجهیز مراکز موجود و ایجاد مراکز جدید و سرانجام از طریق جنب همکاری بیشتر صنایع، مسؤولیت خود را در زمینه آموزش حرفه‌ای بزرگسالان ایفا خواهد کرد و در کوتاهترین مدت ممکن در ارتباط با نیاز دقیق و عینی بازار کار که از طریق شبکه سراسری کاریابی و اشتغال کشور منعکس می‌شود با انعطاف بسیار افراد لازم را تربیت می‌کند. وزارت کار و امور اجتماعی در حال حاضر ۶ مرکز آموزش حرفه‌ای دارد که عده این مراکز تا پایان برنامه پنجم به ۳۶ مرکز افزایش خواهد یافت که مرکز آن به تربیت مرهی اختصاص دارد. مراکز مزبور می‌توانند در پایان برنامه پنجم هر سال به تربیت ۱۵ هزار نفر کارگر مبادرت کنند. صندوق کارآموزی نیز از طریق مراکز مستقر، در جوار واحدهای صنعتی، کارگران مورد نیاز صنایع مشمول قانون کارآموزی را تربیت می‌کند و روز بروز همکاری صنایع با این صندوق توسعه بیشتری پیدا خواهد کرد.

مستقیم در زندگی مردم اثر بگذارد، دست‌مزد بر مبنای ضوابط و معیارهای اقتصادی و اجتماعی بطور مستمر مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت و حداقل مزد در بعضی از فعالیت‌های مختلف اقتصادی با توجه به مقتضیات هر فعالیت تعیین خواهد شد. که این حداقل از حداقل مزد کارگر ساده فروتر خواهد بود. ارزیابی و طبقه بندی مشاغل در کلیه واحدهای اقتصادی مسؤول قانون کار به مرحله اجرا در خواهد آمد و هدف از تعمیم این امر آنستکه هر کارگر با توجه به تخصص و مسؤولیت و شرایط کارش دست‌مزد عادلانه دریافت کند. گذشته از این، زمانی که کارگران کشور احساس کردند که در مقابل تخصص و مهارت بیشتر دست‌مزد بهتری دریافت می‌کنند، عملاً تسویق خواهند شد تا سطح دانش و مهارت خود را افزایش دهند.

سهیم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی مهمترین تدبیری است که می‌تواند از سویی درآمد کارگران را افزایش دهد و از سوی دیگر از طریق مشارکت متقیم کارگران در منافع واحدهای تولیدی بر میزان کاریابی و بهره‌وری کار سرمایه بیفزاید. در برنامه پنجم عمرانی اهمیت این اصل بسیار مهم و حیاتی و وسیع بیشتری پیدا خواهد کرد زیرا با اجرای این برنامه تعداد زیادی به جمع مسولان قانون سهیم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های تولیدی و صنعتی افزوده خواهد شد. و در این دوره تحولات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بصورتی تجلی خواهد یافت که اجباراً باید در تحقق اصل سهیم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های صنعتی و واحدهای تولیدی با کیمیت و کیفیت همگام با الزامات تحولات کشور اهتمام نمود.

بنابین منظور وزارت کار و امور اجتماعی ثمره اجرای اصل سهیم کردن را در دهه اول انقلاب شاه و ملت چه از نظر کیفیت و چه از لحاظ کیمیت دقیقاً ارزیابی خواهد کرد و آنگاه با عنایت کامل به هدفهای اصل مذکور، برنامه جامع سهیم کردن کارگران را در دهه دوم انقلاب شاه و ملت تنظیم و اجرا خواهد کرد.

توسعه برنامه فروش سهام واحدهای تولیدی به کارگران و کارکنان واحدهای مزبور منجمله فراهم آوردن تسهیلاتی برای کارگران کارخانه‌های دولتی، بطوریکه این افراد نیز بتوانند از مزایای این برنامه مرفقی استفاده کنند، مورد توجه خاص است. زیرا از این طریق از یکطرف به پس‌اندازهای کوچک اجازه داده می‌شود تا در راه توسعه صنعتی کشور بکار افتد و از سوی دیگر درآمد کارگران و کارکنان واحدهای تولیدی از این طریق نیز افزایش می‌یابد و از مزایای صنعتی کشور بیشتر و بهتر



ارتقاء سطح رفاه کارگران

تأمین یک شغل مولد برای ارتقاء سطح رفاه یک کارگر کافی نیست بلکه این شغل باید درآمد و عوائد کافی را برای اداره یک زندگی آبرومند و راحت کارگری مهیا سازد. بنابراین در برنامه پنجم عمرانی از تدبیرهای گوناگون و مؤثرتری استفاده خواهد شد تا سطح درآمد کارگران کشور افزایش یابد. برای آنکه پیشرفت اقتصادی بطور



روابط کارگر و کارفرما

بروز اختلالی و برخوردی در محیط کار یکی از عوامل اجتناب‌ناپذیر هر جامعه کارگری است. با پذیرش این اصل وزارت کار و امور اجتماعی در جهت برقراری یک تفاهم منطقی و کاهش میزان اختلافات و تنظیم روابط کارگر و کارفرما چه تدابیری اندیشیده است؟

تنظیم روابط کارگر و کارفرما و استوار ساختن آن بر پایه‌ها و اصول منطقی تفاهم و دوستی متقابل، منطوق و از مهمترین انگیزه‌های ایجاد حداکثر امکانات اشتغال مولد است، زیرا وقتی قرار باشد اکثریت نیروی کار کشور در دو بخش صنایع و معادن و خدمات بکار معمول کرده و روزبسیروز بر تعداد مزد و حقوق بکیران افزوده شود و زمانی که از پیشرفته‌ترین تدابیر و اندیشه‌ها استفاده می‌شود تا اکثریت مردم از مزایای توسعه اقتصادی بهره‌مند گردند و همه افراد جویای کار، بکار مولد و خلاق مشغول شوند و کارگران ایرانی نه تنها در سود کارگاه سهم شوند بلکه بتوانند از مزیت مالکیت کارگاه نیز برخوردار گردند طبیعی است که روابط کارگر و کارفرما روز بروز تکامل بیشتری پیدامی‌کند و بنا بر این باید بکنر تدوین مقرراتی باشیم که نه تنها بتواند الزامات کنونی اقتصاد کشور را پاسخگو باشد بلکه برای رسیدن به مرحله تمدن بزرگ نیز تسهیلات و امکانات بیشتری را فراهم سازد.

بنابراین مسؤولیت بسیار سنگین و خطیر دیگری که در خلال برنامه پنجم عمرانی بهمه وزارت کار و امور اجتماعی خواهد بود بررسی این مسأله است که چه ضوابط و معیارهایی باید بر روابط کارگر و کارفرما حکمفرما باشد تا هدفهای مربوط به سیاست اشتغال و مآلا هدفهای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی تأمین شود.

قدر مسلم آنستکه مسؤولیت و وظیفه دولت و کارگر و کارفرما در دهه دوم انقلاب، تکامل و توسعه بیشتری پیدا خواهد کرد. کارگر و کارفرما همانطور که مطمئنتر و عادلانه‌تر و بیشتر در مزایای توسعه و عمران کشور مشارکت میکنند باید مسؤولیت‌ها و وظایف سنگین‌تری برای سعادت این مملکت و فردای درخشانتر آن بپذیرند. دولت نیز بحدی بوی می‌داند که باید کمیت و کیفیت خدمات خویش را در این زمینه بهبود بخشد. برای آنکه بتوانیم محیط

مناسبی برای توسعه صنعتی در دهه دوم انقلاب شاه و ملت مهیا کنیم، باید از هم اکنون دولت، کارفرمایان و کارگران یا همکاری و همکفاری یکدیگر، ضوابط و موازینی را برای تنظیم روابط کار پیش‌بینی کنند. بطوریکه تا آنجا که ممکن است از بروز اختلاف نظر و شکایت اجتناب شود و کارگر و کارفرما با دوستی و صمیمیت و یکانگی، تلاش و کوشش خود را برای ترقی و تعالی بیشتر جامعه بکار برند.

بنابراین در دهه دوم انقلاب یکی از برنامه‌های مرح وزارت کار و امور اجتماعی پرداختن به این مهم است زیرا توفیق در این راه کار کردن و استفاده از منابع انسانی را هم برای کارگران و هم برای کارفرمایان دلپذیر و معطوب می‌کند و مآلا نیل به هدف‌های کمی و کیفی سیاست اشتغال را تضمین می‌نماید.

تأمین معینت بموقع پیری، نانوائی و بیکاری.

تأمین کمک‌های اجتماعی و تعاونی ضرور.

تأمین قسمتی از حداقل نیازمندی‌های اساسی بعضی از گروههای اجتماعی. اجرای برنامه‌های مربوط به بیمه‌های اجتماعی کارگران، رفاه خانواده، رفاه کارگران و رفاه معلولین جسمی و بزرگانان برعهده وزارت کار و امور اجتماعی محول شده است.

بیمه‌های اجتماعی بعنوان یک تدبیر مؤثر برای نگاهداری نیروی کار باید چه از نظر پوشش و چه از لحاظ کیفیت توسعه یابد.

مراکز رفاه خانواده و مهدهای کودک در برنامه پنجم توسعه خواهد یافت. در همین دوره مراکز جدید خدمات اجتماعی کارگران در مراکز مجتمع کارگری و قطبهای صنعتی تشکیل خواهد گردید. یک اتحادیه از تعاونی‌های مصرف برای ارائه خدمات لازم به ۳۰۰ شرکت تعاونی کوچک تأسیس خواهد شد و سرانجام به تجهیز ۸۰ تعاونی مصرف مبادرت خواهد شد.

تأمین مسکن برای کارگران از جمله برنامه‌های اساسی وزارت کار و امور اجتماعی است و در این زمینه اقدامات وسیع و جامعی در خلال برنامه پنجم عمرانی بعمل خواهد آمد.



حفاظت نیروی کار

هزینه‌ها و وقت بسیار محروم می‌شود تا فردی برای ابناء یک مسؤولیت مشخص و اجرائی یک شغل معین تربیت شود. وجود چنین عنصری برای ادامه ترقی و تعالی مملکت حتمی و الزامی است. بنابراین باید از همه تمهیدات مسکن استفاده کرد تا این قبیل عناصر بطور فعالانه و صحیح بهوظائف خود عمل کنند.

این مسؤولیت مهم بهمه وزارت کار و امور اجتماعی است، ما در این راه از یکسو مطالعه و تعمق می‌کنیم که چه می‌شود کرد تا خطر کار کردن با یک وسیله یا در یک محیط از بین برود و با حداقل ممکن تقلیل یابد و از سوی دیگر راه احتراز از خطرات کار کردن با وسائل و ابزار مختلف و محیط‌های گوناگون را بکارگران یاد می‌دهیم و بالاخره در مواقع و زمانهای مختلف بنحوی توجه و مراقبت کارفرمایان و کارگران در این زمینه نظارت می‌نماییم. بدین ترتیب می‌کوشیم تا امید بقاء و انتظار حیات نیروی کار کشور را افزایش دهیم و استفاده از مهمترین منبع ثروت کشور یعنی عامل انسانی را به حداکثر ممکن بالا ببریم.

همکاری کارگران و کارفرمایان در اجرای این وظیفه بسیار مهم و حیاتی حائز کمال اهمیت و اعتبار است و تلاش در این زمینه نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از لحاظ میهنی و اجتماعی نیز برعهده هر فرد وطن پرستی مسلم و محرز است.

تأمین رفاه اجتماعی اشتغال، زمانی مفهوم کامل و جامع



بیمه بیکاری

ما برای نخستین بار در برنامه پنجم عمرانی کشور اجرای یکی از پیچیده‌ترین انواع حمایت‌های اجتماعی یعنی بیمه بیکاری را پیش‌بینی کرده‌ایم و هم‌اکنون بررسی‌های لازم را در این مورد شروع کرده‌ایم و در نظر است که تا پایان برنامه پنجم عمرانی دست کم یکصد هزار نفر از کارکنان واحدهای صنعتی کشور از این حمایت اجتماعی نیز برخوردار شوند. بیمه بیکاری در چهارم چوب برنامه توسعه شبکه کاریابی و اشتغال کشور از طریق شبکه مزبور به مرحله اجرا در خواهد آمد. پیش‌بینی‌های اولیه وزارت کار و امور اجتماعی مؤید آنستکه مقررات و موازین مربوط به بیمه بیکاری در پایان سال ۱۳۵۳ برای بررسی نهایی آماده خواهد شد.

تخت جمشید



شکوه مندی تخت جمشید

تخت جمشید فقط یک مجتمع و بنای شاهنشاهی نیست چه اگر چنین بود خودی خود واقعه‌یی در تاریخ هنر و معماری جهان بنام نمی‌رفت، بعد از دوهزار و اندی سال که می‌گذرد، ساختمانهای عظیمتری بوجود آمده و شهرهای بزرگتری ساخته و پرداخته شده است ولی فراموش همگان گردیده و کسی را پانته‌ا کاری نیست، دلیل پارچایی و بلند آواز کسی تخت جمشید در چیزی نهفته است که درباره آن کتب و مقالات فراوان نوشته و چاپ شده است.

شهر تخت جمشید در حقیقت آینه‌یی است که رفتار و کردار و پندار انسانهایی را منعکس می‌کند که بینندگان و پژوهشگران به آسانی نمی‌توانند از آن بگذرند، لحظه‌یی که باستانشناسی درباره حجارها و سنگ نبشته‌های این شهر باستانی می‌اندیشد چیزهایی می‌یابد که تا آن زمان نیافته بود، یک معمار وقتی به شهر باستانی هخامنشی سری

می‌زند بدون شك دچار حیرت می‌گردد و يك ایران‌شناس وقتی که گزارش به تخت جمشید می‌افتد در هر گوشه‌ای از آن به نقوش برجسته‌یی برخورد می‌کند که به سختی یکه می‌خورد و باخود می‌گوید: سالهای سال باید در این ناحیه رحل اقامت افکند.

نشریه تلاش با توجه به اینکه در یک مقاله کوتاه نمی‌توان شکوه تخت جمشید را منعکس کرد، می‌کوشد نکات تازمینی را از این شهر کهن ایرانی در اختیار خوانندگانش قرار دهد.

نگاهی گذرا به تخت جمشید

تخت جمشید در ۵۶ کیلومتری شمال شرقی شیراز واقع شده، این شهر باستانی به کوشش داریوش کبیر و پسرش خشایارشا بنا شده و دیگر شاهنشاهان هخامنشی نیز بناهایی بر آن افزوده‌اند. بنای تخت جمشید ۸۹ سال پس از ساختمان به‌وسیله اسکندر مقدونی به‌آتش کشیده شد. اسکندر پس از شکست داریوش سوم در جنگ گوگمل تا

۱۷ فرسنگی میدان جنگ داریوش را تعقیب کرد و پس از تسخیر شهرهای بابل و شوش عازم پارس گردید و در دریند پارس با مقاومت شدید آریوبرزن سردار رشید ایرانی روبرو شد و پس از شکست او و کشتار دسته جمعی سپاهیان، به تخت جمشید وارد گردید و شوی در عالم مستی به تحریک زنی کزاندیش این کاخ را به تل خاکستر مبدل کرد.

تخت جمشید از چندین تالار و کاخ تشکیل شده بود که مهمترین آنها تالار بارعام (کاخ آبادانا) کاخ تچسرا (کاخ آینه) بارگاه مستنون، کاخ صدروازه، کاخ کوچک خنایارشا (هدیش) بود.

کاخ آبادانا سیزده ستون داشته، که هر یک به طول ۱۸ متر بوده و قطر پایه آنها به دو متر می‌رسید، چند پایه هم که به طرف جلو ساخته شده از این کاخ مانده و بر دیوار پشت پلکان آن که از سنگ می‌باشد تصویر چند تن از نمایندگان ممالک تابعه ایران دیده می‌شود. این کاخ به کوشش داریوش



بنا شده و خشیارشاه آن را تکمیل کرده است. در این کاخ نمایندگان ملل نابه و بزرگان در جشن‌های نوروزی بحضور پذیرفته می‌شدند.

کاخ تجرا یا تاجارا قمر زمستانی سلطین هخامنشی بوده و از سه طرف رو به آفتاب بوده است. قمر تاجارا را داریوش بنا کرده است. در سمت غربی این بنا چند پله وجود دارد که در داخل و خارج دو دیوار سنگی آن، تصویر نمایندگان ملل نابه ایران با هدایای خود دیده می‌شود. در سوی دیوارهای سنگی پله‌هایی کنیده شده است.

بارگاه صد ستون در قسمت شرقی کاخ آبادانا واقع شده و داریوش اول و اردشیر درازدست آن را ساخته‌اند. این بنا دارای چند تالار و دو درگاه و صد ستون بوده که هر اکنون پله‌های آنها دیده می‌شود.

کاخ سدروازه در جنوب شرقی تالار آبادانا واقع است که دارای پانزده متر ارتفاع و چهارستون بوده است. بردگانه

شرقی این کاخ تصویر داریوش اول که بر تخت سلطنت جلوس نموده و خشیارشاه ولیمهدش پشت سرش ایستاده، حجاری شده و بالای این مجلس تصویر اهورمزدا دیده می‌شود.

کاخ هدیش یا کاخ کوچک خشیارشاه در جنوب شرقی کاخ تجرا واقع شده و از بناهای این شاهنشاه و داریوش اول است. این کاخ محل استراحت شاهنشاهان بوده و دارای چند ایوان و درگاه و تالار و چندین ستون بوده که جز کنیبه‌یی به سزبان و اسکلت ساختمان چیزی از آن باقی نیست.

نگاهی به حجاریهای تخت

جمشید

هنگامی که از شیراز به سوی تخت جمشید راه می‌افتید در دشت پهناور مرو دشت ناگهان از دور چستان بهمنوهای سرخ و زرد آبادانا، کمر بر آسمان برافراشته، می‌افتد. این ساختمان به تخت چهارگوشی شبیه است که اضلاع آن کمی بیش از یکمدمتر طول دارد و راه ورود به آن دوپلکان کاملاً ستارن و در دو سوی شمال و مشرق واقع شده است. این ورودیها پلکانهای معمولی نیست بلکه در هر سوی شامل چهار ردیف پله است که به دیوار خارجی تکیه دارد و به دیوارهای محافظی که آنها را از حیاطهای جلو جدا می‌کند می‌پیوندد. سرتاسر دیوارهای این دوپلکان طولانی، از نقوش برجسته تزیینی پوشیده شده و صحنه‌های حماسی، آیین برگزاری نوروز در پیشگاه شاهان را می‌توان در آنها یافت. در سوی شمال و شرق آبادانا پارسیان و مادها برای بار نوروزی به دربار روی آورده‌اند و درازی را تشکیل داده‌اند، دو ردیف از نگهبانان نیز بر صفحات سنگی دیوار متقوس هستند و رو بروی آنان نمایندگان اقوام شاهنشاهی را با پیشکش‌های نوروزیشان برای شاه شاهان می‌بینیم. در نقش‌های روی دیوار حرکات مختلفی دیده می‌شود. بنوالا حرار یا (آزادگان) که همانان جشن‌اند. در این نقوش کیفیت هدیه آوردن ملل و فرمانروایان تابع بیچشم می‌خورد.

آقای علی سامی می‌نویسد: فرستادگان و نمایندگان به این ترتیب با پیشکنی‌هایشان در تخت جمشید نمایانده شده‌اند. مادها حامل گلدان و ظرفها و کاسه و شمشیر ساخت ماد و دستبند و قطعات دوخته لباس (جبه و شلوار و آستین جامه) خوزستانی‌ها آورنده کمان‌بودنه و شیر، هراتی‌ها ظرفهایی پر از زروسیم و شتر دوکوهان، رنجی‌ها ظروف پر و شتر دوکوهان بلخی و پوست شیر، مصریها با هدایای خود، پارتی‌ها با جام و کاسه و شتر، ساگارتیها «جنوب پارت و مغرب سیستان» پوشاک و شلوار و اسب و دهانه زرین، ارمنی‌ها حامل گلدان طلا و

اسب، بابلیها با ظرف‌های پراز زر و پارچه و گاو کوهان‌دار، مردمان سیلیسی (یکی از نواحی آسیای صغیر) با ظروف و پوست دباغی شده و پوشاک و قوچ، سکاها نیز خود حامل اسب و دستبند زرین و قطعات پارچه و جبه و شلوار، قندهاریها با گاو کوهان‌دار و نیزه و سپر، اسغدیان با خنجر و دستبند زرین و تبرزین و اسب، فینیقی‌ها حامل گلدانها و بازوبند و ظرفهای زرین و اراپه، اهالی کاپادوکیه با اسبان قوی و اسب، درشت استخوان و تکه‌های لباس، یونانیان ساکن آسیای صغیر با ظرفهای پر از طلا و دو جام زرین و طاقه‌های پارچه، بلخی‌ها حامل شتر دوکوهان بلخی و ظرف‌های پر از اشیاء که شاید طلا بوده، هندوها با الاغ و تبرزین و دیگر اشیاء که در کوزم‌های در بسته داخل سبدهایی گذارده و بدو سر چوبی آویزان کرده و بدوش گرفته‌اند، اهالی ترانس و مقدونیه با اسب و سپر و نیزه، تازیان و بادیه‌نشینان بین شامات و بین‌النهرین شتر یک کوهان و پارچه، رزنکیها حامل گاو و نیزه و سپر، لیبی‌ها آورنده نیزه و اراپه دوسه و بز و بالاخره حبشی‌ها آورنده زرافه و داس و عاج که آخرین مجلس را در زاویه دیوار پلکان آبادانا تشکیل می‌دهند.

ترجمه کنیبه‌های تخت جمشید

کنیبه‌های داریوش کبیر

● از داریوش کبیر کنیبه‌های نسبتاً زیادی مانده که اشاره به همه آنها در این مقاله - که در آن صرفاً به تخت جمشید پرداخته‌ام - مقدور نیست. کنیبه‌های این شاهنشاه بزرگ ایرانی در تخت جمشید به شرح زیر است:

۱- کنیبه‌یی در کاخ اختصاصی او بنام «تجرا» وجود دارد و شامل اسم و القاب داریوش در شش سطر به زبانهای پارسی، ایلامی و بابلی. در بالا نقش او در دروازه‌های سنگی کاخ حکاکی شده است. خشیارشاه بروی جرزهای سنگی ایوان همان کاخ به زبانهای مذکور، ساختمان آن را بدست پدرش تصدیق می‌کند و آن را «هدیش» می‌خواند.

داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان شاه کشورها پسر وشتاسب هخامنشی که این «تجرا» را ساخت.

۲- کنیبه‌یی بهمه زبان پارسی، ایلامی، و بابلی که هر کدام یک سطر است در بالا و دو جانب طاقچه‌ها و در بیچه‌های سنگی کاخ اختصاصی داریوش هجده مرتبه تکرار شده و کنیبه پارسی باستان در بین آن دو زبان قرار گرفته است. لوح زرین داریوش کبیر به سه زبان میخی پارسی، ایلامی و بابلی بوده و در جبهه سنگی که هنگام ساختن دیوار تالار بزرگ «آبادانا» بدست داریوش



گذاشته شده و هم‌اکنون در حوزه ایران باستان تهران نگهداری می‌شود.

۳- کتیبه‌ی بسمه ربان پارسی باستان، ایلامی و بابلی منقور بر یک لوح زرین و یک لوح سیمین مکتوف در پایه تاج عمومی داریوش کبیر منهور به آبادانا به شرح زیر است:

داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر وشتاسپ هخامنشی، داریوش شاه گوید: این (است) شهریاری که من دارم از (سکاها) که آنها آنطرف (سغد) هستند از آنجا تا به حبشه، از هند از آنجا تا به سارد که آن را اهورامزدا که بزرگترین خدایان (است) بمن ارزانی فرمودند. اهورامزاد مرا و خانواده‌ی شاه‌ی مرا بییاد.

۴- دو کتیبه که هر کدام دارای ۲۴ سطر و بخط میخی پارسی است بر دیوار جنوبی صفا تخت جمشید و دو کتیبه دیگر در طرف راست بخط ایلامی و بابلی موجود است. این چهار کتیبه کنار هم بر یک سنگ یک پارچه منقور است و با وجود بیش از بیست و پنج قرن سالم مانده است.

● اهورامزدا ی بزرگ، بزرگترین خدایان، او داریوش شاه را آفرید، او به

اسگرت، پرتو، زک، هرات، بلخ، سغد، خوارزم، تات‌گوش، رحج، هند، گسدار، سکاها، مک.

● داریوش شاه گوید: اگر چنین فکر کنی که از دیگری نترسم این مردم پارسی را محفوظدار. اگر مردم پارسی محفوظ باشند از این پس تادیرترین (زمان) شادی ناکستی از اهورا بر این خاندان سلطنتی فرو خواهد رسید.

کتیبه‌های خشایارشا هخامنشی در مدخل تخت جمشید بالای دو ستگاه بلکنهای بزرگ، عمارتی ساخته شده، این عمارت که به امر خشایارشا بنا شده سه در عریض داشته، در غربی رو به بلکان و در جنوبی رو به آبادانا بوده و از در شرقی خیابانی بسوی کاخ سدمستون می‌رفت. بر جرزهای سنگی دو طرف درگاههای غربی و شرقی پیکرهای برجسته حیوانات نگهبان منقوش بوده و بالای هر یک از این چهار پیکر کتیبه‌ای به زبان فارسی باستان (میخی) در وسط دو کتیبه دیگر بخط ایلامی و بابلی وجود داشته، ترجمه قسمتی از این کتیبه‌ها را بفارسی چنین نوشته‌اند:

وی شاه‌ی را ارزانی فرمود. بخواست اهورامزدا داریوش شاه (است).

● داریوش شاه گوید: این کشور پارسی که اهورامزدا بمن ارزانی فرمود زیبا، دارای اسبان خوب، دارای مردان خوب (است). بخواست اهورامزدا و (بخواست) من داریوش شاه (این کشور) از دیگری نمی‌ترسد. به این کشور نیاید نه دشمن نه خشکالی نه دروغ.

این را (چون) بر کنی من از اهورامزدا، با خدایان خاندان سلطنتی درخواست می‌کنم. این را بمن (چون) بر کنی اهورامزدا با خدایان به خاندان سلطنتی بدهاد.

● من داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای بزرگ، پسر وشتاسپ هخامنشی (هستم).

● داریوش شاه گوید: بخواست اهورامزدا این (است) کشورهایی که من با این مردم پارسی از آن خود کردم که از من ترسیدند، بمن پیاج دادند. خوزستان، ماد، بابل، عربستان، آشور، مصر، ارمنستان، کاپادوکیه، سارد، یونانی‌ها، آنهایی که (ساکن) حسکی و آنهایی که (ساکن) دریا (هستند) و کشورهای ساورای دریا

● خدای بزرگ (است) اهورمزدا که این زمین را آفرید، که این آسمان را آفرید، که شادی مردم را آفرید که خشیارشا را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرماندار از بسیاری.

● من خشیارشا، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای شامل همه گونه مردم، شاه در این زمین بزرگ دور و دراز، پسر داریوش شاه هخامنشی.

● خشیارشا که گوید: بخواست اهورمزدا این دالان همه کشورهای را من ساختم، بسیار چیزهای زیبای دیگر در این پارس کرده شده که من کردم و پدر من کرد. هر کاری که پدیده زیبا است آن همه را بخواست اهورمزدا کردیم.

● خشیار شاه گوید: اهورمزدا مرا و شهریاری مرا بیاید و آنچه بوسیله من کرده شده و آنچه بوسیله پدرم کرده شده آن را اهورمزدا بیاید.

کتیبه دیگر خشیارشا بر بدنه دیوار پلکان شرقی و شمال کاخ آپادانا بین نقوش نمایندگان ملل و صفوف شخصیت های پارسی و مادی واقع شده است. ترجمه این کتیبه را به فارسی چنین آورده اند:

● خدای بزرگی (است) اهورمزدا که این زمین را آفرید، که این آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی برای مردم آفرید، که خشیارشا را شاه کرد، یک شاه از بسیاری، یک فرماندار از بسیاری.

● من خشیار (هستم) شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای دارای همه گونه مردم، شاه در این زمین بزرگ دور و دراز، پسر داریوش شاه هخامنشی.

این جملات نیز روی آجرهای لایه لایه مکشوف در تخت جمشید دیده شده است:

● خشیار شاه بزرگ گوید: بخواست اهورمزدا داریوش که پدر من (بود) بسیار (ساختنهای) زیبا بنا کرد و دستور (بنا کردن را) داد. باز بخواست اهورمزدا به آن کار اضافه کردم و (ساختنهای) علاوه را بنا کردم اهورمزدا با خدایان مرا و شهریاری مرا بیاید.

کتیبه اردشیر اول شاه

هخامنشی در تخت جمشید:

● خدای بزرگی (است) اهورمزدا که این زمین را آفرید که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی را برای مردم آفرید، که اردشیر را شاه کرد، یگانه شاه شاهان بسیار، یگانه فرمانروای فرمانروایان بسیار.

● من اردشیر شاه بزرگ (هستم)، شاه شاهان، شاه کشورهای دارای ملل بسیار، شاه در این زمین بزرگ و دور و دراز، پسر خشیار شاه، نوه داریوش، هخامنشی.

● اردشیر شاه گوید: اهورمزدا و میتراي خدا مرا و این کشور را و آنچه را بوسیله من کرده شده بیاید.

● اردشیر شاه بزرگ گوید: بخواست اهورمزدا این کاخ را خشیارشا که پدر من (بود) قبلا (شروع کرد) پس از آن من بنا کردم. اهورمزدا با خدایان مرا و شهریاری مرا و آنچه را بوسیله من کرده شده، بیاید.

کتیبه اردشیر سوم شاه

هخامنشی در تخت جمشید

روی دیوار شمالی صفا کاخ اردشیر در ۲۶ سطر کنار پلکان طرف غربی کاخ خصوصی داریوش کبیر در ۳۵ سطر این کتیبه وجود دارد:

● خدای بزرگی (است) اهورمزدا که مردم را آفرید، که آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که بر مردم شادی آفرید، (او) مرا که اردشیر (هستم) شاه کرد، یگانه شاه شاهان بسیار، یگانه فرمانروای فرمانروایان بسیار.

● اردشیر شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای شاه در این زمین گوید: من پسر اردشیر شاه (هستم) اردشیر پسر داریوش شاه (بود) داریوش پسر اردشیر شاه (بود) خشیارشا پسر اردشیر شاه (بود) داریوش پسر وشتاسپ نام (بود).

منابع و مأخذ مقاله

- ۱- نقوش اقوام شاهنشاهی هخامنشی بنابر حجاریهای تخت جمشید - گرلوواژز - ترجمه دورا اسودا خوبنظر - با همکاری ع. شاپور شهبازی - از انتشارات دانشگاه پهلوی شیراز - شهریورماه ۱۳۵۲ -
- ۲- تاریخچه شهرشیراز - از الله علی اسلامی نشریه هنر و مردم - شماره ۱۱۴ - فروردین ماه ۱۳۵۱ -
- ۳- برگزاری جشن نوروز در تخت جمشید - از علی سامی - نشریه هنر و مردم - شماره ۱۰۴ - خرداد ماه ۱۳۵۰ -
- ۴- اننگاسی روحیات ایرانیان در نقش های تخت جمشید - از دکتر عیسی بهنام - نشریه هنر و مردم - شماره ۱۰۷ و ۱۰۸ - شهریور و مهر ماه ۱۳۵۰ -
- ۵- بررسی یکی از نقوش تخت جمشید - از دکتر عیسی بهنام - نشریه هنر و مردم - شماره ۶۴ - بهمن ماه ۱۳۴۶ -
- ۶- نگاهی به تاجگذاری شاهنشاهان ایران - از نسرتهاله مشکوتی - نشریه هنر و مردم - شماره ۶۰ مهرماه ۱۳۴۶ -
- ۷- تاریخ جهان - تألیف: محسن حداد - نسرتهاله حکیم اللهی - عبدالعلی زنهاری - جواد حیدری و دکتر بهمن کریمی - چاپ سوم. ۸- فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی - تألیف: رلف نارمن شارپ - از انتشارات دانشگاه پهلوی. ۹- ایران از آغاز تا اسلام، دکتر گیرشمن، ترجمه مرحوم دکتر مصدقین. ۱۰- باستانشناسی ایران تألیف پروفیسور واندربرک ترجمه عیسی بهنام. ۱۱- پایتخت های شاهنشاهان هخامنشی - علی سامی. ۱۲- تسدتهای پیش از اسلام - از دکتر حسن خوبنظر. ۱۳- الواح گلی تخت جمشید - پروفیسور ژرژ کامرون - سیحمدتقی مصطفوی. ۱۴- اقلیم پارس - از سیحمدتقی مصطفوی. ۱۵- ایران کرده - شماره ۴ - چند نمونه از متن نوشته های فارسی باستان یا واژه نامه از دکتر صحت مقدم - تیرماه ۱۳۳۷. ۱۶- بررسی های تاریخی - سال ششم شماره مسلسل ۳۳ - مهرماه ۱۳۵۰. ۱۷- تاریخ ادبیات ایران - از دکتر رضازاده شفق - چاپ اول - سال ۱۳۳۸.
- ۱۸- نشریه رادیو ایران - سالهای ۴۳ و ۱۳۴۴.
- ۱۹- تاریخ ادبیات ایران در عهد هخامنشی - پروفیسور عباس مهین - ارداد ماه ۱۳۴۸.
- ۲۰- مشاهدات ونظرات آقای دکتر عبدالامیر سلیم در دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز در سالهای ۱۳۴۵ - ۱۳۴۷.
- ۲۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران - نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی - سال ۱۳۴۵.



مقاله پنجم

تیتوئیسم

در بین کشورهای اروپای شرقی، تنها یوگسلاوی وضع استثنایی داشت. نیروی کارگری و دهقانی یوگسلاوی در زمان جنگ تحت رهبری تیتو یک نهضت مقاومت ملی تشکیل داد و بنحو مؤثری با نیروهای مهاجم جنگید و بطور اعجاب‌برانگیزی راه پیشروی برق‌آسای ارتش نازی را سد کرد و در نتیجه، وقتی جنگ تمام شد، این ارتش سرخ نبود که یوگسلاوی را آزاد کرده بود، بلکه این ارتش تسوده‌ی یوگسلاوی بود که موجب هزیمت فاشیسم شده بود و چون بزرگترین قدرت مشکل آن کشور بود، طبقاً حکومت را هم خود بستم گرفت، بی‌آنکه مانند کشورهای دیگر اروپای شرقی متکی بر ارتش سرخ باشد.

این اتکاء بخود، بر رهبران یوگسلاوی جرات داد که در روابط با شوروی با اعتماد بنفس بیشتری روبرو شوند و از سیاست ملی خاص خود و منطبق با اوضاع و احوال یوگسلاوی پیروی کنند، نه آنچه را که شوروی برایشان دیکته می‌کرد. البته بدون آنکه از ایمان آنها به ضرورت همکاری و همبستگی با شوروی بی‌خوابان «دژ سوسیالیسم» چیزی کاسته شده باشد.

تجربه‌های شوروی بعنوان اولین میهن زحمتکشان، برای رهبران یوگسلاوی ارزنده بود، ولی آنها نمی‌خواستند این تجربه‌ها را، عیناً در یوگسلاوی هم بکار بندند. آنها، آنچه را که قابل انطباق با شرایط اجتماعی یوگسلاوی بنظر می‌رسید بکار می‌بستند و آنچه را که قابل انطباق با این شرایط بنظر نمی‌رسید و یا با منافع یوگسلاوی منافات داشت، دور می‌ریختند و این البته برای شوروی و در رأس آن برای شخص استالین، خوش آیند نبود.

مطالعه منابع شوروی، در زمان استالین، چیزی جز یک سلسله اتهامات سیاسی، و خروج یوگسلاوی از «خانواده بین‌المللی کمونیست» دیده نمی‌شود. آنها «تیتویسم» را یک دسیسه بین‌المللی امپریالیستی می‌خوانند. آنها مدعی می‌شوند که تیتو و رهبران دیگر یوگسلاوی، با مصلحت انقلاب بین‌المللی سوسیالیستی خیانت کرده‌اند و بتبعیت از منافع اردوگاه سرمایه‌داری برهبری آمریکا، پرداخته‌اند. در آن زمان، آنها حتی از این هم پافرازمی‌گذاشتند و مدعی می‌شوند تیتو از همان ابتدا، یعنی از هنگامیکه بزبان آلمانها می‌جنگید با سایر متفقان جنگی شوروی بخصوص انگلستان تماس داشته و در نتیجه دسیسه چرچیل، پایدهای حکومت خود را محکم گردانیده و طبقه کارگر یوگسلاوی خیانت ورزیده است.

مطالعه منابع یوگسلاوی برعکس نشان می‌دهد که ریشه اختلافات از عوامل اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی سرچشمه می‌گیرد و حتی بعقل نظامی نیز مربوط می‌

تیتویسم، از سال ۱۹۴۸ که روابط دوستانه شوروی و یوگسلاوی در اردوگاه سوسیالیسم پایان رسید، مصطلح شد. پیش از آن یوگسلاوی یک کشور کمونیست بود که استراتژی و تاکتیک آن با استراتژی و تاکتیک حزب کمونیست شوروی یکسان بود، باین معنی که یوگسلاوی نیز بظاهر کشوری از جمله کشورهای بود که غریبها آنها را «اقمار شوروی» می‌خوانند. در سال ۱۹۴۸ ناگهان حزب کمونیست یوگسلاوی از کمینفرم اخراج شد و بدنبال آن مارشال تیتو، رهبران «مارشال‌خانان» لقب گرفت. اگر اعلامیه‌های رسمی و ظاهری را بکنار نهیم، که بموجب آنها تیتو مرتد و خائن به سوسیالیسم معرفی می‌شد و اخراج او را از اردوگاه سوسیالیسم توجیه می‌کرد، «ارتداد تیتو» و یا در واقع جدایی راه یوگسلاوی از راه شوروی دارای ریشه‌های عمیقی است که از روابط اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی آنها سرچشمه می‌گیرد. ولی پیش از بررسی اجسامی این روابط، باید اشاره کنیم که نحوه استقرار کمونیسم در یوگسلاوی، با نحوه استقرار آن در سایر کشورهای اروپای شرقی تفاوت عمده‌ی داشت. کشورهای اروپای شرقی را ارتش سرخ از حیطة تسلط آلمان نازی خارج ساخت و هم آن ارتش بود که موجب روی کار آمدن حکومت‌های کمونیستی در این کشورها گردید. بعبارات دیگر، هرگاه قدرت ارتش سرخ نبود، عوامل اجتماعی داخلی، که در هر یک از کشورهای اروپای شرقی، خواهان استقرار رژیم کمونیستی بودند، قادر بانجام انقلاب نمی‌شدند. از همین رو است که انقلاب سوسیالیستی این کشورها «انقلاب صادراتی» نام گرفته است. در غیر اینصورت این کشورها حاضر نمی‌شدند بعد از فاشیسم، قید قدرت بزرگ جدیدی را بپذیرند، و استقلال ملی خود را فدای یک حکومت جهانی ظاهری سازند. جرقه‌هایی که هرچندگاه بصورت شورش و انقلاب در این کشورها شعله‌میزند، از وجود احساسات ملی و نارضایی عمیق اجتماعی، بصورت آتش زیر خاکستر حکایت دارند. نتیجه آنکه در هیچیک از این کشورها، کمونیسم در نتیجه یک انقلاب اجتماعی و سیاسی طبیعی، نظیر انقلاب اکثر روسیه استقرار نیافته است.

شود. چنانکه گفتیم آزمایش سوسیالیسم در شرایط خاص یوگسلاوی، کم‌کم در رهبران آن کشور این عقیده را بوجود آورد که نمی‌توان سوسیالیسم را، همانطور که در شوروی از قالب درآمده است، در یوگسلاوی نیز بکار بست. از آنجا که شرایط اجتماعی این دو کشور باهم تفاوت دارند، لاجرم نحوه استقرار نظام سوسیالیستی نیز در هر دو باید متفاوت باشد و سوسیالیسم یوگسلاوی بیشتر باید ب طبیعت و امکانات و الزامات داخلی جامعه یوگسلاوی نزدیک باشد، تا آنکه عیناً الگوی شوروی را اقتباس کند.

نمی‌توان بطور قاطع داوری کرد، ولی شاید بتوان گفت چنانچه اختلاف شوروی و یوگسلاوی بهمین یک مورد محدود می‌شد، یعنی اگر فقط از قابل انطباق کردن سوسیالیسم با شرایط محلی یوگسلاوی سرچشمه می‌گرفت، می‌شد از اخراج یوگسلاوی از اردوگاه سوسیالیستی جلوگیری کرد، اما مطالعه منابع یوگسلاوی نشان می‌دهد که اختلافات بهمین یک مورد محدود نبوده است.

پس از روی کار آمدن رژیم‌های کمونیستی در اروپای شرقی، نوعی روابط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز میان شوروی و این کشورها بوجود آمد، که آنرا روابط سوسیالیستی برادرانه می‌خواندند.

بزرگ رهبران یوگسلاوی، آنها را در این روابط سوسیالیستی، نوعی روابط غیر سوسیالیستی و غیر برادرانه می‌یافتند. این روابط غیر سوسیالیستی، در تجزیه و تحلیل مناسبات اقتصادی و تجاری این کشورها مشاهده می‌شود. یوگسلاوها در مورد کشور خودشان مدعی بودند که شوروی روابط اقتصادی نابرابری را بنفع خود و بزبان کشور آنها تحمیل می‌سازد.

از طرف دیگر شوروی با صدور سرمایه بکشورهای سوسیالیستی و تشکیل شرکتهای مختلط (۱) بهمان عمل استثمارگرانه‌ی که بقول لنین معمول کشورهای سرمایه‌داری است، دست می‌زند. روبرو بنظر آنها، مطابق تعریف مارکس استثمار: از غارت ارزش اضافی که بوسیله کارگران بوجود می‌آید، ناشی می‌گردد.

چنانکه در جای خود دیده‌ایم، مارکس معتقد است که سرمایه‌داری، با صدور سرمایه به کشورهای غیر صنعتی، و تشکیل انواع شرکتهای در آنها، نیروی کار این کشورها را بکار می‌اندازد و از ارزشی که این نیرو ایجاد کرده است، چیزی را بنام «سود» بخود اختصاص می‌دهد و این، استثمار نام دارد. رهبران یوگسلاوی مدعی بودند شوروی نیز عین این عمل را در مورد کشورهای سوسیالیستی انجام می‌دهد.

وقتی شوروی با صدور سرمایه باین کشورها، از جمله به یوگسلاوی، شرکتهای مختلفی تشکیل می‌دهد، و سودی عاید این

شرکتها می‌سازد و آنرا بنسبتی (بهر نسبتی که باشد) بین خود و یوگسلاوی تقسیم می‌کند، این عمل نیز، عمل استثمارگرانه نظیر عمل کشورهای سرمایه‌داری طبق تمبیرهای مارکسیستی است، زیرا مسلم است که این سود حاصل کار کارگر یوگسلاوی است که شوروی قسمتی از آنرا نصیب خود می‌سازد، یعنی همانطور که کشورهای سرمایه‌داری، کشورهای غیر صنعتی و عقب مانده را استثمار می‌کنند.

و انگهی، در بسط و اجرای برنامه‌های صنعتی و کشاورزی، شوروی می‌گوید به عنوان برادر ارشد، سیاست صنعتی و کشاورزی را با آنها دیکته کند. و ملاحظاتی آن در این روش برادرانه بیشتر احتیاجات صنعتی و کشاورزی خود شوروی است. یعنی اگر محصولت یک کشور سوسیالیستی ایجاب می‌کند که فلان رشته صنعت را در کشور خود بسط دهد، و همین را محصولت صنعتی شوروی ایجاب نمی‌کند، بهتر آنست برای آنکه روابط اقتصادی هم‌آهنگی در داخل خانواده کشورهای کمونیست بوجود آید، آن کشور سوسیالیست سیاست صنعتی خود را تغییر دهد و آنرا با سیاست صنعتی شوروی منطبق سازد. بنظر یوگسلاوها، اگر عنوان روابط برادرانه را بکنار رژیم، در این نوع رابطه، رابطه‌یی نظیر آنچه در روابط کشورهای صنعتی و غیر صنعتی سرمایه‌داری وجود دارد، می‌بینیم. کشورهای صنعتی سالها کوشیدند از صنعتی شدن کشورهای غیر صنعتی جلوگیری کنند و باین منظور از فروش ماشین آلات مولد با آنها خودداری ورزیدند، ولی اگر هم بعداً بسبب رفاقت مجبور به فروش ماشین‌آلات صنعتی شدند، کوشیدند اقتصاد این کشورها را تابع و دنباله‌یی از اقتصاد خود قرار دهند، باین معنی که سعی وافر می‌نمودند داشتند تا مگر کشورهای غیر صنعتی، گساکان صادر کننده مواد اولیه و محصولات کشاورزی بمانند خود، صادر کننده تولیدات صنعتی باشند، و یا دست کم، صنایع این کشورها بازارهای جذب صنایع آنها را از بین نبرد. در نتیجه کوشیدند در انتخاب نوع و رشته صنعت نیز مداخله کنند.

بنظر منتقدان یوگسلاوی، چنین منظره‌یی نه عیناً بلکه با شباهتهایی در روابط اقتصادی شوروی با کشورهای سوسیالیستی نیز دیده می‌شود، که با اصول سوسیالیسم و اصل برادری سوسیالیستی سازگار نبود. براینهمه، موضوعات دیگری را نیز نظیر تحمیل مستشاران نظامی روسی و حقوق کلان آنها (نسبت به مردم یوگسلاوی) باید افزود و چون مجال بررسی این موضوعات را نداریم از همه آنها می‌گذریم.

شاید اختلاف در همین زمینه‌ها بوده است که آنرا کم کم تا سطح ایدئولوژیک بالا می‌برد و بتدریج بمسورت اختلافات سیاسی در می‌آورد.

بنظر می‌رسد این ملاحظات بوده است که تیتورا بالاخص و رهبران دیگر یوگسلاوی را بطور اعم باندیشه مقاومت در برابر تحمیل‌های اراده فردی استالین، که جهان سرمایه‌داری آنرا دیکتاتوری شخصی نام داده بود، واداشت. و شاید پس از آن بود که رهبران یوگسلاوی درباره اصالت یک اصل مهم استالینی تردید روا داشتند و آن اصل عبارت از این بود:

«انترناسیونالیست کسی است که بدون قید و شرط و بدون چون و چرا از اتحاد شوروی پیروی کند.»

نتیجه عدم پیروی از چنین اصل استالینی، برای شخص تیتو چیزی جز مقاومت در برابر استالین، و از لحاظ استالین چیزی جز تفرّد نام دیگری نمی‌توانست داشته باشد. و چون از نظر استالین تحصیل تیتو، باشکی که نسبت بچنان اصل سوسیالیستی مهم روا داشته بود، با وحدت جامعه کشورهای سوسیالیست منافات داشت، چه بسا که منجر بشرد و عیبیان رهبران کمونیست دیگر می‌گشت، و اولویت برادر ارشد، یعنی شوروی و در رأس آن رهبر ارشد، یعنی استالین را مورد سؤال قرار می‌داد و احیاناً متزلزل می‌ساخت. پس جز اخراج یوگسلاوی گریزی نبود، و برای آنکه این اخراج برای دنیای غیر کمونیست و بخصوص کمونیستهای کشورهای جهان سرمایه‌داری قابل توجه شود، لازم می‌آمد که ماشین عظیم تبلیغاتی شوروی بکار بیفتد، تا از رفیق تیتو، و فولاد آبدیده زحمتکشان یوگسلاوی، مارشال‌خانشان بسازد.

«تیتویسم» درست از همین زمان آغاز می‌گردد، و منماً از آن هنگام که شوروی استالینی اعلام می‌کند وقتی کنوری از اردوگاه سوسیالیستی خارج می‌شود، لاجرم در اردوگاه سرمایه‌داری می‌غلطد. مفهوم دیگر آن اینست که یک کشور سوسیالیستی، سوسیالیسم را فقط در داخل اردوگاه سوسیالیستی می‌تواند حفظ کند، و بسط دهد و همینکه از اردوگاه سوسیالیستی بیرون غلتید، ناگزیر است بار دیگر سیستم سرمایه‌داری را بیذریغ و سیاست جهانی خود را نیز با سیاست جهانی سرمایه‌داری یازبان دیگر، امپریالیستی، مطابقت دهد.

هرگاه تیتو سوسیالیسم را ترک می‌گفت، و در یوگسلاوی نظام سرمایه‌داری را جانشین نظام سوسیالیستی می‌گرداند، و در سیاست جهانی، بتأیید سیاستهای امپریالیستی می‌گروید، در این صورت داغ بطلانی که استالین بر پیشانی او زده بود، ناپت می‌ماند و از همه مهمتر آنکه، دیگر چیزی بنام «تیتویسم» بوجود نمی‌آمد.

ولی گویا تیتو در همان زمان اخراج از خانواده کمونیست، متقاعد شده بود که می‌تواند از اردوی شوروی خسارج شود، ولی باردیو سرمایه‌داری هم نیبوند. و

بعبارت دیگر می‌نواند، همانطور که سوسیالیسم را بدون ارتش سرخ بدست آورده است، بدون آنها هم حفظ کند، حتی علیرغم آنها هم حفظ کند.

این قدرت و توانایی را تیتو از کجا بدست آورده بود؟ در پاسخ باین سؤالات که یکی از خطوط مهم «تیتویسم»، مشخص می‌شود. بنظر تیتو اگر اردوگاه سوسیالیستی ساز ناموفقی را نتواند تحمل کند؛ درجهان سرمایه‌داری امکانات حیات برای نیروهای سوسیالیستی و از آن جمله یک کشور سوسیالیستی میسر است.

شاید استالین خوشحال می‌شد اگر یک کوشش براندازنده، از طرف کشورهای سرمایه‌داری، برزیم تیتو پایان می‌بخشید. در این صورت اصل انترناسیونالیستی او بتحقق می‌پیوست. اما جهان سرمایه‌داری و بعبارتی امپریالیسم یا نخوست ویا نتوانست بدین کار دست‌زند و یوگسلاوی را صددرصد بجزر که سرمایه‌داری بکشاند، نخوست. شاید بدان سبب که از تأثیر تبلیغاتی وجود یک کشور سوسیالیست مستقر در کشورهای سوسیالیستی و حتی کمونیستی جهان سرمایه‌داری آگاه بود. نتوانست، بدان سبب که تیتو از میان توده یوگسلاوی برخاسته بود و بدست آنها حکومت می‌کرد. بعبارت دیگر حکومت او، یک حکومت لرزان و پوشالی نبود که یک یا چند اشاره، و صرف مقداری پول، و بکار انداختن تعدادی جاسوس و کارگزار، از پا درآید.

اینها را باید حقایق تاریخی تأیید یا تکذیب کنند، ولی آنچه مسلم است این است که در جهان سرمایه‌داری بعد از یوگسلاوی، کشورهای سوسیالیستی دیگری نیز که کوچکتر از آنها بودند، توانستند بحیات خود ادامه دهند. (مثال کوبا).

در آن زمان، که هنوز تجربه کوبا و برخی کشورهای شبه سوسیالیست ولی مستقل بوقوع نیبوسته بود، تیتو این امکان حق حیات مستقل در جهان سرمایه‌داری را از زاویه دیگری توجیه می‌کرد. تیتو معتقد بود این امکان در درجه اول ناشی از تضادی است که در طبیعت جهان سرمایه‌داری وجود دارد و ناگزیر، بعوامل مختلف و متضاد امکان می‌دهد که در کنار هم و علیرغم هم زندگی کنند. همین عوامل متضاد نیم قرن پیش امکان دادند که دولت انقلابی شوروی، بعنوان اولین و تنها دولت سوسیالیست جهان با بهره وجود گذارد، و موجودیت خود را حفظ کند.

در درجه دوم، این امکان از رفاقت و قدرت بزرگ شوروی و آمریکا حاصل می‌شود که بکشورهای دیگر اجازه می‌دهد، از این یا آن یاهرود، برای حفظ موجودیت و استقلال ملی خود استفاده کند. در اینجا ذکر این نکته بی‌مناسبت نیست که «تیتویسم» اصول سیاسی و ایدئولوژی

کاملاً مدون و شکل گرفته‌ی نیست و اصولاً اینکه تیتو شخصاً و یا حتی رهبران دیگر یوگسلاوی از یک ایدئولوژی بنام «تیتویسم» نام برده باشند، جای تردید وجود دارد. این اصطلاح بتدریج در جهان خارج، شاید بیشتر، برای ساده کردن و نشان نهادن باسولی که به تیتو منتسب است، مصطلح شد.

اصل مهم تیتویستی، از برخورد حاکمیت ملی و استقلال ملی یوگسلاوی، با حاکمیت جهانی شوروی بدست می‌آید. تیتو معتقد است که نمی‌توان بنام «برادر» و «اتر» ناسیونالیسم حاکمیت و استقلال ملی کشور-های سوسیالیست را تحت‌الشعاع حاکمیت پلانزاع اتحاد شوروی قرار داد. «اتر» ناسیونالیسم منافاتی با حاکمیت ملی کشور-های سوسیالیستی ندارد، و این حاکمیت نیز نافع اتر ناسیونالیسم نیست، سهل است، مکمل آنست. عبارت دیگر: اتر ناسیونالیسم سوسیالیستی، هنگامی بوجود می‌آید که همه کشورهای سوسیالیستی ابتدا حاکمیت و استقلال ملی کسب کنند. و تسجیل حاکمیت و استقلال ملی در برابر کشورهای غیر سوسیالیست؛ اما انصراف از آن در برابر کشورهای سوسیالیست، و از میان آنها فقط در برابر کشور سوسیالیست ارشد، بامر اتر ناسیونالیسم صدمه می‌زند.

پنلر تیتو، چنین اصرافی، که اضطراراً بمعنی پذیرفتن حاکمیت شوروی حخواهد بود، در حقیقت تسیم شدن در برابر ناسیونالیسم ملت بزرگ روس است.

باین ترتیب استالین، نماینده ناسیونالیسم ملت بزرگ روس شناخته می‌شود، و از آنجا، برخورد تیتو و استالین در حقیقت چیزی جز برخورد ناسیونالیسم یوگسلاوها و ناسیونالیسم ملت بزرگ روس نخواهد بود.

اصل مهم دیگر تیتو از اعتقاد او بنوعی بیطرفی ناشی می‌شود. البته در جهانی هم حوادث و واقعه‌های آن پیوسته بر روی هم اثر متقابل دارند. بیطرفی بنهضم جنبانیدن از دنیا و حصار بی‌دور خود کشیدن نخواهد بود، بلکه بیطرفی تیتو را می‌توان عدم نفع در برابر قدرتهای بزرگ دواوردو گاه رقیب، و تاثیر مثبت در حوادث جهانی بفتح صلح، همزیستی مسالمت آمیز و بهشتی‌های ملی و سرخی دانست.

اما اصول تیتویسم، بهمین جا خاتمه نمی‌یابد. گذشته از آنچه که یاد شد، بطور کلی تیتو پس از رد اصل اتر ناسیونالیستی استالینی، اصل دیگری را که تا آن زمان کاملاً نازکی داشت، پیش کشید. او بجای آنکه مانند استالین معتقد براه واحدی برای رسیدن به سوسیالیسم باشد، معتقد می‌شود که برای دستیابی به سوسیالیسم، بیش از یک راه وجود دارد و ممکن است بر حسب هر کشور و هر جامعه ملی، یک راه سوسیالیستی جدید که با طبیعت و رسوم و امکانات خاص آن کشور منطبق باشد، بتوان یافت و بنابراین

طبیعی است اگر بگوییم: **راههای مختلفی برای رسیدن به سوسیالیسم وجود دارند.** رهبران شوروی پس از مرگ استالین، اصل اخیر تیتو را پذیرفتند. در اینجا بیمناسبت نیست آن قسمت از گزارش خروشچف بکنگره بیستم حزب کمونیست شوروی، که معروف به گزارش سری است، و باختلاف استالین و یوگسلاوی مربوط می‌شود، عیناً نقل شود:

«... سماجت استالین نه تنها در تصمیماتی که مربوط بامور داخلی کشور بود بروز می‌کرد، بلکه در روابط بین‌المللی اتحاد جماهیر شوروی هم ظاهر می‌شد.

جلسه عمومی ماه ژوئیه کمیته مرکزی جنیبات علل اختلافات با یوگسلاوی را مورد مطالعه قرار داد. نقش استالین در اینخصوص شرم‌آور است. مسائل ناشی از «موضوع یوگسلاوی» جلگی مسائلی بودند که ممکن بود بامذاکره میان احزاب و رفقا حل شود. هیچ مبنای قابل توجهی وجود نداشت که مولود جریانی باشد که این «موضوع» بعد بخود گرفت. کاملاً ممکن بود که از قطع رابطه بین دو کشور جلوگیری شود. البته این نظر مفهوم ایرانداد که رهبران یوگسلاوی از خطا و نقص میرا بودند ولی خطاها و نواقص بشکل عجیبی از طرف استالین بزرگ جلوه داده شد تا اینکه اوضاع منجر به قطع روابط با یک کشور دوست گردید.

من روزهای اول مناقشات بین اتحاد شوروی و یوگسلاوی را که بطور تئمی بزرگ جلوه داده شد بجاظر دارم. یگروز که از کیف به مسکو می‌آمدم از من دعوت شد که به ملاقات استالین بروم. در این ملاقات استالین در حالیکه رونوشت نامی را که اخیراً به تیتو فرستاده بود بمن نشان می‌داد گفت «آیا این را خوانده‌اید؟» بدون اینکه منتظر جواب من بشود گفت: «کافیست که انگشت کوچک خود را تکان بدهم و دیگر اثری از تیتو نماند و دیگرگون شود.»

این تکان دادن «انگشت کوچک» برای ما خیلی گران تمام شد. این اظهارات استالین مبین جنون عظمت وی بود.

ولی روش او همیشه بدین موال بود. «انگشت کوچکم را تکان می‌دهم و اثری از کسیور نخواهد ماند. انگشت کوچکم را تکان می‌دهم و اثری از پوشتیچف و چوبار نخواهد ماند.»

«انگشت کوچکم را تکان می‌دهم و زرتسکی و کورتسف و دیگران از بین خواهند رفت.»

ولی این جریان انگشت تکان دادن در مورد تیتو مسبق نکرد و بندت و طریقی که استالین نه فقط برای تکان دادن انگشت کوچک خود بلکه برای تکان دادن هر چه را که می‌خواست تکان بدهد اتحاد کرد،

اثری در سقوط تیتو نبخشید. چرا؟ برای اینکه در مورد این اختلاف با رفتای یوگسلاوی، کشور و ملت‌های پستیان تیتو بود که در مکتب دشوار مبارزات برای بدست آوردن آزادی و استقلال تعلیم گرفته بود و ملتی بود که از رهبران خود حمایت می‌کرد. پس ملاحظه می‌کنید که جنون قدرت استالین کار را بکجا کشانید.

استالین کاملاً نیروی درک حقایق را از دست داده بود و تکبر و سوء ظن خود را نه فقط درباره افراد اتحاد جماهیر شوروی مورد آزمایش قرار می‌داد، بلکه در مورد تمام احزاب و تمام ملل.

موضوع یوگسلاوی را بادقت مورد مطالعه قرار دادیم و راه حل مناسبی که مورد تأیید مردم، اتحاد شوروی و یوگسلاوی و همچنین توده‌های کارگر تمام دموکراسی‌های توده‌ی و بشریت مترقی است یافتیم. به روابط غیرعادی با یوگسلاوی بفتح تمام اردوی سوسیالیسم و بفتح تحکیم و تقویت صلح در سراسر جهان خاتمه داده شد ...»

در آغاز «آشتی» شوروی و یوگسلاوی، که با مسافرت خروشچف به یوگسلاوی عملی شد، رهبران شوروی برای اولین بار اصل وجود راهها و اشکال مختلف سوسیالیسم را پذیرفتند. آنها تلویحاً و تمریحاً اتهامات گذشته خود را علیه یوگسلاوی پس گرفتند و اذعان کردند که یوگسلاوی با خروج از اردو گاه شوروی، سوسیالیسم را رها نکرده و بارودی سرمایه‌داری نعلبیده است. امروز بجز کمونیستهای «ارتسودوکس» همه سوسیالیستها، وجود راهها و اشکال مختلف سوسیالیسم را یک واقعیت بدیهی می‌دانند. منتهی، ایراد کمونیستها به سوسیالیسم نوع یوگسلاوی ایست که در یوگسلاوی بطور عالی بوجود یکنوع مالکیت خصوصی و یکنوع بازار آزاد دفاع می‌شود، و این با اصل سوسیالیستی اشتراکی کردن وسایل تولید و توزیع منافات دارد. ولی ماهرآ یوگسلاوها، بکنج تجربه‌های خود، چنین چندبندظرفی را برای تسریع رشد صنعتی و اقتصادی و ارتفاع سطح زندگی مردم لازم می‌شمرند و بالاتر از آن، چنین انعطافی را، برای تأمین استقلال و آزادی فردی و اجتماعی بسیار مؤثر می‌دانند.

موضوع تفاوت نظام یوگسلاوی با نظام سایر کشورهای سوسیالیستی چندان باین بحث مربوط نمی‌شود ولی آنچه نوسنج بیستری را ایجاب می‌کند، موضوع نقش یوگسلاوی در جهان و برخورد آن با کشورهای سوسیالیست است.

اتحاد چندین سال سیاست جهانی مستقل، پس از جدایی از شوروی، یوگسلاوی را در مسیری انداخت که آشتی بعدی با اتحاد شوروی شانس آنرا تغییر دهد. یوگسلاوی همچنان خود را علاقه‌مند به نهضت‌های ملی و انقلابی و ضد امپریالیستی

جهان نشان داد. منتهی بر حسب کمونیس یا سوسیالیسم را برای تشخیص ماهیت ملی و انقلابی این جنبشها لازم شمرد. از اینجا یوگسلاوی موجودیت جهان تازمی را برسیتم می‌شناسد. که برای کشورهای سوسیالیست دیگر، مدتها واقیعت نداشته است. این جهان تازه، در اصطلاح یوگسلاوی جهان غیر متعهد و در اصطلاح دنیای سرمایه داری، اردوگاه سوم نام دارد.

جهان غیر متعهد یوگسلاوی، از طرفی مرکب از کشورهایی است که دولتهای آنها، وابستگی سیاسی بیکی از دو اردوگاه سوسیالیسم و یا سرمایه‌داری ندارند و با اعتقاد باصل عدم تعهد، از روش مستقلی پیروی می‌کنند و از طرف دیگر حاکی از کوشش و تلاش عوامل و نیروهای مترقی در آنها برای تغییر نظام اجتماعی و اقتصادی این کشورها است.

در مورد اول شاید پنج اصلی که در کنفرانس سال ۱۹۵۶ باندوگ تسوین و تسویب گنت، و به پنج اصل «پانچایلا» یا «پانچایلا» معروف شد، بتواند بخوبی فلسفه سیاسی یوگسلاوی را توضیح بدهد.

در مورد دوم، یوگسلاوی بی‌آنکه از سروررت اجتناب ناپذیر سوسیالیسم چشم پیوشد، معتقد است تغییر نظام اجتماعی و اقتصادی کشورها، لازم نیست همیشه بدنیال یک تحول و انقلاب سیاسی ناگهانی عمل شود، بلکه همین که کشوری توانست خود را از قید «تعهد» خارج سازد، می‌تواند نظام سوسیالیستی را نیز بدریج و گاه بدون خونریزی، در کشور خود برقرار کند. و معلوم است بر حسب طبیعت و شرایط محلی، راه نحوه رسیدن باین سوسیالیسم و حتی شکل آن متفاوت خواهد بود.

با چنین اعتقادی است که یوگسلاوی، وقتی با جنگی نظیر جنگ ویتنام مخالفت می‌ورزد، و یا تجاوز اسرائیل را تفسیح می‌کند، از شجاعتی هم که در سیمای مردانی نظیر دوچیک منکس می‌گردد، بی‌تأثیر می‌پردازد که این هر دو، نه خوش‌آیند و آشنگین و ندمسکو است. هر چند آنها ناگزیر از تحمل یوگسلاوی هستند، و مفهوم اصلی «میتونیس» هم چیزی جز این نیست.

فصل دهم مانونیس

۱- مقدمه‌یی درباره مانو
در بررسی «مانونیس» از روی مجموعه‌های آثار مانو، هیچ‌جا بتوضیح منظم افکار او بر نمی‌خوریم و نظم موجود در دستگاه فلسفی و فکری مارکس در افکار مانو دیده نمی‌شود. در نتیجه بزودی استنباط می‌گردد که مانو متفکری مانند مارکس نیست که مسائل جامعه‌شناسی و اقتصاد را با متد علمی در خارج از میدان مبارزه و جنگ توضیح

داده باشد، بلکه نوریهای مانو از برخورد های انقلابی او با مسائل خاص چین پدید می‌آید و در این برخورد مسئله‌یی که در برابر مانو پدیدار می‌شود، نحوه غلبه بر نیروهای امپریالیستی و متجاوز خارجی و روش و کیفیت تغییر رژیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی چین است. و چون مانو بحکم اجبار راهی جز توسل بزور، انقلاب، جنگ داخلی، تشکیل نیروی نظامی و تربیت قوای پارتیزانی نمی‌بیند، ایدئولوژی او بیشتر مربوط به استراتژی و تاکتیک انقلابی و نظامی می‌شود. نه مسائل جامعه‌شناسی و اقتصادی. در زمینه مسائل جامعه‌شناسی و اقتصادی هم، کار مانو در اصل وضع قانون‌های تازه‌یی نیست، بلکه توضیح مسائل ویژه چین، با استفاده از قالبها و فرمولهای مارکستی است.

اما هر جا که این فرمولها، با شرایط خاص چین تطبیق نداشته، مانو اصول تازمی آورده است. بی‌آنکه بخواهد اصول او معایر اصول مارکستی از کار درآید، ولی چنانکه در جای خود خواهد آمد، این اصول و همچنین واقیعت انقلاب چین چه بسا که از قالبهای مارکستی خارج شده و با اصول آنرا نقض کرده است. تا جاییکه بتوان گفت انقلاب عظیم دهقانی مانو برهان علمی فاطمی برای تردید در صحت مهمترین تئوری مارکستی است. که پس از یک سلسله تجزیه و تحلیلهای علمی و تاریخی، و وضع قانونهای مهمی، انقلاب را حاصل عمل و رهبری پرولتاریای مولد پیشرفته‌ترین جامعه صنعتی می‌داند.

در هر حال، ایدئولوژی مانو، تحت تأثیر تجربه‌های مبارزاتی او در محیط محدود چین (نسبت به دنیای بزرگ) که همواره تمامی اندیشه و ذهن او را بخود مشغول می‌داشته است، بیشتر جنبه محلی دارد تا جهانی، بعبارت دیگر، این مسائل محدود چین‌اند که دائماً در اسباب تفکر او گردش می‌یابند و مانو از آن مسائل محلی، نتایج جهانی می‌گیرد.

از همین روی جهان‌بینی مانو با آنهمه رنگ ربوی چینی، در جهان خارج چهره‌یی بیگانه دارد. این بیگانگی، مانع آن نیست که مانونیس در جهان امروز و در بین برخی از قشرهای غرب و مناطق دیگر کشی‌نیابد. و همین کش، مانونیس‌تهارا دچار این تصور نکند که مانونیس، در خلاه شخصیتی نظیر استالین می‌تواند جای جاذبه استالینسم را بگیرد و همچون زمان استالین دنیای ایدئولوژیک واحد و یگانه‌یی بوجود آورد. و حال آنکه استالینسم حاصل یک مرحله تاریخی گذشته است و شرایط کنونی، برای پذیرفتن از یک رهبر و فرمان واحد جهانی و قبول تبدیلی اصول فکری او، آماده نیست. آنچه از مانونیس، خوش‌آیند قشرهای محدودی از جوانان است، سیمای ناشی از

قهرمانیهای حماسی انقلاب چین است. همینطور عرض‌اندام قدرت قابل تسوچه و روزافزون چین، در برابر قدرتهای انحصار طلب بزرگ دیگر، مایه دیگر آن بشمار می‌رود و آنکهی مانو نیز بدان تنی چند از شخصیتهای نادر تاریخ، میداند چگونه توده‌ها را برانگیزد، و از آنها عوامل محرکه نیرومندی برای هدفهای خود بوجود آورد. در سال ۱۹۵۹، هنگامیکه مانو در حزب خود در اقلیت قرار گرفت، و بمبارزه توسل جست، تنها، ابتکار چیزی ماسند انقلاب فرهنگی که هدفهای خود را از مرزهای حزبی خارج می‌ساخت می‌توانست توده عشان گسیخته‌یی را با تحریک احساسات و تعبیر بخلع سلاح اکثریت حزبی مخالف و در رأس آن لیوشانجی وادارد.

اما حره بزرگ مانو در این روانشناسی اجتماعی و توده‌یی، بوجود آوردن ایمان حزبی است. مانو چنین ایمانی را، بی‌آنکه خود مذهبی باشد، باشیوه و قاطعیتهای مذهبی بوجود می‌آورد.

در چشم‌انداز اجتماعی او، چیزی جز نبرد دائمی قوای اهریمنی و یزدانی وجود ندارد. لاجرم، از جنگ مضممانه و نابوسازانه یا اهریمن‌گریزی نیست. در اینجا است که جنگ هم با همه دهشتناکیش، دو مسورت متفاوت می‌یابد. و بجنگ عادلانه و جنگ غیر عادلانه تقسیم می‌شود. ولی چه‌کسی باید تشخیص دهد؟ عملاً طرف غالب، جنگ خود را عادلانه و جنگ مغلوب را غیر عادلانه معرفی می‌کند.

۲- مانو و افکار او

مانو سه‌توتک در سال ۱۸۹۳ بدنیا آمد. شرایط زندگی او همراهِ زندگی طبقاتی پدرش سه‌بار تغییر کرد. پدر او ابتدا دهقان فقیری بود، بعد بصورت روستایی متوسط الحال درمی‌آید. و عاقبت بدنهقان ثروتمندی مبدل شد. بدین ترتیب جوانی مانو، در شرایط اجتماعی متنوعی سپری شد. در این زمان در چین دو جریان روشنفکری در برابر هم قرار گرفته بود:

ناسیونالیسم سنتی و محافظه‌گاری و غرب‌زدگی افراطی، اما جنبش ناسیونالیستی در برابر جنبشی که غرب‌زدگی شدید، مشخص آن بود، کم‌کم تضعیف می‌شد و یک پیروزی موقت برای جنبش غرب‌زده بوجود می‌آمد. این پیروزی از آن جهت موقت بود که در این ضمن، جریان سومی بنام «ناسیونالیسم انقلابی» ظاهر می‌گردد. بزودی توسعه می‌یابد، و عرمه را برای دو جنبش دیگر تنگ می‌سازد. این ناسیونالیسم معتقد است که همه بدبختیهای چین، بنفسوذ امپریالیسم در این کشور مربوط می‌شود. در سال ۱۹۱۱، سن یاتسن (۲) اولین جمهوری چین را تأسیس کرد، ولی حکومت او بیش از دو سال دوام نیابورد، و در سال

۱۹۱۵ حکومت امپراطوری جانشین آن شد. از سال ۱۹۱۶ فست اعظم مناطق چین، بوسیله نیروهای ژاپنی و غربی اشغال شد. و حکومت مستقل مرکزی از میان رفت، در سال ۱۹۱۲ مانو شش ماه در کتابخانه چانگشا (۳) درباره فلسفه و اعتماد غرب مطالعاتی انجام می‌دهد. اما از آن میان، نوشته‌یی که بیش از همه در او اثر گذاشت، نوشته‌یی بود که با این عبارت شروع می‌شد: «بدبختانه چین در تحت استیلای دیگران درخواهد آمد» این نوشته در حقیقت، تأسف جین را بسبب از دست دادن کره، هندوچین و ویرمانی، نشان می‌داد.

در این زمان، دو مشخصه بزرگ فکری مانو چنین است: ناسیونالیسم شدید؛ و روحیه افراطی.

در سال ۱۹۱۸ از مدرسه عالی چانگشا دیپلم گرفت، و در این هنگام افکار مانو بنفول خودش عبارت بود از «اختلاطی از لیبرالیسم، رفرمیسم دموکراتیک و سوسیالیسم تخیلی» اما بتدریج جریان حوادث، سیر فکری او را تغییر داد.

در مه ۱۹۱۹ مانو تظاهراتی را بزبان پیمان ورسای که ضمن آن چین تحقیر شده بود رهبری کرد، بعد تظاهرات دیگری را بزبان حکومت نظامی در چین سازمان داد، که موجب محبوبیت سریع او گردید.

در سال ۱۹۲۱، در نخستین کنگره حزب کمونیست چین شرکت کرد، و در رأس یک تشکیلات منطقه‌یی قرار گرفت.

در سال ۱۹۲۳ مانو در سومین کنگره حزب کمونیست، عضویت کمیته مرکزی اجرایی حزب انتخاب شد.

در جریان این سالها، حزب کمونیست چین باجنبشی که براساس افکاریاتسن پایه گذاری شده بود، بهمکاری پرداخت.

در این سالها نوشته‌های مانو بسیار محدود بود. در سال ۱۹۱۹، مقاله «اتحاد بزرگ توده‌های مردم» را نوشت، که شامل ایده‌های مربوط به عظمت تاریخی مردم چین، و ضرورت اتحاد توده چینی در برابر اقلیت حاکم است. در حقیقت این نوشته نماینده دیگری از افکار ناسیونالیستی مانو است. اما در سال ۱۹۲۰ برای اولین بار، از نقش رهبری طبقه کارگر و اهمیت تشکیلات اجتماعی سازمانی سخن گفت. وی در سال ۱۹۲۱ در نامه‌یی می‌نویسد:

«... لیبرالیسم مطلق،... و حتی دموکراسی، اینها در ثنوری بی‌اندازه جالب‌اند، اما غیر قابل تحقق...»

در سال ۱۹۲۳ چین را بمنوان یک ملت پرولتری و مخالف غرب معرفی کرد، و غرب را مجموعه‌یی از ملت‌های سرمایه‌داری. و باین ترتیب در یک زمان توانست هم نقش یک ناسیونالیست و هم نقش یک انقلابی را ایفا کند.

در بهار سال ۱۹۲۵ بدهکده موطن خود

برگشت و در آنجا ظرفیت انقلابی توده دهقان، توجه او را بخود جلب کرد. و از همان جا بازمان دادن اتحادیه‌های دهقانی آغاز کرد.

در سال ۱۹۲۷، مانو تهنونگ برای اولین بار در منطقه چانگشا یک جنبش دهقانی را رهبری کرد، ولی باشکست‌روبرو شد و ناگزیر با نیروهای بازمانده خود بکوهستان‌ها گریخت.

در سال ۱۹۲۵، بدنبال مرگ سزیا تن بوژو در سال ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ حاضر شد بهر قیمتی که باشد با جبهه متحد ملی بهمکاری ادامه دهد. از طرف دیگر در این زمان نیروهای انقلابی چین، بیشتر در میان توده‌های دهقان قوت گرفته بود، در حالیکه مکتونوز از تری دفاع می‌کرد که کارگران و روشنفکران پایگام انقلاب چین محسوب می‌شوند، و دهقانان نقش کمک‌کننده دارند. ولی مانو بهتر خود ایمان راسخ داشت، و معتقد بود که نیروی دهقانی در انقلاب، اولویت دارد.

در سال ۱۹۲۹ استالین برهبران حزب کمونیست چین دستور داد که مانو باید با تنقاد از خوددیردازد. اما مانو پیشنهاد استالین را رد کرد و از حزب اخراج شد. مع الوصف مانو براه خود ادامه داد و ارتش سرخ چین را از میان دهقانان در مناطق هونان (۴) و کیانگی (۵) بوجود آورد.

در این جریان، حوادثی در چین روی داد که به تر استالین و هواداران چینی او لطمه بزرگی وارد آورد. کارگران کانتون (۶) بدستور استالین شورش به راه انداختند. اما این شورش سرکوب شد و کارگران بنحو وحشتناکی در تحت فشار قرار می‌گیرند.

در سال ۱۹۲۹، در شهر کیانگی (واقع در جنوب غربی چین) یک رژیم کمونیستی برهبری مانو تأسیس شد. در حالیکه مبارزات حزب کمونیستی که از شوروی رهبری می‌شد، بوژو برای اشغال چانگشا بشکست انجامید.

در ۱۵ اکتبر ۱۹۳۵، روز تاریخی راهپیمایی بزرگ، شروع شد. این راهپیمایی یکسال ادامه یافت و راهپیمایان مجموعاً ۱۲۰۰۰ کیلومتر طی طریق کردند و منظور از آن، گسترش دامنه نفوذ کمونیسم در مناطق وسیع‌تری بود.

در سال ۱۹۳۶، کمونیست‌های چین برای مبارزه با ژاپون، پیشنهاد تشکیل جبهه واحدی را مطرح کردند، و در سال ۱۹۳۷ چیانگ کایشک همکاری‌های کمونیست‌ها را در جبهه ضد ژاپونی پذیرفت.

در این سالها اغلب نوشته‌های مانو در باره تاکتیک، و جنگ انقلابی در کشور در آستانه انقلاب صنعتی بود: موضع‌گیری بورژوازی چین میان امپریالیسم و انقلاب، و وظایف و نقش‌های دهقانان و پرولتاریای

شهری، روش یک جنگ پارتیزانی، مسائلی بودند که مانو بشکرت درباره آنها می‌پرداخت. افکار مانو درباره مسائل مربوط به بناسبات میان توده دهقان و طبقه کارگر تدریجاً تحول می‌یافت. وی در سال ۱۹۲۷، در گزارشی اظهار نظر کرد که توده‌های دهقانی فقیر، نیروی اصلی انقلاب اجتماعی هستند. در سال ۱۹۲۹ رهبری کارگران را در جنبش انقلابی بطور ظاهری و لفظی پذیرفت.

اما در سال ۱۹۳۹ در مقاله انقلاب چین و حزب کمونیست چین، خطوط اساسی افکار خود را در زمینه استراتژی انقلاب چین و رسیدن بقدرت بشکل جدیدتری شرح داد که براساس آن انقلاب چین، انقلابی است که پرولتاریای چین نیروی رهبری آن را بهمه داده، اما اساس این انقلاب بر شرکت و عمل انقلابی توده‌های دهقان استوار است. زیرا کثرت و پراگندگی جمعیت روستایی امکان کنترل روستاها را مشکل می‌سازد. مرحله سالهای ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۹ مرحله رهبری مانو در حزب کمونیست چین و مرحله پیروزی کامل این حزب است. در مرحله مبارزه با ژاپن، تا تسلیم این کشور در سال ۱۹۴۵، حزب کمونیست موفق می‌شود مناطق تحت کنترل خود را توسعه دهد. در زمینه روابط چین و شوروی، در این زمان گرچه مانو برای رهبران شوروی و مخصوصاً برای استالین احترام قائل است، ولی از نظر او بین احترام و دنباله‌روی فرق وجود دارد.

مانو می‌گوید: «ما مبارزه نمی‌کنیم که چین را آزاد سازیم تا بعد آنرا تسلیم شوروی کنیم» و می‌افزاید: یک اتحادیه جهانی از دولتهای سوسیالیستی نمی‌تواند موفق شود، مگر اینکه دولتی که آن ملحق می‌شود، حق داشته باشد طبق اراده ملت خود و براساس حاکمیت کامل خود، وارد این اتحادیه شود و در هنگامی که لازم بداند از آن خارج گردد. ورود و خروج باین اتحادیه، نباید براساس دستور مسکو باشد.»

۳- تحلیل طبقات جامعه چین

مانو در سال ۱۹۲۶ مقاله‌یی درباره تحلیل تمام طبقات جامعه چین نوشت: عقیده کلی او اینست که در هر کنوری مردم بر سه قشر تقسیم می‌شوند: بالا، متوسط و پایین. اما بطور دقیق چهار قشر را مشخص می‌کند.

۱- بورژوازی بزرگ (مالکان اراضی، بانکداران بزرگ، بازرگانان بزرگ، و صاحبان صنایع بزرگ).

۲- بورژوازی متوسط (مالکان کوچک اراضی، وام دهندگان و بازرگانان، و صاحبان صنایع متوسط).

۳- نیمه پرولتاریا (دهقانان نیمه مالک، کارگران، پیشه‌وران، مستخدمان و شاغلان در مغازه‌ها).

۴- پرولتاریا (کارگران کشاورزی و

۴- جنگ اجتناب‌ناپذیر است

مائو جنگهای داخلی و خارجی را «اجتناب‌ناپذیر» و آنرا سرنوشت محتوم «جهان طبقاتی پراز تضاد» می‌داند. چالب آنکه بدون جنگ هر گونه «جهتی» ناممکن است. عین عبارات مائو چنین است:

«انقلاب و جنگهای انقلابی در جامعه‌های طبقاتی اجتناب‌ناپذیر است. جنگ که با پیدا شدن مالکیت خصوصی و طبقات آغاز شده مرسوم‌ترین شکل مبارزه برای حل تضادهای بین طبقات، ملت‌ها، دولتها و گروههای سیاسی است که بمرحله تکامل معینی رسیده‌اند.»

«انقلابات و جنگهای انقلابی در جامعه‌های طبقاتی اجتناب‌ناپذیر است و بدون وجود آنها، نه می‌توان جهتی در جامعه انجام داد، و نه می‌توان طبقات ارتجاعی حاکم را سرنگون ساخت و در نتیجه کسب قدرت سیاسی از طرف خلق نیز غیرممکن می‌گردد.»

مائو جنگها را به جنگهای «عادلانه» و غیرعادلانه تقسیم می‌کند و شرکت در جنگ عادلانه را وظیفه هر کمونیست می‌داند، و می‌گوید:

«تاریخ نشان می‌دهد که جنگها بدو نوع بوده است:

جنگهای عادلانه و جنگهای غیرعادلانه، تمام جنگهایی که سد راه ترقی‌اند، غیر عادلانه هستند. ما کمونیستها با تمام جنگ‌های غیرعادلانه کسب‌امرتقی‌اند، مخالفیم، ولی با جنگهای مرفی و عادلانه مخالفتی نداریم بلکه در آنها فعالانه شرکت می‌کنیم.

«... برای برانداختن جنگ فقط يك راه موجود است:

بوسیله جنگ با جنگ مقابله کردن، با وسيله جنگ انقلابی با جنگ ضد انقلابی مقابله کردن، بوسیله جنگ طبقاتی انقلابی با جنگ طبقاتی ضد انقلابی مقابله کردن...»

۵- قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید

مائو شیوه‌های غیر خشن و مسالمت‌جوانه انقلاب را رد می‌کند و می‌گوید:

«وظیفه مرکزی و عالیترین شکل انقلاب کسب قدرت بوسیله نیروهای مسلح، یعنی حل مسأله از طریق جنگ است. این اصل انقلابی مارکسیستی - لنینیستی در همه‌جا، هم در مورد چین و هم در مورد کشورهای دیگر صادق است. هر کمونیست باید این حقیقت را بخوبی درک کند که «قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید.»

... در این مفهوم می‌توان گفت: تفسیر جهان ممکن نیست مگر بوسیله تفنگ، نقل از «مسائل جنگ و استراتژی» اثر مائو

۶- امپریالیسم بزرگ‌کاغذی

است

مائو در سال ۱۹۴۶ در مصاحبه‌یی بایک خبرنگار آمریکایی چنین می‌گوید:

«تمام مرتجعان بزرگ‌کاغذی هستند. آنها بظاهر وحشتناکند، ولی در واقع آنقدرها نیرومند نیستند، در بررسی مسایل از يك نظر گاه وسیع و طولانی، دیده می‌شود که نیروهای عظیم و اقمی‌را خلق‌دارا هستند. نه مرتجعان، اما تکامل سلاحهای محارب هستند. تفسیری در نظر مائو نمی‌دهند، و او در سالهای بعد نیز، همچنان تأیید می‌کند که امپریالیسم و همه مرتجعان بزرگ‌کاغذی هستند، جز اینکه می‌گوید: امپریالیسم هم بزرگ‌کاغذی و هم بزرگ‌کاغذی است.

مائو در دسامبر ۱۹۵۸، در سخنرانی خود در جلسه سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست، در «توضیح بر مصاحبه با خبرنگار آمریکایی آنالوئیز استرانگ - ۱۹۴۶» چنین می‌گوید:

«همانطور که در جهان چیزی یافت نمی‌شود که حمله دوگانه نداشته باشد (این قانون وحدت انشاد است) امپریالیسم و تمام مرتجعان نیز دارای حمله دوگانه‌اند، آنها هم بزرگ‌کاغذی و هم بزرگ‌کاغذی.

در جریان تاریخ، طبقات برددار، مالکان فئودال و بورژوازی قبل از کسب قدرت و با تا مدتی بعد از آن، سرشار از نیروی حیاتی انقلابی و مترقی بودند، آنها برهاری حقیقی بودند، ولی با گذشت زمان بعلت اینکه طرف مخالف آنها یعنی: طبقه برده، طبقه دهقان و پرولتاریا بتدریج نیرومند گردید و بزبان آنها هر لحظه شدیدتر مبارزه کرد، این طبقات حاکم رفته رفته بعکس خود تغییر یافتند، با افرادی مرتجع و عقب مانده مبدل گشتند، آنها بزرگ‌کاغذی شده و سرانجام از طرف مردم سرنگون گردیدند، با سرانجام سرنگون خواهند شد.

طبقات مرتجع، عقب مانده و پوسیده این حمله دوگانه را حتی در برابر مبارزه مرگ و زندگی خلق نیز حفظ می‌کنند. آنها از کمونیسم حقیقی و آدمخوارانند و انسانها را میلیون میلیون، ده میلیون، ده میلیون فرو می‌برند، امروز مبارزه خلق ما دوران سخت و پررندی را پیموده و از راه پرییج و خمی گذشته است.

خلق چین برای برانداختن سلطه امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه‌داری بورژوازی در چین بیش از صد سال وقت صرف کرده و دهها میلیون جان آدمی‌زاده قربانی داده، تا توانسته است در سال ۱۹۴۹ پیروزی نائل آید.

ملاحظه کنید، آیا آنها بزرگ‌کاغذی، بزرگ‌کاغذی، بزرگ‌کاغذی بودند، ولی سرانجام به‌بیران مرده و بزرگ‌کاغذی مبدل گشتند. اینها حقایق تاریخی هستند. آیا انسانها شاهد این رویدادها نبوده‌اند باره

آنها چیزی ننشیده‌اند؟ اینها همه در واقع هزاران هزار گواه هستند. هزاران هزار، بدین سبب باید امپریالیسم و همه مرتجعان را بطور ماهوی و از يك دید طولانی و از نظر استراتژیک همان گونه که واقعا هستند، بزرگ‌کاغذی شمرد. از سوی دیگر آنها بزرگ‌کاغذی، بزرگ‌کاغذی، بزرگ‌کاغذی هستند که قادرند انسانها را بیلغند. بر این اساس است که باید فکر تاکتیکی ما استوار گردد، جوابی که شورویها به مائو می‌دهند چنین است: اعم از آنکه امپریالیسم بزرگ‌کاغذی و یا بزرگ‌کاغذی باشد، این بزرگ‌کاغذی و بداندانهای انمی است. عبارت دیگر، بزرگ‌کاغذی، قادر است در پای مرگ و زندگی خود با سلاحهای مهیب انمی و هستی، جهان را بجهنم سوزانی مبدل سازد، و تمدن و بشریت را منهدم کند.

در حقیقت تنوری مائو، همان نتیجه‌گیری نهایی مارکسیسم کلاسیک است که امپریالیسم را بصورت يك واقعیت، محتاج مقابله از راه انقلاب و جنگ می‌داند و بصورت يك پدیدار منحنی و محکوم تاریخ، زوال‌پذیر و از بین رفتنی می‌شاند، ولی هر گاه در زمان بنیانگذاران مارکسیسم، امپریالیسم مسلح به بداندانهای انمی نشده بود، و باین سبب فتوای جنگ نهایی پرولتاریا و امپریالیسم صادر میشد، در زمان مائو نمی‌توان بهمان آسانی چنین فتوایی صادر کرد. زیرا درجه پرولتاریا احساس مسؤولیت در برابر حفظ موجودیت و ارزشهای بشری این سؤال را بوجود می‌آورد: آیا بداندانهای باهنریستی رقابت‌آمیز با امپریالیسم ارجح است، یا بداندانهای که در نتیجه نابودی امپریالیسم بقیمت نابودی قسمت اعظم بشریت بوجود آید.

گفته می‌شود که مائو نابودی امپریالیسم را در یک جنگ نهایی ترجیح می‌دهد، زیرا بسبب کثرت جمعیت چین، او بنا بودی چند صد میلیون تن از نفوس بشری چندان اهمیتی قائل نیست، اما مسأله این است که تازه با چنین عقیده‌یی هم، قبول نظریه ضرورت درگیری نهایی با امپریالیسم، برای اردویی که خود را اردوی پرولتاریا می‌داند، خالصی از مخاطره نیست. زیرا همانطور که کیفیت جنگ هستی با جنگهای پیشین فرق دارد، نتیجه این جنگ هم با جنگهای گذشته متفاوت است، نتیجه جنگهای گذشته، بوجود آمدن غالب و مغلوب بود، ولی در نتیجه جنگ هستی اولاً معلوم نیست که غالب و مغلوبی بهمضموم گذشته بوجود آید، ثانیاً چنانچه غالبی وجود داشته باشد، این غالب الزاماً از آن اردوی پرولتاریایی باشد.

۷- نهضت «صدها گل» و جهش بجلو

از حوادث نمایان سالهای پس از پیروزی حزب کمونیست چین، نهضت «صدها گل» و جهش به پیش است. در سال ۱۹۵۶، مائو معتقد شد که باید انتقاد منطقی و خلاقه از

رهبران و رژیم چین آزاد باشد، گذشته از این باید يك طرز فکر معين بر روشنفكران تحميل نشود، بلكه امکان بيابند كه ميوسه های فكري مستقل خود را با اجتماع عرضه بدارند، يعني بجای گل فكري، گلهای فكري بسياری شكوفه كنند. مانو بهمين منظور، باشمار «بگذار صدها گل بشكفتند» - يعني ضرورت آزادی انتقاد، يك جنبش انتقادی بوجود می آورد. بزودی موج انتقاد همهجا را فرا می گیرد. و در اندك مدتی كترش دامنه آن، حزب كمونيست را منقلب می سازد. شعارهای ضد حزبی در و ديوار دانشگاهها را می پوشاند، اما آزادی انتقاد بجای می كند كه نهضت «صدها گل» متوقف می شود.

از طرف ديگر، نهضت جهش بزرگ به جلو نيز كه از ابتكارات مانو بود، به هدف نهایي نمی رسد. اين نهضت، راه حل وجواب مانو بناكامیهای کشاورزی و اقتصادی چین در نتیجه سرخوردگی این کشور در جلب كمك از شوروی است. هدف از «جهش بزرگ» اینست كه با شیوههای غیر عادی و تجهیز كامل قوای مادی انسانی، دراندك مدتی چین بيك کشور صنعتی و مدرن سوسيالیستی مبدل شود، و افزایش قدرت اقتصادی آن، این کشور را از شوروی بی نیاز سازد و استقلال آنرا در برابر شوروی مسجل گرداند. در حقیقت هدف جهش بزرگ عبارت از استقرار فوری كمونیسم است.

اما این «جهش بزرگ بجلو» با يك «ركود بزرگ» مواجه شد، اقتصاد چین را با مشکلات فراوانی گریبانگیر ساخت، و سبب شد كه در حدود سه سال چین با كساد و يك شبه قطعی روبرو شود.

شكست «جهش» در رهبری حزب كمونیست طوفانی بر می انگیزد، و طرفداران كمونیسم فوری و كمونیسم تدریجی یا پراكماتیستها را در برابر هم قرار می دهد، مدافعان «كمونیسم فوری» دسته دوم را متهم می كنند كه می خواهند سنتهای سرمایه داران را دوباره در چین احیاء كنند، زیرا آنها برای افزایش تولید کشاورزی خواستار اعطای آزادی زراعت بدhqانان و تربیت خصوصی احشام و فروش آنها در «بازار آزاد» هستند.

طبیعی است اگر در این مبارزه گروه مانو یعنی مدافعان كمونیسم فوری، در برابر مخالفان او كه در كادرها و رهبری حزبی اكتریت داشتند شكست بخورد، بر اثر این شكست، موقعیت مانو بسختی ضعیف شد. ولیوشائوچی در رأس رهبری دولت قرار گرفت.

۸- مانو و تمرین فكري

در سال ۱۹۵۹ مانو مدتی در مجامع ظاهر می شد و به تفكر درباره شكست خود

می پرداخت. مانو باین نتیجه رسیده بود كه با پیروزی انقلاب چین در سال ۱۹۴۹ رسالت انقلاب پایان نیافته است. این انقلاب برای كسب قدرت کافی بود، ولی برای ایجاد جامعه كمونیستی مدرن و نظم جدید کافی نبوده است، سنتها و عواملهای انقلابی، مدتی پس از انقلاب، ديگر اقتدر نیرومند و نافذ نبودند كه بصورت نیروی محرکه مؤثری برای استقرار نظم جدید درآیند و یا سلهای گذشته را بكلی از رسوب سنتهای گذشته، پاك سازند، و در روح سلهای جدید رسوخ كنند.

در اینجا مانو نحوه شكل گرفتن فهم و ادراك انسانی را دقیقاً تجزیه و تحلیل می كند و معتقد می شود كه: تغییر فهم و ادراك و انگیزه های درونی انسان، بهمان درجه واجد اهمیت است كه زیر و رو كردن خاك چین برای زراعت مهم است. و این دو در حقیقت، مكمل يكديگر بشمار می روند. بنظر مانو انسان باید راه درست اندیشیدن را بیاموزد. زیرا درست اندیشیدن، بهنگام كار و عمل، او را توانایی بسیاری می بخشد. مانو بر آن است كه انسان باید نحوه اندیشیدن بشیوه دیالكتیکی و علمی را بیاموزد. آنچه مانو درباره ایده و ماده، و فكر و عمل قائل است، باعث شكفتی ماركسیستهای كنور- های ديگر كمونیستی می شود. در عرف چینی، مفهوم ماركسیستی دیالكتيك اینست كه: ایده و ماده بهم مربوط و از هم جدا شدنی هستند. بشر آن چنانكه می اندیشد، عمل می كند. پس نحوه تفكر و عامل فكري اهمیت زیادی می یابد و حال آنكه بنظر ماركس فكر چیزی جز انكاس واقعیت نیست، مانو می گوید:

«وقتی جامعه یی برای نخستین بار می خواهد علمی و ماركسیستی بیندیشد، بتمرین فكري مداومی نیاز می یابد، كه می توان آنرا يك دوره تحول فكري خواند، مفهوم این گفته مانو با پوششی ماركسیستی، چنین است كه می توان فكر را مجرد از واقعیت، و در خلاء واقعیت، در قالب مجزایی بتمرین واداشت. این تمرین فكري از يك طرف، تجزیه و تحلیل مشکلات است، و از طرف ديگر «سنتز» یا راه حل مشکلات را بیرون می دهد.

در سایه این تمرین فكري بقول لين پيائو، همه مردم چین باید دارای طرز فكري واحد براساس تعلیم مانو باشند، و تا زمانیكه يك طرز فكر یكسان مای بوجود نیاید، باید تلاش فكري و مبارزه فكري ادامه یابد. همین اندیشه بود كه بعدها پایه «انقلاب بزرگ فرهنگي پرولناریایی»، و «نهضت دفاعی گاردهای سرخ» گردید.

۹- انقلاب بزرگ پرولناریایی

فرهنگی

در تابستان ۱۹۶۶ جنبش توده یی بزرگی

همچون انتفشان سر بندر كرد و سراسر چین را فرا گرفت. در گذشته نیز جنبش هایی كه به «جنبش های تصفيه ايدئولوژيك» موسوم بود در چین روی می داد. ولی این بار يك نهضت دانشجویی بزرگ كه از نظر عمق و وسعت با جنبش های پیشین فرسق بارزی داشت، علیه «قدرت گروه های آكادميك»، و رهبری حزب بوقوع پیوست و بر اثر آن رهبران بزرگ چین يكي بعد از ديگری از مناصب خود ساقط شدند. نهضت «گارد دفاعی سرخ» بوجود آمد و آشوب غیر منتظره یی بر كنور حكمرما كشت. انقلاب فرهنگي در شرایطی روی داد كه چین آرام تر از هر زمان ديگر بود. در بهار آن سال حكومت چین خارجیان و توریستها را برای سفر به این کشور تشویق می كرد و گمانیكه در آن زمان از چین باز می كشتند از آرامش و نظم آن سخن می گفتند. برای خارجیان همه نوع تسهیلات فراهم بود. غذا فراوان و هتلها خوب بود و راهنمایان چینی خارجیها، در مقایسه با راهنمایان سایر كشورهای كمونیست برتری محسوس داشتند. سبوازات بهبود شرایط زندگی در چین، شماره پانهدگان چینی به هنگ كنگ نیز كاهش می یافت. ولی تنها جنك ویتنام، و احتمال اینکه این جنك از ویتنام به سوی چین تغییر جهت دهد، نگرانی و ناراحتی بوجود آورده بود، ولی این نگرانی بیش از جامعه چینی در مطلبوعات چین بچشم می خورد.

بالیوسف غیر از چند اقدام كه برای مقابله با حمله های هوایی خارجی بعمل آمده، محیط عمومی چین آرام بود. اما ناگهان در ماه مه همان سال انفجار شروع شد. مقالات پشترسرمی در روزنامه های چین به چاپ رسید كه در آنها به عوامل ضد حزبی «ضد سوسيالیست» حمله شده بود. در دانشگاهها، دانشجویان گروههایی برای حمله علنی به مقامات دانشگاهی، «استادان كهنه پرست» و «دانشجویان هسوادار بورژوازی» تشكيل دادند. در ماه ژوئن لوپینگ رئیس دانشگاه پكن بركنار شد و بعد استادان ديگر نیز در دانشگاههای ديگر، يكي پس از ديگری بركنار گردیدند. اغتشاش آنچنان دانشگاهها را فرا گرفت كه ثبت نام برای دوره پاییز آن سال موقوف شد. ورود خبرنگاران خارجی به محیط دانشگاهها منع گردید و متعاقب آن حكومت چین خواست كه کلیه کشورهای خارجی دانشجویان خود را از چین فرا خوانند.

در ماه اوت كمیته مركززی حزب كمونیست چین تشكيل جله داد و ضمن بیانیه مختصری، «روش های جاری» را بی آنكه توجه خاصی به «انقلاب بزرگ فرهنگي پرولناریایی» مبدول دارد، تأیید كرد. در ۱۸ اوت نظهارات سیاری با شرکت صدها هزارتن از دانشجویان و دانش آموزان

مدارس متوسطه از سراسر کشور برپا شد. مانو سه‌تونگ، چون‌لای و لین‌پیانو، سه رهبر برجسته وقت، در برابر این تظاهرات عظیم ظاهر شدند. لین‌پیانو، چون‌لای سخترانان اصلی تظاهرات بودند. در همین اوان ناگهان دسته‌هایی از جوانان بنام «گارد‌های دفاعی سرخ» در پکن و شهرهای دیگر چین پدید آمدند و جنبش سراسری را دامن زدند و بدان رنگ دیگری بختیدند. شعار آنها در آغاز چنین بود: «از مانو سه‌تونگ دفاع کنید». این شعار استقامتی بود از اینکه قدرت مانو بر اثر توطئه عوامل مخالف در سلطوح بالای حزب، دولت، و ارتش مورد تهدید قرار گرفته است. نهضت گارد‌های دفاعی سرخ از کان رهبری را بلرز در آورد و بر اثر آن لبو-شانوچی که چندگاهی جانشین مانو تلقی می‌شد، به مقام هشتم تنزل یافت. پنک‌چی شهردار پکن، که در دبیرخانه حزب مقام دوم را دارا بود، از صحنه خارج شد و نیز لوجونگ چیانگ رئیس ستاد ارتش آزادی بخش خلق برکنار شد، تعدادی از فرماندهان برجسته ارتش نیز مقام‌های خود را از دست دادند و مناصب پایین‌تر نیز دگرگون شد و بدینسان در رهبری چین، از هنگام تأسیس جمهوری خلق تغییرات ژرفی بوجود آمد. گارد‌های دفاعی سرخ از اوایل اوت وارد صحنه عمل شدند. آنها در اغلب شهرهای چین به کلیه عوامل و مظاهر کهنه، مواریت بورژوازی، آثار خارجی و نشان‌های غرب‌زدگی، مظاهر کاپیتالیستی، فرد پرستی و تجدید نظر طلبی حمله کردند. آثار فرهنگی پیشین (از مجسمه‌های بودا تا کتیب) سوزانده شد. آنها سرمایه‌داران ملی چین را که بابت مؤسسات ملی شده خود «سود» ثابتی دریافت می‌کردند، با کلاه‌های قیفی در خیابان‌ها گرداندند. گارد‌های سرخ به چینی‌هایی که از غرب بازگشته بودند، و لباس‌های غربی می‌پوشیدند ناسزا می‌گفتند. ناظران غربی بر آن بودند که این کوشش عظیم انسانی برای آنت که یکبار برای همیشه، رابطه چین امروز را با گذشته‌اش قطع کنند، همه مبانی نظام و فرهنگ و رسوم کهنه را درهم شکنند، و راحت‌طلبی و غریزه کسب لذت را در نفس چینی‌ها بکشند و آنها را با فکر واحدی، که همانا افکار مانو باشد، مجهز سازند. منتقدان معتقدند چنین هدفی کاملاً مغایر هدف اصلی انقلاب فرهنگی بود که ایجاد انقلاب در افکار باشد، زیراتحمیل فکر واحدی به افراد موجب انجماد فکری می‌شد. نه انقلاب فکری و باعث رواج فردپرستی بود نه مبارزه با آن. اما موجدان انقلاب فرهنگی معتقد بودند تجهیز ۷۰۰ میلیون چینی با افکار مانو و سلاح واحد ایدئولوژیک، قدرت بزرگ و شکست‌ناپذیری بوجود می‌آورد.

گارد‌های سرخ نظر دیگری داشتند. در موع وقوع این انقلاب، برای نخستین بار از هنگام شکاف بین چین و شوروی روزنامه‌های شوروی گزارش‌های زیادی درباره چین چاپ کردند. آنها معتقد بودند که هدف اصلی گارد‌های سرخ، حمله بر بنیان تشکیلاتی حزب کمونیست بود. روز ۲۳ سپتامبر پروا نوشت: که در شهر «هاربین» (۷) شمار گارد‌های دفاعی سرخ چنین بود: بسوی کمیته‌های حزب کمونیست در شهر و استان آتش بکشید! آنها رهبران حزبی محلی را در کامیون‌ها پیرامون شهر گرداندد. بدینسان گارد‌های دفاعی سرخ، که اغلبشان دانشجو بودند نکان شدیدی در ارکان تشکیلاتی حزب کمونیست از صدر تا ذیل آن بوجود آوردند. پست‌تر گارد‌های سرخ، واحدهای نظامی هوادار لین‌پیانو قرار داشتند و آماده بودند که در صورت لزوم از آنها حمایت کنند، یا چنانچه عناصران کبیخته شد، آنها را بازداشت کنند. کم‌کم حزب کمونیست نیز اقدامات گارد‌های سرخ را تأیید کرد. چنانکه در بیانیه پلنوم حزب کمونیست سرریحاً اعلام شد: «انقلاب فرهنگی بزرگ و بیسابقه‌یی در کشور برپا شده است و این البته فصل اول این انقلاب است.» نکته در خور توجه این بود که انقلاب فرهنگی و حمله به مقامات حسری، در شهرستان و استان‌ها دامنه‌دارتر بود، هر چند این انقلاب طبق نوشته روزنامه پرچم سرخ در ژوئیه ۱۹۶۶ با حمله‌یی به ووهان (۸) نویسنده و مورخ برجسته و معاون اول شهردار پکن شروع شد و بعد به دستگاه‌های حزبی پکن کشید، و آنگاه به شانگهای سرایت کرد. بنظر مفسران غربی هدف از گسترش دامنه انقلاب فرهنگی به شهرستانها درهم کوبیدن مخالفان مانو در دستگاه رهبری مرکزی حزب بود. استفاده از نیروهای ایالتی برای نبرد با قدرت مرکزی حزب در تاریخ احزاب کمونیست بیسابقه نبود. پیش از آن در سال ۱۹۶۷ خروش‌ف‌ف نیز برای درهم شکستن صف استالینیست‌ها بدین شیوه عمل کرد. اما بزعم موجدان انقلاب فرهنگی، این انقلاب، هدفهای اساسی دیگری نیز داشت. انقلاب فرهنگی بمنظور تثبیت سوسیالیسم در سلهای آینده بود، و بدان منظور بود که پروزیهای چهل ساله گذشته، نسل کنونی را از خواص و جوهر انقلابی دور سازد، و گذشته انقلابی را از آینده انقلابی منفک نکند. گذشته از این خطراتیکه چین را از هر سو تهدید می‌کرد و اینکه چین نباید خلق‌های دیگر جهان را تنها بگذارد، وظیفه انقلابی آنرا دشوارتر می‌ساخت.

آمریکا بود و آنها در آنموقع درگیری چین و امپریالیسم آمریکا را حتمی می‌دانستند. چنانکه مانو در سال ۱۹۶۴ باز تأکید کرد که جنگ اجتناب‌ناپذیر است، و همانگونه که آمریکا، هیچگاه در مبارزه با کمونیسم از تلاش باز نمی‌ایستد، چین نیز باید همواره خود را برای دفاع و ضربه زدن آماده نگاهدارد. برای این‌هدف ارتش چین که نام ارتش آزادی‌بخش خلق را بر خود دارد نباید بصورت یک ارتش معمولی و حرفه‌یی درآید، بلکه باید بیگ ایدئولوژی نظامی در پشت سر هدفهای ملی چین مجهز شود. بنظر می‌رسد اگرآه و امتناع شوروی از کمک به چین و تهدید آمریکا بیش از حد بر ترس واقعی و توهمی مانو افزود و او را باین اندیشه انداخت که باید تمامی ذخیره انسانی چین، بصورت قدرت نظامی و دفاعی دینامیکی درآید تا ضمن انجام وظایف عادی خود، در ساختمان نظام جدید هر وقت لازم شد به نیروی جنگی «کارآمدی» مبدل‌شود. آنگاه «دشمن وقتی حمله کند موفق نمی‌شود حتی یک وجب از خاک چین را تصرف کند.» در این زمان مانو از داخل و خارج احساس خطر می‌کرد. رهبر چین نگاهای بچند سال گذشته می‌افکند و می‌دید در سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۸ تعداد اعضای حزب کمونیست چین بطور سریعی افزایش یافته است، بتعبیر مانو هواداران او تعداد زیادی «پورتونیست» (۹) یا نقاب انقلابی و ارا‌حزب می‌شوند و از آن بعنوان پایگاهی برای بدست آوردن مناصب و مقامات استفاده می‌کنند تا جایی که یک جوان چینی می‌گوید «آدم موقعی بجایی می‌رسد که وارد حزب کمونیست شود.» تعداد این افراد تقریباً صدی ده کل اعضای حزب را در بر می‌گیرد. این افراد بتدریج مسؤولیت‌های اصلی و حساس حزبی را تا بالاترین سطح آن پرمی‌کنند، و نیرو-های قابل توجهی را بهم می‌زنند، مانو احساس می‌کند که کاد‌های بالای حزب احتیاج بتعمیفیه دارند، زیرا اینها جلوه‌های «تجدید نظر طلبی» در چین‌اند. تجزیه و تحلیل ریشه تجدید نظر طلبی آغاز می‌گردد. آنچه این حساسیت نسبت به «تجدید نظر طلبی» را تشدید می‌کند بالا گرفتن اختلافات چین و شوروی است. اینکه بین دو کشور بزرگ سوسیالیست و برادر اختلاف و تضاد پیش آمده با تئوریهای کلاسیک تطبیق نمی‌کند، قرار نمود کشور-های سوسیالیست هم مانند اجتماعات طبقاتی باید یکدیگر تضاد منافع و در نتیجه برخورد ملی داشته باشند. پس کجای این معادله، یعنی معادله رابطه چین و شوروی نفس دارد، جواب چینی معلوم است: نفس از طرف دیگر معادله، یعنی از طرف شوروی است. ولی

باز همین نقش نیز با تئوریهای مارکستی قابل توضیح نیست. زیرا قرار نبود کشوری پس از سیری شدن چندین دهه از انقلاب سوسیالیستی آن در سیاست خود دارای مختصات غیر سوسیالیستی باشد. در مراحل چون عیب وجود داشت و نمی شد از آن چشم پوشید پس لازم بود درسد جستجوی علت آن برآمد. چینی ها علت را در تجدید نظر طلبی «شوروی» تشخیص دادند و معتقد شدند این تجدید نظر طلبی از دارو دسته «خروشچف» سرچشمه گرفته است. در مقدمه ای که بر مجموعه ای از آثار مائو در چین نوشته شده، این طور آمده است:

«بورژوازی بخاطر برانداختن دیکتاتوری پرولتاریا سعی دارد با تمام نیرو از طریق نمایندگان خود در درون حزب تفنگ را بدست بگیرد. در اتحاد شوروی دارو دسته روزیونیست خروشچف قدرت نظامی را غصب کرد، و دست یگودتای ضد انقلابی زد. این واقیعت برای ما درسی جدی است. در کشور ما بزرگترین صاحب قدرت در درون حزب که بر راه سرمایه داری کام نهاده است برای احیای سرمایه داری طی ۱۷ سال اخیر ضمن همسستی با توطئه گران بزرگ، جامطلبان بزرگ و دیکتاتورهای نظامی بزرگی چون «دیجهای» و «لوزی چین» دیوانه وار دست بفعالیت های توطئه گرانه بخاطر غصب قدرت نظامی زدند و بیهوده تلاش داشتند که ارتش تودویی ما را به آلتی جهت احیای ضد انقلاب خود تبدیل کنند...

... در انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریایی که در تاریخ کشور ما بی سابقه است. ارتش آزادی بخش تودویی چین، صلح بانندیشه مائو توه دون بنابه ستون فقرات دیکتاتوری پرولتاریا نقش عظیمی را ایفا کرده و خدمات جدیدی انجام داده است... شرکت ارتش آزادی بخش تودویی چین در انقلاب عظیم فرهنگی پرولتاریایی در تمام شئون اجتماعی جدیدترین رشد و تکامل تئوری سر فرمانده کبیر ماصدر مائو درباره ساختن ارتش پرولتاریایی بنشار می رود.

چین در تجزیه و تحلیل خود دیگر بیش از این پیش نمیرود و در مسد توضیح طبقاتی و اجتماعی ریشه های تجدید نظر طلبی بر نمی آید، بلکه آنرا ناشی از مشکلات جامعه سوسیالیستی می داند که هسته مرکزی کلیه مشکلات را مسأله «گسترش و توسعه تولید» تشکیل می دهد. این مسأله را می توان بدو طریق حل کرد:

۱. از طریق ارتقاء منافع مادی افراد جامعه!
 ۲. از طریق تغییر محرکات وجودی و درونی انسان.
- استالین راه حل اول و مائو هر دو راه را انتخاب می کند.

استالین با شتاب می خواهد اتحاد جماهیر شوروی را بیک قدرت بزرگ جهانی مبدل سازد، و از اینرو در جستجوی قدرت و عظمت، بتوسعه صنایع سنگین تکیه می کند. مائو با آنکه با اهمیت صنایع سنگین هم می اندیشد، ولی کشاورزی را در درجه اول

اهمیت قرار می دهد. آنچه در چین قبل از بسط صنعت و مکانیزاسیون، اهمیت می یابد فلسفه زندگی دسته جمعی، یکسان گردیدن دست زدها، تربیت سوسیالیستی افراد و تنفیذ اصول نهضت خلق است، با اینهمه، «تجدید نظر طلبی» در چین نیز نمایان می شود، مائو در اینجا بجوانان رو می آورد و می نویسد:

«هسته مرکزی جنبه های چینی را جوانان و روشنفکران تشکیل می دهند» وی می گوید: بیک شرط جوانان، جهان را نو می کنند «و آن شرط اینستکه جوانان باتوجه مردم، کارگران و دهقانان درآمیزند و متحد شوند و چنانچه خواهان پیروزی هستند باید رفتاری صمیمانه و دوستانه با بزرگانان داشته باشند. و از تجارب آنان بهره گیرند».

از سال ۱۹۶۴، موضوع تعلیم و تربیت جوانان در چین مورد توجه و بحث قرار می گیرد و نظام علمی که بود مطلقاً بالای اجتماعی تلقی می شود، و سیستم امتحانات آموزشی مورد انتقاد و اعتراض واقع می گردد.

کلیه آموزشگاه ها یکسال تعطیل می شود و در این مدت سیستم آموزشی جدیدی وضع می گردد.

طبق این سیستم، دانش آموزان در رستنها باید یک یادوسال در بین کارگران، دهقانان، و سربازان در سندیگاهها، کشتزارها، و ارتش سر برند و در این سه مرکز سه نوع تحریک انقلابی را فرا گیرند.

برای ورود بدانشگاهها و تحصیلات دانشگاهی ضوابط جدیدی در نظر گرفته می شود. کنکور از بین می رود، ولی در عوض ضوابطی همچون خصوصیات اخلاقی، زرنگی، تیزهوشی و درجه فهم و ادراک محصلان، ضابطه ورود آنان بدانشگاهها می شود.

از طرف دیگر، کسانی بدانشگاه راه می یابند که از خود وجدان پرولتاریایی نشان دهند. از عقل خود مدد بگیرند، تکنیکالائی و سازمانده باشند و جرأت و فکر صحیح و رفتاری پسندیده داشته باشند. «اینها، چنین خصوصیات، در بین کاردهای سرخ جوانه می بندد» در عین با معیارهای تازه فقط جوانانی می توانند بدانشگاه راه یابند که عضو حزب کمونیست باشند و در وفاداری بدون چون و چرای آنها بافکار مائو تردستی وجود نداشته باشد. لذا معیار استعداد و شایستگی جای خود را به معیار وفاداری بافکار مائو می دهد. بدنیست یادآوری کنیم که کارشناسان اروپای شرقی و غربی در مطالعات خود باین نتیجه رسیده اند که کنکور

سرای سنجش صلاحیت داوطلبان ورود بدانشگاهها ضرورت دارد، ولی اینکه ضوابط سنجش باید عادلانه باشند امر دیگری است، برحسب این ضوابط داوطلبان ورود بدانشگاهها باید دارای حد متوسط شعور و معلومات عمومی و صلاحیت علمی و فنی باشند.

در چین در همانسال ۱۹۶۴ ضمن توجه به اهمیت جوانان اعلام می شود که با تهیه برنامه های دراز مدت، باید جوانان چینی را برای ساختمان دنیای فردا پرورش داد و آماده ساخت.

ظاهراً تجدید نظر طلبی سدی در برابر «دنیای فردا» بوجود می آورد، و از اینرو اعلام می گردد: «ما همانگونه که در برابر امپریالیسم استادگی می کنیم، باید مراقب تجدید نظر طلبی های جدید هم باشیم، و آنها را از محیط خود دور سازیم تا رنگ حزب و رژیم را تغییر ندهند».

برای مقابله با تجدید نظر طلبی است که مائو تهننگ با اهمیت جوانان و تشکیل گارد سرخ تکیه می کند و می گوید: «جوانان باید شرابنده، انقلاب را تکمیل کنند. مارکسیست، لیننیستهای امیلی باشند، بخلق چین و دیگر قلمهای جهان کمک رسانند، و دموکراسی مرکزی را بسط جبهه خلقی بوجود آورند. مفهوم آنرا درک کنند و آنرا بکار بندند.

از انتقاد بخود نهراسند، باشنداهات خود پی ببرند و در رفع آن کوشا باشند، بدینسان از آنان یک قشر انقلابی جوان بوجود می آید که حائزین محرکات کنونی انقلاب می شود.

اگر ما اجازه دهیم که در کادر رهبری حزب و رژیم، افراد چپاولگر و تجدید نظر طلب قرار گیرند، در نتیجه جوانانیکه باید رهبری آینده انقلاب را تشکیل دهند، از آنان پیروی می کنند، و نظرات تجدید نظر طلبانه و بورژوازی متعادل می شوند. انقلاب در نیمه راه خود متوقف می شود. و سوسیالیسم از در سازش با کاپیتالیسم درمی آید و در نتیجه، باز غول کاپیتالیسم عرض اندام می کند.

از اینرو مسأله تعلیم و تربیت نسل آینده مسأله مرگ و زندگی حزب و کشور ماست. باین دلیل انقلاب بزرگ فرهنگی مرحله خطیری از سازندگی حزب و آینده کشور است. مرحله ای بزرگ و خطرناک یعنی انقلاب جهانی.

«اگر بیرسند چین در سال دوهزار چه چگونه خواهد بود خواهیم گفت این امر سنگی بانقلاب فرهنگی کنونی و گارد سرخ ندارد».

اگر بیرسند جهان در سال دوهزار چه سان خواهد بود، ما خواهیم گفت مربوط می شود باینکه در چین امروز چه می گذرد. مهمترین وظیفه انقلاب فرهنگی، از میان برداشتن عقاید «تجدید نظر طلبانه» است،

که امر انقلاب را بعقب می‌اندازد، و سدی در برابر سوسیالیسم بوجود می‌آورد. دامنه انقلاب فرهنگی گسترش می‌یابد. در سال ۱۹۶۶ مقرر می‌شود که هنگام ضرورت، سربازان، دهقانان و کارگران می‌توانند از نظر شغلی جایگزین یکدیگر شوند. یعنی هروقت لازم باشد می‌توان دهقانی را لباس سربازی پوشاند و کارگری را در کشتزارها بصورت دهقانان درآورد، این برنامه و همچنین برنامه لغو درجات نظامی نیز در چین عملی می‌گردد.

۱۰- انقلابات مداوم

تکته‌چندید دیگر نظریات مانو، از ضرورت «انقلابات مداوم» در جامعه برمی‌خیزد. انقلاب باید در سلهای چینی پیوسته تکرار شود. یک نسل انقلاب را بدست آورده است اما هرگاه این انقلاب در دست نسل دیگر دست نخورده بماند، کم‌کم خاصیت انقلابی خود را از دست می‌دهد و «تجدید نظر طلبان» که مانو در پست سران، قیافه کاپیتالیسم را می‌بیند دوباره با اجتماع چین باز خواهند گشت. پس نسل فعلی باید دست با انقلاب دیگری بزند و سلهای آینده هم بهمین ترتیب، برای آنکه جامعه را همچنان در شرایط انقلابی نگهدارند، باید دست به انقلاب بزنند. بدینسان انقلاب بصورت ناموس تکاملی اجتماعی حتی در دوران سوسیالیسم درمی‌آید: «انقلاب پست انقلاب» نظیر مستندان چین می‌نماید که تئوری مانو جنبه ایدئالستی دارد و قبل از همه نقد خود را با تئوریهای مارکسیستی نمایان می‌سازد.

زیرا انقلاب در عرف مارکسیسم، ضرورت دوران تاریخی است. انقلاب از زمانی ضرورت می‌یابد که جامعه همان اولیه، دچار ضد طبعانی می‌شود، این نهاد تازه‌ان ما پیش می‌آید. ولی همیشه به مرحله سوسیالیسم قدم گذاریم، و همراه مالکیت اجتماعی وسائل تولید، در زیربنای اجتماعی همسانی تازمی بوجود آوریم دیگر موجهی برای انقلاب نمی‌ماند. انقلاب برمند طبقه حاکم باید انجام گیرد، وقتی چنین طبقه‌ای از میان رفته باشد و نسل انقلابی جای آنرا پر کرده باشد، دیگر محرکاتی برای انقلاب تازمی وجود نخواهد داشت. از این پس اجتماع عامل خود را بدون انقلاب و با احکام عامل آگاهی حل می‌کند، اما حال در مورد چین، بیست و اندی سال پس از انقلاب سوسیالیستی یک مارکسیست حق دارد بپرسد که مانو برای چه مجدداً انقلاب را لازم می‌داند و بالاتر از آن، حتی آنرا در مورد سلهای آینده هم لازم می‌شمرد؟

منتقدان می‌گویند: انقلاب فرهنگی که کاردهای سرخ‌شمارهای آنرا حمله می‌کردند، هر عنصر اجتماعی را که مخالف اندیشه‌های مندر مانو است یا حتی موافق آن نیست نفی می‌کرد. انقلاب جدید، کتاب سرخ مانو را

بصورت کتاب عقلمن چینی در می‌آورد، کهنه‌فانان در کشتزارها، کارگران در کارخانه‌ها و جوانان در آموزشگاهها باید آنرا از بر کنند. منتقدان می‌افزایند: بنظر می‌رسد که این نمودار تازمی از شخصیت پرستی «دوران استالین» باشد که تجدید نظر طلبی خروشف آنرا در سطح سیاسی محکوم می‌شناخت. آیا «تجدید نظر طلبان چینی» نیز برهبری لیوشائوچی همان ماهیت «تجدید نظر طلبی» شوروی برهبری خروشف را دارا بودند؟ در این صورت انگیزه‌های انقلاب جدید، بمعنی چیزی جز درهم کوبیدن مخالفان فکری و حصری بنیوه جدیدی نخواهد بود. استالین، هنگامی که در تمثیه‌های خونین خود، هزاران کادر حزبی و صدها هزار تن از توده‌های مردم را قربانی می‌ساخت هرگز ادعا نمی‌کرد دست با انقلاب تازمی می‌زند. بلکه این تمثیه‌ها را در زیر ابر غلیظی از تبلیغات شدید خود می‌پوشاند و وقتی اخبار این تمثیه‌ها در جهان خارج انتشار می‌یافت آنها را «جعلیات تبلیغاتی بورژوازی» می‌خواند.

۱- مانوئیسم و اختلاف با

شوروی

کمونیسم نوع دیگری که بنام مانوئیسم معروف شده است، از آغاز خود، دارای دو خصیصه اصلی بوده است: از لحاظی مانوئیسم یک مخالف ایدئولوژیک با کمونیسم است که پس از مرگ استالین بر شوروی حاکم شد و از طرف دیگر مانوئیسم منهومی ناشی از برخورد منافع ملی چین و روسیه است. مخالفت ایدئولوژیک با «روزبویسم» روسی تایید سیاست شوروی در زمان خروشف مربوط بود. حتی اگر شورویها مرتکب عملی نمی‌شدند که بنظر چینی‌ها یا منافع ملی آنها مغایرت داشت و موجب می‌گردید که چین همواره در درجه پایین‌تری قرار بگیرد، باز این تعارض مرامی بمیان می‌آمد. ولی از نظر چینیه‌ها، شورویها مرتکب اعمالی شدند که بدشمنی ملسی دو کشور انجامید. و منافات مرامی بر این دشمنی اضافه گشت البته مانوئیستها تعاونی بین این دو جنبه دشمنی چین و شوروی قائل نیستند و معتقدند اعمال شوروی علیه منافع ملی چین، نتیجه اجتناب ناپذیر فساد حزب کمونیست شوروی بوسیله ایدئولوژی تجدید نظر طلبانه است. اما در پست سر مباحثات ایدئولوژیک، عوامل ملی و «شوینیسم» عابریه اعتقاد مشترک هر دو کشور به مارکسیسم - لنینیسم باعث برخورد دوطرف می‌گردد.

برای فهم اختلاف ایدئولوژیک یکن و مسکو، شرح وقایع مربوط بروابط آنها بر ترتیب تاریخ وقوع آنها دارای اهمیت اساسی است. همانطور که قبلاً اشاره شد،

روسیه بعد از استالین، تحت سلطه کمونیستهای نسل دوم قرار داشت که از بسیاری جهات با کمونیستهای نسل اول تفاوت داشتند. اما برخلاف آن، کمونیسم چینی، دهسال پس از تأسیس جمهوری خلق چین، هنوز نهضت نسل اول بشمار می‌رفت. و بوسیله مردانی رهبری می‌شد که سالهای درازی فعالیتهای انقلابی زیرزمینی داشتند و یا در روستاها جنگهای چریکی دست می‌زدند. جمهوری خلق چین که در سال ۱۹۴۹ استوار شد سی و دو سال جوانتر از رژیم شوروی بود که در سال ۱۹۱۷ ایجاد شده بود. انتظار می‌رفت که کمونیستهای چینی پس از مرگ استالین خصایصی مانند شور و شوق تعصب آمیز، و تنفر از دلبستگی بپهسود مادی زندگی، از خود ظاهر سازند، که همگی از خصایص بلشویکهای قدیم بندر می‌زود.

ولی این خصیصه‌ها بسیار با خصایص جانتیان آنها در روسیه، خروشف و برزف فرق داشت. از نظر کمونیستهای چینی جهان می‌نمود که رفقای روسی آنها شور و ذوق و فداکاری انقلابی خود را از دست داده‌اند. اما از نظر روسها، چینیه‌ها بسیار مبارزه‌جو، خام و ناپخته بنظر می‌رسیدند. این اختلاف دو جانبه اگر محدود بآنچه گفتیم می‌شد شاید از حدود اختلافات ناشی از احسان تجاوز نمی‌گردد. اما از هنگام تشکیل کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی در سال ۱۹۵۶، چینیه‌ها، کمونیستهای روسی را منتهم بعقب نشینی مرامی و انقلابی کردند. در واقع حزب کمونیست شوروی در کنگره بیستم خود، در دکتترین مارکسیست - لنینیستی تعمیرات اساسی بوجود آورد. زیرا هم مدعی شد که جنگ دیکر در روابط بین‌المللی اجتناب ناپذیر نیست و هم اینکه از این تر بدفاع برخاست که امکان دارد کمونیست قدرت را با وسایل غیر خشن نیز بدست آورند. در هیچیک از دو مورد مذکور حزب کمونیست شوروی پیش از آنکه این بدشغهای جدید را وارد تئوریهای کمونیستی سازد، با احزاب کمونیست دیگر جهان بشاورد کافی پرداخته بود.

در مجاللات بعدی چینیه‌ها و شورویها «روزبویسم» یا تجدید نظر طلبی که تا آن زمان در محافل مارکسیستی بشمار تلقی می‌گشت، نمودار ماهیت کنگره بیستم شد و از اینرو چینیه‌ها از نظر مجاللات تئوریک در شرایط بهتری قرار گرفتند. بنظر س - ج هودسون (۱۰) تمثیهات کنگره بیستم، با لنینیسم و مانیفست کمونیست مارکس مغایرت داشت. از طرف دیگر سوسیال دمکراتهای ارتودوکس آلمان و منتویکهای روسیه با آنکه در زمان خود روزبویسم غلبی برنشان (۱۱) را مردود شناختند. برای بدشغهای ایدئولوژیک کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی نیز سوابقی ایجاد کردند، زیرا اینها بودند که از اهمیت تأکید اصلی

مارکس بر ضرورت انقلاب مسلحانه کاستند. اما لنین برای حفظ اصول مانیفست کمونیست بافتاری کرد. واعمال زور را یکی از شرایط قبول احزاب مارکسیستی بصورت کمترین قرار داد. بنابراین، مارکسیسم - لنینیسم بمعنی افزوده شدن دکترین لنین بر عقاید مارکس بود، ولی در حقیقت وقتی لنینیسم بر مارکسیسم اضافه شد، مارکسیسم با معیارهای لنینیستی تعبیر گردید. در مورد تأکید اهمیت اعمال خنونت بعنوان یکی از وسایل انقلابی، مسلماً کمونیستهای چین پیش از خروشچف بمانیفست کمونیستی و تعالیم لنین نزدیک بود. اما کمونیستهای شوروی، تلویحاً، نه صریحاً، مدعی اند از آنجا که تنها وارثان بحق مارکس و لنین هستند هرگونه تغییری در اصول مارکسیسم، لنینیسم نیز در حوزه اختیار آنها قرار دارد. باین ادعا چینیهها مبارزه پرداختند. همچنانکه پیش از آنها یوگسلاوها نیز در این راه مبارزه کردند. با این تفاوت که برعکس مارکسیستهای افراطی - یوسلاوی از خط مشی حزب کمونیست شوروی، در جهت لیبرالیسم اروپا، بر است گرایش یافت و حال آنکه چینیهها بسوی چپ، و در جهت مبارزهجویی انقلابی شدیدتر و افراطیتر گرویدند.

البته کمونیستهای چینی، کنیه کارتهای برنده خود را دفن علیه مسکو بکار نبردند زیرا هنوز امیدوار بودند که کمکهای اقتصادی و نظامی زیادی از شوروی دریافت کنند و میدانستند که این کمکها پیشرفت سریع آنها را برای احراز مقام یک قدرت بزرگ مورد اروپایان، تأمین خواهد کرد. در نوامبر ۱۹۵۷ در اجتماع احزاب کمونیست در مسکو بمناسبت جشن چهلمین سال انقلاب بلشویکی، مانوئه تونگ نه تنها از حمله بتسمیمات کنگره بیستم امتناع ورزید، بلکه گفت لازم است بنام احزاب کمونیستی که دولتها در دست دارند، اعلام شود که اردوگاه سوسیالیستی تحت رهبری شوروی خواهد بود. شکی نیست که از نظر مانو رهبری مسکو منروط مبارزه سرسختانه بادشمن یعنی اردوگاه تحت رهبری امریکا بود. وگرنه او حاضر نبود از یک رهبری که منجر باعطای امتیاز به امپریالیسم باشد پیروی کند.

در سالهای متعاقب کنفرانس مسکو در ۱۹۵۷ امیدهای چین بدریافت کمکهای اقتصادی و نظامی از شوروی و پیشرفت پیروزمندانه اردوگاه سوسیالیستی تحت رهبری «اولین و نیرومندترین قدرت سوسیالیست جهان» بنومیدی غمانگیزی انجامید. کمک اقتصادی شوروی بیزرانی کمتر از حد انتظار کاهش یافت. موضوع بسیار با اهمیت این بود که شوروی از کمک به چین برای تولید سلاحهای اتمی خودداری کرد و این موضوع علامت سؤالی در

برابر چینیهها قرار داد. آنها دچار سوء ظن شدند و بادلایل منقنی که در دست داشتند، باین نتیجه رسیدند که شوروی نمیخواهد چین خیلی سریع پیشرفت کند ویا در زمینه مهمترین سلاحهای مدرن بپایه شوروی برسد. از اینرو احساس هبستگی چین با روسیه، عمیقاً آسیب دید. زیرا چینیهها متوجه شدند که شوروی بجای آنکه خواهان تسریع پیشرفت چین باشد، طالب عقب ماندگی آنست و بعداً هنگامی که معلوم شد خروشچف بجای رهبری اردوگاه سوسیالیستی در مبارزه با امپریالیستها قصد دارد بدون توجه بمنافع چینیهها با امریکا وارد معاملات دیپلماتیک گردد، سرخوردگی چینیهها بخشم و رنجش شدید آنها مبدل شد. رهبران کمونیست چین در سال ۱۹۵۹ نوسان سیاست شوروی را که منجر بملاقات خروشچف و آیزنهاور در کمدیوید (۱۲) شد، با ترس و حزم دنبال کردند. هیچ دلیلی در دست نیست که نشان دهد خروشچف در این ملاقات ضمن درخواستهای دیپلماتیک خود کوچکترین کوششی برای افزایش منافع چین نیز بکار برده باشد. بطور میسر خروشچف همانطور که امیدوار بود، چنانچه میخواست در مساله برلن منظور خود را پیش ببرد، ترجیح میداد که موضوع چین را نادیده بگیرد، بعلاوه درست پیش از آغاز مذاکرات کمپ دیوید، دولت شوروی پیش چشم چینیهها هم در مورد روح اتحاد چین و شوروی و هم در زمینه هبستگی بین المللی کمونیستی، منافع چین را فدای کرد، که از نظر چینیهها نابخشودنی بود. زیرا شوروی در مناقشات مرزی چین و هند (که در نایتنان ۱۹۵۹ منجر به برخورد های مسلحانه شد) بجای پشتیبانی اخلاقی و سیاسی از چین، روش بیطرفانه ای اتخاذ کرد. بیطرفی یک دولت کمونیست در برابر کشمکش با یک دولت بورژوا امری بیسابقه بود، و تا آن زمان بحکم سوابق کمونیستی بدیهی بود که در چنین منازعهایی باید دولت بورژوا متجاوز شناخته شود.

رنجش شدید چین از روش خروشچف، منجر باعاز مبارزه مرامی بریان تجدیدنظر طلبی گردید که ضمن آن شوروی با ابراز ناسف، بدعت کددار «رویزونیسم» معرفی شد ولی این مبارزه هنوز با خودداری از بکار بردن الفاظ تند و دشنام توأم بود، که در مراحل بعدی مبارزه رواج گرفت. حال نوبت خروشچف بود که عصیان شود، او تصمیم گرفت که چینیهها را بجرم گستاخی مجازات کند و آنها را از راه ایسچان محدودیتهای اقتصادی و ادار بشلیم و اطاعت سازد. خروشچف می پنداشت که چینیهها نخواهند توانست این محدودیتهای را تحمل کنند. خروشچف بطور ناگهانی کایه مهندسان و سایر کارشناسان فنی روسی را که برای کشرش صنایع چین باین کشور اعزام شده

بودند، به شوروی فراخواند. برخی از این کارشناسان نقشه های را هم که برای احداث کارخانه ها و تأسیسات جدید در چین اهمیت حیاتی داشتند با خود بردند. اما این اقدام شدید که بسفطور الزام چین سورت می گرفت، نتیجه بی خلاف انتظار خروشچف بار آورد. بجای آنکه چینیهها بزانو در آیند، عمل او موجب تشدید خشم آنها شد و سب پیدایش نمایالت ناسیونالیستی در کمونیسم چینی گردید و آنها مصمم شدند که علیرغم همه منکلات، راه خود را متقلاً ادامه دهند.

در ماه نوامبر ۱۹۶۰ کنفرانس مرکب از تقریباً همه احزاب کمونیست در مسکو تشکیل شد، تا اختلافهای احزاب کمونیست چین و شوروی را حل کنند، ولی با آنکه در پایان کنفرانس اعلامیه مشترکی انتشار یافت، چون خیلی مبهم بود، بزودی مناقشات تازه ای در تعبیر مفاد آن بروز کرد. اقدامات دیگری نیز که برای سازش دو طرف بعمل آمد، همگی بسکت انجامید و حتی سقوط خروشچف در اکتبر ۱۹۶۴ نیز چندان تأثیری در اوضاع بوجود نیآورد. روشن بود که در این ماجرا پای مسائل اساسی ملی بمیان آمده است، تنر روسها از چینیهها و تحقیر آنان، باعث احیای خونخیزی قدیم چینیهها شد و آنها مانند اعصار پستین، خود را تنها منبع تمدن و عقل در جهان نوحش پنداشتند. این سبایل با افزایش پرسش شخصیت مانو در داخل چین مصادف شد. در اولین وهه مناقشه چین و شوروی، مانو در برابر رفتار تحریک آمیز خروشچف واکنش نشان داد. اما از سال ۱۹۶۴ بعد وضع معکوس شد. باین معنی که جانشینان خروشچف آماده بودند با شرایط مناسبی با چین از در سواش درآیند، اما این بار مانو بود که پیش از پیش مبارزه جو گردید و بدآسانی حاضر بیازش نداد.

از این پس مانوئیسم سیمای روشتری بخود گرفت، مایه اصلی آن وضع نوری جدیدی درباره انقلاب بود بنظر مانو انقلاب باقیام پرولتاریا در شهرهای بزرگ عملی نمی شود. بلکه باید دهقانان دست بشورشی های چریکی بزنند و قیام موفقیت آمیز دهقانی تحت رهبری مانو سرمشق آنها قرار گیرد. مانو نظریه همزیستی مسالمت آمیز کشورهای را که دارای سیستمهای اجتماع متفاوت اند رد کرد و آرا تسلیم شدن در برابر امپریالیسم شمرده و اعلام داشت که رهبری و کمک مردم مناطق مستعمره جهان در آسیا، آفریقا و امریکای لاتین و جزئیهای انقلابی آزادی بخش ملی آنان، رسالت تاریخی حزب کمونیست چین بشمار می رود، و روسیه قادر به چنین رهبری نیست. زیرا نه تنها نسل حزب کمونیست شوروی بعد از استالین بعثت «رویزونیسم» قلمند شده است بلکه اصولاً تجربه انقلابی روسیه در زمینه برپا

داشتن انقلاب در محیط صنعتی شهری بوده است. این امر ممکن است رهبری کمونیست‌های روسی را برای هدایت انقلابات سایر اجتماعات سرمایه‌داری موجه سازد، ولی ملاحظت آثار آنرا برای رهبری بقیه جهان که در مرحله روستایی‌اند توجیه نمی‌کند. علاوه پیش‌بینی مارکس هر چه باشد اکنون در این مناطق از جهان یعنی در کشورهای توسعه نیافته و صنعتی نشده است که بزرگترین نارضایتی، بی‌ثباتی و بی‌نظمی بوجود آمده است و این امر زمینه‌ساز برای یک تنکیلات انقلابی تندرو بوجود می‌آورد که با اعمال زور، قدرت را بدست گیرد. هرگاه تئوری مارکسیستی مستقلاً مورد ملاحظه قرار می‌گرفت، تشخیص اینکه مائوئیسم در جناح راست یا جناح چپ کمونیسم ارتودوکسی مکتوب قرار دارد، امری بس مشکل بود. تأکید مائو بر قدرت انقلابی بالقوهٔ دهقانان و مردم کشورهای عقب‌مانده روستایی، گرایش راست تلقی می‌شد و در اوقاتیک رهبری رسمی حزب کمونیست چین بچپ گرایش داشت، مائو در شمار مخالفان جناح راست تلقی می‌گشت. بی‌بابت دیگر هنگامیکه شوروی در برابر شرایط سیاسی اروپا و امریکا، شیوه‌های نرمی بکار میرد، مبارزان افراطی مائوئیست خود را در جناح چپ نهضت جهانی کمونیست قرار دادند، و در مقابل تفبیح معرانه کمونیستهای روسی بعنوان تجدیدنظر طلب اصول مذکور را خطوط اساسی عقاید خود دانستند.

قدرت مائوئیسم در داخل چین، با استفاده آن از احساسات میهن‌پرستانه مردم ستکی دارد. وقتی چینیه‌ها، که هنوز از تحقیرها و زخمهای روحی قرن نوزدهم رنج می‌برند، قیومت شوروی را نیز همانند قیومت غرب رد کردند، دچار هیجان و شادی زیادی شدند زیرا رد قیومت شوروی باعث تأمین استقلال کامل چین و تقویت اعتماد بنفس چینیه‌ها می‌گردید. و موجب می‌شد که چینیه‌ها بعنوان تنها وارثان صادق مارکسیسم - لنینیسم بقول خود رهبری نیروهای مترقی جهان را برعهده گیرند. اما شادی و ابراز احساسات، موفقیت آینده چین را تضمین نمی‌کرد، مگر آنکه سیاسی اتخاذ می‌شد که روسیه و غرب را در یک زمان بصورت دشمن یکدیگر درآورد. در این بجهوه آلبانی بدون واهمه در مناقشه با شوروی جانب چین را گرفت. این اتحاد عجیب باعث شد که این کشور کوچک بالکان، بطرز «اولین مستعمر اروپایی چین» لقب بگیرد. علت این روگردانی آلبانی از شوروی بیشتر از تنفر عمیق آلبانی‌ها به یوگسلاوی ناشی می‌شد. زیرا یوگسلاوی پس از سازش مجدد با روسها موجب شد که آلبانی‌ها احساسات ضد روسی پیدا کنند. در آسیا، کره شمالی و ویتنام شمالی ابتدا به چین متمایل بودند ولی بعداً باز دیگر به

شوروی متمایل گردیدند زیرا این کشورها از یکطرف بکمکهای اقتصادی و نظامی شوروی متکی بودند که چین در این زمینه با شوروی قادر بر قیامت نبود. از طرف دیگر رژیم مائوئیستی می‌گوشید بر این کشورها بعنوان کشور ارتشد تسلط یابد. مغولستان که تا سال ۱۹۴۵ بخشی از چین بشمار میرفت، محکم از شوروی هواداری کرد. کوبا، علیرغم قرابتی که در مورد جنگهای انقلابی بین مائوئیسم و کاستروئیسم وجود داشت، ناگزیر بود بسبب احتیاج بکمکهای حیاتی شوروی از این کشور پیروی کند. و کاسترو برای آنکه سابقه خوب خود را نزد شورویها نگهدارد، با پکن بر سر معامله برنج و شکر وارد مجادله شد. در خارج از قلمرو حکومتهای کمونیستی اکثریت بزرگ احزاب کمونیست جهان جانب شوروی را گرفتند. با اینحال تعدادی از این احزاب با فکر کنفرانسی برای تکمیل چین مخالف بودند، زیرا این امر اعلام غلظی وجود شکاف در نهضت کمونیسم بین‌المللی بحساب می‌آمد. اگر مائو امیدوار بود که بتواند رهبری بین‌المللی کمونیسم را از اختیار کسبو خارج سازد، دست کم در مورد احزاب کمونیست اروپا امید او بیهوده بود. اگر مائوئیست‌ها می‌توانستند انقلاب موفقیت‌آمیزی در گوشه‌یی از جهان برپا دارند، عدم موفقیت آنان در کسب رهبری احزاب کمونیستی که قدرت دولتی را بدست گرفته بودند، چندان اهمیتی نمی‌داشت. ولی مائوئیست‌ها در این زمینه با شکست مواجه شدند. فعالیت شدیدی در افریقا طی سالها، نتیجه‌یی جز قطع رابطه دیپلماتیک با تعدادی از کشورهای افریقاییی که چین را برسمیت شناخته بودند، بیار نیاورد. شورش امیدبخشی در کنگو پس از کشتار دسته‌جمعی گروگانهای سفید پوست در استانی ویل بتدریج از بین رفت. در ویتنام جنوبی، که کمونیست‌ها تا کتیهای چریکی را از چینیه‌ها آموخته بودند، و بکمک آنها این تا کتیها را در جنگ با فرانسه، بکار بستند، نزدیک بود دولت ویتنام جنوبی را ساقط کنند. ولی مداخله عظیم نظامی امریکا آنها را از سایگون دور نگاهداشت و همینکه جنگ بسمورت جنگ امریکا با نرسوهای نظامی ویتنام شمالی درآمد، ویتنام شمالی بیش از پیش برای دریافت ساز و برگ نظامی و وسایل دیگر به شوروی و کشورهای کمونیست اروپای شرقی متکی شد زیرا چین از تأمین چنین سلاحها و وسایلی عاجز بود. بنابراین بر فرض اینکه ویتنام شمالی پیروز هم می‌شد ربطی بکمک چین یا الهام از آن نمی‌داشت. بکن که شوروی را متهم به تباخی با امریالیسم امریکا در ویتنام می‌کرد، پیشنهاد شوروی را برای همکاری در ارسال تجهیزات و کمکهای دیگر به‌عنوانی رد کرد و حتی مانع ارسال اسلحه شوروی به ویتنام از طریق

چین شد. این عمل بسیمای چین مائو. در بین کمونیستهای خارج آسیب‌بشنتری رساند زیرا این امر با ادعای چین دربارهٔ اینکه همه قوای خود را وقف هدفهای ضد امپریالیستی کرده است، منافات داشت و از اینرو عمل چین کینه‌توزانه و ریاکارانه تلقی شد.

در سال ۱۹۶۵ سیاست خارجهی چین کمونیست دچار دو واقعه بدفرجام شد. در اندونزی يك کودتای کمونیستی، که گفته می‌شد چین در آن دست داشته است، منجر بیک کودتای ضد انقلابی گردید که در نتیجه آن حزب کمونیست اندونزی، بزرگترین حزب کمونیست دنیای غیر کمونیست و وفادارترین حزب کمونیست دنیا بخطمشی پکن، بیرحمانه تارومار شد. سیاست ضد غربی سوکارنو جای خود را سیاست‌ساحبان جدید قدرت داد و طرح تشکیل کنگره قدرتهای نوظهور Neo، که قرار بود رقیب سازمان ملل شود، و چین مشغول احداث ساختمان باشکوهی در جاکارتا برسی آن بود، موقوف گردید. از همه بدتر شکست چین در ماجرای جنگ کوتاه اول هند و پاکستان بود. چین بدنبال جنگ خود با هند يك قرارداد اتحاد غیررسمی با پاکستان امضا کرد و هنگام جنگ هند و پاکستان علیه‌هند تهدیدهایی کرد، اما هم شوروی و هم امریکا مشترکاً برای اعلام آتش‌بس بدو طرف فشار آوردند، و بدنبال آن هر دو کشور میانچیکری شوروی را پذیرفتند. برای این منظور کنفرانسی در تاشکند تشکیل شد و شوروی مخصوصاً این شهر را برای برگزاری کنفرانس برگزید زیرا می‌خواست باین وسیله خود را يك قدرت آسیای جلوه دهد و چین را از هر نوع مداخله در این جریان باز دارد. در جنگ دوم هند و پاکستان شوروی محکم جانب هند را گرفت.

از لحاظ داخلی، متزوی شدن چین بشدت پیشرفت اقتصادی کشور را بکنندی کشاند، در اواسط سالهای ۱۹۶۰ چین کشور عقب‌مانده‌یی بشمار می‌آمد که هیچ نوع کمک اقتصادی نه از غرب و نه از بلوک شوروی دریافت نمی‌داشت. نقشه‌های صنعتی در مقایسه با دهه گذشته حاصل بسیار کمتری بار آورده بود و کمبود تولیدات کشاورزی چین رامجبور می‌کرد که قیمت اعظم ذخایر ارزی محدود خود را بجای خرید مصنوعات تولیدی، صرف خرید گندم از کانادا و سترالیا کند.

در چنین شرایطی اجتناب‌ناپذیر بود که رهبران کمونیست چین موضوع خارج کردن کشور خود را از حالت بی‌ثمر اتروا مورد بررسی قرار دهند. اشکال کار در آن بود که مائو تهنونگ عمیقاً خود را سیاست جاری یابند کرده بود. با اینوصف بهبجهوه موضوع خلع او از قدرت در بین نبود، چون او حزب را از ۱۹۳۵ بیعد رهبری کرده



1. Mixed Companies
2. Sun - Yat Sen
3. Changsha
4. Hunan
5. Kiangsu
6. Canton
7. Harbin.
8. Wu Han
9. ...
10. G. F. Hudson
11. Bernstein
12. Camp David
13. Tong Hsia Ping
14. Liu Shao - chi
15. Peng chen

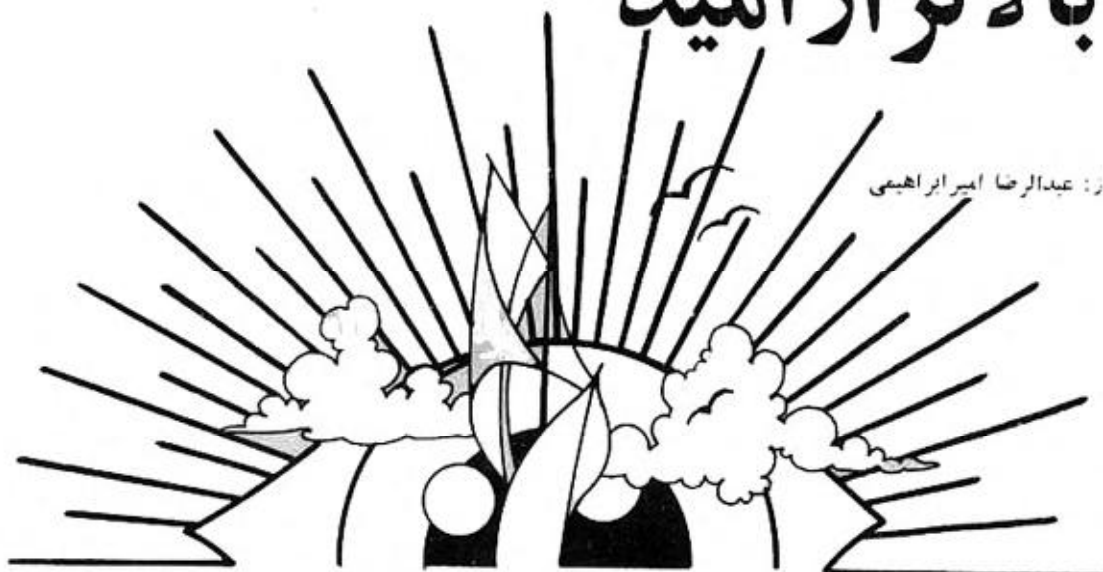
و شد مانوئیست که در بسیاری از مناطق کشور منجر بروز هرج و مرج شده بود، روش مستقلی در پیش گرفتند. در ضمن تجاوز کاردهای سرخ بدبیلمانها و سفارتخانه های خارجی بدون توجه بامول و قواعد جاری در روابط بین المللی، فقط اتروای بین المللی چین کمونیست را تشدید کرد. چنین مرسوم که پیروزی مانو فقط بهای زوال افزونتر موقعیت رژیم چین، در داخل و خارج بدست آمد. اما دیری نپایید که طوفان فرو نشست و چین بار دیگر به ترمیم روابط بین المللی خود پرداخت و بتدریج که بر قدرت آن افزوده شد، سوئزه در ماههای اخیر تحولاتی یوقوع پیوست که نه تنها مقدمه ای برای خروج چین از حالت ازوا است، بلکه امکان دارد در استراتژی و تاکتیک آن نسبت با آنچه امپریالیسم امریکا نام داده است، تغییرات عمیق و قاطعی روی دهد. و در تعریف و ارزیابی قدرتهای جهانی تجدید نظر تازه ای بعمل آید و چین سیمای مطلوبی تری در سیاست خارجی بخود بگیرد.

بیش برتن معامدی که مد نظر بود قادر نبود، از این رو کاردهای سرخ یکمک آمدند که تمامی نیروی خود را وقف پسرش نعمب آمیز مانو و پیروی از عقاید او می کردند. عقاید مانو که در کتابچه ای بصورت نقل قول از آثار او گردآوری شده بود، از طرف ارتش در میلیونها نسخه چاپ و انتشار یافت. تجهیز جوانان قبل از هر چیز به مانو امکان داد که بسیاری از مخالفان خود را از مقامات حزبی و دولتی عزل کند. ولی بتدریج که هفت کاره سرخ نیرو گرفت، تمایلات خطرناک هوچیگری و آمارشستی نیز در آن گسترش یافت و آسان نبود که بتوان اعمال کاردهای سرخ را بانظام ارتشی هم آهنگ ساخت. استالین در سالهای ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۸ که تا حدی در وضع مشابهی فسرار داشت، با مخالفان حکومت مطلقه و استبدادی خود بوسیله پلیس مخفی مقابله کرد، ولی مانو کنترل امر تصفیه حزب و دولت را از دست داد. فرماندهان نظامی در مقابل درهم ریختن دستگاه دولتی و جنگ نیروهای مانوئیست

بود، علاوه بنیانگذار جمهوری نوده یو خلق چین بنهار می رفت. اما امکان داشت که دست مانو را از قدرت احرایی کوتاه ساخت و او را فقط بعنوان یک قیافه ملی حفظ کرد. مانو بعنوان صدر حزب، نمی توانست مستقیماً تنکیلات حزبی را تحت کنترل خود در آورد. علاوه دارای هیچگونه ست حزبی نبود، جبهه ای از تنک هیئانو-بناک (۱۳) دبیر کل حزب، لیوشائوچی (۱۴) صدر جمهوری خلق (که طبق قانون اساسی بعنوان رئیس کشور دارای اختیارات زیادی بود)، و بناکچن (۱۵) شهردار پکن و دبیر اول حزب در پایتخت باندازه ای که بتواند رهبری عالی کشور را از دست مانو خارج سازد نیرومند بود و مظاهراً اعضای این جبهه دست بکار هم شدند. اما در این وقت مانو آگاه شد که نزدیک است کنترل حزب را از دست بدهد، از ایشو حمله ای تحت عنوان انقلاب فرهنگی بزرگ پرولتاریایی برای انداختن نشان بارز انقلاب فرهنگی آن بود که مانو ماهرانه از آن علیه حزب استفاده کرد. با اینوصف حزب نیز بنتهایی برای از

چیزی بالا تر از امید

از: عبدالرضا امیرراهیمی



بهار است. بهار در جنوب دور، آنسوی جاسک، بازم
دورتر، در گالک: دهکده‌ای حقیر، کنار دریای عمان.

هوا غرق در طراوت است و روی دشتی که از جبال مکران می‌آید و زیر

آبهای ساحلی فرو میرود، بوته‌های

سبز چگرد و کهور و استبرق با علفهای صحرا همسجا را پوشانده زمردین ساخته است.

دریا آرام، ژرف و بهناور است، تا آبهای اقیانوس هند

ژاله نخل برق‌الماس میزند و مرغان دریا بانشاط بال میزنند

و فریاد سر میدهند.

گشت.

حالا بهار پنجم است. هر سال زمین سبز شده بود ولی پدر نیامد. ترمه چهارساله شده است ولی پیش از تولد او پدر روزها فکر کرد و سرانجام يك روز دوبه را قیر مالید. پدر رفت و روزگاری تیره و حقیر در کلبه کلی بجا گذارد. فاطمه قتر ورنج فراق را يك جا برشانه‌های نحیف کشید و پنج سال. در این مدت لنج‌ها و شرابی‌های بسیار آمدند و رفتند. و بندوك هر بار کاسه را انداخت و دويد و فریاد زد. و مادر هر بار امید ساخت و به چهره پسرک لبخند زد و ترمه را در آغوش کشید و بکنار دریا رفتند.

باز هم بهار است. زن شوریده روی پشته‌ای ایستاده و باچشمان غمناک گاهی به خط سبید افق می‌نگرد، گاه به نیمرخ قهوه‌یی پسرک بلوچ. چشمان سیاه و یراق بندوك در قلب دریا فرو رفته است و تصویر بادبان در مردك آن میرقصد. بادبان همراه امواج آهسته بالا می‌آید و بدنه کشتی را عریان می‌سازد.

بندوك فریاد می‌زند:

— شرایی ... شرایی ... مادر ... يك شرایی.
مادر بی‌حوسله است و میل‌ندارد بازهم سرابرا ببیند و زیر لب زمزمه غم‌انگیز او:

الهی یا الهی یا الهی ... سر راحت درآدمار سیاهی...
اول برموزنه دل وا تو بیستم ...
دل زن به درد می‌آید. اشك روی گونه‌های قهوه‌یی رنگ شیار می‌کشد. گرمای روز جنوب آغاز شده است. خورشید در وسعت بی‌مرز خود می‌درخشد.

مرغان دریا دور می‌روند و شرایی تردیکتر می‌آید. اکنون بدنه لاکی آن بخوبی پیداست. بادبان آبتن و بلندش نشان می‌دهد شرایی تازه ساز، بزرگ و نیرومند است. از همانها که در کنگک می‌سازند: اقیانوس‌پیمای بزرگ. پان آن می‌شود ماهی زیاده صید کرده، نمک‌سود نمود و بمسیلان و زنگار برد. چیزی که آرزوی هر ماهیگیر فقیر جنوبی است.

شرایی چیزی بالاتر از امید بود. یاس تلخ وجود فاطمه را فرا گرفت. نگاه پسر خالی شد و زیر افتاد. این شرایی از آن پدر نبود.

سال پنجم نیز می‌گذرد. اشك از گونه‌های زن روی پیراهن گلدار و بیرنگش می‌چکد. سر ترمه را به سینه می‌فشارد. پلنگهایش چون جلبک‌های کنار جویبار با آرامی فرو می‌افتد. روی می‌گرداند و دست بندوك را می‌کشد.

— بندوك ... بندوك.

ندا از قلب دریا برخاست. روی هوا پرواز کرد و در ساحل غرش رعد داد.

— بندوك ...

زانون فاطمه خم می‌شود. زن روی زمین می‌شیند. بندوك برمی‌گردد و فریاد می‌زند:

— پدر ... پدر ...

نه گریه و نه خنده. بهت و جذب. نگاهش به شیخ مردی می‌آویزد که روی عرشه ایستاده. زن دارد بحال اغماص می‌رود. مرد دریا و پسرک پوسته نام یکدیگر را می‌آورند.

— پدر ... پدر ...

— بندوك ...

مادر فقط شیخ می‌بیند و دستاری که باد می‌برد. بهار آمده است. بهار در جنوب دور، آنسوی چاسک در گالک. روی زمین قرش سبز طبیعت است و در دریای خدا زبر آفتاب طلایی چیزی بالاتر از امید. فاطمه برمی‌خیزد. ترمه را با دوست بهوا بلند، می‌کند و زار زار می‌گرید.

بندوك برای دوشیدن بز از کلبه بیرون آمده و مقابل دریا ایستاده. افق در مه سفید بامدادی خیال می‌آفریند و نگاه تیز پسرک بلوچ به بادبان سبیدی که از میان باری نور بسختی پیداست گره یافته. قلبش می‌طپد و مشک چرك و قهوه‌ای خود را به چشما می‌مالد. وباز ماهیجان به پهنه دریا مینگرد.

ناگهان فریاد می‌زند:

— مادر ... مادر... آمد.

کاسه از دست پسر می‌لغزد. زمین می‌افتد و چند تکه میشود. پسرک میدود و خود را داخل کلبه گلین می‌افکند.

— مادر ... بابا ... بابا آمد

فاطمه چشم باز میکند و پسر را نگاه میکند. ترمه، دختر چهار ساله را که از زیر لحاف بیرون افتاده به آغوش میکند و خواب‌آلود می‌گوید:

— بندوك... پدرت بر نمی‌گردد. تو هر لنجی می‌بینی به خیال بابا ... چندساله دیگر بر نمی‌گردد...

مادر دوباره چشم‌ها را می‌بندد. بندوك فریاد میکند

— بخدا آمد ... ایندفعه آمد...

مادر چشم را باز میکند. در بستر فقیرانه می‌نشیند. چشمان سیاه خود را به این بچه بلوچ میدوزد و بعد آرام و شمرده همانطور که در چهارسال گذشته گفته بود تکرار میکند:

— از کدام سو ...

عمق نگاه پسر چیزی دارد مانند آنچه که هر سال داشت بهنگام بهار. زمانی که پدر رفته بود و زمانی که قرار بود بازگردد. مادر از جا برمی‌خیزد. هر دو امید می‌سازند و در گرمای ملایم و دلپذیر آن تنفس می‌کنند. امید می‌آید و دنیای مادر و پسر را پر از قوس و فرخ می‌کند.

مادر می‌داند رنگهای آسمان دوامی ندارد. ولی پسر شاد است، او هم شاد است.

مادر ترمه را بغل می‌زند و دست پسر را می‌گیرد و بطرف دریا می‌روند.

دریا بیدار شده است و امواج لطیف و طناز خود را بستگینی به ساحل می‌کوبد و آوای مهیمی در فضا می‌ریزد. فاطمه روی پشته‌یی می‌ایستد. دست در گردن نحیف پسر حلقه می‌کند. دستار فرسوده بندوك باز بچه باد است و خنکی هوای صبح، پاهای برهنه مادر را می‌لیدد.

نگاه مادر آرام و بی‌امید با امواج دریا تاب می‌خورد و قلب متلاطم او به بادبانی می‌آویزد که آفتاب ارخوانی آرا از وهم خاکستری صبحدم جدا ساخته است.

فاطمه به این طبیعت سحر، به جلال ازلی دریا، به نقره و صدف آسمان روز خیره مانده است و گذشته پردرد را در افق جنوب تصویر می‌کند

شوهر پنج سال قبل رفته بود.

يك روز دوبه کهنه خود را با قیر و روغن کوزه ماهی اندود و روز دیگر عازم آبهای عباسی شد. رفت تا آنسوی افق‌ها کاری جستجو کند و برای دهان تازه خانواده نانی بیچنگ آورد. حالا پنج سال از آن روز می‌گذرد. پدر چون بخاری سبک در آسمان زندگی فاطمه محو شد و کسی از او خبری نیاورد.

گفته بود وقتی بهار بیاید و زمین سبز شود بار خواهد

شتر

دکتر محمد ستاری - استاد دانشگاه تهران

وقتی که چند سال قبل برای مطالعه وضع دامپروری بویژه پرورش گوسفند در ایل کلکو، بمیان آنها رفته بودم، فعالیت قابل توجه افراد این قبیله در امر پرورش شتر از هر جهت جلب نظر می کرد. ایل کلکو که در امر تولید فرآورده های دامی و پرورش دام گاو و سابقه فراوان دارد و حتی یکی از بهترین نژاد های گوسفندان پشمی ایران نیز بنام همین قبیله نامیده شده است، نزدیک ۲۰۰ سال قبل با تعدادی شتر، گاو و گوسفند بمنظور بدست آوردن مراتع و محل مناسب جهت دامداری از فارس بطرف استان مرکزی مهاجرت کرد و از چندی قبل در تزدیکه های شمال شرقی قم که بنام میله قم معروف است سکنی گزید.

با توجه باینکه در بسیاری از شهرهای ایران و یا در کشورهای مختلف دنیا پرورش و نگهداری شتر متداول است و منظور اصلی از این فعالیت بکار گرفتن این حیوان در حمل و نقل بار بویژه در محاری گرم، خشک و بی آب و علف و عبور از کویر و ریگزارهای سوزان می باشد، ولی منظور اصلی از پرورش شتر در ایل کلکو استفاده از کرک و شیر حیوان است که بویژه از پشم و کرک حاصله می توان فرآورده های قیمتی و منسوجات ظریف و نفیس بدست

آورد. بطوریکه هم اکنون در سایر کشورهای بهترین شالهای بخارا، پارچه های ظریف و گران قیمت که در چین بافته می شود، پتوهای گرانبها از پشم شتر و بخصوص کرک هایبسته از کره شتر حاصل می شود. با همه کمبودهاییکه در تعداد و پراکندگی این حیوان در جهان و ایران بعمل آمده، ولی هنوز فرآورده های حاصله از شتر، نظیر پوست، گوشت، شیر، کرک و پشم و یا استفاده از حیوان در امر حمل و نقل و غیره نقشی را در امر تولیدات دامی و اقتصاد آن بهمه دارد.

طبق آخرین آمار موجود در بعضی از استانهای ایران هنوز شتر بنمعداد تقریباً قابل ملاحظه وجود دارد که می توان پراکندگی آنرا بشرح زیر عنوان داشت.

سیستان و بلوچستان ۷۲۳۵۰ نفر
استان ساحلی و گسارهای بحر عمان ۶۶۸۹۰ نفر
آذربایجان شرقی ۴۷۰۴۰ نفر
کرمان ۲۰۱۸۰ نفر
آذربایجان غربی ۱۹۸۱۰ نفر
اصفهان ۱۹۶۲۰ نفر
خراسان ۱۸۵۷۰ نفر
فارس ۱۷۳۱۰ نفر
استان مرکزی ۱۱۲۰۰ نفر
بنادر و جزایر ساحلی ۴۷۵۰ نفر
گرگان و دشت ۴۵۴۰ نفر
زنجان ۱۷۰۰ نفر

یزد ۱۴۸۰ نفر
کردستان ۳۷۰ نفر
مازندران ۳۶۰ نفر
همدان ۱۶۰ نفر

که جمع ارقام موجود با توجه به تعدادی دیگر که در گوشه و کنار مملکت وجود دارد رقمی حدود ۳۲۰ هزار نفر می باشد. تاریخچه پرورش شتر در ایران طبق نوشته های موجود قسرها پیش، آنهاییکه از دیار شرقی از جمله ایران به یونان رفته بودند، کیفیت خلقت شتر را برای افلاطون استاد و حکیم نامدار جهان این چنین تشریح و توصیف کرده اند:

«در بعضی از بلاد حیوانی است که خلقتی عجیب دارد و یکمدمن بار برمی دارد و چون پاهای بلند دارد و بار سنگین را توان پراو بست آنرا می خوابانند و بار را بر پشت آن می گذارند، پس آن حیوان برمی خیزد و در برخاستن ابتدا پادستهای خود راست شده و از جانب سر دودست بلند می شود و پاهای آن بر زمین استوار می ماند و چون سر بزرگ و گردنی بلند دارد، سر را حرکت داده آنرا با طول گردن لنگر سایر بدن می کند و برمی خیزد.»

حکیم بعد از تأمل پرسید این حیوان گذشته از آنچه گفتید جزء دیگری هم دارد، گفتند نه حکیم، گمت پس این حیوان در خلقت ناقص می باشد، زیرا حرکت دادن آن سر بزرگ بطوریکه نصف بدن به آن

صفحة

٧٣

صفحة

٧٤

صفحة

٧٥

صفحة

٧٤

صفحة

٧٧

صفحة

٧٨

صفحة

٧٩

صفحة

٨٠

ششمین کنفرانس ملی کار

* ۴۴۰۰۰ نفر در طی سال گذشته مشغول کار شدند.

* ۲۱۰۰۰ شغل بعثت عدم مهارت و تخصص متقاضیان کار بلا تصدی مانده است.

* طرح مقدماتی بیمه بیکاری تا پایان سال آماده می شود.

ششمین کنفرانس ملی کار روز ۲۳ اردیبهشت ماه با پیام شاهنشاه آریامهر در وزارت کار و امور اجتماعی افتتاح شد.

در ابتدای این کنفرانس سمرت الله معینان رئیس دفتر مخصوص شاهنشاه پیام شاهنشاه را به این شرح قرائت کرد:

ششمین کنفرانس ملی کار در موقعی کار خود را آغاز می کند که کشور ایران در زمین های اقتصادی و اجتماعی به کامیابی های بزرگ و تازمینی فائق آمده و طبعاً متناسب با عظمت کار، مسؤولیت های مهمتری برعهده دولت و کارفرمایان و کارگران قرار گرفته است. همانطور که قبلاً تذکر داده ایم از لحاظ حفظ آهنگ پیشرفت، نسبت اشتغال به عنوان پایه و اساس توزیع عادلانه درآمد و قوام و جامعیت اجتماعی و مهنتر از هر چیز دیگری به متابه ارتقاء ارزش های انسانی مورد توجه مخصوص ما بوده است.

بدون تردید متناسب با تنوع فعالیتها سیاست اشتغال را باید طوری تنظیم کرد که امکان اعمال حمایت های اجتماعی از همه کارگران ممکن شود. بنسجه کارگران فعالیت ساختمانی، بدلیل طبیعت کار هنگامی از استراحت تغلی و فرصت های آموزش و سایر حمایت های اجتماعی بقدر کافی بهره مند می شوند که میان آغاز و پایان طرح های ساختمانی هماهنگی بوجود آید و پایان يك طرح با آغاز طرح متابه متقارن باشد.

یکی از مهمترین مبانی توسعه اشتغال، تعلیم و تربیت است، گو اینکه کیفیت تعلیم و تربیت، مرتبه همی را در وصول به هدفهای مادی و معنوی جامعه داراست. باین حال برقرار کردن رابطه متقابل و منطقی میان حواستها و استعدادهای دانشجویان و دانش آموزان و کسانی که به تحصیل آغاز می کنند با واجبات و شرورت های پیشرفت کشور خود حاضر مقام همی است.

این رابطه متقابل را که هدایت آموزش و راهنمایی حرفه ای و شغلی نام نهاده اند باید تحت نظم و قاعده علمی درآورد تا نه تنها محصلان بلکه قاطبه مردم و سازمانهای مملکتی با دنیای کار، تکنولوژی و احتیاجات آن آشنا شوند و از این رهگذر میان تعلیم و تربیت رابطه نزدیک و مستقیم برقرار گردد. بانوجه به همین اصل است که ممکن است آموزش عمومی و راهنمایی های آموزشی و شغلی و کارآموزی حرفه ای با پرورش استعداد های شغلی بطور منطقی مربوط گردد و بر مشکلات آموزش و کارآموزی فائق شد.

همانطوریکه با تصریح و تأکید خاطر نشان ساخته ایم امر بیمه های اجتماعی را یکی از ارکان مهم حمایت اجتماعی می دانیم. تسرفی اقتصادی کشور و افروده شدن برعهده شاغلان بخش های تولیدی کشور ایجاب می کند که بر اساس نسبت عمومی ما در زمینه رایگان شدن بهداشت عمومی و هماهنگ با تمیم کامل بیمه های اجتماعی نسبت به ارتقاء کفایت سیاست بهداشتی و درمان بیمه های اجتماعی نیز توجه لازم و کامل معمول شود و در رفع مشکلات و نفاشی موجود در این رشته اهتمام گردد. موفقیت ششمین کنفرانس ملی کار را در انجام وظایفی که برعهده دارد خواستاریم.

مختان نخست وزیر

پس از قرائت پیام شاهنشاه آریامهر، نخست

وزیر پنت تریبون فرار گرفت و ملی سخانی گفت: دوستان عزیزم با سخنان شاهنشاه آریامهر و خطب منعی که درین فرمایشها بود کنفرانس ما افتتاح شد. این کنفرانس در موقعی شروع بکار می کند که کشور ما برای پیشبرد برنامه های توسعه، کنفرانس های متعددی تشکیل می دهد. البته این کنفرانس و بتایچی که از آن بدست می آید برای تجدید نظر در برنامه های پنجم که در تابستان آینده صورت می گیرد ضروری بود.

البته تجدید نظر در ارقام برنامه پنجم برای بار دوم است که صورت می گیرد و حتماً دولت نمی تواند قول بدهد که این آخرین تجدید نظر خواهد بود زیرا سرعت پیشرفت ما طوری است که دولت در سه سال آینده اگر لازم بداند باز هم در ارقام برنامه پنجم تجدید نظر خواهد کرد.

نخست وزیر در اینجا به تربیت نیروی انسانی اشاره کرد و گفت روزی بود که ما برای کارگران می بایست کار ایجاد کنیم. اما امروز مسأله به عکس است زیرا باید برای کار، کارگر تربیت کرد.

نوع محدودیت ساختمان

نخست وزیر به پارمی از اشتغالات روزنامه ها درباره برنامه های دولت اشاره کرد و گفت بردنیای امروز جنگ بر سر رنده ماندن وزنده نماندن است اما در ایران ما جنگ و کشتکومان بر سر گوشت سره و گرم است. البته دولت باید سعی کند که گوشت گرم که دلخواه مردم است بمقدار کافی عرضه گردد. نخست وزیر یادآور شد که مصرف گوشت در ایران ۱۶ درصد در سال افزایش نشان می دهد بنابراین دولت ناچار است خارج گوشت وارد کند که گاهی گوشت یخ زده است و زمان گوشت نازد.

نخست وزیر در اینجا گفت: امروز خبری دارم مبنی بر اینکه دولت از اول خرداد ماه محدودیت صدور پروانه ساختمان را که قبلاً وجود داشت ملتی می کند و بتایراین وظیفه این کنفرانس است که در باره تأمین نیروی انسانی لازم رفیع احتیاجات ساختمانی کشور و تربیت کارگر، راه حل هایی را پیشنهاد کند. گذشته از آن تریبی داده شده است تا سیمان لازم به بخش خصوصی و دولتی عرضه شود.

نخست وزیر با تأکید بر مسأله تربیت نیروی انسانی در رشته ساختمان گفت: امروز کارگر در ساختمانی دیگر کارگر ساده نیست و ما می توانیم این کلمه را نه او اطلاق کنیم. کارگر ایرانی امروز کارگر ماهر است و حتی این کلمه ماهر هم باید حذف شود زیرا معنی کارگر در ایران کارگر ماهر است. وظیفه ما این است که باز هم در جهت اهداف بلند شاهنشاه خود قدم برداریم و مهارت کارگران را بالا ببریم. البته ممکن است بعضی از ما ایراد بگیرند که در مدت دهسال گذشته چکار کرده ایم. باید گفت این تکنولوژی که امروز وجود دارد پس از کجا آمده! این انگشتان کارگر ایرانی است که چرخ های صنعت و اقتصاد ایران را به گردش درآوردند.

موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد مسأله رفاه اجتماعی است. این مسأله در این زمان که ما با سرحد تمدن بزرگ رسیده ایم کمتر حائز اهمیت است که برای این منظور وزارتخانه های تأسیس شد تا کارهای رفاهی را سرپرستی کند. نخست وزیر در اینجا به اهمیت رفاه کارگران

فهرست رویدادها

۸۱	ششمین کنفرانس کار
۸۶	اقتصادی
۸۸	فرهنگی
۸۹	سازو رها
۹۰	عمران و آبادی
۹۰	هیات دولت
۹۱	هنری
۹۲	کتابها
۹۲	خبرهای کوتاه
۹۳	منظره
۹۶	مرکب یک همکار
۹۶	موفقیت یک همکار

ساختمان اشاره کرد و گفت: امیدوارم تصمیمات رفاهی لازم برای بهبود وضع کارگران ساختمان در بی کفرانس گرفته شود.

یک میلیون کارگر ساختمانی

آقای امیر قاسم مبینی وزیر کار و امور اجتماعی در نشین کفرانس ملی کار گفت: تعداد کارگران ساختمانی تا آخر برنامه عمرانی پنجم به یک میلیون نفر می‌رسد که کفرانس مذکور باید راه حل‌های مناسب برای حمایت این گروه کثیر پیشنهاد کند.

وزیر کار و امور اجتماعی در ابتدای سخنان خود ضمن تشکر از آقای نخست وزیر و کلیه شرکت کنندگان در کفرانس ملی کار گفت: بایر توصیه‌نامه‌هایی که در پنجمین کفرانس ملی کار داشتیم دیرخاسته کفرانس پیوسته مواد این توصیه‌نامه را باتماس با سازمان‌ها و مؤسسات واحدهای مربوط پیگیری کرده است و گزارش کار خود را مرتباً به کمیته هماهنگی ملی کار داده است و کمیته هماهنگی هم خوشحانه در سال گذشته تعداد جلسات آن بسیار زیاد بوده است. ضمن رسیدگی به پیشرفت کار، در مورد دستور کار، ششمین جلسه کفرانس ملی کار هم جلسات طولانی داشته است که بتوسیط کمیته هماهنگی رسیده و مورد دقت و مداخله کفرانس قرار گرفته است.

وزیر کار افزود همانطور که استحضار دارید کفرانس ملی کار ۵ سال پیش یعنی در اردیبهشت سال ۱۳۴۸ معارف باجاهمین سال تشکیل کفرانس بین‌المللی کار خود را شروع کرد. این کفرانس در حقیقت باین منظور تشکیل شد تا باک راه‌جدید و خلاق یا مشارکت سه جاسه کارگر - کارفرما و دولت در اراحت توسعه‌یاب اقتصادی واجتماعی پیدا کند و خوشحانه طرف این ۵ سال رالشت را بحسب انجام داده است.

سیاست اشتغال مولد

کنسور ما که در دراکمامل صنعتی کام بر می‌دارد در چهارچوب سیاست مستقل ملی توفیق‌های بسیار مهمی بدست آورده است. اما باید سعی کنیم که این توفیق و این پیشرفت همواره استمرار داشته باشد و حتی بایک روند ندری به پیشرفت ادامه دهیم تا بتوانیم به آن تمدن بزرگ برسیم و به صورت یک کشور صنعتی بزرگ درآییم. بسیاری تخمیل چنین پیروزی می‌باید که از کلیه استعدادهای انسانی استفاده لازم بشود. خوشحانه کفرانس می‌تواند راه‌گشا و راه‌ساز برای ما باشد زیرا اجتماع سه جاسه کارگر، کارفرما و دولت در گذشته هم این را نشان داده است و توصیه‌نامه‌هایی که باجبال صادر شده است دال بر صحت این مطلب است. از جمله توصیه‌نامه‌هایی که در جلسات قبلی کفرانس صادر شد در مورد سیاست اشتغال مولد، و نام در آموزش حرفه‌یی سازمان کارگری و کارفرمایی و کارآموزی و آموزش و یاسواد کردن کارگران بوده است که خوشحانه هم ساری در پیشرفت هر یک از این موارد داشته است. توصیه‌نامه‌هایی که در پنجمین کفرانس ملی کار صادر شد اهم آن عبارت بود از توسعه شبکه کاریابی و اشتغال، بیمه بیکاری و مسائل اجتماعی در مورد زبان و در مورد کارگران ساختمانی.

وزیر کار گفت: خوشحانه در سال گذشته تعداد واحدهای کاریابی به ۳۰ واحد رسیده که از آن رقم ۱۶ واحد کاریابی جدید تأسیس و تشکیل شده است و در سال جاری ۲۰ واحد کاریابی به آن اضافه خواهد شد.

فرصتهای اشتغال

در سال گذشته تعداد فرصتهای اشتغال متجاوز از ۶۵۰۰۰ بوده است که ۵۰۰۰۰ متناسبی تفصل نتوانسته‌اند این فرصتهای اشتغال را بگره‌بند و در

حقیقت این رقم ۳۳ درصد بیشتر از افرادی که در سال ۱۳۵۱ بکار اشتغال داشته‌اند بوده است. همچنین ۲۱۰۰۰ شغلی که بلاسندی مانده است دال بر دو موضوع مهم بوده است: یکی عدم مهارت و تخصص متفاسیان کار، و دیگری عدم تحرك و انتقال کارگران از یک نقطه به نقطه دیگر. در حقیقت آلتور که من فکر می‌کنم عدم تحرك کارگر از نقطه‌یی به نقطه دیگر دلیل عمده‌اش باز همان عدم تخصص و مهارت کارگر بوده است. وقتی کارگری تخصص نداشته باشد بیم آرا دارد که اگر از محل ماوای خودش دور شود بانداشتن مهارت توفیق زیادی برای بدست آوردن کار نخواهد داشت.

در مورد بیمه بیکاری مطالعات بسیار و بی‌گیری توسط مؤسسه کار و تأمین اجتماعی و گروه کارشناسان ایرانی انجام گرفته است و این کارشناسان با توجه به نظرات کارشناسان سازمان بین‌المللی کار و نظرات قبلی که دیگر همکاران در این مورد داده‌اند به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند و امید اینست که تا پایان سال ۵۳ بتوانیم یک طرح مقدماتی برای بیمه کارگران بخش صنعتی و تولیدی تهیه کنیم که در اسلای‌های آینده بتوانیم تقدیم قوه مقننه کنیم. در مورد مسائل اجتماعی زبان، پیشرفتهای محسوسی حاصل شده و همانطور که گفتیم بایک گیری مداومی که دبیرخانه کمیته هماهنگی داشته است که پیشرفتهای سسی داشته‌ایم. ولی انتظار اینست که این گروه ارزنده از اجتماع، تلاش و مشارکت بیشتری کنند تا اینکه سهم بیشتری از کلیه فعالیتها داشته باشند در سال گذشته زبان کارگر در سازمانهای کارگری و انتخاب سندیکا توفیق اینرا داشته‌اند که بصورت هیأتی مدیره سندیکا درآیند و این کارگران اقتدار داشته‌اند که روز اول ماه مه با سایر برادران کارگر در کاخ سمدآباد اقتدار شرفیابی به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر را بدست آورند.

آموزش حرفه‌یی

در مورد آموزش حرفه‌یی این آموزش باید در خدمت کارگران چه زن و چه مرد یکسان باشد. سرشخانه تعداد زیادی از کارگران زن که دارای تخصص و مهارت بودند برآرک تعلیمات حرفه‌یی مراجعه کرده‌اند که امیدواریم تعداد آنان روز بروز اضافه شود. در مورد مسائل اجتماعی کارگران ساختمانی همانطوریکه در گذشته هم صحبت شد سعی و کوشش وزارت کار با همکاری بسیار نزدیکی که در این مورد با سازمان برنامه و بودجه دارد این است که یک ارتباط بسیار نزدیکی ازابتدا و انتهای کارهای ساختمانی بوجسود آید تا از بیکاری غیر معنول و غیر مفصلی این گروه از اجتماع جلوگیری شده باشد. البته اقدامات بسیار زیادی در این زمینه شده است و کمیته‌های فرعی اشتغال در مراکز استان و بدستور استادانان تشکیل شده که باین امر رسیدگی می‌کنند، و خوشحانه از نظر تأمین اجتماعی این گروه ارزنده، فائوقی از تسویب مجامعین گذشت که کارگران ساختمانی که حتی بطور انسانی هم باین قبیل کارها اشتغال می‌یابند از بیمه‌های اجتماعی برخوردار شوند. و این قانون در حال حاضر بر حرحه اجرا در آمده است.

زورم تجدیدنظر

دستور کار ششمین کفرانس ملی کار سه مورد است که مورد اول آن عبارت است از مسأله اشتغال و سیاست اشتغال و ارتباط آن با برنامه عمرانی پنجم و بخصوص تأکید این مطلب روی کارگران ساختمانی؛ مسأله دوم که در دستور کار کفرانس هست عبارت است از راهمایی و آموزش حرفه‌یی و سوم سیاست درمانی سازمان بیمه‌های

اجتماعی. همانطور که جناب آقای نخست‌وزیر در اینجا بطور متروح توضیح دادند ما بملت توسعه و پیشرفت مهمی که در گذشته بخصوص در امر حاکمیت مطلق برفت و گاز و همچنین قیمت گذاری پرروی نفت داشته‌ایم و نیز دستورهایی شاهنشاه آریامهر در مورد بهداشت و آموزش رایگان، لازم بوده است که تجدیدنظری در برنامه‌های عمرانی پنجم بشود و اصولاً یکی از هدفهای اساسی و مهمی که برنامه‌های عمرانی تعقیب می‌کند، و این مسأله در برنامه عمرانی پنجم چشم می‌خورد، است که هدف و مقصود غائی از یک برنامه‌ریزی عمرانی آن باشد که تمامی افراد مملکت از آن برنامه بهره‌مند شوند و این باید یک برنامه جامعی باشد. از این رور، برنامه پنجم بر این اساس است که همه افراد این مملکت از آن بهره‌مند شوند و نه فقط موفقی کلیه افراد مملکت از یک برنامه عمرانی می‌تواند بهره‌مند شوند که در آن سهمی داشته باشند بوسی اشتغال داشته باشند. بایستی رور بروز بطرف اشتغال نام و اشتغال مولد برویم. زیرا وقتی کلیه افراد دارای کسب و کاری بودند و درآمدی کسب می‌کنند در اینجا است که آن عامل اجتماعی و عدالت اجتماعی در اثر توزیع عادلانه کار و درآمد بدست آمده است. یکی از هدفهای عمده‌این برنامه این خواهد بود که بطور قطع در سیاست‌های اشتغال هم بایستی تجدیدنظر بشود. از اهم وظائمی که کفرانس خواهد داشت بخصوص کمیسیونهای مربوط اینست که چه نحو بایستی سیاستی اتخاذ کرد تا اینکه بتوانیم به آن سیاست اشتغال نام و مولد برسیم. یک گروه ارزنده‌یی که در اینجا باید روی آن تأکید شود همان گروه کارگران ساختمانی است که تا آخر برنامه پنجم تعداد آنان بیش از یک میلیون نفر خواهد شد بنابراین در حال حاضر و در سال گذشته با اقداماتی که شده است از حمایتهایی برخوردار شده‌اند ولی این حمایتها کلیتاً نمی‌کند و باید کمیته‌های مربوط در این جهت مطالعه کنند و پیشنهادهای مختلفی را به کفرانس ارائه کنند که کارگران این مملکت از حمایت‌های بیشتری برخوردار شوند.

موضوع دیگری که در دستور کار کفرانس هست راهمایی و آموزش حرفه‌یی است. مسأله راهمایی و آموزش حرفه‌یی اهمیت بسیار زیادی دارد. کنسوری که در جهت سنتی شدن باین سرعت به پیش می‌رود، باید با توجه به سرمایه گذارهایی که چه در بخش محسوسی و چه در بخش عمومی پیش خواهد آمد بنواند فرصتهای اشتغالی را که مؤسسات آموزشی چه از نظر آموزش دراز مدت میان مدت و کوتاه مدت برنامه‌هایی را تدوین کنیم تا بتوانیم جوانان این مملکت را بطرف این آموزش‌ها و تعلیمات هدایت کنیم.

در حال حاضر بملت عدم تکافوی تعداد کارگران و کارکنان ما، ما از تعداد بشمارایی از متخصصین خارجی چه در سطح بالا و چه باسطراح تکنیسین، در کشور ایران استفاده می‌کنیم و البته برای اینکه سرعت ما در جهت سنتی شدن بسیار زیاد است تسهیلاتی هم برای متخصصین اتباع بیگانه که دارای شرایط لازم می‌باشند فراهم می‌کنیم تا بتوانند در حداقل زمان بکارشان در آن رشته در کشور ما مشغول شوند و بتوانند همکار ایرانی خودشان را از این تعلیمات بهره‌مند سازند.

تخصص و مهارت

مسأله‌یی که بسیار مهم است و آخرین مطلب از فرمایشات شاهنشاه آریامهر در روز اول ماه مه به کارگران این مملکت است اینست که می‌فرمایند کارگران می‌بایستی بطرف تخصص و بطرف مهارت روی بیآورند و هرچه زودتر متخصص و کارگر

ماهر بار بیاید تا زندگی مرفه و آسوده‌یی داشته باشند لهذا این وظیفه وزارت کار و سایر سازمان‌های آموزشی سلطنت است که با مساعدت یکدیگر بتوانیم برنامه‌های بسیار مسدود و مسخ‌شده را جهت تأمین نیازهای آتی سلطنت تهیه بکنیم.

اما در مورد سیاست درمانی سازمان بیمه‌های اجتماعی باید گفت که این مسأله فارغ از سیاست درمانی دیگر واحدهای سلطنت نیست و خوشبختانه با تشکیل وزارت رفاه اجتماعی این موضوع تحت یک ضابطه و نظم واحدی درخواهد آمد و در هر حال در اینجا هم در طول روزهای کنفرانس از مسؤلان و جناب آقای دکتر شیخ‌الاسلامزاده وزیر رفاه اجتماعی تلقینا خواهد شد که در این خصوص اعضاء و شرکت کنندگان در کنفرانس را در جهت این سیاست درمانی واحد راهنمایی و هدایت کنند.

در پایان وزیر کار و امور اجتماعی گفت من از حضور آقای توید مورس که در گذشته دومی معاون وزارت کار آمریکا بوده‌اند و سپس برای مدت ۲۲ سال مدیریت کل دفتر بین‌المللی کار را به عهده داشتند و آقای نیز در سازمان بین‌المللی کار خدمت می‌کردند بسیارگرمی می‌کنم، بطور قطع برنامه‌های روزهای آینده روشن است و امیدوارم کلیه شرکت کنندگان و متخصصان و صاحب‌نظرانی که در کمیسیون‌های گوناگون در این چند روز شرکت می‌کنند توفیق خدمت داشته باشند.

افزایش درآمد نفت

پس از سخنان وزیر کار، دکتر ماهر ضیایی رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران پشت تریبون فرار گرفت و سخن اظهاراتی چنین گفت: سال گذشته در چنین روزهایی که پنجمین کنفرانس ملی کار تشکیل یافته بود همه ما شرکت کنندگان در کنفرانس با مباحثات و سرپنداری زیاد خطوط درختان برنامه پنجم عمرانی کشور را یاد آور شدیم و طرح‌هایی را که برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز این برنامه اندیشیده شده بود بررسی کردیم.

موضوع کنفرانس بطور کلی پیرامون نیروی انسانی با توجه به برنامه پنجم دور می‌زند و کسی مسأله اینست که کدام برنامه پنجم باید مورد بررسی ما قرار گیرد؟

البته پیام الهام بخش اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر مانند همیشه راهنمایی کنفرانس شد و خطوط اساسی کار کنفرانس را ترسیم کرد. همچنین بیانات آموزنده جناب آقای نخست‌وزیر و سخنرانی جامع آقای وزیر کار نحوه اجراء و راه بیل هدف‌هایی را که مورد نظر رهبر بلندپایه دامت روشن ساخت.

ولی شک نیست که تا وقتی جزئیات برنامه پنجم جدید یا توجه به درآمد هنگفتی که بسوی کشور ما روانه روشن نگردد هرگونه اظهار نظری پیرامون جزئیات موضوعات وابسته به آن منجمله مسائل نیروی انسانی فقط بصورت تخمین و تقریب می‌تواند باشد.

در سال گذشته بحث برسر این بود که در برنامه پنجم ۱۸ میلیون شغل جدید بوجود خواهد آمد ولی اکنون با سرمایه گذاری‌های وسیعی که در رشته صنایع و معادن چه از طرف بخش دولتی و بخش افزایش درآمد نفت، چه از جانب بخش خصوصی و ملت ایجاد امکانات سهیم شدن عموم مردم در کارخانه‌ها و چه از طرف سرمایه گذاران خارجی، بعلمت موقعیت خاص و ممتاز ایران امکان پذیر شده است رشد صنایع ما آنچنان خواهد بود که تعداد شغل‌هایی که بوجود خواهد آمد از حد پیشینی شده برابری بیشتر خواهد شد.

مشکل آموزش

بنابراین در برنامه پنجم خوشبختانه ما با مسأله‌ی بنام اشتغال که حاکی از مشکلات ایجاد شغل برای بیکاران باشد روبرو نخواهیم بود بلکه با مسأله بزویکی بنام «آموزش» مواجه هستیم که چگونه نیروی آماده بکار خود را برای اشتغال در رشته‌های مختلف صنعتی-مدنی-کشاورزی-ساختاری و خدمات آماده کنیم و چگونه نیاز مبرم کارفرمایان را از این حیث برآورده سازیم.

طلیحه این عیاش شدیدا ما به بروی ماهر کار از هم‌اکنون با ایجاد برنامه «بازار کار» در رادیو و تلویزیون ملی کاملا نمایان است و می‌بینیم که این برنامه جالب چگونه در دور افتاده‌ترین نقاط کشور دست نیاز کارفرمایان را بروی مواج خود بسوی نیروی کار می‌گشاند و چگونه رونق روز افزون «بازار کار» ایران را در جهان متمسک می‌سازد.

مسأله آموزش بطور اعم و آموزش حرفه‌یی بطور انحصار آنچنان در برنامه‌های اقتصادی آینده ما حائز اهمیت است که باید برنامه‌های آموزشی را مقدم بر سایر برنامه‌های اقتصادی قرار دهیم. ما باید توجه داشته باشیم که بی‌سبب نبود گذشته‌ها آریامهر اوامری دربارہ رایگان شدن آموزش صادر فرمودند و مخصوصاً رایگان آموزش حرفه‌یی را مورد تأکید و تصریح قرار دادند.

در مورد نیروی کار که در رشته ساختمان اشتغال خواهد یافت با توجه به طرح‌های عظیم و اجتناب‌ناپذیری که در این رشته در پیش داریم و یا در نظر گرفتن اینکه ضمنت ساختمان بیش از یک صد رشته حرفه‌های وابسته بخود را دربر می‌گیرد عظمت و گستردگی شروتهایی که برای تجهیز نیروی انسانی در صنعت ساختمان وجود دارد کاملا چشم می‌خورد و ما را به وظائف سنگینی که در این راه پهنه داریم هتدار می‌دهد.

اجرای برنامه‌های آموزشی و بالا بردن سطح مهارت در مورد کارگران ساختمانی بعلمت پراکنده بودن کارگاه‌ها و فصلی بودن زمان کار یقیناً با مشکلات زیادی همراه خواهد بود. ولی بهر حال باید که برنامه ریزی دقیق و با نقل و انتقال کارگران ساختمانی در فصول مناسب به بازارهای کار می‌توان اکثریت آنها را تحت آموزش قرار داد و در این حال بیکاریهای فصلی آنها را به اشتغال تمام سال میل ساخت تا بدینوسیله هم میزان درآمد سالانه آنها افزایش یابد و هم کمبود کارگران ساختمانی در نقاط مختلف کشور تا حدی از میان برداشته شود.

همانطوریکه در یک اقتصاد پیشرفته برای نگاهداری و طول عمر ماشین‌ها و وسائل و ابزار-های صنعتی پیوسته مراقبت مینمایند و راه‌ها و وسائل تازمی بدین منظور می‌جویند به نیروی انسانی نیز که باید این ماشین‌های گرانبها و ابزارهای دقیق را بکار برد می‌اندیشند و برای نگاهداری جسم و روح «انسان کار» که برای ماشین را می‌افزاید یا می‌کاهد چاره‌جویی می‌کنند.

قسمتی از این وظیفه خطیری امروز بعهده سازمان بیمه‌های اجتماعی نهاده شده است یعنی این سازمان از طریق حفظ سلامت کارگران و خانواده‌های آنها عملاً می‌کوشد تا سلامت جسمی و روحی کارگر را تأمین و عمر کار او یعنی دوران کارایی او را طولانی تر کند.

پس سیاست درمانی بیمه‌های اجتماعی و نحوه انجام وظیفه این سازمان در واقع ارتباط منضمیم با بازده صنایع ما ندارد. همانطوریکه در صنایع ما برای تهیه ماشین‌آلات و وسائل و ابزارهای کار سرمایه گذاری می‌کنیم و حفظ این سرمایه برای

ما اهمیت حیاتی دارد همینطور هم برای آماده کردن یک کارگر و بالا بردن استاندارد مهارت او در واقع سرمایه گذاری می‌کنیم و همین جهت حفظ سلامت جسمی و روحی کارگر که نتیجتاً موجب بالا بردن بازده کار او و طولانی کردن دوران کارایی او می‌شود برای ما حائز کمال اهمیت است. پس نقش سازمان بیمه‌های اجتماعی صنایع، گذشته از جنبه رفاهی دارای جنبه کاملاً اقتصادی نیز هست. طولانی شدن دوره بیماری یک کارگر یا علیل شدن او چه بنا به از کار افتادن موقت یک ماشین یا یک ابزار کار می‌انجامد و سرمایه‌یی را که برای آن ماشین و آن کارگر بکار رفته است عاطل می‌گذارد. پس تأمین سلامت کارگران و خانواده‌های آنها صرف نظر از جنبه رفاهی و عاطفی آن باید از نظر گاه اقتصادی نیز مورد توجه و اهمیت سازمان‌های درمانی وابسته به صنایع ما باشد.

در مورد کارگران ساختمانی گرچه طبق قانونی که در مرداد ماه ۱۳۵۲ تصویب رسید بیمه حوادث ناشی از کار شامل این گروه نیز گردید ولی بطور کلی بعلمت طبع کار که همان پراکندگی کارگاه‌ها و فصلی بودن کار است پوشش بیمه‌یی ما از جهت درمانی برای این گروه کامل نیست.

مسائلی که در دستور کار ششمین کنفرانس ملی کار مورد بحث و پژوهش قرار گرفت عبارت بود از اشتغال در برنامه پنجم عمرانی کشور با تأکید بر موضوع کارگران ساختمانی - راهنمایی و آموزش حرفه‌یی و سیاست درمانی سازمان بیمه‌های اجتماعی.

بطوریکه می‌دانیم یکی از مهمترین هدف‌های توسعه اقتصاد قراهم آوردن حداکثر رفاه برای احاد جامعه می‌باشد. با عنایت این هدف برنامه‌ریزی نیروی انسانی و سیاست اشتغال جزء لاینفک برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی قلمداد می‌گردد.

برنامه پنجم عمرانی کشور پیشرفته‌ترین برنامه‌ایست که تاکنون در ایران بصورت اجرا گذاشته شده و تحولات کمی و کیفی در کلیه بخشهای اقتصادی پیشینی کرده است و براساس آن بهبود قابل توجهی در زمینه رفاه و افزایش سطح زندگی بوجود خواهد آمد. براساس طرح موجود در این برنامه با سرمایه گذاریهایی که صورت خواهد گرفت در حدود ۱۲۳ هزار فرصت اشتغال جدید ایجاد خواهد شد و همه شاغلان کشور از ۹۱۲۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۱ به ۱۰۵۶۰ هزار نفر در پایان برنامه (۱۳۵۶) افزایش خواهد یافت. از نظر اشتغال بخش صنعت دارای اهمیت خاص خواهد بود. این بخش برای ۱۰۹۰ هزار نفر جوینده کار فرصت اشتغال فراهم خواهد ساخت و کارگران شاغل در این بخش از ۲۹۸۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۱ به ۳۷۷۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۶ افزایش خواهد یافت.

بخش خدمات برای جذب ۲۰۰ هزار نفر تازه واردین به بازار کار فرصت اشتغال بوجود می‌آورد. گذشته از این، ۱۰۰ هزار فرصت اشتغال نیم وقت و غیر مولد در این بخش به متاعل مولد و تمام وقت تبدیل خواهند شد و باین ترتیب مجموع شاغلان آن از ۲۷۴۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۱ به ۳۱۲۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۶ خواهد رسید.

در بخش کشاورزی علیرغم اینکه سرمایه‌گذاریهای قابل توجهی صورت خواهد گرفت فرصت اشتغال جدیدی بوجود نخواهد آمد بلکه ۵۹ هزار نفر از زده‌شاغلان این بخش کاسته خواهد شد و جمع شاغلان آن ۳۶۵۹ هزار نفر در سال ۱۳۵۱ به ۳۶۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۶ تقلیل خواهد یافت گذشته از این، ۳۰۰ هزار فرصت

اشتغال غیر مولد و بیم وقت در این بخش به‌مثقال مولد و تمام وقت تبدیل خواهد شد. البته این ارقام متعلق به برنامه پیش‌بینی شده است و باید منتظر بود تا تغییرات کلی در ارقام بودجه اعلام شود.

اشتغال در فعالیتهای ساختمانی

رشد اقتصادی به‌همراه تحولات اجتماعی فعالیتهای ساختمانی را بطور اعم (خانه سازی، راه سازی، سدسازی، ایجاد کارخانه‌ها) متأثر می‌سازد. برای اینکه اهمیت نسبی بخش ساختمان را در مجموع اقتصاد کشور تصویر کنیم لازم است این نکته نیز یادآوری شود که با اجرای برنامه‌ها روز بروز بر میزان رشد فعالیت ساختمانی افزوده می‌گردد به‌طوری‌که رشد سالانه ارزش افزوده این بخش میان سالهای ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ بیش از دو درصد در سال بوده و پیش‌بینی می‌گردد که در برنامه پنجم عمرانی کشور از اینهم بیشتر باشد و به‌حدود ۱۳ درصد در سال رسد. بررسی روند اشتغال در ده سال گذشته (از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶) این ساله را نیز روشن می‌سازد.

در سال ۱۳۴۱ در حدود ۳۱۴ هزار نفر در رشته ساختمان بکار اشتغال داشته‌اند حال آنکه این رقم در پایان سال ۱۳۵۶ به ۶۱۰ هزار نفر رسید. بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر در طی برنامه پنجم عمرانی کشور ۳۲۰ هزار فرصت اشتغال جدید فراهم خواهد شد و جمع شاغلان در سال ۱۳۵۶ به ۱۰۳۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت و این رقم در حدود ده درصد شاغلان کشور را تشکیل می‌دهد.

با توجه به اهمیت ساله از نظر اقتصادی و اشتغال می‌باید این نکته را یادآوری کنیم که هم‌اکنون تعداد قابل توجهی از کارگران ساختمانی در شرایط دشواری کار می‌کنند و از مرایای حیاتی و استراحت‌ناپذیری محروم‌اند. در حالی‌که شاغلان این امر بیشتر بدلیل طبیعت کار ساختمانی و تفاوت آن با سایر فعالیتهای است زیرا برای یک کارگر ساختمانی محل کار، کارفرما و محل از مسائل بسیار مهم و اساسی است و باید بر ریسکهای لازم در این مورد بعمل آمده ترتیبی فراهم آید تا با نظام پشتیبان به عوامل مستزبور استمرار شغل و متعاقباً حیایت و تأمین اجتماعی شاغلین این فعالیت فراهم گردد. در این مورد داشتن شغل مستمر موجب می‌گردد که هرگونه حیایت اجتماعی بحتی صورت گیرد. تسهیلاتی که می‌تواند استمرار شغل و مسأله تأمین اجتماعی را برای کارگران این فعالیت تا حدود زیادی فراهم سازد ایجاد هماهنگی در فعالیتهای ساختمانی بوسیله ایجاد تدابیر است که هماهنگی کردن زمان اجرای طرحهای است که به مقتضای زمان و خصوصیات جغرافیایی صورت می‌گیرد تا پایان هر طرح مقارن با آغاز طرحی دیگر باشد. چنین تدابیری قطعاً به تخفیف بیگاری و تداوم شغلی در این فعالیت کمک خواهد کرد.

سازمان برنامه و بودجه در اجرای فعلنامه پنجمین کنفرانس ملی کار حساسی بسطور ایجاد هماهنگی در فعالیتهای ساختمانی با شرکت نمایندگان وزارت راه، وزارت آبادانی و مسکن، شرکت ملی پتروشیمی، شرکت ملی گاز و سایر دستگاههای اجرایی ترتیب داده و می‌دهد.

موضوع دیگری که دارای اهمیت خاصی است تعدد و پراکندگی فعالیتهای ساختمانی است که بایستی طرح عاجلی برای تمرکز این فعالیت از طریق تقویت سببیکاهای کارگری و کارفرمایی و یا ترکیبی از این دو سببیکاهای عملی گردد تا هم از طرفی حیایت نیروی انسانی فراهم شود و از طرف دیگر در شرایط ساختمانی نیز در معرض خطر انسانی اثرات سرمایه‌ها و احیاناً وارثتگسکی قرار نگیرند. برای حصول به هدفهای مربوط به استمرار شغل و تأمین اجتماعی کارگران مسائل

نیروی بایستی مورد توجه قرار گیرد.

راهنامه‌ی و آموزش حرفه‌ی

پذیرش مفاهیم جدید خدمات اشتغال در قلمرو برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور. بهره‌گیری از منابع انسانی را با عنایت با مسئول آموزش بنیادی جامعه و گزینش نظام راهنامه‌ی حرفه‌ی، امری الزام‌آور ساخته و تأکید باید در مسیر حرکت انقلاب ایران این امر مناسب و هم‌آهنگ باشد و توسعه باز شناخته شود و مابقی آن از نظر گاه تأمین آرزوهای فردی برای دست یافتن به کلیه امکانات در جهت ترغیبی تخصص و مهارتهای لازم و تحصیل منزلت و مرتبت شغلی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

امروز با یکب ارزشهای فرهنگی جدید که فرآیند تحولات علمی و فنی است خود را در روی مسائل و مشکلات ناشی از پدیده تکنولوژی می‌بیند. دست‌اندرکاران آو برای مقابله با این معضات چنان بیست که بتواند او را در ورطه متلاطم زندگی اقتصادی و اجتماعی از گزند ناسامانها و سرگردانها محفوظ بدارد.

آنچه ملتهای پیشرفته صنعتی در طی دو سده اخیر آموخته‌اند اگرچه می‌تواند اثرات تجربی محفوظ اساسی سیاست آموزش نیروی انسانی کشور را هایت که وارد فرهنگ صنعتی شده‌اند قرار گیرد لیکن اتخاذ روشها و شیوه‌های درمات مشکلات بازار کار اینکه کشورها باید بر اساس ریسکهای های حرفه‌ی و اجتماعی و نیز نیازهای کوتاه مدت و بلند مدت اقتصاد ملی آنها استوار باشد.

توسعه و تجهیز نیروی انسانی این امکان را بوجود می‌آورد که افراد جامعه برای تسهیل مهارت و دانش حرفه‌ی با برابری نسبی در فرصتهای موجود آمده استفاده نمایند و جامعه را در یک سازندگی زیربنایی یاری دهند. زیرا مسأله انسانی در این نظر این است که انسان صرفاً از آنکه در حیطه تولید ملی نهادهای مولدتر نیرو می‌بخشد خود نیز باید بر نیازهای نفس و آرامش خاطر مائل شود. برنامه‌های جامع و مترقی اقتصادی و اجتماعی ایران در دهه اول و در آستانه دهه دوم انقلاب ماهیت فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی را با سیاست جدیدی منجلی ساخته است. افزایش تولیدات و درآمد، پدید آمدن مسائل کوتاه‌کوت، حرکت نیروی انسانی و دیگر رویدادهای سازنده اجتماعی معیارهای بوحاستی را به‌همراه آورده است.

بنابراین با توجه باسولی که بدینمیل تشریح گردید لازم است که حکام با برنامه‌ریزی آموزش تحصیلی، امکان استقرار نظام راهنامه‌ی حرفه‌ی مورد بررسی قرار گیرد و بدینسان آن مسأله راهنامه‌ی شغلی جوانان در گروههای سنی مختلف در ارتباط با وظایف خدمات اشتغال چه از لحاظ رویه‌های اداری و اجرایی و چه از جهت فنی به تحلیل نهایی و منطقی نزدیک گردد.

بازار کار و نیروی انسانی

بازار اقتصاد سالم و شکوفان که سنا انگیز سرمایه‌گذاری است و دست‌انگیز رشد و توسعه را در مسیر ساخت فراینده متاعل مولد تنویق می‌کند هرگز نخواهد توانست بدون تعدیه از منابع سرشار نیروی انسانی کارآمد به حیات خود ادامه دهد.

در این مرحله باید بخاطر داشت که فراوانی نیروی کار که عاری از قابلیت و ظرفیت‌های علمی و فنی باشد و خود را برای پذیرش مسؤولیتهای ناتوان انگارد در تحرک و پیشرفت جامعه اثر بخش نخواهد بود.

نظام فعلی آموزشی کشور چه در سطح ابتدایی و دبیرستان و چه در سطح آموزش عالی غیرمتمنای ملی که تاکنون روا داشته شده برای رفع دشواریها و ناسامانهای نیروی کار تأثیر موقتی

نداشته است.

عدم هم‌آهنگی به تمهیدات نظام برنامه‌ریزی آموزشی برای تربیت و توزیع نیروی انسانی بویژه در زمینه تربیت کارگران متخصص و ماهر و نیز عدم آگاهی جوانان با برنامه‌های اقتصادی کشور موجب خواهد شد که سرعت حرکت رشد و توسعه کاهش یابد و تاگزیر در مسیر یکنواخت و نامطلوب جریان یابد.

در اوساع و احوال کنونی یا حرأت باید اعتراف کرد که بطور کلی نیروی کار شاغل در بخش صنعتی برای آنچه انجام می‌دهد آموزش کافی ندیده و مهارتهای آنان غالباً در مسیر تجربه و آکتساب بوده است. بدین معنی که کارگر جدید از کارگر قدیم می‌آمورد.

با توجه به مسائل کیفی و کمی نیروی انسانی طبیعی است که در عرصه رفاهیهای شغلی و حرفه‌ی در زمینه استخدام تخصصی و کارگر ماهر، مرد خواه ناخواه در گنش عرصه و تقاضا دستخوش نوسان است و در سار موارد افزایش غیر منطقی مزد، معلول کمبود نیروی انسانی و پدید آمدن فرصتهای جدید اشتغال شناخته شده است.

کراراً از این معوله حساسی گفته شده است که حلاله میان فرآیندهای انسانی نظام آموزش فنی و حرفه‌ی ملحوظ نظر باشد.

در حال حاضر هیچگونه ارتباط منطقی میان نیازمندیهای نیروی انسانی حیطه تولید و برنامه‌ریزی آموزش عالی برقرار نیست و تجارب و رویدادهای مطالعاتی اخیر این ادعا را ثابت می‌کند که غالب کارگران از حداقل مهارتهای لازم برای انجام وظایفی که با آنها محول می‌شود برخوردار نیستند. تحقق هدفهای سیاست اشتغال در جهت تربیت و آموزش نیروی کار و هدایت جمعیت فعال برای شناختها و اولویتهای تخصصی و حرفه‌ی بازار کار و لزوم افزایش سطح بهره‌وری کار، وزارت کار و امور اجتماعی را به‌پذیرش مسؤولیتی عظیم و تمهید حطیر واداشت.

گسترش و تجهیز شبکه کارایی و اشتغال کشور، توسعه و افزایش مراکز آموزش حرفه‌ی در قطعه‌های صنعتی، تأسیس صندوق کار آموزش و توسعه و ترویج خدمات کارآموزی در صنایع کشور از جمله تدابیر و مساعی بود که برای حل مشکلات و نارسائیهای موجود بعمل آمد. معزلاً گسترش دامنه تمهیدات و مسؤولیتهای وزارت کار و امور اجتماعی در طول برنامه عمرانی پنجم و ایجاد امکانات و فرصتهای جدید اشتغال در بخش صنعتی و خدمات، اتخاذ سیاستهای جامع مملکی را برای آموزش و توزیع نیروی انسانی محقق ساخته است. در برنامه عمرانی پنجم پیش‌بینی شده است که در بخشهای سنت و معدن، ساختمان و کشاورزی به ترتیب ۱۷۶۰۰۰۰، ۳۲۰۰۰۰ و ۴۰۰۰۰ شغل فراهم خواهد گردید و در قیاس دیگر ۱۰۰۰۰۰ نفر از افرادی که هم‌اکنون به‌مثقال غیر مولد یا بیمه وقت اشتغال دارند در فعالیتهای مولد و تمام وقت جذب خواهند شد.

بدین ترتیب تحقق هدفهای اقتصادی و اجتماعی برنامه عمرانی پنجم در ساخت بنای شغلی کشور دگرگونیهوا تحولات چشمگیری بوجود می‌آورد و با اعمال رویدادها و توسعه اجتماعی را در مسیر حرکت پیشرفت، متأثر می‌سازد. بدینهی است برای حصول بدین منظور آرایش نیروی کار در زمینه فنی و حرفه‌ی که بتواند مار گران برنامه‌های توسعه ملی را در زمانی کوتاه بردوش کند احتیاجاً بپذیرد است.

بر اساس پیش‌بینی‌ها، بیش از ۲۰ درصد متاعل جدید و سله این گروه اشتغال خواهد شد و نسبت کارکنان فنی و حرفه‌ی با احتساب مجموع نیروی کار کشور به‌حدود ۶ درصد افزایش خواهد یافت.

این گروه بانوجه به نیاز بخشهای اقتصادی مملکت بطریق زیر تربیت و توزیع می‌گردد:
۴- بیش از ۲۳ هزار نفر مهندس در رشته‌های مختلف.

۵- حدود ۱۶ هزار نفر پزشک در رشته‌های مختلف.

۶- حدود ۱۹۰ هزار نفر برای بخش آموزش.
۷- حدود ۶۰ هزار نفر تکنیسین در رشته‌های مختلف.

۸- بیش از ۲۰۰ هزار نفر کارگر ماهر در رشته‌های مختلف صنعتی.

در طول برنامه عمرانی پنجم نیروی کار با فراگیری تخصصها و کسب مهارتهای جدید از نظر گروه شغلی دستخوش تغییر خواهد شد.

در این مرحله لازم است بدو ساله اساسی اشاره شود: نخست آنکه در تحلیل‌هایی باید نیازمندیهای اقتصادی کشور در کوتاه مدت و بلند مدت بر حسب اولویتهای تعیین‌شده و بلحاظ اهمیتی که در تنظیم برنامه‌ها خواهند داشت از نظر کارگرمی و تعیین و تشخیص قابلیت استعداد و مرتبه فراگیری نیروی انسانی در سطوح مختلف مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد.

مرحله دوم توجه به اسول واقع‌گرایی در تنظیم برنامه‌ها و ایجاد فرستهای آموزشی است که آینده‌نگری هدفها را در ساخت یک جامعه فعال، سالم، رضایت‌مند و آرام در بر دارد چرا که غایت همه کوششها و تلاشها برای آنست که اجزاء جامعه بتوانند در استمرار و تداوم اشتغال سازنده از آزادی و منزلت خود برای نیل باستانی علمی و فنی استفاده کنند.

در مجموع آنچه که اشاره شد نکات زیر بعنوان اشتناج واقع‌بینانه در زمینه حل و فصل مشکلات و مسائل آموزشی و تربیت نیروی انسانی پیشنهاد می‌شود زیرا مسامحه و غفلت در این امر تحقق هدفهای سیاست توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور را تأخیر خواهد افکند.

اینک وقت آن فرا رسیده است که سازمانها و مراجع مسؤول باسبب همه نیروها و باهمکاری مؤثر روشها، شیوه‌های درمان را بیازمایند.

سیاست درمانی سازمان بیمه‌های اجتماعی
بانوجه به روش برنامه‌های سازمان بیمه‌های اجتماعی در جریان برنامه پنجم پیش‌بینی شده است که تعداد بیمه شدگان از یک میلیون نفر به یک میلیون و پانصد هزار نفر و تعداد کل بیمه‌شدگان با احتساب افراد عائله آنان از چهار میلیون نفر به شش میلیون نفر بالغ گردد. این رقم حدود ۱۸٪ جمعیت کل کشور و بیش از ۵۰٪ کل جمعیت شهرتین را شامل خواهد شد.

امور درمانی سازمان در آینده نه تنها توسعه کمی فوق‌العاده می‌یابد بلکه در راه ارتقاء خدمات نیز کوشش بی‌گرمی بعمل خواهد آمد. سیاست و خط‌مشی آتی سازمان در زمینه مسائل درمانی و بهداشتی مبتنی بر اسول زیر خواهد بود:

۱- رفع کسود کادراسی (پزشک- پرستار) که ناشی از عدم کفایت امکانات کشوری است.
۲- اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از مراجعات بی‌رویه عنیدنه به درمانگاهها که ناشی از نظام فعلی و عدم شرکت بیمه شدگان در هزینه‌های درمانی است.

۳- هم‌آهنگ کردن امور درمانی که ناشی از استقلال و جدایی درمانگاههای عمومی از درمانگاههای تخصصی و بیمارستانها و جدایی درمانگاههای تخصصی از بیمارستانهاست.

۴- هم‌آهنگ کردن امور بهداشتی با امور درمانی.

۵- بالا بردن بازده و فعالیت بعضی از مراکز درمانی.

نوصیه‌های قطعنامه

در قطعنامه ششمین کنفرانس ملی کار نوصیه‌هایی شرح زیر شده است:

۱- توسعه مراکز کارایی و اشتغال بعنوان وسیله مؤثر آگاهی از عقد نوسانات بازار کار و استقرار نیروی کار. مورد توجه بیشتری قرار گیرد و امکانات لازم از لحاظ وظایفی که برعهده این مراکز است در اختیار آنها گذارده شود.

۲- چون از سوی نقل و انتقالات کارگری بانوجه به گسترش و تنوع فعالیتها اهمیت زیادی دارد و از سوی دیگر بدلیل چند این نقل و انتقالات در برخی مناطق پدشوری صورت می‌گیرد برای رفع این مشکل ضمن آنکه می‌باید از برنامه‌های توسعه نسلیم و تربیت و عمران منطقه‌ای مدد گرفت ضروری می‌گردد که: اولاً اعتبارات مشخصی از لحاظ نقل و انتقالات کارگری در اختیار وزارت کار و امور اجتماعی نهاده شود. ثانیاً کارفرمایان احتیاجات خود رابه نیروی کار ضمن مهلت مناسبی با اطلاع وزارتخانه مذکور برسانند. ثالثاً مسؤولان اجرایی و کارفرمایان تسهیلات مطلوبی را از جهت اشتغال کارگرانیکه از نقطه‌ای به نقطه دیگر انتقال داده شده‌اند فراهم سازند.

۳- به کار گرفتن سرمایه در طرحهای مختلف عمرانی و اقتصادی از لحاظ ترکیب و نسبت عوامل کار و سرمایه باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد و شاخه‌هایی بانوجه به اهمیت طرحها و مقتضیات مناطق مختلف کشور در این خصوص تهیه شود.

۴- چون یکی از شالوده‌های اساسی اشتغال، توسعه کمی و کیفی مهارت و تخصص نیروی کار است و در این خصوص توسعه مراکز تعلیمات حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی و تقویت همکاری بین مسئولان آموزشی و کارفرمایان می‌تواند به نحو بارزی مؤثر افتد. لذا ضمن ادامه همکاریها و کمک‌هاییکه سازمان برنامه و بودجه تاکنون بعمل آورده است توصیه می‌شود در تجدید نظریکه در برنامه پنجم عمرانی خواهد شد اعتبارات بیشتری در جهت توسعه مراکز تعلیمات حرفه‌ای در نظر گرفته شود و سازمان تعلیمات حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی متناسب با اهمیت مسؤولیتهایی که برعهده دارد مورد تجدید نظر قرار گیرد. ضمناً از آنجا که وزارت کار و امور اجتماعی مسؤول امور آموزشی حرفه‌ای بزرگسالان است لازم است نظمی بوجود آید که وزارت مذکور مسؤولیت خود را انجام دهد.

۵- در کلیه مناطقی که مراکز کارایی وجود دارد کشته‌های منطقه‌ای اشتغال، مرکب از نمایندگان سازمانها مسؤول زیر نظر استاندار و با فرماندار تشکیل شود و بر وفق برنامه کار معین گزارشهای خود را به کمیته مرکزی اشتغال که در سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌شود ارسال دارد.

۶- سازمان برنامه و بودجه با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی وسایر دستگاههای مسؤول دولتی وسامپدگان کارفرمایان و کارگران برنامه هماهنگ کردن اجرای طرحهای ساختمانی را دنبال کند و بین آغاز و پایان طرحها هماهنگی لازم را بوجود آورد تا از این راه کارایی برای کارگران ساختمانی و کسب مهارت فنی واستمرار شغلی آنان واعمال سایر جنبه‌های اجتماعی وتبادل در عرصه و تقاضای مواد و مصالح ساختمانی تحت نظم و قاعده منظمی درآید.

۷- سدبناکهای گوناگون کارگران ساختمانی باید به نحوی مجهز و آماده کار شوند تا بتوانند ضمن شناخت مشخصات کارگران ساختمانی با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی کارگران مورد نیاز فعالیتهای ساختمانی را انتخاب و معرفی

کنند. همکاری کارفرمایان با فعالیت ساختمانی و دستگاههای اجرایی ذیربط با وزارتخانه مذکور در این باب واجد کمال اهمیت است.

۸- سیاست و برنامه‌های مربوط به راهانمایی شغلی باید از طریق اشتراك معامی و همکاری میان واحدهای آموزشی و تعلیمات تخصصی وسازمانهای کارگری و کارفرمایی وسازمانهای دولتی مسؤول بوزره وزارت کار وامور اجتماعی تدوین و تنظیم گردد. بدیهی است این همکاری باید خانواده‌ها را نیز دربر می‌گیرد.

۹- برنامه‌های راهانمایی شغلی باید ضمن دوره‌های آموزشی عمومی گنجانیده شود. این قبیل راهانمایی‌ها معطوف به آن است که فرد جوان از استعدادها و علائق و انواع مشاغل و آینده معانی خویش آگاه شود تا بتواند خویش را برای قبول شغل مطلوب آماده کند و از این رهگذر رضایت فرد از شغل و نیز مقتضیات سیاست نیروی انسانی کشور ملحوظ شود.

۱۰- راهانمایی شغلی مخصوصاً در دورانیکه فرد به مراحل پایان تحصیل نزدیک می‌شود و با قصد ورود به دوره‌های کارآموزی معینی را دارد یا تصمیم به ترک تحصیل می‌گیرد اهمیت بیشتری می‌یابد.

بنابراین لازم است سازمانهایی برای راهانمایی این افراد در انتخاب شغل و آینده معاشی بوجود آید.

مؤسسه‌ایکه می‌تواند در خصوص راهانمایی شغلی همکاری داشته و نسبت به انسداد يك نظام منطقی در این باره اقدام کند عبارتند از وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و آموزش عالی، سازمان برنامه و بودجه، وزارت صنایع و معادن، وزارت کاروامور اجتماعی وسازمانهای کارفرمایی و کارگری.

۱۱- از آنجا که تحصیل در دوره‌های آموزش عمومی نمی‌تواند فرد را برای قبول شغل تخصصی معینی تربیت کند برقراری دوره‌های متنوع کارآموزی حرفه‌ای در مراتب و درجات گوناگون تخصصی و فنی اجتناب‌ناپذیر است. دوره‌های کارآموزی حرفه‌ای باید با همکاری سازمانهای آموزش کشور و وزارت کار و امور اجتماعی وسازمانهای کارفرمایی و کارگری ناسس شود.

۱۲- چون ارتقاء در نظام تعلیم و تربیت جدید و تجدید نظری که در برنامه پنجم عمرانی خواهد شد مورد رسیدگی و مطالعه قرار خواهد گرفت از این لحاظ پیشنهاد می‌شود که مطالب مربوط به راهانمایی شغلی و آموزش حرفه‌ای نیز در این رسیدگی مورد توجه قرار گیرد.

۱۳- نظر باینکه ارائه راهحل مناسب و پیشنهاد برای سیستم‌های اجرایی راهانمایی حرفه‌ای نیاز به بررسی دقیقتری دارد، از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که کمیته‌ای برای بررسی و پژوهش در این باره تشکیل و نتیجه مطالعات آن در اجلاس آینده کنفرانس مطرح و تصمیم لازم گرفته شود.

۱۴- بمنظور بالا بردن کمیته و کیفیت خدمات درمانی بیمه‌های اجتماعی باید از کلیه امکانات درمانی بخش عمومی و خصوصی کشور بصورت هماهنگ جداگانه استفاده لازم بعمل آید.

۱۵- برای تربیت کادر پزشکی مورد نیاز بیمه‌های اجتماعی باید با همکاری مؤسسات آموزشی عالی کشور از طریق اعطای بورس بدانشجویان رشته‌های پزشکی و تهدگیری برای خدمت در سازمان بیمه‌های اجتماعی اقدام منتمی بعمل آید و همچنین تدبیرهای لازم بمنظور جلب پزشکان ایرانی مقیم خارج اتخاذ شود.

اقتصادی

فرمان تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران صادر شد

فرمان شایسته آریانه سازمان انرژی اتمی ایران تأسیس می‌شود و این سازمان تحت نظارت عالی و مستقیم مهابدی انجام وظیفه خواهد کرد. در فرمان شایسته دولت تکلیف گردیده طرف صنعت یک ماه سازمان و وظیفه این دستگاه را تهیه و پی انضویم برخط اجرا در آورد.

قرارداد ایران - ناسیونال باهرلس

بنز آلمان

براساس قراردادی که در آریهت میهن کارخانههای مرسدس بنز آلمان و ایران تأسیس و راه اندازی خواهد شد. به ۲۰ هزار دستگاه در سال افزایش می‌یابد. کارخانه موتور سازی تبریز در حال حاضر با ظرفیت تولیدی سه هزار دستگاه موتور در سال به فعالیت مشغول است و با ۳۰۰ میلیون مارک سرمایه گذاری مجدد تولید سالانه آن به ۲۰ هزار دستگاه خواهد رسید.

در کارخانه موتور سازی تبریز شرکت ایران ناسیونال، مرسدس بنز بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران و شرکت خاور سرمایه گذاری کرده‌اند که این شرکت‌ها در امضای قرارداد امروز خود افزایش مجدد سرمایه را نیز خواهد پذیرفت.

کارخانه موتور سازی تبریز یکی از بزرگترین پروژه‌های است که از سوی بخش خصوصی بوجود آمده است. همچنین قرار است که قطعات گروه متروک انومبول از جمله گیرکس و دیفرانسیال در ایران ساخته شود و در سال حاضر در تبریز واحد های انرژی شرکت آلمانی برای تولید این محصولات ایجاد می‌شود. پیش‌بینی می‌گردد که متروک بنز شرکت گیرکس و دیفرانسیال‌های تولید ایران به صورت انومبول به کشور های خارج صادر شود باید یاد آور شد که شرکت‌های ایران ناسیونال برای اجرای این طرح به ۱۸ میلیون دلار و ۱۸ میلیون دلار وام از بانک آلمان و متروک بنز و متنی ایران دریافت کرده که در آریهت مسجوع وام‌های این شرکت را به ۲۶ میلیون دلار رساند.

توافق‌های ایران و آلمان

کمراس سرمایه گذاری آلمان در ایران به آریهت در تهران آغاز بکار کرد و سرمایه گذاران دو کشور در آخرین دور مذاکرات خود به توافق‌های تازه‌ای دست یافته‌اند که حجم سرمایه گذاری‌های مشترک ایران و آلمان را به میزان قابل توجه افزایش می‌دهد. براساس این توافق‌ها قراردادهای مربوط به ساختن پالایشگاه مشترک صنعتی اهرام و آلمان، تأسیس ناوگس مشترک صنعتی، مجتمع بزرگ پتروشیمی و توافق‌نامه‌های مربوط به ایجاد دومین خط لوله گاز ایران پترووی برای صدور گاز به اروپا و چند قرارداد مشترک دیگر امضاء شده است. آلمان با هریمی متدل یک میلیون دلار به پیشرفت کار خواهد شد و آلمان تعهد می‌کند تمام تولیدات این کارخانه را به آلمان صادر کند. در این طرح ایران و آلمان ۵۰ - ۵۰ مشارکت می‌کند و با آغاز هر یک بر مبنای آن روزانه ۵۰۰ هزار بشکه نفت خام تصفیه شده تولید و به خارج صادر می‌شود.

قرار است تمام زمینه اجرایی طرح را شرکت فورتیسی آلمان برعهده گیرد و پس از هزینه‌های مربوطه شرکت‌ها در فروش نفت، با آلمان سه شرکت کند. براساس فصل تازه‌ای که در این قرارداد گنجانده شده است، ناوگان بزرگ نفتکش به ظرفیت ۲۵۰ هزار تنی تشکیل می‌شود تا کار حمل نفت پالایشگاه مشترک را به پاران‌های اروپا برعهده گیرد.

تولید انومبول در فولاد و ماشین آلات طرح احداث سومین کارخانه سرب آهن گازی ایران به ظرفیت ۳۳۰ هزار تن مطرح شد. علاوه بر این در این زمینه طرح احداث کارخانه متروک بنز فولکس واگن به ظرفیت ۱۰۰ میلیون انومبول در سال، طرح توسعه کارخانه موتور سازی بنز نیز به ۱۵ هزار دستگاه، به بیش از ۲۰ هزار دستگاه، موتور در سال مطرح شد و با توافق‌هایی که حاصل شد قرارداد آن بین شرکت ایران ناسیونال و مرسدس

بنز آلمان امضاء رسید. قرار است ظرفین در اجرای این طرح ۳۰۰ میلیون مارک سرمایه گذاری نمایند. نیز با استفاده از این سرمایه یک واحد تولید دیفرانسیال بنز در کنار کارخانه بنز تبریز ساخته خواهد شد. در این زمینه طرح دیگری نیز از جانب شرکت مان برای احداث یک کارخانه تولید انواع ماشین‌آلات سنگین از جمله جی‌سی‌سیون با هریمی متدل ۱۵۰ میلیون مارک ارائه شد. سایر طرح‌های ارائه شده عبارتند از:

طرح احداث کارخانه صنایع شامزگر، طرح احداث کارخانه برق، تشکیل یک کانسروم در صنایع فولاد آلمان برای پایه گذاری صنایع دوز آهن در ایران. پاهلف ۲۰ درصد مسجوع تولیدات آن به آلمان تأسیس کارخانه قالب سازی و سرمایه گذاری شرکت گروه در بند شامجور. در کمیته صنایع ارتباطات و الکتریسیته طرح توسعه کارخانه نطن ساری شیراز با سرمایه گذاری مشترک ایران و شرکت زیمس آلمان. طرح امضاء از ماهوار - در برنامه‌های آموزشی و خرید سیستم تلویزیونی. پال در آلمان مطرح شد و توافق‌هایی حاصل گردید. در کمیته محصولات کلی صنعتی طرح‌های مربوط به توسعه کارخانه‌های موجود که با سرمایه گذاری مشترک ایران و آلمان ایجاد شده مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. از جمله طرح توسعه ظرفیت کارخانه ترانسفور مسجوع سازی زیمس در شهری از ۳۰ هزار به ۶۰ هزار دستگاه. طرح مشترک کپانی بوش و بانک توسعه صنعتی و معدنی برای افزایش ظرفیت تولید این واحد برای تولید انواع شمع انومبول و نیز تولید قطعات مختلف لوازم بزرگ انومبول و احداث یک کارخانه مشترک ماشین سازی به ظرفیت ۵۰ هزار تن در شمال و طرح و مورد بررسی قرار گرفت.

در کمیته صنایع پتروشیمی، نفت و گاز علاوه بر طرح‌های مربوط به خط لوله گاز از ایران به شوروی و نیز اروپا و خط لوله گاز شرق ترکیه به اروپا و پالایشگاه مشترک و تأسیس ناوگان نفتکش برای صدور نفت پالایش شده به اروپا، یک مصالح پتروشیمی برای تولید کپرولاکوم مسجوع بررسی‌هایی قرار گرفت. در این طرح شرکت ملی پتروشیمی ایران و شرکت ملی مسجوع به صورت ۵۰ - ۵۰ باهر آلمان و شرکت بزرگ متروک بنز، و آلمان ۱۰۰ هزار تن کپرولاکوم (ماده اولیه پلاستون) ۲۸۰ هزار تن سولفات آمونیوم

(کود شیمیایی) و ۲۰ هزار تن نمید نیتریک تولید خواهد شد. در کمیته امور بانکی و مسائلی همکاری‌های وسیع بانکی و اختیاری ایران و آلمان و تأسیس شعبات بانک های عمده آلمان در ایران و فراهم آوردن تسهیلات چند ملی و اعتباری بین دو کشور مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر طرح‌هایی که با آن اشاره شد اجرای یک سلسله طرح‌های مشترک دیگر نیز مورد توجه سرمایه - گذاران بخش‌های مختلف کشور قرار دارد. از جمله انجام یک سلسله برنامه‌های همکاری انس بین ایران و گروه آلمان و تأسیس یک واحد عظیم تولید انواع فرآورده‌های مس از مس. تولیدات کارخانه تخلیص مس در ظرفیت ۲۵ هزار تن در سال.

از این گذشته ایجاد یک واحد نسو به برای شیرین کردن آب دریا به ظرفیت ۵۰۰۰ تا ۷۰۰۰ تن در روزانه. تأسیس کارخانه نطن ساری شیراز با سرمایه گذاری مشترک ایران و شرکت زیمس آلمان. طرح امضاء از ماهوار - در برنامه‌های آموزشی و خرید سیستم تلویزیونی. پال در آلمان مطرح شد و توافق‌هایی حاصل گردید. در کمیته محصولات کلی صنعتی طرح‌های مربوط به توسعه کارخانه‌های موجود که با سرمایه گذاری مشترک ایران و آلمان ایجاد شده مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. از جمله طرح توسعه ظرفیت کارخانه ترانسفور مسجوع سازی زیمس در شهری از ۳۰ هزار به ۶۰ هزار دستگاه. طرح مشترک کپانی بوش و بانک توسعه صنعتی و معدنی برای افزایش ظرفیت تولید این واحد برای تولید انواع شمع انومبول و نیز تولید قطعات مختلف لوازم بزرگ انومبول و احداث یک کارخانه مشترک ماشین سازی به ظرفیت ۵۰ هزار تن در شمال و طرح و مورد بررسی قرار گرفت.

تأسیس یک بانک بین‌المللی در تهران

مقدمان تأسیس یک بانک مشترک با ۱۰۰ میلیون دلار سرمایه اولیه که ۲۰ درصد آن را بانک انگلیسی، مومرگان گروپ، شرکت بیس لوپنزلتن، لویند بانک لندن و چند مؤسسه اعتباری انگلیسی از یک طرف و مؤسسات اعتباری کارخان‌های عربی از جمله، جی‌سی، کویت، لندن، مراکش، عربیه، عربستان سعودی، سلطان نشین عمان، تونس و اتحادیه امارات خلیج فارس، تأمین می‌کنند. فراهم شد. ۶۰ درصد بقیه سهام از طرف بخش خصوصی و عمومی ایران پرداخت خواهد شد. در حال حاضر بر مبنای اساسی متصدی از جانب دهها بانک بزرگ دنیا از جمله بانک‌های سوئیس، آمریکا، آلمان، انگلیس، ایتالیا، برای تأسیس دفتر نمایندگی در ایران به بانک مرکزی رسیده که مورد رسیدگی قرار گرفته است. با آن

مرکزی پس از انجام بررسی های لازم با تأسیس دفتر نمایندگی تعداد زیادی از این بانک‌ها در ایران موافقت کرده و بقیه تقاضاها نیز به مرور مورد بررسی و امضاء تصمیم قرار می‌گیرد. بانک مرکزی ایران با تهیه مقررات و سوابق نازمی مقدمات ایجاد یک بازار وسیع پول و سرمایه‌ها در ایران تدارک می‌دهد تا نام مؤسسات نازمی درسی بتوانند در این بازار به صورت فعالی شرکت کنند. در حال حاضر چند کشور از اروپا و آمریکا از جمله انگلستان و آلمان آمادگی خود را برای شرکت در بازار پول و سرمایه ایران اعلام داشته‌اند و اظهار علاقه کرده‌اند تا در این بازار نقش فعالی برعهده گیرند.

گشایش تأسیسات تازه کارخانجات کود شیمیایی

در کشور شایسته آریانه ۲۲ اردیبهشت در مراسم ویژه تأسیسات کود شیمیایی کارخانجات کود شیمیایی شیراز شروع به کار کرد. پروژه بهره‌برداری قرار گرفت. واحدی که در این روز به مرحله بهره‌برداری رسیده، تکلیف یافته نخستین واحد پتروشیمی ایران است که ۱۴ سال پیش در همین محل ساختمان آن شروع شد.

در تیر ماه سال ۱۳۴۷ برای تأسیس کارخانه گسربنات و ی‌گسربنات دوسود به منظور استفاده از امکانات کارخانجات شیمیایی شیراز بین شرکت ملی صنایع پتروشیمی و مؤسسه پترود برای قراردادی امضاء شد. از اول اردیبهشت ماه ۱۳۵۲ بهره‌برداری آزمایشی از این کارخانه آغاز شد. ظرفیت تولید کارخانه سالانه ۳۳ هزار تن گسربنات دوسود سنگین و ۱۰ هزار تن گسربنات دوسود سبک خواهد بود. طرح امضاء ایجاد یک کارخانه تولید فولاد مخصوص در ایران است که سالانه حدود ۵۰ هزار تن ظرفیت خواهد داشت. براساس توافق‌هایی که قبلا بین دو کشور حاصل شده است قرار است آهن لیسز مورد نیاز این واحد از محل آهن مسجوع ایجاد از دریاچه مهارلو به ۲۰ کیلومتری شیراز کم‌داری در کارگاهی است که تا همین می‌شود و سنگ آهن از کو. مجاور کارخانه برداشت می‌شود. علاوه بر این گاز طبیعی، آمونیاک و گاز گسربنات حاصل نیز از مواد اولیه مورد نیاز این کارخانه است. پیش از کار طبیعی که از طریق خط لوله ۱۶ اینچی پالایشگاه کار بداندل تأمین می‌شود بقیه مواد با شعله کارخانه کود شیمیایی شیراز

بمست مرآید. مساری آبی، برق و بخار نیز از امکانات کارخانه کود شیمیایی شیراز استفاده میشود.

نیروی اساسی شاغل در این کارخانه ۱۹ مهندس و تکنیسین و ۱۲۰ کارگر است و اداره عملیات این کارخانه از نظر مدیریت، انجمن‌های مختلف، امور اداری و مالی و هندلر کاری و غیره مشترک می‌باشد. کود شیمیایی ایران و انگار شده است. در سال جاری نیز از واحدهای تولیدی بهره‌برداری و کود شیمیایی همراه برداری خواهد شد. علاوه بر این طرح‌های یک واحد تولید آمونیاک به ظرفیت روزانه هزار تن و یک واحد اورده به ظرفیت ۱۵۰۰ تن در روز و یک واحد نیترات آمونیوم به ظرفیت ۲۰۰ تن در روز در دست اقدام است و پیش‌بینی می‌شود که تا قبل از پایان برنامه عمرانی پنجم مسجوع بهره‌برداری قرار گیرد.

طرح‌های بزرگ صنعتی مورد موافقت ایران و آتریش

مذاکرات اقتصادی ایران و آتریش برای دست یافتن به یک توافق اصولی در جهت ایجاد یک کارخانه مشترک فولاد سازی و نیز احضاری طرح بزرگ صنعتی دیگر برای تأمین نیازهای این کشور و صدور تولیدات آن به بازارهای ثالث ۲۸ اردیبهشت در تهران آغاز شد.

یکی از مهمترین طرح‌های که با مشارکت بخش عمومی ایران و شرکت آتریشی بوده به مورد اجرا گذاشته می‌شود. طرح مشترک ایجاد یک کارخانه تولید فولاد مخصوص در ایران است که سالانه حدود ۵۰ هزار تن ظرفیت خواهد داشت. براساس توافق‌هایی که قبلا بین دو کشور حاصل شده است قرار است آهن لیسز مورد نیاز این واحد از محل آهن مسجوع ایجاد از دریاچه مهارلو به ۲۰ کیلومتری شیراز کم‌داری در کارگاهی است که تا همین می‌شود و سنگ آهن از کو. مجاور کارخانه برداشت می‌شود. علاوه بر این گاز طبیعی، آمونیاک و گاز گسربنات حاصل نیز از مواد اولیه مورد نیاز این کارخانه است. پیش از کار طبیعی که از طریق خط لوله ۱۶ اینچی پالایشگاه کار بداندل تأمین می‌شود بقیه مواد با شعله کارخانه کود شیمیایی شیراز

ایران بسوریه ۱۵۰ میلیون دلار وام خواهد داد

در پاسخ به مذاکرات اقتصادی و بازرگانی ایران و سوریه که مسر باصفاه بان دادداشت تمام بین دو کشور گردید اعلام شد که به منظور ایجاد تسهیلات بیشتر جهت افزایش صادرات کالا، بین ایران و سوریه، مسأله موافقتنامه بازرگانی بلند مدت منعقد می‌شود. براساس یادداشت عامه‌پایان مذاکرات، طرفین موافقت نمودند برای تهیه و تولید گوشت و استخوان.

از اراضی طرح صادرات در بسوریه اقدام به اجرای بازتوسعه مشترک نمایند. قسمت اعظم تولیدات این طرح به ابرار صادر خواهد شد. ایران موافقت کرد که در زمینه‌های کشور سوریه، علائق است باقی کشور کف فی

بماند. موجود همین دادداشت تمامه، ایران موافقت اصولی خود را با جهت اعزام اربابان به سوریه مناسب بداند. اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مورد بحث استقراض می‌رود و به‌گنجینه ۱۵۰ میلیون دلار باقی‌گردد. اعلام سود در صورتی که آنگه گزارش‌های تسوحيه اقتصادی و طرح‌های مزبور، اقتصادی بودن طرح را تأیید نماید، مستأ به منظور پیگیری و ایجاد حساسی در برنامه‌های همکاری اقتصادی بین دو کشور، طرفین موافقت کردند که کمیسیون مشترکی ایجاد کنند که سالی یکبار به تابلو در دمشق و تهران تشکیل جلسه دهند.

ایران و چک ۲۰۰ میلیون دلار کالا مبادله می‌کنند

مبادلات تجاری ایران و چک کلوکای طی سه ماهه آینده به بیش از ۲۰۰ میلیون دلار خواهد رسید. براساس موافقت نامه بازرگانی ایران و چک که اول خرداد امضاء شده حجم مبادلات بازاری بین دو کشور در سال جاری ۶۸ میلیون دلار خواهد بود و باین ترتیب ۶۰ درصد نسبت به سال گذشته ۵۷ افزایش خواهد یافت.

رتوس توافق‌های بین دو کشور بین شرح است: اقلام وارداتی ایران از چک در سال جاری عبارت خواهد بود از ۱۲ میلیون دلار تجهیزات و لوازم مواد اولیه و ۵۰ میلیون دلار ماشین‌آلات مورد نیاز صنایع ایران، ۶۰ میلیون دلار آهن‌آلات، ۲ میلیون دلار ایساف مستحضر، ۲ میلیون دلار محصولات

پتروشیمی و شیمیایی، ۱۵۰ میلیون دلار کتف و هزار دلار گوشت ولپیات. صادرات ایران به چک طی سال جاری عبارت است از: ۳۰ میلیون دلار تریک، لاین دوخته، پارچه‌های پشمی، حص، بافتی، ۲۵۰ میلیون دلار الکترو موتور و ابزار و تجهیزات سستی، ۲۵۰ میلیون دلار لوازم خانگی، ۲ میلیون دلار کتف، ۳۳ میلیون دلار شش آلومینیوم، ۸۰۰ هزار دلار جنوبات و پیرام، ۲۵۰ میلیون دلار پشم و هده میلیون دلار خشکبار و پوست و گچاله و ۸۵۰ هزار دلار سایر اقلامی صنایع مسأ قرار شد چنانچه کالاهای مورد نیاز دو کشور باشد، و زمینه آن در بازارهای جهانی کم گردد، علاوه بر سهم مذکور در موافقت نامه بین دو کشور مبادله شود. مبادلات بازرگانی بین دو کشور بر اساس پایه‌های صورت مواد گرفت.

اورانیوم تأسیسات اتمی ایران در داخل تأمین می‌شود

بهره برداری گسترده از معادن اورانیوم ایران با آغاز بررسی‌های مقامات بلند پایه در زمینه تست یافتن به نیروی اتمی در مقیاس بزرگ مورد توجه قرار گرفت و از نظر آمیسی کابین ماده مهم خود را در آکتوریوم اتمی دارد. بهره‌برداری از این ماده در وزارت نیرو گذاشته خواهد شد.

برای استخراج و بهره‌برداری از ذخایر فراوان اورانیوم مندی است ایران به همکاری کاسترالیا، کریستال ملایم در برنامه گسترده‌ای در آغاز کرده است و در نواحی کوریو به ویژه جنوب کشور (کرمان) در چند مورد به ذخایر بسیار غنی برخورد کرده‌اند. با ادامه این عملیات روشن شده است که ذخایر این معادن در آینده به تنها مواد اولیه نیروگاه اتمی را تأمین می‌کنند. بلکه در سوریه که قدرت اتمی از ۲۸ هزار مگاوات پیش‌بینی شده تجاوز نکند، ایرانی شمار یکی از صادر کنندگان اورانیوم نیز در خواهد آمد.

ساختمان دومین کوره بلند نوب آهن شروع شد

دوب آهن ایران، از ۶۰۰ هزار تن به ۱۹۰ میلیون تن، اولین خرداب در مسکو بین شور ایران و مقامات دولت شوریه مبادله شد.

این موافقتنامه جنسی قبل در تهران امضاء شده بود و براساس آن عملیات ساختمانی احداث کوره بلند دوم با تأسیسات ۴ کشاوری و ۵ آکادمیون آغاز شد است.

کارخانه بزرگ پلاستیک در شیراز

چهارم خرداد اعلام شد یک کارخانه بزرگ پلاستیک با سرمایه ۳۰۲۵ میلیارد ریال در شیراز احداث می‌شود. این کارخانه با مشارکت بانک اعتبارات صنعتی - صنایع و صنایع پلاستیک برتانیای ساخته می‌شود و تولید سالانه آن ۴۹ هزار تن پودر های، قالب گیری و پرین‌های مسری خواهد بود.

کارخانه پرسپولیس که قرار است تا ۳ سال دیگر به بهره‌برداری برسد قادر است سالانه ۳۳ هزار تن فورمالدهاید (مواد اولیه محصولات پلاستیکی) ۶ هزار تن مواد چسبی فورمالدهاید و ۱۰ هزار تن مواد قالب ریزی تولید و در اختیار واحد های پلاستیک سازی ایران بگذارد. شرکت انگلیسی کارخانه پرسپولیس که در حال حاضر بیشتر پودرهای قالب گیری و رزین‌های مصرفی کارخانه‌های پلاستیک ایران را تأمین می‌کند علاوه بر اینکه اجازه استفاده از نام تجاری خود را به کارخانه پرسپولیس داده‌است اندکی خود را برای صدور حداقل ۲۵ درصد از تسهیلات کارخانه به‌خارج از مرز اعلام داشته‌است. مشارکت ایرانی نیز تهیه کرده است که آمار بهره‌برداری حاد ۱۰ میلیون ریال و سپس تا ۱۰ سال برابر ۲ درصد فروش حاصلی محصولات خود را به شرکت انگلیسی پس‌داخت کند.

مواد اولیه مورد نیاز کارخانه پلاستیک پرسپولیس شامل مانیول و کریستال ملایم، پالپ چوب، و فلز اوره است که تمامی اوره مسرفی کارخانه از طریق تولیدات داخلی در واحد کود شیمیایی شیراز تأمین و بقیه به صورت واردات تأمین خواهد شد. گفته می‌شود که متانول و کریستال ملایم در برنامه تولیدی آینده شرکت مسرفی صنایع پتروشیمی قرار گرفته است و پیش‌بینی می‌شود که تا آغاز بهره‌برداری از واحد پلاستیک شیراز پیشوان این مواد را از طریق تولیدات داخلی تأمین کرد.

پیش از یک میلیارد دلار وام ایران به

مسر براساس پروتکل که چهارم خرداد بین دولت ایران و

دولت مسر باصفاه رسیده ایران موافقت کرده در برنامه‌های نو سازی پتروشیمی و صنایع که شامل ایجاد زیرساخت و شهر سازی است شرکت جوید و طرفین موافقت کردند برای احداث این منظور یک مؤسسه مشترک ساختمانی و مهندسی متاور در مسر تشکیل دهند. ۵۰ درصد از سهام آن به هر یک از طرفین تعلق خواهد داشت. بنین منظور ایران استفاده شده‌ستابع این کشور همکاری کند و دو کشور موافقت نمودند که این همکاری فعلا در مورد صنایع شیمیایی، کاشف سازی، تولید لاستیک، بیج کلاسه، الیاف مصنوعی صورت گیرد. در این مورد نیز ایران آمادگی خود را با اعطای اعتباری کماز ۱۰۰۰ میلیون دلار تصور خواهد کرد اعلام داشت و برای پیگیری این طرح قرار شد در ماه ژوئیه جاری هیاتی از کارد شش‌ان بخش‌های دولتی و خصوصی ایران برای مذاکره با مقامات مسری، عراق و کشور سوریه ایران و مسر موافقت کردند برای احداث مؤسسه برنامه‌های دولتی و صنعتی در قریب از طرح‌های مشترک، یک دهان سرمایه گذاری ایران و مسر و سرمایه قاهره تأسیس کند. سرمایه اولیه این بانک حدود ۲۰ میلیون دلار است که مسر ۵۰-۵۰ از جانب دو کشور تأمین خواهد شد.

طرفین برای تعیین سرمایه گذاریهای دو کشور موافقت نامی امضاء کردند که براساس آن تسهیلات بیشتری در برنامه‌های سرمایه گذاری دو کشور فراهم می‌شود.

۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری تازه در پتروشیمی

برای توسعه و گسترش صنایع پتروشیمی براساس طرح دراز مدتی کارخان شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران در دست تهیه است تا ۷۲۸ میلیارد دلار سرمایه گذاری ششاز، ارزش آن در سال افزایش می‌یابد.

در اجرای این طرح که بزودی ایران در ریف، بزرگترین کشورهای صادر کننده انواع محصولات پتروشیمی جهان در می‌آورد ۱۸۱ میلیارد دلار برای تولید آمونیاک و اوره، ۲۰۰ میلیون دلار برای تولید متانول که در صنایع شیمیایی معارف فراوان دارد، ۲۵۸ میلیارد دلار برای تولید دی کلرو اتیلن که برای تولید پلاستیک به، و

تاوجه بتوافق طرفین در مورد احداث تأسیسات بازرگانی و صنایع ایران در سواحل مدیترانه‌ای مسر امکان‌پذیر خواهد بود. حدود مشارکت ایران در برنامه توسعه کانال سوئز بعد از بررسی جزئیات بین مقامات دو کشور صورت پذیرد. قرار خواهد گرفت ایران موافقت کرده برای اجرای برنامه‌های صنایع بهره‌مرداری از طرفیت‌های استفاده شده‌ستابع این کشور همکاری کند و دو کشور موافقت نمودند که این همکاری فعلا در مورد صنایع شیمیایی، کاشف سازی، تولید لاستیک، بیج کلاسه، الیاف مصنوعی صورت گیرد. در این مورد نیز ایران آمادگی خود را با اعطای اعتباری کماز ۱۰۰۰ میلیون دلار تصور خواهد کرد اعلام داشت و برای پیگیری این طرح قرار شد در ماه ژوئیه جاری هیاتی از کارد شش‌ان بخش‌های دولتی و خصوصی ایران برای مذاکره با مقامات مسری، عراق و کشور سوریه ایران و مسر موافقت کردند برای احداث مؤسسه برنامه‌های دولتی و صنعتی در قریب از طرح‌های مشترک، یک دهان سرمایه گذاری ایران و مسر و سرمایه قاهره تأسیس کند. سرمایه اولیه این بانک حدود ۲۰ میلیون دلار است که مسر ۵۰-۵۰ از جانب دو کشور تأمین خواهد شد.

طرفین برای تعیین سرمایه گذاریهای دو کشور موافقت نامی امضاء کردند که براساس آن تسهیلات بیشتری در برنامه‌های سرمایه گذاری دو کشور فراهم می‌شود.

لهستان از ایران ۶۰۰ هزار تن نفت می‌خرد

در مذاکرات اقتصادی و بازرگانی دو کشور که در چهارچوب پنجمین اجلاس کمیسیون مشترک وزیران و کدو صورت گرفت سالانه حدود نفت ایران کاهش خوارتر حریف آن است نیز مطرح شد. بوسیله موافقت نامی که در سال گذشته بین ایران و لهستان امضاء رسیده ایران در سال ۱۹۷۴ ششصد هزار تن نفت خام تحویل خواهد داد. مجموع صادرات نفت ایران به لهستان در سال ۱۹۷۳ سیصد هزار تن بود.

عسکره مبادلات دو کشور در سال گذشته ۳۳ میلیون دلار بود که ۱۷ میلیون دلار آن صادرات ایران به این کشور و ۱۶ میلیون دلار واردات از لهستان بوده‌است. اما در مذاکرات تهران برای توسعه مبادلات تجاری بین دو کشور در سال جاری صحبت از ۵۰ تا ۶۰ درصد افزایش صادرات نفت سال گذشته شد.

قرار است در موافقتنامه جدیدی با تسهیلات اعتباری تازه‌ای که از جانب دو طرف فراهم می‌شود، مقادیر قابل تسهیلات انواع ماشین-آلات صنعتی ارجحه کارخانه‌های قند، سیمان، و ماشین‌لوازم برقی و الکترونیکی،

س، مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۷۰۰ میلیون دلار برای تسویه اهنل، ۲۸ میلیارد دلار برای تولید انواع الفین و اوردینت‌ها سرمایه گذاری می‌شود و از طریق فروش تولیدات اوره ۱۸۰ حله آمونیاک و اوره ۱۵۰ میلیون دلار، متانول ۱۵۰ میلیون دلار، دی کلرو سولف اهنل ۵۰۰ میلیون دلار اهنل ۱۵۰ میلیون دلار، اهنل ۱۵۰ میلیون دلار، الفین‌ها و اوردینت‌ها ۱۲۵ میلیارد دلار برای قیمت‌های کنونی براساس کشور خواهد شد.

در طرح جدید یک شهرک برای استقرار صنایع پلیسه پتروشیمی ایران پیش‌بینی شده و قرار است با استفاده از ازماء ۲۰۰ میلیون لاری دولت تایلند ارسال نماید. اجرائی تأسیسات زیر بنای این شهر نظیر راه‌آهن، برق، آب و غیره آغاز شود. و در شهر سگاز پتروشیمی ایران که در سگاز رودخانه عراقی در جنوب احداث خواهند برای سکونت ۵۰ هزار نفر کارنده کارگر و خانواده‌های آنان و احداثی متعدد مسکنی ایجاد می‌شود و شرکت ملی صنایع پتروشیمی کوش خواهد کرد تا از این پس صنایع پتروشیمی جدید در جوار این شهرک مسفر شوند.

صنعت شاد بنفتم

در مدرسه جامع دوس (مظف (هم نظری و هم عملی) و دانش آموزان تدریس می‌شود. بر حقیقت این مدارس فرقی است برای دانش آموزانی که در دوره نسیپلات رهنمای تحصیل استاد ماری در شاخته‌ای مظف شان داده‌اند و با ورود به مدارس جامع‌التفان آنها در حقیقت به سببی بالاتر مواکول شده.

دانشکده پزشکی

شیرو خورشید ، امال دانشجو می‌پذیرد

دانشکده پزشکی شیرو خورشید سرخ ایران ارسال تحصیلی اولین نریب پزشک دانشجو می‌پذیرد. مقالات نمای در مورد نحوه تأسیس این دانشکده پایان یافته و طرح‌هایی آن تا سه ماه دیگر آماده برای اجرا می‌گردد. دانشجویان دانشکده بزرگتر، شیرو خورشید دوره علوم پایه را که دو سال است در تهران - شهر کرج، گذرانده و ایرانیان خواهند گمارید. دکتر عبدالحمید حمیدی دبیر کل شیرو خورشید سرخ ایران گفت منظور رفع نیازهای کادر درمان شیروخورشید است. مشاوران فعالیت دانشکده پزشکی، جمعی آموزشی، پزشکی، شیروخورشید بر برای تربیت پرستار، هیسار و نکسیس فعالیت گسترده خود را آغاز می‌کند.

عباس صفویان

رئیس دانشگاه ملی شد

شاهنشاه آریامهر ۱۶ اردیبهشت دکتر عباسصفین سببی وزیر علوم و آموزش عالی را در کابین ناوروزی حضور پذیرفتند. در این شرفیابی وزیر علوم و آموزش عالی پروفسور عباس صفویان را به عنوان رئیس دانشگاه ملی ایران به پیشگاه مبارک ملوکانه معرفی کرد. رئیس پیشین دانشگاه ملی احد هوشنگ شرفی جندی پیش وزارت آموزش و پرورش رفت و از آن زمان پست ریاست دانشگاه ملی عالی بود.

۵۰۸ دبستان

رایگان در تهران

اساسی ۵۰۸ دبستان دولتی ولگیره دولتی که باید رایگان از دانش آموزان ثبت نام کنند ۲۱۱۳۳۳۳ اعلام شد. آموزش و پرورش میسران برداشت هزینه‌های مربوطه خدمات اضافی را که از سوی مدارس غیر دولتی برداشت می‌شود می‌شود پنجم به تجهیزاتی مدارس و استادان دولتی مسوره قبول.

نهیبن کرد. استفاده از این خدمات اختیاری است و دانش آموزانی که مایل باشند از آن نمانند پولی نیز می‌توانند پرداخت

دوره تحصیلات پزشکی کاهش

می‌یابد

وزیر علوم و آموزش عالی اعلام کرد که با کاهش دوره های پزشکی و پرستاری کشور کادر پزشکی کشور خواهد شد و او گفت که تقلیل دوره پزشکی همین بار در دانشکده پزشکی شیر و خورشید سرخ که بنازیگی اجازه تأسیس آن صادر شده پیاده می‌شود. وزیر علوم کادر اجناسی در تالار خواجه رشیدالدین فنداله دانشگاه تهریز به حضور سرکار عالی بانوفتد بهیا سخن می‌گفت. همچنین خاطر نشان ساخت که پس اساس بررسی‌ها کسودپزشک و پرستار در نقاط مختلف کشور مشاهده می‌شود. وزارت علوم خواهد کوشید که سن سطح سطح کمیسی نسیپلات، این کیودها را جبران کند.

یک ایرانی دستگاهی برای ترک اعتیاد ساخت

دکتر علی خالود مخرج ایرانی که اخیراً موفق به دریافت بزرگترین جایزه علمی است دستگاهی که در کلوب روتاری ساخت که سن مرگ اعلام داشت به زودی نتایج تحقیقی دانشمندان ایرانی در زمینه ترک اعتیاد از ایران آورده و پیش واکش‌های مهمی در برقراری یک سیستم بین‌المللی که در تهران تشکیل می‌شود، به اطلاع جهانیان خواهد رسید. ساخت که به‌اختیار رئیس کلوب روتاری شال مازند دریافت جایزه نوبل در گفرانس آینه بین‌المللی دفاع غیر نظامی کاراکانس شاخه شده شیوه‌های تازه جلوگیری از برتری زودرس را تشریح کرد. او آلودگی هوا را بزرگترین دشمن جوانی شهرنشینان دانست و گفت وجود لثیاء فیزی‌مانند ساختن اتومبیل، پرسشمت آلودگی می‌آزاید و بون‌های منفی اکسیژن را کاهش می‌دهد. او گفت نفس سالم تنفس است که با این‌های سبی اکسیژن هوا نوا مانده است جهت هر نفس‌سپاس باعث کسود صرف این‌ماده اکسیژنی کس می‌شود و برعکس عسر روستائیان اکثر بالاست و حتی در ۸۰ سالگی می‌توانند او دربارہ اجراع تازه گفت درحین استفاده از دستگاه زمرانوری که اخیراً ساخته شده تا با استفاده از آن هوای کوهستانی سالم برسیه‌های ترک تریاک برد منوجه

تندیم کانهایمانار. مجدداً مناد می‌شوند که از ماسک ژرآنوست استفاده می‌کنند. سخاوت سبب اعلام کرد در صورتی که تحقیقات به‌نتایج نهایی برسد از همین یون منفی اکسیژن‌خوا را برای رزاینون حاسه‌استفاده خواهد شد.

دانشگاه

آذربادگان ۳۳ رشته تحصیلی جدید دایر کرد

۱۳ رشته تحصیلی جدید در دانشکده تحسیلی دانشگاه آذربادگان تهریز افزوده شد و از همین رو تابستان امال ایران‌دشگاه داوطلبان دینمه و فوق دیپلم بینتری خواهد پذیرفت. این رشته‌ها عبارتند از:

- اقتصاد مهندسی خاک شناسی مهندسی گیاه‌پزشکی مهندسی آبیاری جغرافیای اقتصادی ، تاریخ، زبان انگلیسی، جغرافیای طبیعی انسانی و علوم تشریحی، کتابداری و زبان فرانسه. دوره لیسانس آزاد شانه‌نیز رشته‌های جدید، مهندسی، مهندسی ساختمان، مهندسی گرافیک آبی ، مهندسی مکانیک، مهندسی الکترونیک مهندسی تسلیحات سنتی ، مهندسی الکترونیک ، لیسانس خدمات آبداری، لیسانس خدمات بازرگانی و خدمات حسابداری افزوده شده است. داوطلبان این رشته‌ها در دانشگاه تکی- لوژی دانشگاه آذربادگان به‌نصیب انتقال میوزند. برای رشته‌های جدید تحصیلی، دانشگاه آذربادگان ۱۷۵۰ دانشجو می‌پذیرد.

دوره فوق لیسانس انستیتو تغذیه و مدرسه عالی توان بخشی دایر می‌شود

مدرسه عالی توان‌بخشی وابسته به وزارت رفاه‌مفالیبت خود را گسترش داده و از مهرآینه ۱۵۰ دانشجویی رشته‌های لیسانس و فوق لیسانس خواهد گرفت رشته‌های لیسانس این مدرسه عبارتست از فیس‌یکال، برای، کتار درمانی و کار درمانی دانشجویان این رشته‌ها از بین دیپلمه‌های ریاضی و طبیعی انتخاب می‌شوند.

دوره فوق لیسانس این مدرسه فقط رشته مسیروت نسوان‌بخشی دارد. تعداد دانشجویانی که برای فوق لیسانس در این‌دشته پذیرفته می‌شوند ۵۰ نفر خواهد بود. رشته‌های فوق لیسانس انستیتو تغذیه عبارتست از: تکنولوژی موادغذایی، کنترل و بهداشت مواد غذایی، تغذیه و رژیم. از سال تحصیلی آینده

دانشجویان دوره‌لیسانس نیز به ۵۰ نفر افزایش می‌یابد. همچنین قرار است از امال مدرسه علوم آزمایشگاهی وابسته به وزارت بهداشتی فعالیت خود را آغاز کند. طرح برداری این مدرسه برای تربیت متخصصین علوم آزمایشگاهی تهیه شده و از تصویب کنگه‌تست، دوره‌این مدرسه ۴ سال خواهد بود و رشته‌های تحسیلی آن نیز به این شرح است:

دکترای افتخاری خدمات عمومی به شاهنشاه داده شد

شاهنشاه آریامهر ۱۵ حرده حکام دیواندکترای افتخاری در رشته خدمات اجتماعی از سوی دانشگاه، جورج واشینگتن، امریکا تأیید فرمودند که فقهی اقدامات ما ما هیچک از ایسها مقابله مدارعرجند ممکن است با بسیاری از ایسها تا حدودی شباهت داشته باشد.

شاهنشاه که به سخنان لویدالیون رئیس دانشگاه، «جورج واشینگتن» امریکا پاسخ می‌دادند فرمودند: ماچه تاکنون برای مردم کشورمان برداشتم ایامه خواهیم داد و هرمان کمیسر بانتری است که به حل مشکلات سایر کشورها نیز اقدام خواهیم کرد. به عنوان مثال ما به تشکیل لژیون خدمتگزاران بنر اقدام کرده‌ام. شاهنشاه آریامهر اسامی فرمودند: کام‌های که مانده کشوردهمان برداشته‌ام براساس منظر و جبهه‌های انسانی استواربوده است. فقه اقدامات ما به هیچک از ایسها شباهت ندارد هرچند که ممکن است بازاری به این‌ها شباهت جزودی خواهد بود. شاهنشاه دستور دادی حیدفهای مختلفی است و دلیل و منطق اقدامات ما فقط بر این پایه است که سطح زندگی مردم کشورمان را در چارچوب آزادی‌های فردی و شخصی و رفاهی و تنای روح و فکر آنان بالا بریم. طمناً همه این اقدامات برای ایجاد یک زندگی مادی بهتر نیز خواهد بود. زیرا بانکولوزی و بیشرتهای امروری، مردم روز بروز باید از زندگی بهتری برخوردار شوند.

لویدالیون رئیس این دانشگاه هنگام تقدیم دکتری گفت که ایران تحت‌تجربری های خرمندانه شاهنشاه. ۳۲ سال سلطنت منظره به صف پیشرفته‌ترین کشور است. های جوان پیوسته است. پس از سخنان رئیس دانشگاه «جورج واشینگتن» امریکا

در این آیین که در آن شاهسرت شهزاد نیزحضور داشتند، شاهنشاه آریامهر لباس مخصوص دکتری افتخاری دانشگاه جورج واشینگتن را بر تن کردند.

مدرسه عالی معدن

با کشف مطبوع‌ترین معدن ذغال سنگ ایران درشاهرود تأسیس مدرسه عالی معدن و بنسبوس تربیت کارشناسان معدن در امور اکتشاف و بهره‌برداری مامان‌درشاهرود بر سرطه عمل درآمد. مدرسه عالی معدن از آغاز سال

شاهنشاه آریامهر ۱۵ حرده حکام دیواندکترای افتخاری در رشته خدمات اجتماعی از سوی دانشگاه، جورج واشینگتن، امریکا تأیید فرمودند که فقهی اقدامات ما ما هیچک از ایسها مقابله مدارعرجند ممکن است با بسیاری از ایسها تا حدودی شباهت داشته باشد.

فرمان شاهنشاه آریامهر بمناسبت سالروز تأسیس نیروی هوایی

شاهنشاه آریامهر بمناسبت پنجمین سالروز تأسیس نیروی هوایی شاهنشاهی فرمانی باین شرح صادر فرمودند: پنجم سال پیش در روزهم حرده‌ام ماه ۱۳۰۳ نیروی هوایی شاهنشاهی بنسبت‌نواای بنسرت‌زورگورمان اعطیسرت ریاسته، کسبر بنیانگذاری کردید. نیروی هوایی شاهنشاهی، از همان آغاز تأسیس خود، علیرغم مشکلات و مقصوبات بسیار مسودی که داشت، به‌تدریج فعاله در عملیات رسته‌های پانها و آشوب طلبان، می‌دادید.

شاهنشاه آریامهر ۱۵ حرده حکام دیواندکترای افتخاری در رشته خدمات اجتماعی از سوی دانشگاه، جورج واشینگتن، امریکا تأیید فرمودند که فقهی اقدامات ما ما هیچک از ایسها مقابله مدارعرجند ممکن است با بسیاری از ایسها تا حدودی شباهت داشته باشد.

تحسیلی جدید دانشجو خواهد پذیرفت. طرفه عالی معدن از ملاحظه شخصی و سا حمایت وزارت علوم و آموزش عالی ایجاد شده است. بطور کلی در مناطق عملا کرچه معدن، زرمجا، پشتکلات، کلانز، همانال دوره، کلاته و طرز، ختیرین معدن‌بخال سنگ وجود دارد. منطقه طرز که شامل مساحت زرمجا، پشتکلات و کلانز است در قاصه ۸۰ کیلومتری شاهرود قرار گرفته

سالروزها

سالروز ۲۱ فروردین

استقرار مقبولیت درسیان کشور که در آن روزگار مأموریت اصلی و هدف اساسی ارتش شاهنشاهی را در راه پایه‌گذاری امپراتوری آزاد و آباد تشکیل می‌داد، شرکتی مهم برپا را در استقرار امنیت در کشور شاهنشاهی ایفا نمود. ما نیز که در تمام دوران زندگانی خویش در اثر نفس نزدیک و روزانه خود، به‌امور مرسومه به هواپیمای احاطه کامل‌داریم، اهمیت شگرف نیروی هوایی و تأثیر قاطع آن در تعیین کندی که این قدرت برتری ضمیمه دارد، هم راجع به تسمیه قاطع ایجاد نمودیم که نیروی هوایی شاهنشاهی مبارزانی است نیرومند مبدل گردد که از نظر خطا امنیت و حرارت تمامیت ارتش کشور عظمی مؤثر و بازدارنده است.

نیروی هوایی شاهنشاهی، با استحضار به عبادت خداوند، نواست است تحموظلوب در جهت نجات ما و رسیدن به‌هدفها، که برای آن نیروی هوایی شاهنشاهی، شایسته است. به‌تصرفات های چشمگیر نائل شد. نفس درود بیرونی مسلک بسیر بزرگوارمان، بسوجه این فرمان پناهنده‌های مبارز و سنانگاری نیروی هوایی شاهنشاهی را به امران، هزاران، درجه داران، سربازان و کارمندان نیروی هوایی شاهنشاهی، نسبت کردی و رستمندی حاتم‌ماد را در سخنان صادقانه آنان اعلا می‌دادید.

صفحة

٩٠

شهبانو عضو آکادمی هنرهای

زیبای فرانسه شدند
طباخسرت شهبانو عضو
بانقاع آراه بیوان عضو

گلکهای بهاره

امیر عباس هویدا نخست
وزیر از نمایشگاهی که از
گلکهای بهاره و گلدارایی از

شهبانو نمایشگاه
لباس زنان ارانمترا
گشودند

طباخسرت شهبانو ۲۵

اردیبهشت از نمایشگاه
لباسهای زنان ارانمترا
فروز کمپوسینه های گیس

باشناسی آنورووول، کوش-
های تپه سرخ در تریبکسی
ایروان و سگها و مهرهای
سلازین باشناسی، مینیاتور-

شهرهای قدیمی در
مجلس بان بازار بزرگ
که محل تجمیع و داوودست
اهلی این شهرها بوده است

مردی که برده راوان
طلبی و کارشان آسار
بارخی را خود جلد کرده
بوده و گورسهای ساخته

وررسی باستانشناسان قسار

بزرگترین موزه
گلشناسی دنیا در
ایران ساخته

می شود

اولین موزه گل و گیاه
شناسی ایران را باستانل قوی
یلمتخصص مروف انگلیسی
خواهد ساخت، متخصص

برگزیدگان

جشنواره سیاسی
شمسین خنواره سیاسی،
سیاس که از ۸ خرداد مسأ

شهرهای مکشوفه خارنس
از «شهرت»، «دشتوان»
«گرگ آینه»، «یک آماره» و
«دوره».

مردی که برده راوان
طلبی و کارشان آسار
بارخی را خود جلد کرده
بوده و گورسهای ساخته

مردی که برده راوان
طلبی و کارشان آسار
بارخی را خود جلد کرده
بوده و گورسهای ساخته

نفسه از او بود به عنوان

بهرترین سنارست سال
برگزیده
همچنان اهدای جوایز

«شاک» ساخته سعود
آکیمانی جاپز، سیاس را به
عنوان بهترین فیلم به معنوم

«موزه گل و گیاه ایران»
در نوع خود کم نظیر و
استثنای خواهد بود زیرا
قرار است که دو حزب از

فرزانه تأبیدی

فرزانه تأبیدی
کارگردانی «تنگه»
حاضر بازیگری در «خمنسین

مردی که برده راوان
طلبی و کارشان آسار
بارخی را خود جلد کرده
بوده و گورسهای ساخته

مردی که برده راوان
طلبی و کارشان آسار
بارخی را خود جلد کرده
بوده و گورسهای ساخته

مردی که برده راوان
طلبی و کارشان آسار
بارخی را خود جلد کرده
بوده و گورسهای ساخته



انسان و دنیای او

شرکت می کند

ایران در نمایشگاه جهانی
۱۹۷۴ مونترال کانادا شرکت
می کند. «انسان و دنیای او»
عنوان نمایشگاه جهانی است

نمایشگاه

تکنولوژی مدرن

افتتاح شد

سختین نمایشگاه، تکو-
لوزی منور که پیش از
دههزار اختراع و اکتشافرا
مناس می رهد ۱۲ خرداد در



کتابها

کتاب

تعلق و تماشا

تعلق و تماشا، کتابی است شامل مجموعه‌ای از ۲۶ بحث و نقد ادبی از محمد علی شاهلو.

میتولوژی (یادبودهای)

زئوس

در زومه «میتولوژی اثری از «مورس بروئن» با نام «یادبودهای زئوس» منتشر شده است. آجدادی، منتشر شده.

بیرون از اسطوره‌ها

«بیرون از اسطوره‌ها» نام مجموعه‌ای از گفتار برگزیده محمود بروئن شاعر، طنزپرداز است که طبعاً مسوری‌زاده اسرا باقری برگزیده است این مجموعه حاوی سه‌شنبه شعر و پنج نثره و مضمیری از زندگی‌نامه‌ها است.

تاریخ در ترازو

از دکتر عبدالحمید زبیر کوب چندگانه منتشر خواهد شد که از آن جمله می‌توان «تاریخ در ترازو» را که نگارش به تاریخ از دیدگاه فلسفی است، «فساد از مدرسه» که تشریح نوزدهم تاریخ زندگی و ابتکار اندم محمد علی است و «مجنون حله» نام یادداشت‌ها و استنباطها را نام برد.

همبازی

از عابدالله پیکر قسه بلند نام «همبازی» از طرف انتشارات امیرکبیر منتشر شده است.

ستارخان سردار ملی

برای به یادگاری ستارخان سردار ملی تاکنون نوشته‌های بسیاری طبع رسیده است. اخیراً دکتر هوشنگ ابرامی زندگی این سردار ایرانی را بصورت قصه‌ی جذاب و گیرا درآورده است.

نختر تاجر و هفت برادر

قصه‌ی بسیار جذاب و گیرا اثر ادیبان فلکوریک آذربایجان بنام «نختر تاجر و هفت برادر» ترجمه وحید خانمش از طرف انتشارات لیا منتشر شده است.

داستایوسکی

بزودی از حسن حرمندی ترجمه‌ی از «اندوه زبانه» درباره داستایوسکی منتشر

خواهد شد. این یکی از چهره‌های آثار زبانه است و او زمانی شروع به معرفی داستایوسکی به فارسی‌نویسان کرد که «نولتوی» از انتشارات گاه بروردار بود. ترجمه حسن حرمندی که به‌یاری از انتشارات ریبو و مولر نیز آماده چاپ است.

قصه‌های ایرانی

نخس جلد قصه‌های فلکوریک مناطق مختلف ایران بنام «قصه‌های ایرانی» گردآوری و تألیف «ابوالقاسم احمدی شیرازی» توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد این قصه‌ها از اسطوره‌ها رین قصه‌های فلکوریک ایران است و در پایان هر قصه فرستاده آن ذکر شده که معمولاً قه را از زبان قسه گویند گه‌ناله و بره‌ناله شنبه و پنج‌شنبه و نخل و نطف و باغچه‌های آریا نثر کرده است.

روایه حیلگر و راسوی عاقل

«روایه حیلگر و راسوی عاقل» نام کتاب تازه‌ای است برای کودکان از «عابدالله

انسان و سمبول‌هایش

انتشارات امیرکبیر کتاب «انسان و سمبول‌هایش» را درمجموعه «انطباق» نامی انتشار داده است. این کتاب مجموعه‌ای است از پنج مقاله در زمینه روان‌کاوی که نگارش آن با نظرس «کولر گوساوی» نوشته شده و پس از مرگ «فون برانیش» کار پیرایش این اثر را ادامه داده است تمام مقالات این مجموعه در مجله «نوی» نشری آذلیتیک و پوزاک نوشته شده است. محتوای این کتاب به بررسی احوال درونی انسان و زندگی سولیک او مربوط می‌شود.

هردی که باسایه‌اش

حرف می‌زد

درباره آثار صادق هدایت تاکنون کتابهای متعددی منتشر شده که اکثر نویسندگان نیز به قصه‌های هدایت پرداخته‌اند و آثار دیگر او سابق حدیثی اخیراً کتابی درباره دیگر آثار هدایت نوشته تحریر درآورده که با نام «هردی که با سایه‌اش حرف می‌زد» از طرف انتشارات عطایی منتشر شده است. در این کتاب درباره سفرنامه‌های هدایت، به طنز او - تحقیقات او در ایران

پهلوی و اوستای و زند - تحقیقات او درباره شاعران و نویسندگان، کوشش‌های او برای جمع‌آوری طنز و غیره. بحث شده است.

کتابی درباره

مولانا

داشگاه سنی آریامهر برای شناساندن بیشتر مولانا عارف نامدار ایرانی به خارجیان کتابی در این انگلیسی بنام «مقدمه‌ی و افکار و عقاید مولانا» منتشر کرده است.

مرزهای نو در روانشناسی

کتاب مرزهای نو در روانشناسی تألیف دکتر محمود انصاری منتشر شد در این کتابی سازمان‌های دانش روانشناسی و مکاتب مختلف از نظریات امیرکبیر منتشر شد این قصه‌ها از اسطوره‌ها رین قصه‌های فلکوریک ایران است و در پایان هر قصه فرستاده آن ذکر شده که معمولاً قه را از زبان قسه گویند گه‌ناله و بره‌ناله شنبه و پنج‌شنبه و نخل و نطف و باغچه‌های آریا نثر کرده است.

شمشیر سیمین

کتاب «شمشیر سیمین» از «ابان سرالبر» با ترجمه آریا دخت آریا نشان چاپی است که ضمن آن «شاهنامه‌های جنگ و روز پیداکر» در آن تصویر شده است. نویسنده در این کتاب مطالب یک خانواده لهستانی را در زمان جنگ جهانی دوم پس از آن بازگو می‌کند.

جنگ و عشق تاریخ

عصر شاه عباس

کبیر

کتاب «عشق و عشق تاریخ» اثر شاه عباس کبیر، نثر شکر ایوان برادرش در دو مجلد بزرگ منتشر شده است. در این کتاب به تاریخ مستند داستان شیری و هدایی نیز هست مؤلف حوادث زندگی شاه عباس اول را با تمام جزئیات و اسرار اجتماعی و سیاسی و نظامی و جود او را برترین مآلهای سلطنت نشان داده است.

صدای پا ...

از حمید شماعی - ۱۲۰ صفحه - ۱۰۰۰ تومان - از مرکز نشر سپهر

نوعه‌ی محضری است به پیدایش سیمیا در ایران و در آخر کتاب فهرستی از مقالات و کتب که به‌یاری با فرهنگ عامه و مردم‌شناسی ارتباط دارند آمده است.

خبرهای کوتاه

- بنایبست میمیلاد سعود حضرت رسول اکرم (ص) و ولادت با سعادت حضرت امام جعفر صادق (ع) خلق موصول همساله ۲۴ فروردین جشن باشکوهی از طرف مأمور اجتماعی درباره‌ی دانشگاهی در کاخ گلستان برگزار شد.
- اولین نمایشگاه عکس «هری‌خبرگزاری «نویس»» ایجاد چاپسیر شوروی در محل نمایشگاه آسیای جنوب شرقی هیئت‌نویس در مشهد ۲۴ فروردین ماه ۹۰ در محفل و هفته برای عموم به طور رایگان آزاد بود.
- از جانب دانشگاه آریامهر به مناسبت سالروز استقلال استرالاسریه تنگراهی‌های ایران عنوان حضرت زینب «جمهوری سوریه» به‌عنوان چاپی شد.
- روز ۲۸ فروردین «جمهوری سوریه» کارکنان شرکت برق منطقه‌ی تهران سرکب از ۲۹ مه‌س، تکمیلین استادکار برای طی دوره آموزش سناحاه در کارهای اجرایی و آگاهی از آخرین تحولات در روش‌های بهره‌برداری صنعت برق در ریه‌های انگلستان شدند. بر اساس دستورالعمل بین‌سری تهران و سازمان برق لندن تاکنون ۱۶۰ نفر کارکن برق تهران موفق به پایان رساندن دوره‌های آموزشی در انگلستان شده‌اند.
- طرح نوآوری و نظمی در مدارس کوه و قه‌س در تحت تهیه است که از همین اصل در سطح کشور پیاده می‌شود. با اجرای این طرح وزارت آموزش و پرورش مصاحبت‌های گه‌اجاره‌ی را به سازمان تعلیم می‌دهد و مدارس تونیا می‌کند.
- جلال منشی استاد و رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه شهید ارتضی رئیس این دانشگاه به‌عنوان معاون آموزشی و پژوهشی دانشگاه منصوب شد. همچنین دکتر سعید یمنانی استاد دانشکده پزشکی به سمت معاونت آموزشی دانشگاه منصوب گردید.
- علی‌اصحاح‌خانی‌مومنین خوابگاه دانشجویی دانشگاه مشهد اول از دیهبت آغاز شد. حربه این خوابگاه را ۳۰۰ نفر ظرفیت دارد. استان‌فیس نقل کرده است. دانشگاه مشهد در ماه گذشته ساختمان یک خوابگاه ۳۰۰ نفری را نیز خود آغاز کرد. دانشگاه مشهد در حال حاضر
- يك خوابگاه ۳۰۰ نفری دارد.
- به مناسبت احوالی از طرف دولت‌دانشگاه تهران مراسم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد.
- دانشگاه آریامهر ۱۴ اردیبهشت جمال‌العلمی‌بابه رئیس مجلس شورای ملی مسر را در کاخ نیاوران به حضور پذیرفتند.
- پروفسور کلی پاسکی استاد دانشگاه ملک‌کلیل کاناوا ورشس مؤسسه بین‌المللی فلسفه ۱۴ اردیبهشت در مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه ملک‌کلیل نیه تهران بر عنوان ترجمه‌های لاتینی قه‌ه و علوم اسلامی سخنرانی کرد.
- علی‌اصحاح‌خانی‌مومنین ۱۹ اردیبهشت رئیس هیئت‌مدیره کارخانه‌های گروه آلمان فعال را در کاخ نیاوران حضور پذیرفتند. پیش از این شرفیاب‌های چنگ ۶ ملیچ یکصد هزار مارک به‌بیتگاه علی‌اصحاح‌خانی‌مومنین داشت و مسطوراً مقرر موندن این مبلغ در امور مربوط به چیست گفت ۹ چنامیانه صرف برسد.
- ۲۹ اردیبهشت پیش از ملائعه وزیر امور خارجه بلغارستان و بانو برای يك دیدار رسمی به ایران وارد شده و مورد استقبال وزیر امور خارجه ایران قرار گرفتند.
- بی فریبن رون‌شاس درمیر نهفت آزادی زنان امریکا به‌یاری آزادی‌سازمان زنان به ایران آمده بود ۲ خرداد در مسرده عالی شیراز بازدید کرد و درباره نقش زن در اجراع امور با سگدران دوره حقوق لیااس، استادان و رئیس مدرسه به بحث و گفتگو پرداخت.
- شورای دانشگاه تهران اسول برنامہ آموزش زبان و شناخت فرهنگ ایران به خارجیان را که از سوی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی پیشنهاد شده بود تصویب کرد.
- شاهنامه آریامهر ۱۴ خرداد آقای واللیک وزیر بازرگانی خارجی ولاد نو را در کاخ نیاوران حضور پذیرفتند.
- کنلریک‌اواک ماوان رئیس جمهوری مکرانیک خلقی ۱۱ فروردین وارد

تهران شد.
 در این سفر وزیر ارتباطات و معاونان چند وزارتخانه جمهوری مکرانیک خلقی کرد. معاون رئیس جمهوری مکرانیک خلقی کرد. راهی کردند. کلک ریگ اوک ماوان رئیس جمهوری مکرانیک خلقی کرد. شن اقامت شش روزه خود در ایران با هویدا تحت وزیر ملاقات و مذاکره کرد. معاون رئیس جمهوری مکرانیک خلقی کرد. همچنین از دیدنی‌های اسهان بازدید کرد.
 شاهنامه آریامهر، سون اندرسون وزیر خارجه سوئد را در کاخ نیاوران حضور پذیرفتند. اندرسون ۳۰ فروردین شرفیاب شد و این شرفیابی نوام با مذاکرای پیرامون اسکنات تسویه حساب‌های مالی و صنعتی و اقتصادی ایران موافقت بود. وزیر خارجه سوئد ۲۶ دیسمار پنج روزه رسمی از ایران کرد.
 هفته فیلم ایران در کراچی با نمایش فیلم فروغ چاویسان و فیلم سر دولت‌افزار علی بنو یحیی وزیر پاکستان به ایران کشایش یافت. در این مراسم شخصیت‌های برجسته شهر، دانشگاهیان، فرهنگیان و عده زیادی از ایرانیان و دانشجویان ایرانی مقیم کراچی شرکت داشتند.
 محسن زینا سفیر تازه سوئد در تهران ۱۵ خرداد وارد تهران شد.
 آریامهر بنیادت صادرات جالی و مالی فراوان که در اثر طوفان اخیر امریکاییان آمده بود یک پیام هندوی حضرت زینب جمهوری‌آلات متحده امریکا به واتسینگن صادره شد.

کنگره رادیولوژی گشایش یافت

چهارمین کنگره انجمن رادیولوژی ایرانی در بیمارستان شفاپنجتیان با سخنرانی وزیر علوم و آموزش عالی گشایش یافت. کنگره رادیولوژی ایران چهار روز به جلسات خود ادامه داد در این کنگره ۱۵۰ نفر از اساتید و محققان ایرانی و خارجی شرکت داشتند که ۶ تن آنان از آمریکا، سوئد و فرانسه بودند. در این کنگره درباره رادیولوژی و آخرین پدیده‌های رشته بیولوژی بحث شد.

در وزارتخانه‌ها، کارگرفینی مستقل

تأسیس می‌شود طرح وجود آوردن کارگرفینی‌های مستقل، مانند دیساینرها در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، تهیه و برای تقسیم به هیأت دولت آماده است. هدف از استقلال آنست که وزیر و مقامات عالی‌رتبه وزارتخانه تحت شرایط و ضوابطی قادر به صدور دستور باشند و متقابلاً کارگرفینی نیز تحت همان ضوابط از اجرای دستورات منافی مقررات معاف گردد.

نرخ خدمات پزشکی بیمارستانها یکسان خواهد شد

طبق طرحی که از طرف سازمان تأمین درمان کشور تهیه گردیده است ۴۷ بیمارستان خصوصی پایتخت و ۵۹ بیمارستان خصوصی شهرستانها از نظر پرداخت مخارج غیر درمانی بیمه‌شدگان به سه درجه: استاندارد، فوق استاندارد و زیر استاندارد تقسیم شده اند.

نرخه نرخ خدمات پزشکی و اعمال جراحی چون نرخ جراحی‌های عمومی، جراحی‌های اعصاب، گوش و حلق و بینی، قفسه صدری، جراحی فک و صورت و دندانپزشکی،

اورولوژی، جراحی پلاستیک و نرخ خدمات اختصاصی، نرخ آزمایشات و نرخ رادیولوژی ۰ فی‌بوزاری رادیولوژی، نرخ ترهه می-هوشی در کلیه این بیمارستانها اعم از درجه یک تا ۳ یکسان خواهد بود ولی فرسوس خدمات غیردرمانی (چیتیک) در بیمارستانها براساس این درجه بندی پرداخت می‌شود. براساس این طرح هر کارمند دولت و بیبه شده با معرفی پزشک معالج میتواند در هر یک از بیمارستانهای یاد شده بستری و پس از درمان حق‌الهم مشارکت در مخارج بیمارستان را پرداخت کند. در حال حاضر بیمارستانهای تهران از نظر پرداخت، نرخ خدمات درمانی به پنج درجه تقسیم شده است که ۳ بیمارستان درجه یک، ۵ بیمارستان درجه ۲ و ۱۰ بیمارستان درجه ۳ و ۶ بیمارستان درجه چهار و ۷ بیمارستان درجه پنج است. نرخ اتاق در بیمارستان درجه یک ۷۰ تومان در بیمارستان درجه دو ۶۰ تومان و در بیمارستان درجه سه چهار ۴۰ تومان و در بیمارستان درجه پنج ۳۰ تومان است.

بیمارستان بنیاد ملکه پهلوی گشایش یافت ۷ اردیبهشت در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو بیمارستان مجهز و نمونه قلب بنیاد ملکه پهلوی محاوره‌پارک شاهنشاهی درجاده پهلوی گشایش یافت. این بیمارستان که از دیماه مورد بهره‌برداری غیر رسمی قرار گرفته در همین مدت کوتاه ۱۳۵۰ بیمار را مداوا کرده است. بیمارستان قلب که بنای آن پنج سال طول کشید، یکی از مجهزترین مراکز تحقیقی و آموزشی قلب دنیا است و پزشکان برجسته قلب در آن بخدمت بیماران در آمده‌اند. شاهنشاه آریامهر که از مشاهده تجهیزات مدرن بیمارستان و استقبال گرمش آقای دکتر اقبال رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل

شرکت ملی نفت ایران که ریاست هیأت امنای بنیاد ملکه پهلوی را عهده‌دار است سرور بودند. در بازدید از بخشهای مختلف مقرر فرمودند که گروه‌های منتخب از این مرکز دیدن کنند.

بازدید شاهنشاه از کارخانجات هفت‌تپه

شاهنشاه آریامهر هنگام بازدید از مزارع و تأسیسات کارخانه تصعیه و تولید شکر در هفت‌تپه مقرر فرمودند که سهام این کارخانه ابتدا تا ۴۹ درصد و سپس تا ۹۹ درصد در اختیار مرطبه به کارگران و کارکنان خود کارخانه و سپس به عموم مردم عرضه شود.

تأسیسات سازمان تصعیه و تولید شکر هفت تپه در حال حاضر ۹۲۲۳ هکتار مزارع بیکتر را زیر کشت دارد و ظرفیت کارخانه تصعیه و تولید شکر که در شروع کار ۳۰ هزار تن پیش‌بینی شده بود به ۱۰۰ هزار تن رسیده است. محصول سال ۱۳۵۱ کارخانه حدود ۶۲۵۰ هزار تن شکر سفید بوده است. این رقم در سال گذشته به ۷۸۵۰ هزار تن رسیده است. که از ۹۷۳ هزار تن بیشتر بگشت آمده است.

در کشت و صنعت بیشتر هفت‌تپه ۲۱۱۵ تن کارگر دائم و ۳۹۶۳ کارگر موقت و فصلی و ۳۸۳ کارمند اشتغال دارند که در مجموع یک خانواده سی هزار نفری را تشکیل می‌دهند. برای کارگران آن ۱۲۰۰ واحد مسکونی در دست ساختمان است که کار ساختمانی حدود ۳۹ درصد آن پایان یافته است.

شاهنشاه آریامهر پیش از بازدید از کشت و صنعت پیشکر هفت‌تپه، از منالیت-های کشاورزی شرکت ایران شلکات در ذوقول نیز دیدن فرمودند. شرکت ایران شلکات که یک شرکت خاص است در سال ۵۱ فعالیت خود را با ۳۵۰ میلیون ریال سرمایه شروع کرد و هم‌اکنون در زمینه کشاورزی نوین در منطقه‌ای به وسعت ۳ هزار هکتار از اراضی ذوقول فعالیت دارد. بهلاوه شاهنشاه از مزارع گندم و فعالیت‌های این شرکت و نحوه آبیاری و استفاده از روش باران‌های مصنوعی،

مزارع دیدن کردند. شاهنشاه همچنین در یک بازدید هوایی از شبکه آبیاری سد رشتاه کبیر مقرر فرمودند در انجام عملیات ساختمانی تکمیل سد و شبکه آبیاری تسریع شود.

رساله یک مهندس ایرانی بهترین کار آلمان شناخته شد

جایزه «برون دوئرز» که بهترین کار علمی دانشکده سنن و ذوق فلزات داشگاه فنی برلن تلقی می‌گردد به آقای مهندس حسین میرافصلی در مسابقه رساله‌او در مورد تصعیه سرب و قلع در حلاله اعطاء گردید و این جایزه طی مراسمی باو داده شد. رساله آقای مهندس میرافصلی بهترین کار سال ۱۹۷۳ شناخته شده است.

۳ سفیر تازه معرفی شدند

عاطلی خلصری وزیر خارجه ۱۷ اردیبهشت به حضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب شد و سفرهای جدید ایران را در کشورهای اندونزی، برزیل و آرژانتین را به پیشگاه ملوکانه معرفی کرد. آقایان محمدعلی نیکوچیان، علی‌نوحی و عزیز اسکندری به سمت سفرای جدید ایران در استونری، برزیل و آرژانتین معرفی شدند.

وزیر بهداری ایران رئیس مجتمع جهانی بهداشت

پروفسور اوشیروان پویان وزیر بهداری که در رأس هیأتی برای شرکت در بیست و هفتمین مجمع عمومی سازمان بهداشت جهانی به‌عنوان رتبه بود ۱۷ اردیبهشت با اکثریت آراء از طرف نمایندگان کشورهای شرکت کننده در کنفرانس، به ریاست این مجمع انتخاب شد. مجمع بهداشت جهانی عالیترین مرجع بهداشتی دنیا است که همه ساله در ماه مه در ژنو با حضور وزیران و نمایندگان بالغ بر ۱۲۰ کشور تشکیل می‌شود. رسیدگی به وضع بهداشتی سراسر جهان، بودجه و برنامه‌های بهداشتی، آینده کشورها برنامه این دوره مجمع جهانی بهداشت می‌باشد. طی ۲۶ سال که از عمر

سازمان جهانی بهداشت می‌گذرد، این اولین باری است که رئیس هیأت نمایندگی ایران به ریاست مجمع بهداشت جهانی انتخاب می‌شود.

ایدی امین رئیس جمهوری اوگاندا در تهران

پرست ایدی امین رئیس جمهور کشور افریقای اوگاندا در راه بازگشت از بنیاد به کنوروش وارد تهران شد. در سفر پرزینت ایدی امین خانم مادینا هس رئیس جمهوری اوگاندا و دو دخترش ماریام و آریامهراه او بودند. ۱۸ اردیبهشت از حساب شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو سفیات شامی بانشار پرزینت ایدی امین رئیس جمهوری اوگاندا و هسرتان خانم مادینا در کاخ تیاوران ترتیب داده شده بود.

ایران و هند تحرک تازه‌یی در منطقه ایجاد می‌کنند

شاهنشاه آریامهر ۲۰ اردیبهشت از همه کشورهای منطقه اقیانوس هند دعوت فرمودند که برای حل مشکلات منطقه‌یی کوششهای همه جانبه و متحرکری به‌عمل آورند. مسئله کمر سیات کاخ تیاوران بانشار بانو گاندی سخن می‌گفتند تا برای خسودی اردینار بانو گاندی از ایران خاطر نشان ساختند و خسودی ما از سفرشما در این منکس است که نماینده سیبانه ما را برای هر چه نزدیکتر شدن روابط دو کشور شان می‌دهد باشد بگویم که این نزدیک روابط باید همیشه یک امر طبیعی حساب آید زیرا قرابت‌های بسیاری میان دو ملت ما وجود دارد. شاهنشاه اضافه فرمودند: رابطه تاریخی ما در روش فکری و فلسفی ما در زندگی امروز بیش از همیشه این احساسی است که هر دو ملت در آن مشترک‌اند و با توسعه مناسبات ما که تنها با صلح گسک می‌کنیم بلکه مناسبات حناقل کوشش خرابیم کرد، تحرک تازه‌ای در این منطقه از جهان بدهیم، هم نزدیک شویم و را که همه ما بان دوسبرو هستیم آسان‌تر حل کنیم. شاهنشاه یادآور شدند: این مشکلات ناچیز نیستند، حل

این مشکلات مستلزم کوشش های همه جانبه و مشترک است که باید بوسیله همه کشورهای منطقه بعمل آید تا هدف خود که زندگی در صلح و سعادت و دست‌های به زندگی بهتر و بی‌آلوده برسد زودتر برسد خود و همچنین علاوه بر هدفهای مادی هدف های بشر دوستانه نیز است برسیم زیرا نام پیرسنت های ممکن است در بریه مادی هست آورست بدستور کشته و فلسفه گریه درختان خود مفهومی نخواهد داشت و در این زمینه همیشه من و دو کشور ما می‌تواند سهم پررنگی داشته باشد.

شاهنشاه حاضر نشان ساجده: من نمی‌خواهم وارد بحث در زمینه مذاکرات بین‌المللی شوم، زیرا سابقان اعلام شده با برودی اعلام خواهد شد ولی می‌توانم بگویم من هرگز حس نداشت و نفعی را که در مذاکرات خود با شما داشتم یا هیچ‌یک از مؤولان سایر کشورهای مندمت مگر می‌کنم این روحیه مؤمن و همکاری ایجاد فوق‌العاده‌ای یافته‌است زیرا سنجیدم که حس نیت های مسئولان دو کشور که قاضیاً منبسط برای برودی بردکنند. امروز تصمیم گرفتیم به تبارش نتیجه را مای اعلام کند امیدوارم آنچه را که ما آغاز کرده‌ایم ادامه یابد و سرانجام هرچه بیشتر توسعه یابد.

در پاسخ به تکرار شما، بانو گسندی با تکرار از بیانات شاهنشاه گفت: «دو کشور ما سیرهای جداگانه را طی کرده‌اند، لکن حتی در زندگی معاصر هد نیز یادآوری‌های بیشتری از پیوندهای تاریخی ایران و هند وجود دارد. در زبان هندی واژه‌های فارسی بسیار بگوش می‌رسد و موسیقی هندی پر از نواهای ایرانی است و سبک ایرانی و تزئین ایرانی در بسیاری از مباحث هند چشم می‌خورد، گانگی سبب افزودن که در نتیجه رهبری نعل شاهنشاه، ایران به عصر سنی شین سریع و همه جانبه‌ای گام نهاده و سرمایه‌ها برای توسعه و ترقی جامعه ایران بخدمت گرفته شده‌اند. آنچه که بهین اندازه حائز اهمیت استحضت تازمی است که به‌تعمات بهداشتی و فرهنگی در ایران داده می‌شود. باورگاندی یادآور شد: «ما از تصمیم قلب از استکرات شاهنشاه برای کمک

به کشورهای در حال توسعه چه براساس روابط دو جانبه و چه براساس مناسبات چند جانبه استقبال می‌کنیم و امیدواریم که این اقدام اغلب حضرت بزودی نتایج مفید خود را بیار آورد. نخست‌وزیر هند حاضر نشان ساخت: «اهمیت مسائل مادی را نمی‌توان نادیده گرفت ولی این بدان مفهوم نیست که باید منابع طبیعت را غارت کرد، زیرا مواهب طبیعی با مالوف و نابودی جبران ناپذیرند.

شرفیابی رؤسای جمعیت‌های زنان بحضور و الاحضرت شاهدخت اشرف

۲۲ اردیبهشت رؤسای جمعیت‌های زنان به حضور و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی زیارت عالی سازمان و الاحضرت در این شرفیابی اهمیت آموزش زنان و توانایی‌ها را برانگیختند. در این دیدارها جمعیتی در جهت برنامه های عمرانی کشور را یاد آور شدند.

۴ سازمان از وزارت تعاون جدا شد
۲۰ اردیبهشت گفته شد که با تأسیس به وزارتخانه تازه اقتصادی، تشکیل سازمان‌های عه، چاپ، قند و شکر و دخانیات سیر از وزارت تعاون و امور روستاها جدا و به وزارتخانه‌های تازه سپرده شده است.

بدین ترتیب سازمان قند و شکر و دخانیات نیز از وزارت تعاون و امور روستاها جدا شد. شرکت ملی قند و شکر و دخانیات ایران و سازمان‌های عه و چاپ به وزارت باوگارداری سازمان قند و شکر به وزارت بازرگانی توزیع قند و شکر نیز که براساس لایحه‌ای که پان ماه پیش از مجلسین گذشت به وزارت تعاون و امور روستاها واگذار شده اینک به عهده وزارت بازرگانی گذارده می‌شود. می‌توان گفت که نخستین قدم در راه توزیع قند و شکر را این وزارتخانه برعهده خواهد داشت. در قانون نحوه توزیع قند و شکر

تولیدی کارخانه‌های کشور که در یک ماده و دو تبصره به تصویب رسیده آمده است که همه کارخانه‌های قند و تصفیه شکر موظفند قند و شکر تولیدی را به وزارت بازرگانی عرضه کنند. البته در این لایحه کارخانجات قند و شکر متعلق به سازمان تعاون و امور روستاها و نه وزارت بازرگانی است. شاهنشاهی از مقررات آمده در این قانون مستثنی هستند.

بازدید شاهنشاه از جنوب

شاهنشاه از یازدهم تا ۲۴ اردیبهشت از سفر جنوب و بازدید از استان‌های خوزستان، فارس و اصفهان به تهران بازگشتند. شاهنشاه پیش از عزیمت به تهران در اصفهان آموزشگاه حسرتی را مشاهده کرد. پهلوی را حیرت زدگی در مشاهده این آموزشگاه برانگیخت. ۳۰۰ میلیون ریال در زمینی به مساحت ۸۴ هزار متر مربع که از سوی دانشگاه اصفهان داده شده ساخته شده است. ظرفیت آموزشگاه برای ۱۰۰۰ نفر است. هر روز ۱۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان این آموزشگاه در این شهر کلاس دارند. شاهنشاه در این شهر با ۱۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان دیدار کرد. شاهنشاه در این شهر با ۱۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان دیدار کرد. شاهنشاه در این شهر با ۱۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان دیدار کرد.

مرکز بهداشت و تغذیه کودکان در جنوب غربی تهران

۲۳ اردیبهشت شهید از مرکز بهداشت و تغذیه کودکان در جنوب غربی تهران دیدن فرمودند. این مرکز در ۱۰۰۰ متر مربع مساحت بنا شده و آموزشگاه‌ها و مراکز بهداشتی و تغذیه‌ای در آنجا واقع شده است. شاهنشاه در این مرکز با ۱۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان دیدار کرد. شاهنشاه در این مرکز با ۱۰۰۰ نفر از دانش‌آموزان و معلمان دیدار کرد.

اجاره شد و با کمی تغییر، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. ناچندی قبل از هرکند برای یک وعده غذا ۲ ریال گرفته می‌شد ولی از اول سال جاری غذا رایگان شد. شهانو سخن‌پردازی از این مرکز در این شهر به سایر نقاط برجست تهران و در نقاط دیگر کشور نیز دایر کردند.

بدانشجویان سراسر کشور کار داده می‌شود

اردوی عساری و آبدانی دانشجویان، به منظور بهسازی کشور، بستند دو ماه در ناصان اسما تشکیل می‌دهند. ناصان اسما کلبه دانشگاهی که به‌خواهد طرف دومه تحلیل خود کار کند و در کارهای عساری و آبدانی مملکت شرکت‌جوید. پراشان امکان کار وجود دارد. بدینال این تصمیم دفتر امور دانشجویان وزارت علوم و آموزش عالی حساب - دانشجویان مردمی مایل‌بکنان خود را تهیه کند و - - - - - بهر ارسال دارند از طرف دولت پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته تا چنانچه کلبه دانشجویان مملکت نخواهند در اردوی عساری شرکت کنند محل کار خواهند داشت. دانشجویان که در اردوی عساری و آبدانی کشور شرکت می‌کنند، علاوه بر غذا، نسیه‌های نیز دریافت خواهند داشت. علاوه بر اردوی عساری و آبدانی کشور شرکت می‌کنند، علاوه بر غذا، نسیه‌های نیز دریافت خواهند داشت. علاوه بر اردوی عساری و آبدانی کشور شرکت می‌کنند، علاوه بر غذا، نسیه‌های نیز دریافت خواهند داشت.

یک سازمان ویژه بر کار ادارات نظارت خواهد کرد

یک سازمان ویژه تحت نظر استاندار خراسان احرای اصل دوازدهم انقلاب شاه و مردم را در سطح استان تحت نظر و مراقبت دقیق قرار می‌دهد. بازرسان دفتر ویژه فعالیت کلمه ادارات را در مقام نماینده با کارهای مردم تحت نظر می‌گیرند و هرگونه تخلف، که از جانب مؤولان سازمان

های دولتی توسط این بازرسان کواهی شود، سب برکناری کارمند خواهد شد.

جشن شاهنشاهی

ایرانی در نیویورک به منظور جمع‌آوری اعانه به نفع بنیاد علمی سارز، با سلطان والساحار اواسط اردیبهشت مهمانی و شش‌شنبه باشکوه تحت ریاست عالی و افتخاری علی‌احضرت شهانو فرج پهلوی در سالن بزرگ هتل مروف و اندروین نیویورک جمع‌آوری اعانه بنیاد علمی والد مار که مدت ۹ سال است بوجود آمده شش‌شنبه اسما خود را زیر عنوان «جشن ایرانی شاهنشاهی» بنام «سلام به ایران» نامید، در این مراسم بیش از هزار تن شرکت داشتند. نخست‌وزیر کلبه شخصیت‌های برجسته این مجلس را معرفی کرد و آنگاه طی نظمی از مراتب انسان دوستی علی‌احضرت شهانوی ایران سپاسگزاری و تحلیل کرد.

در این هنگام سروا شاهنشاهی و سپس سروا ملی امریکا و نواخته شد سس آقای دکتر برمان مولوموت مدیر علمی کلبه‌ها که ایرانی‌الام می‌باشد سخن شریف ایرایش و اهمیت امر سارز با عرض از اقدام نیکوکارانه و مفاد عالی انسانی علی‌احضرت شهانو شکر کرد و لوحه قدرشناسی سارز و والد. از ایران را تقصیر شاهنشاه آریامهر نسیه نمود. در این هنگام بهر ایران چک بیست هزار دلاری علی‌احضرت شهانوی ایران را به‌اسنام یک قطعه فالسجرت، کلبه جمع‌آوری اعانه بنیاد علمی و اعلام نمودند که علی‌احضرت شهانو شخصاً بیامی فرستاده‌اند.

سخن پیام علی‌احضرت که بطور بسیار جالبی تعریف نمود. «دوستان، کمی به‌توسط شکر از بی‌سی در سراسر امریکا بحسب حد پس آریام علی‌احضرت به‌توسط ارقم گننده و به‌توسط مؤسسه شخصی‌های محبت فراتشند و در پایان اعلام کردند که مبلغ نسیه و بنده هزار دلار جمع‌آوری شده است.

وزیر اطلاعات پاکستان به تهران آمد

مولانا کونر نیازی وزیر اطلاعات پاکستان به تهران آمد.

ارديبهشت سدهوت وزير اطلاعات و جهانگري به ايران آمد. وزير اطلاعات و جهانگري واوقات پاكستان دوزمه پيوستهای فرهنگي دو کشور و گسترش برنامه های تفاهم بیشتر این دولت گمت. بزودی زبان وادبیات فارسی در برنامه های دومی مراکز آموزشی پاكستان گنجانیده خواهند شد و كوشش میشود تا دانش آموزان پاكستاني بزبان علمی و شيرینی فارسی آشنایی كامل پابینو برای تدريس این رشته تعدادی از استادان ایرانی به این کشور دعوت خواهند شد.

هفته بزرگداشت

اقبال در تهران

با پیام شاهنشاه ۲۸- اردیبهشت هفته بزرگداشت اقبال لاهوری شاعر پارسی- گوی پاكستان در تالار اجتماعات وزارت فرهنگ و هنر گشایش یافت پس از قرائت پیام شاهنشاه آریامهر حامد نوازخان سفیر پاكستان در دربار شاهنشاهی پیام آقای ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر پاكستان را قرائت کرد. بوتو در پیام خویش نوشته بود که اساس مله مو اندیشه علامه اقبال لاهوری مبتنی بر عدالت اجتماعی و مساوات و برتر دوستی است.

اقبال هفته نابران محبت و ارادت داشت و از دیدگاه علمی و منطقی اجتماع ایران را ملاطفت می کرد و تمام آرزو- های او بایران وابستگی داشت. اقبال یقین داشت که یک روز زندگی مسلمانان متروک اتحاد و همبستگی بیشتری پیدا خواهد کرد و این زمینه ایران را همیشه پرچمدار اتحاد و همبستگی مسلمانان جهان می شمرد. پس از پایان قرائت پیام آقای بوتو بوسیله سفیر پاكستان در دربار شاهنشاهی مولانا کوثر نیازی وزیر اطلاعات واوقات وحج پاكستان که در این مراسم حضور داشت طی سخنانی که بزبان فارسی ایراد کرد گفت ایران و پاكستان با علاقی ناگسستی و پیوند های تاریخی بیکدیگر وابسته اند و برقراری جشن بزرگداشت اقبال لاهوری شاعر پاكستاني از جانب ایران خود گویا همبستگی های عینی دو کشور است ارسوی دیگر برقراری این جشن نشان می دهد که علامه اقبال هانسنگر که منتقد به پاكستان است به ایران و تمام پارسی دانان جهان نیز تعلق دارد.

دیدار هویدا از

تأسیسات «هما»

۲۹ اردیبهشت هویدا محنت وزیر بانق مجید مجیدی وزیر متشور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه از تأسیسات شرکت ملی هواپیمایی ایران در مهرآباد بازدید کرد.

محنت وزیر ابتدا از تعمیرگاه بزرگ هواپیمای جت دیدن کرد و سپس به ریب فلهای جبه عدای سافران و اسبابهای وسایل بدکن هما و قسمتهای اداری و پاشنگاه و ورزشی و سلسه سرویس کارمندان فسی و قسمت تصایزشکی هواپیمایی متی ایران مورد بازدید قرار گرفت و در هر قسمت نیسار خادمی مدیر عامل «هما» توضیحاتی داد.

آشنیته تعمیراتی «هما» در مهرآباد یکی از بزرگترین و مجهزترین آشنیته های تعمیراتی جهان بشمار می رود و در حاور میانه می نظیر است.

لایحه تشکیل

وزارت رفاه تقدیم

مجلس شد

سی و یکم اردیبهشت لایحه تشکیل وزارت رفاه اجتماعی از طرف دولت تقدیم پارلمان شد. بموجب این لایحه ۹ ماده ای سازمان بیسه های اجتماعی و واحدهای وابسته به آن، بانک رفاه کارگران، سازمان حمایت کارمندان، انجمن توان جمعی ازوزارت کار و امور اجتماعی، سازمان بیسه های اجتماعی روستاییان از وزارت تعاون و امور روستاها، سازمان تأمین خدمات درمانی، امور مربوط به درمان و توان بخشی معانین و واحد های مربوطه و امور مربوط به بیماران روانی ازوزارت بهداری ووزارت رفاه می پیوندند. هما بوسیله کارکنان ارگان و شورا های قانونی این سازمان ها نیز از وزارت رفاه های قلی مترعو ووزارت رفاه اجتماعی منتقل می شود.

سه هزار ایرانی

برای دریانوردی

تربیت می شوند

پنجمین گروه دانشجویان ایرانی برای فراگیری فنون دریانوردی کشتیهای تجاری سوم خرداد ارسوی کنسیرای ملی آریا بخارج اعزام شدند.

در این گروه ۲۶ نفر شرکت دارند که بیست نفر آنان به رشته مهندسی کسب و شش نفر در رشته امر محاربات در کالج دریایی «کلاسکو» (انگلستان) آموزش خواهند دید. مدت آموزش مهندسی کشتی پانکسال محنت دریایی (کارآموزی) جمعا پینکسال است و افسران محاربات نیز دو سال و نیم، باید آموزش بپذیرند. تعداد دانشجویانیکه تاکنون از طرف کشتیرانی ملی آریا به خارج اعزام شده اند، یکصد نفر است.

کشتیرانی ملی آریا برای تبدیل کادر خود، واستفاده از محصنین ایرانی، برنامه وسیعی با ابعاد دو هزار و مپلیون ریال تهیه میسه است و از این طریق پس از دو سال، قریب سه هزار نفر ایرانی متخصص برای اداره ناوگان کشتیرانی ملی آریا آماده خواهد شد.

هویدا در

یوگلاوی

دوم خرداد دو ساعت پس از ورود هویدا دستگرا به همراه جمال بدیع محنت وزیر یوگلاوی که از هویدا در فرودگاه استقبال کرده اند، نگاه تابلوهی معاشی علی حضرت شهبانو را افتتاح کردند. در این نمایشگاه ۱۰۹ تابلو از مجموعه احتیامی شهبانو برگزیده شده بود که بیشتر متعلق به چند تن از نشانان دوره قاجاریه بود چند دقیقه پس از این مراسم نیز برنامه شانلات فرهنگی ایران و یوگلاوی بر سر ای سال های ۷۴ - ۱۹۷۵ امضاء شد.

تشکیل کالج

سلطنتی تحقیقات

پزشکی و علمی

خراسان

۴ خرداد هنگام بازدید شاهنشاه از طرح ها و ماکتف های مربوط به عمران خراسان و ساختن شهر سمنی مشهد و همچنین مجمع ساختمان های مورد نیاز دانشگاه فردوسی در باغ مفاذ آباد رئیس دانشگاه فردوسی به اتفاق ۱۲۰ تن از استادان و دانشیازان آن دانشگاه به بیسکه شاهنشاه شرفیاب شدند و لیس بیات بولیت عظمی و استاندار خراسان طرح تشکیل کالج سلطنتی تحقیقات پزشکی و علمی خراسان را به عرض شاهنشاه رسانند و تشکیل این کالج

نخستین «به روزان»

آماده کار شدند

والاحصر شاهنشاه شرف بهلوی ریاست عالی سازمان شاهنشاهی حنمان اجتماعی ۱۵ خرداد به اسفهان و شیراز سفر کرد. والاحصر در اسفهان مدت یک ساعت قسمتهای مختلف آموزشگاه جرحهیی رضا بهلوی را مورد بازدید قرار دادند.

والاحصر ۱۵ خرداد بمشور اهدای گواهی نامه های فارغ التحصیلی ۳۱ تن از فارغ التحصیلان دوره آموزشی بهوزنی عزم شیراز شدند. در مراسمی که در باغ ارم شیراز برپا شد، والاحصر گواهینامه های فارغ التحصیلان اولین دوره تربیت بهوزنان را به این اعضا تقدیم کرد. در این مراسم ابتدا یکی از مسؤولان اجرایی این طرح گزارشی در مورد دوره ۱۸ ماهه آموزش بهوزنان داد. وی گفت این دوره در اجزای اوامس والاحصر در مورد تعمیم بهدشت ودرمان مفاط دور اقتصاد بهسورت یک طرح آموزشی جهت آموزش جوانان غنایر تشکیل شده است و برای محنتین بار در فارس اجرا شده و از هر ایل چند دختر و پسر ایلی بسرای گذراندن این دوره در نظر گرفته شدند. آنان طی دوره آموزشی خود مسائل بهدشت فرسی و عمومی، بهدشت محیط بهدشت مادران و کودکان، بهدشت دهان و دندان کشکهای اولیه، تزیینات، و پانسمان، طب پیشگیری و بیماری های حسی و واکنشیون، دندان پزشکی اولیه و بیماری های شایع منطقه، علوم اجناسی وطریقه جمع آوری آمارهای حیاتی و تنظیم برنامها را فرا گرفتند.

مورد تصویب شاهنشاه قرار گرفت و اقدامات اجرایی آن بلافاصله آغاز خواهد شد. براساس این طرح یک مرکز پزشکی و علمی در خراسان پایه گذاری می شود که چنانکه شاهنشاه در هنگام مسیری بیات بولیت عظمی واستادان تازه خراسان برگزیده بودند نیازهای آن استان و مناطق همجوار آن را برآورده خواهد ساخت. این شرفیابی رئیس دانشگاه مشهد پیرامون طرح توسعه نهایی دانشگاه گزارش حنمانی به عرض رسانید و شاهنشاه برای پیشرفت امور دانشگاهها اوامری صادر فرمودند. طرح توسعه نهایی دانشگاه فردوسی در رمسی به مساحت ۳۵۵ میلیون متر مربع پیاده خواهد شد که علاوه بر دانشکده های مختلف شامل خوابگاه هزار نفر و مجمع ورزشی شامل استادان ۱۰ هزار نفر قابل توسعه تا ۲۰ هزار نفر و سالس سرپوشیده ورزشی ناگهایش ۳ هزار و ۵۰۰ نفر در یک باشگاه ورزشی باسانی است.

۷ استاندار و ۱

فرماندار کل تازه

شاهنشاه آریامهر ۱۰ خرداد هنگام معرفی استانداران تازه پیرامون ایجاد خانمهای سازمانی برای کارگران و دیگر طبقات و همچنین توسعهی تورسم داخلی اوامری صادر کردند. در این شرفیابی که در کاج بیابوران صورت گرفت جنشید آموزگار وزیر کشور و سرپرست سازمان امور اداری و استخدامی ۷ استاندار، یک فرماندار کل و همچنین دبیر کل سازمان استخدامی را به حضور شاهنشاه معرفی کرد. محنت کاشفی به ست دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور، امیر حسین امیر پرویز استاندار همدان، اکبر رانا استاندار اسفهان، محنت بوانا استاندار گیلان، ابراهیم فرح بخشیان استاندار لرستان، محنت علی سمعی استاندار کرمانشاهان، سعید موتسی استاندار یزد، احمد جلالی استاندار بوشهر واحد جوهرزاده فرماندار کل کهگیلویه و بویر احمد.

لطفاً در صورت تغییر محل، نشانی جدید را ذکر نمائید. به دفتر علاقی اطلاع دهید.

دیدار ملکه اردن از مؤسسات رفاهی

علیاحسرت منسکه عالیا
حسرت علیاحسرت منسکه حسین
پادشاه کشور اردن هاشمی که
۲۰، ۳۳، ۳۴ بدعوت علیاحسرت
شهبانو برای بازدید از
مؤسسات رفاهی ایران به
تهران آمده از مرکز نوان
بخش شغابچیان و شیر-
خوارگاه جمعیت خیریه روح
پهلوی دیدن کردند و سپس از
مرکز رفاه خانواده ناری آباد
وابسته به سازمان ملی رفاه
خانواده و کتابخانه کانون
پرورش فکری کودکان و
نوجوانان محاور این مرکز
بازدید نمودند.

معرفی استانداران

جدید

شاهنشاه آریامهر آقای
حسیند آموزگار وزیر کشور
و سرپرست سازمان امور
اداری و استخدامی کشور را
در کاخ نیاوران به حضور
پذیرفتند. در این شرفیابی
آموزگار آقایان: سرتیغ
مجنای را بست استاندار
خراسان، امیر افراسیاب را
بست استاندار ایلام و پیشکوه
و دکتر عبدالرحمان امیر
ابراهیمی راست فرماندار
کل مسان به پیشگاه هایونی
معرفی کرد.

شاهنشاه در شرفیابی
استانداران و فرماندار کل
سمنان، اوامری در جهت
ایجاد خانه های سازمانی برای
کارگران و کارکنان کارخانه
های دولتی و بخش خصوصی
صادر فرمودند.

شاهنشاه آریامهر در مورد
استفاده بیشتر از آب های
کشور دستوراتی دادند و
تأکید فرمودند که زمین
های فعالیت صنایع مختلف،
مورد بررسی قرار گیرد.

عباس مسعودی درگذشت



سنانور عباس مسعودی
بنیانگذار مؤسسه اطلاعات پر
اثر سکنه قلبی در ۷۳ سالگی
درگذشت. مسعودی در همان
مؤسسه که ۴۹ سال قبل به
وجود آورده بود و در این
سال های آخر با مدرن ترین
وسایل چاپ مجهز کرده
بود مرد.

مسعودی در ۱۲۸۰ شمس
در تهران متولد شد و در
۱۲ سالگی وارد مطبوعات
گردید وی در آن سال ها در
خیابان علاءالدوله (فردوسی
امروز) مرکزی بنام توزیع
خبر برای مطبوعات دایر کرد
و چندی از همین مرکز،
روزنامه های آن زمان را تألیف
می کرد.

در سال ۱۳۰۴ امتیاز
«اطلاعات» را گرفت و اولین
روزنامه عصر را منتشر کرد.
اطلاعات سال اول در دو
صفحه منتشر می شد و بعدها
به چهار، هشت و ۱۲ صفحه و
گاه به ۸۴ صفحه رسید.

مسعودی در ۱۳۱۴ برای
اولین بار وارد پارلمان شد،
شش دور متوالی از حوزه
انتخابیه تهران، به مجلس راه
یافت و پس از ۱۴ سال که
از اولین سال فعالیت
پارلمانی اش می گذشت به سنا
راه یافت.

مسعودی پسر مطبوعات
نوبین ایران و از چهره های
سیاسی چهل سال گذشته بود.
درگذشت او را به حسرت
و فرزندان و همه کارکنان
مؤسسه اطلاعات و جامعه ایران
تلیت می گوئیم.

موفقیت يك همکار

آقای عبدالرحمان امیر
ابراهیمی که مدتهاست با
مجله تلاش همکاری دارد،
بتازگی بست فرماندار کل
سمنان منصوب شد. آقای
امیر ابراهیمی قبلاً مدیریت
برنامه ریزی استان مرکزی
را داشت. وی دکترای
اقتصاد دارد و متخصص در
رشته جغرافی و عمران
منطقه ای می باشد.



دکتر عبدالرحمان امیر ابراهیمی

مرگ يك همکار

همکار و دوست ما دکتر
حسن بابک (مظلوم) از میان
ما رفت. او مردی خودساخته
و صمیم و پژوهشگر بود،
وی هنگام مرگ فرماندار
ملایر بود، در سانسه اتومبیل
باتفاق پسرش آرمان بابک
جان خود را از دست دادند.



دکتر حسن بابک (مظلوم)

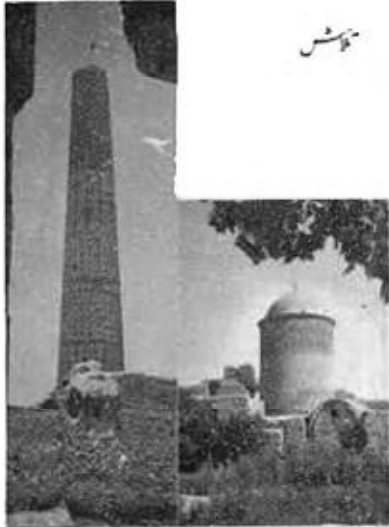




صفحات

ضمیمہ





روی جلد:

برج و مسجد تاریخانه در دامغان

پشت جلد : دانشگاه اصفهان

داخل روی جلد:

گوشه‌هایی از باغ انجمن تحصیل
کرده‌های ایرانی خارج از کشور

داخل پشت جلد :

قایقرانی در سد کرج

اسلایدهای رنگی

از : غلامحسین ملاشعراقی

تنظیم صفحات

با همکاری تعیینان

چاپ سکه

مطالب این شماره

صفحه	عنوان :
۳	ایران شاهنشاهی آریامهر ...
۴	انجمن تحصیل کرده‌های ایرانی ... مصاحبه
۷	تحولات نظریه اثر هندیس حسین آوارگان
۱۷	شهر پسته شهره مهدوی
۳۴	پیدایش عمومی عبدالله فرخی
۳۰	نورجهان ابوالقاسم حالت
۳۴	دانشگاه اصفهان محمود خلیل‌پور
۴۳	تأمین کارمندان دولت محمدحسن وطنی
۴۷	کار عبدالله فرخی
۵۳	نخست‌جمشید جمشید مهریویا
۵۶	تیتولیم -
۷۰	چیزی بالاتر از امید دکتر عبدالرضا امیر ابراهیمی
۷۳	شتر دکتر محمد ستاری
۷۶	ارتباطات در ایران مصاحبه
۸۱	رویدادها

بهای تلاش : ۲۵ ریال

تلاش

شماره چهل و هشتم

نویسندگان و گویندگان مسؤول نوشته‌ها و گفته‌های خود هستند.
نقل مطالب تلاش بدون برآورد مجاز نیست.

محل اداره : خیابان شاه - کوچه رحیم - شماره ۲۷ - بها ۲۵ ریال .